

کارزار سوزی در اشرف

کفتو با مجاهدان شهر اشرف



مسعود رجوی - آذر ۱۳۸۸

کارزار سیروزی در اشرف

گفتگو با مجاهدان شهر اشرف

مسعود رجوی - آذر ۱۳۸۸

کارزار پیروزی در اشرف
مسعود رجوی - آذر ۱۳۸۸

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	فصل اول – کارزار پیروزمند
۱۳	زیارت عاشورا
۱۶	خویشترنداری در مقابل سه اقدام کثیف
۱۶	پیروزی کارزار بهار
۱۸	خواهشهای پنبه‌دانه‌یی
۲۰	کارزار جهانی دفاع از اشرف
۲۵	قطعنامه نمایندگان کنگره آمریکا
۲۶	اشرف، متحد استراتژیک مردم عراق
۲۷	دفاع از حقوق قانونی اشرف
۴۱	شکست خفت‌بار توطئه رژیم
۴۲	گزارشی از پیروزی ۱۵ دسامبر
۴۳	اعتراض لرد کوربت
۴۶	سوابق نوری مالکی
۵۳	استقلال شگفت‌انگیز مجاهدین
۵۵	عقب‌ماندگی و کودنی سیاسی!
۵۶	طرح اتهامها و دروغهای سخیف، فراخوان به شرکت در دادگاه بین‌المللی
۷۴	باز هم تأکید بر حقوق قانونی
۷۵	پایان پیروزمند کارزار بهار ۶

۷۶	نیروی تروریستی قدس رژیم یا القاعده!؟
۸۰	افشاگری قابل توجه
۸۳	انگشت رژیم در پشت انفجارهای بزرگ بغداد
۸۶	رژیم دیکته میکند
۸۶	خلع ید از رژیم، شعار همگانی مردم عراق
۸۸	اشرف، کانون استراتژیکی نبرد
۸۹	نامه کمیته در جستجوی عدالت به مالکی
۹۵	رادیکالیزه شدن قیام پس از ۱۶ آذر
۹۸	مسأله اصلی، رهبری قیام
۱۰۰	نقش پیشتاز
۱۰۱	اعتراف به پیروزی آشکار، از موضع درماندگی و استیصال

فصل دوم - انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوه

۱۰۵	انعکاس نقش رژیم
۱۱۰	انعکاس رژیم در رسانه‌ها
۱۰۷	از بطن جمهوری اسلامی متولد شد
۱۱۴	اعتراف سردمداران ریز و درشت رژیم به مزدوری ۹ بدر
۱۱۴	رابطه مستمر جریان مالکی با نیروی تروریستی قدس و نعل وارونه زدن
۱۱۷	حضور مجاهدین در عراق به عنوان یک مقاومت مشروع
۱۲۲	دعوت به دادگاه بین المللی و ارائه اسناد
۱۳۰	گرفتن سلاح از نیروی تروریستی قدس
۱۳۱	چند یادآوری و گزارش سی ان ان
۱۳۴	انقلاب اسلامی عراق و ۹ بدر
۱۳۵	تاسیس به دستور خمینی
۱۳۸	دوسند دیگر
۱۴۲	چند نمونه ردیلا نه از نعل وارونه و فرار به جلو و قیحانه رژیم
۱۴۵	اسناد استقلال مجاهدین
۱۴۶	نامه رسمی مدیرکل اداره بازرسی ملی عراق
۱۵۶	اسناد سلاحهای غنیمتی ارتش آزادبیشخ
۱۶۲	اعتراف خمینی
۱۶۶	گزارش وزارت خارجه آمریکا
۱۶۸	

۱۷۰	بزرگترین لشکر سوار زرهی جهان
۱۷۰	بیانیه رسمی سنتکام
۱۷۲	اسناد خرید خودروها
۱۷۹	اسناد پرداخت هزینه آب و برق اشرف
۲۱۶	یکسال محاصره ضدانسانی و جنایتکارانه دروغپردازی در باره کشتن شیعیان و کردهای عراقی
۲۱۹	نامه هوشیار زیباری
۲۲۱	نامه جلال طالبانی
۲۲۷	فصل سوم - اذعان و پافشاری بر حقوق قانونی
۲۳۰	تعهد آمریکا به حفاظت از اشرف تا فرجام نهایی
۲۳۲	اعلامیه فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق
۲۳۴	حفاظت از اشرف توسط سازمان ملل
۲۳۹	فصل چهارم - شکست رژیم در کارزارهای سیاسی و حقوقی
	گزارشی از شکست مفتضحانه حربه کثیف به کارگیری خانواده
۲۴۱	برای فشار به فرزندان
۲۴۴	نتیجه مزدوری و تیز کردن تیغ جلا
۲۴۴	یک سند طلایی!
۲۴۹	فصل پنجم - جایگاه ایدئولوژی و انقلاب مریم
۲۵۱	اهمیت انقلاب ایدئولوژیک درونی
۲۵۵	رمز پایداری
۲۵۷	معیار سنجش مجاهدین
۲۵۹	گوشه‌یی از جنایت مافوق تصور رژیم در ۵مهر ۱۳۶۰
۲۶۳	فصل ششم - ضمایم
	موافقتنامه روش جاری برای دفاع از خود در اشرف-نوامبر ۲۰۰۶
	دعوت و نتیجه بازرسی سه روزه از اشرف با یکان سگ های پلیسی-آوریل ۲۰۰۹
	اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی - نشریه مجاهد شماره ۹۱۵

پیشگفتار

کمیته سرکوب اشرف در نخست وزیری عراق اعلام کرده بود در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ (۲۴ آذرماه ۱۳۸۸) به جابجا کردن مجاهدان بی سلاح اشرف مبادرت می کند و آنها را به زندانی در یک منطقه صحرائی نزدیک به مرز عربستان سعودی در جنوب غربی عراق منتقل خواهد کرد. این توطئه مشترک خامنه ای و مالکی برای سرکوب و انهدام مجاهدین در پی آزادی ۳۶ گروهان مجاهد خلق از چنگال دژخیمان مالکی و نیروی تروریستی قدس بود.

آزادی گروهانها و «بازگشت فاتحان» به اشرف، بعد از ۷۲ روز اعتصاب تر و خشک و پس از یک کارزار گسترده ملی و بین المللی در ۱۵ مهر ۱۳۸۸ محقق شد. ۱۲ روز بعد در روز ۲۷ مهر، علی الیاسری نماینده مالکی (رئیس رسمی کمیته سرکوب) به اشرف آمد و در حضور نماینده سازمان ملل و یک ژنرال آمریکایی، اولتیماتوم پر تهدید جابه جایی اجباری در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ به سماوه (در ۹۰۰ کیلومتری اشرف) را ابلاغ کرد. وی مدعی بود که اشرف وسعتی بیش از کشور

بحرین دارد (!) و بایستی برای استفاده عراقیان تخلیه شود... در روز ۱۵ آذر ۱۳۸۸ (۹ روز قبل از موعد ۱۵ دسامبر)، رهبر مقاومت «کارزار بهار-شماره ۶» برای در هم شکستن توطئه خامنه ای - مالکی و دفاع جهانی از اشرف را اعلام کرد. در ۱۶ آذر مالکی نخست وزیر عراق در سایت خود و روزنامه نیمه رسمی الصباح «راجع به اخراج افراد سازمان مجاهدین از عراق یا انتقالشان به صحرای سماوه» گفت: «تصمیم به اخراج آنها از عراق است و اجازه نخواهیم داد آنها در عراق باقی بمانند و اقدامات ضروری را در زمان اتمام مهلت اتخاذ خواهیم نمود. انتقال به نقره سلمان گامی در راه اخراج آنهاست زیرا حضورشان در استان دیالی (در اشرف) خطرات زیادی دارد...».

در روزهای بعد رژیم آخوندی و اطلاعات و رسانه‌ها و سایتها و مزدوران آن سراز پا نمی شناختند و در صدها خبر و تفسیر از انتقال سریع السیر مجاهدان اشرف به «نقره سلمان» سخن گفتند که «دمای شنهای داغ آن در زیر تشعشع مستقیم آفتاب تا ۷۰ درجه سانتیگراد می‌رسد». جایی که حتی گیاهان «در زیر شنهای متحرک مدفون شده و بسیاری دیگر با اینکه ریشه‌های خیلی عمیقی دارند از جا کنده شده و همراه با گرد و غبار فراوان به دهها کیلومتر دور تر منتقل می‌شوند».

در ۱۸ آذر رژیم آخوندی و اطلاعات بدنام آن در واکنش به برانگیختگی افکار عمومی علیه جابه‌جایی خونین و اجباری، شماری از مزدوران خود را برای تبلیغ و لجن‌پراکنی علیه مجاهدین، به محل پارلمان اروپا برد.

در ۱۹ آذر دباغ، سخنگوی مالکی تحت فشارهای روز افزون بین‌المللی برای مقابله با توفان مخالفت افکار عمومی، یک گام عقب نشست و اعلام کرد در گام اول در روز ۱۵ دسامبر ساکنان

اشرف به جای سماوه به ساختمانهایی در بغداد منتقل می‌شوند. منظور او، انتقال به خانه‌های امن دژخیمان مالکی بود ... در ۲۰ آذر شخصیتها و نیروهای ملی عراق، رسانه‌های بین‌المللی و هم‌چنین سخنگوی وزارت خارجه آمریکا علیه جابه‌جایی اجباری موضعگیری کردند.

در ۲۳ آذر سخنگوی مالکی، با جنجال در این باره که شهر و جزیره مستقلی «به نام اشرف» وجود ندارد، از جابه‌جایی خونین با اعمال قهر و خشونت عقب نشست.

در ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) نیروهای تحت امر مالکی وارد اشرف شده و با بلندگو ساکنان را به ترک اشرف و برخورداری از امتیازات انتقال به کشورهای اروپایی و پذیرایی توسط دولت مالکی در مکانهای دیگر (غیر از اشرف) دعوت کردند. اما کسی حاضر به پذیرش این ننگ نشد و خبرنگاران گزارش کردند اتوبوسهای مالکی به‌طور کامل خالی برگشتند و حتی یک تن از ساکنان اشرف حاضر به این کار نشد...

آنچه می‌خوانید، گفتگوی مسعود رجوی با مجاهدان اشرف در پایان کارزار پیروزمند بهار ۶ است که توسط ناشر نوشتاری و ویراستاری شده است.

فصل اول

کارزار پیروزمند



سلام و تهنیت!

شما یکبار دیگر پیروز شدید!

اشرف و مریم یکبار دیگر پیروز شدند و پوزه رژیم را به خاک مالیدند!
به مناسبت اول ماه محرم، نخستین روز سال هجری قمری، در ارض امام حسین و در سرزمین امام حسین، که از روز اول در همین جا به او اعلام پناهندگی کردیم، و نه به احدی دیگر و هرگز هم نخواهیم کرد،
به مناسبت پیروزی در ۲۴ آذر (مصادف با ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹) پیروزی کارزار بهار شماره ۶،
بار دیگر می گویم:
السلام علیکم یا انصار ابی عبدالله الحسین، الشهید، المظلوم، السلام علیک یا ثارالله وابن ثاره.

زیارت عاشورا

صحبت را با سلام و درود و سر ساییدن بر آستان خون خدا، سیدالشهدا، پیامبر جاودان آزادی باید آغاز کرد.

السلام علیک و علی الارواح التي حلت بفنائک. سلام به تو و همه روانهای پاک و پاکیزه‌یی که در آستان تو فرود آمدند؛ از روز عاشورا، از اشرف و موسی و جاودانه

فروغها، تا ۶ و ۷ مرداد در خاک خودت.
فلعن الله امهً اسست اساس الظلم و الجور علیکم. لعنت خدا بر آنانی که پایه و اساس
ظلم و ستم را علیه تو و مجاهدانت بنا گذاشتند. لعنت بر خمینی و مزدورانش و
همدستانش و پشتیبانانش.
و لعن الله امهً قتلتکم. لعنت خدا بر آنهایی که بر روی تو و مجاهدانت تیغ و شمشیر
کشیدند و شلیک کردند.
و لعن الله الممهدين لهم فی التمکین من قتالکم. و آنهایی که اسباب کار را آماده کردند،
تبلیغ کردند و زمینه ساختند، راه را هموار کردند، جاده را صاف کردند، کم یا زیاد. و
چه سعادت بالتر از این که امروز مجاهدان تو سرفراز، پناه می‌برند و بیزاری می‌جویند
به‌جانب خدا.
برئت الی الله و الیکم، و به‌جانب تو و جبهه تو و اردوگاه تو، از مرتجعان حق‌ستیز و
مزدورانشان در همین عراق.
منهم و من اشیاعهم و اتباعهم و اولیائهم. و از پشتیبانان و تحت‌امراهیشان.
یا ابا عبدالله انی سلم لمن سالمکم،
این صدای مجاهدین است؛ ای حسین در صلح و صفایم با هر کسی که با تو در صلح
و صفا باشد.
و حرب لمن حاربکم، و در جنگ و ستیز ابدی و دائمی‌ام با مرتجعان حق‌ستیز حاکم
بر ایران برای سرنگونی آنها.
الی یوم القیامه، تا روز رستاخیز.
و لعن الله آل زیاد و آل مروان و آل خمینی! و لعن الله بنی‌امیه و بنی‌خمینی قاطباً و
لعن الله ابن‌مرجانه و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمراً. و لعن الله امهً اسرجت و الجمث
و تنقبت لقتالک. لعنت خدا بر آنهایی که اسب زین کردند، زرهپوش از روی مجاهدان
تو عبور دادند، به‌جانب آنها شلیک کردند. آنها را در دخمه بردند، گروگان گرفتند،
آسیب رساندند و شکنجه کردند.
لعنت دائمی بر شما باد و این پایداری و این مقاومت را ما الگو و نمونه‌ی برای تاریخ
قرار خواهیم داد.

بابی انت و امی، پدر و مادرم فدای تو باد.

آی مردم ایران، هل من ناصر ینصرنی! یاری کننده‌بی هست به‌جانب آزادی و به‌جانب حاکمیت مردم ایران برای رهایی از ستم رژیم پلید آخوندی، مظهر شرک و کفر و ارتجاع، جرثومه جاهلیت و بربریت. و خطاب به مولایمان در روز اول محرم؛

ولئی لمن والاکم و عدولمن عاداکم. در خضوع و دوستی و فروتنی‌ام با هر کس که با تو و در جبهه توست، و در ستیز و دشمنی‌ام با هر آن کس که با تو و ارزشهای تو، که ارزشهای پیامبر جاودان آزادی است، ستیزه می‌کند.

اللهم ان هذا یومٌ تبرکت به بنو امیه، در زیارت عاشورا است روزی که در آن میمون‌وار و با سخافت قتلۀ سیدالشهدا شادی کردند.

و ابن آکلۀ الاکباد اللعین، و بنوخمینی اللعین ابن اللعین، علی لسانک و لسان نبیک. لعنت بر آنها از جانب خدا، و رسول خدا و ائمه هدی.

اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و المجاهدين. خدایا آن گروه و دستجاتی را که هم‌چون شمر و یزید و خمینی و تابعان و مزدوران آنها در هر کجا و در هر سرزمینی بر روی حسین و رهروانش و شیعیانش و مجاهدانش تیغ و تبر کشیدند، به‌لعنت ابدی و نفرین دائمی گرفتار کن.

و شایعت و بایعت و تابعت علی قتله و قتلهم.

آنهایی که همراهی کردند، گام برداشتند، شلیک کردند، داس و تبر زدند، بر قتل او و مجاهدینش.

السلام علی‌الحسین و علی علی ابن‌الحسین، و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین و علی مجاهدی الحسین.

بله‌بله! این جنایتها، این فضاحتها، و این کارهای کثیف و رذیلانه چیزهایی نیستند که در تاریخ ایران و در تاریخ عراق فراموش بشوند، نخواهیم گذاشت، هرگز نخواهیم گذاشت.

خویشتننداری در مقابل سه اقدام کثیف

رژیم و مزدورانش بعد از این که در ۱۵ مهر، در موضوع ۳۶ گروگان پوزه‌شان به خاک مالیده شد، درست ۱۲ روز بعد، از ۲۷ مهر برای جابه‌جا کردن اجباری مجاهدان اشرف خیز برداشتند، ۵۷ روز طول کشید تا این که در ۲۴ آذر (برابر با ۱۵ دسامبر) دیدیم آنچه را که دیدیم؛ یک جنبش عظیم بین‌المللی که مجاهدین خلق و خلق ایران و مردم برادر عراق و عشایر و شیوخ و آلترناتیو ملی عراق را و نمایندگان کنگره آمریکا و پارلمان بریتانیا تا ۲۱۷۲ شهردار فرانسوی را دربرمی‌گرفت. وجدان بشریت این چنین برانگیخته شد.

از همه شما تشکر می‌کنم؛ که با خونسردی و تسلط کامل همه درها و مقرها را باز گذاشتید و در مقابل اقدامات کثیف، مثل پخش اوراقی که املا و انشای وزارت اطلاعات رژیم ایران را در جمله به‌جمله و کلمه‌به‌کلمه‌اش نمی‌توان پنهان کرد، خویشتننداری کردید؛ «کاغذ پاره پاره، ملا شده بیچاره»!

در برابر ژست کثیف پلیسی با بلندگو، در جمع فرزندان رشید ملت ایران، در یک جمع انقلابی که یادآور اقدامات و ردیلهای گزمه‌های شاه و شیخ در اوین و سایر زندانهاست، خویشتننداری کردید.

در مقابل یک اقدام پلیسی کثیف دیگر که وارد کردن عوامل اطلاعات و نیروی تروریستی قدس در پوشش خبرنگار بود، خشم خودتان را فروخوردید و کنترل کردید.

پیروزی کارزار بهار ۶

یادتان هست که در سلسله عملیات تدافعی مروارید هم، چنان که رفسنجانی بعداً گفت، رژیم از دیواری بالاتر از قد خودش می‌خواست بالا برود، اما با ۷ تیپ و لشکر نتوانست و به‌دهانش زدید و برگشت. در آنجا هم اتوبوس آورده بود که دسته‌دسته مجاهدانی را که اسیر خواهد کرد در اتوبوس انداخته و مانند اسیران کربلا در شهرهای ایران بچرخاند و به بارگاه یزید و ابن زیاد ببرد.

این بار هم قرار بود که طبق طرح و برنامه‌های رژیم دستکم ۴۰ اتوبوس بیاید و هر کدام چهل، پنجاه نفر - حدود هزار نفر - را با خود ببرد. بعد شنیدیم که هموطنانمان

در داخل و خارج ایران شعار می‌دادند که: «دروغگو، دروغگو، بیست اتوبوست کو؟» و این‌که: «کاغذ تو در اشرف، رذالت، کثافت...»

شگفتا که بعد از فروغ ایران و قیام اشرف، فتح مبین دیگری را شما، تک تک شما، محقق کردید. سلام بر شما و گوارای شما!

و امروز هموطنان ایرانی ما هستند که در اینسو و آنسوی جهان می‌گویند «تبر و تیر، بولدوزر، اتوبوس و بلندگو دیگر اثر ندارد».

نمی‌دانم چرا این دولت عراق که اینقدر در مورد مجاهدین در خصوص حاکمیت خودش سختگیر است و مو را از ماست می‌کشد، اصلاً مسأله‌یی برایش نیست که چه کسی در محل تجمع خبرنگاران برای آمدن به اشرف بمب منفجر کرد. آقای مالکی در این مورد چرا ساکت هستی؟

وقتی که رژیم دید کار از کار گذشته و غیر از مزدوران خودش تحت پوشش خبرنگار، و مزدورانی که کمیته سرکوب اشرف می‌خواست بیاورد، دیگرانی هم اعلام آمادگی کرده و برای آمدن به اشرف تجمع کرده‌اند، آن وقت مثل همیشه اقدام به بمبگذاری کرد. و ما بر سؤال خودمان پا می‌فشاریم که آقای مالکی چرا در مورد انفجار بمب در محل تجمع یا مسیر خبرنگاران، ساکت هستی؟

جواب البته روشن است؛ توافق دوجانبه دم خروس ملاست!

خوب، به مدت ۵۷ روز خط و نشان کشیدند و از جابه‌جایی به زندانهای قدیمی عراق در نزدیکی مرز سعودی یا سماوه، المثنی و سایر استانها صحبت کردند. بعد وقتی زرهپوش، بولدوزر، شلیک، داس و تبر مؤثر واقع نشده، اتوبوس و کاغذ و بلندگو!

بیچاره شب‌پرستان، بیچاره مرتجعان، نمی‌دانند با چه کسی طرف هستند؛ کسانی که شاه و شیخ را کهنه کرده‌اند، کسانی که از قتل عام زندانیان سیاسیانشان به‌دستور خمینی جلاد عبور کرده‌اند، از نسل صدهزاران و نسل بیشاران...

امروز در دنیا چه کسی نمی‌داند که این محاصره و این جنایت فقط به‌دستور ولایت است؟!

اما، تک درخت بید، شاد و پر امید؛ اشرف و مروارید صحرا را می‌گوییم. شاد و پایدار و پیروز و سرفراز باقی ماند. اصطلاح و نامگذاری مروارید صحرا را در خبرهای برخی از

این تلویزیونهای عربی خواندم که به نقل از مردم عراق فکر کنم بخش «عظیم» بود. می‌گفت این مردم بین خودشان به اشرف مروارید صحرا می‌گویند. چون به‌رغم این که در یک منطقه صحرائی است ولی پر از انواع درختها، باغها و باغچه‌های زیباست که در آن همه نوع خدماتی وجود دارد: «از پروژه‌های آبرسانی تا دریاچه، فواره‌های آب، باغهای بزرگ، ساختمانها، مسجد، راهها و جادهها...»

بعد هم شنیدیم که در همین بحبوحه و در همین ایام، عده‌ی سرمایه‌دار خوش خیال هم، برای پرکردن جیبهایشان طراحی می‌کردند، آن چنان که سایت سومریه گفته است؛ خوب، وقتی که روز سه‌شنبه مجاهدین رفتند، اینها بیایند اینجا را تبدیل به مرکز تبادل تجاری بزرگ بین اقلیم کردستان و بغداد کنند. جالب است که حتی دعوا هم با همدیگر داشته‌اند، یکی می‌گفته است اینجا را تبدیل به مرکز تبادل تجاری کنیم و یکی هم از سمت «عظیم» می‌گفته است که آقا این منطقه در محدوده جغرافیایی ماست و خیلی به آن نیاز داریم تا در آن سرمایه‌گذار بیهای مختلف انجام بدهیم!

خوابهای پنبه‌دانه‌ی

تلاش می‌کنیم که در عملمان، به بخش ولایت فقیه در دولت عراق، مقداری هم قانون و حقوق آموزش بدهیم که دنیا چندان هم که گمان کرده‌اید بر «این همانی» بین شرایط عراق و رژیم ولایت فقیه نمی‌چرخد، و بین شرایطی که رژیم در ایران حاکم کرده با وضعیت عراق مقداری تفاوت هست. یادتان هست که آن حکیم از قضا در همین ایام، شش سال پیش در ۹ دسامبر ۲۰۰۳ هوا برش داشته بود و در مقام رئیس شورای حکومتی منحل در روز ۱۸ آذر سال ۱۳۸۲ می‌گفت مجاهدین باید سه هفته‌ی عراق را ترک کنند، و می‌خواست از هرگونه فعالیت آنها تا هنگام خروج از عراق جلوگیری کند.

همه دنیا می‌بینند که حتی در زمانی که مجاهدین در لیست تروریستی اتحادیه اروپا بودند حق بیان آزاد، حق تظاهرات، حق اجتماعات، حق فعالیت داشتند. لیست تروریستی به‌طور عمده روی ویزا انگشت می‌گذارد. یعنی ویزا و اجازه ورود نمی‌دهد؛ و نه حساب مالی و نه چیز دیگر. برای همین، وقتی که در سال ۷۹-۸۰ خودمان، دولت

ديالى تعرض معسكر أشرف للاستثمار بعد إخلائه من "منظمة خلق"

العدد: ٥٢
الجزء: ٥٢
الطبعة: ١٠٠٤
العدد: ٥٢

السومرية نيوز/ديالى

أعلنت إدارة محافظة ديالى، اليوم الأربعاء، عن نيتها فتح باب الاستثمار في معسكر اشرف بعد إخلائه من اعضاء منظمة مجاهدي خلق الإيرانية المتطرفة خلال الازمة المقبلة، مؤكدة وجود مستثمرين ابدوا رغبتهم باستثماره وخطه مدينة سياحية متكاملة الخدمات.

وقال مستشار محافظ ديالى لتكوين العلاقات العامة والسيور الحاف في حديث لـ"السومرية نيوز"، إن "إدارة المحافظة لديها خطة لاستثمار معسكر اشرف بعد إخلائه من اعضاء منظمة خلق الإيرانية حسب قرار الحكومة المركزية، مضيقاً "أن "معسكر يضم مطاراً يمكن استئجاره وتحويله الى مطار مدني لتطوير النقل الجوي بين المحافظة وبقية أنحاء البلاد.

وكان رئيس الحكومة العراقية نوري المالكي أعلن، اليوم الأربعاء، في مؤتمر صحافي عقده في مبنى رئاسة الوزراء وحضرته لـ"السومرية نيوز"، ان "الحكومة قررت إخلاء معسكر اشرف من اعضاء منظمة خلق الى خارج العراق".

وكانت الحكومة العراقية أعلنت استلامها المهام الأمنية داخل المعسكر من الممعدة الحسنيات بداية العام الجاري واطلقت تنسيمة مخيم العراق الجديد عليه بدلية آب الماضي.

وأضاف دلصور، "أن إدارة المحافظة تعزم خط معسكر اشرف واجهة سياحية كبيرة وستعرضه امام المستثمرين ليكون متنفساً للفوائل مما يسهم في دعم الاقتصاد المحلي".

من جهة أكد نائب رئيس مجلس المحافظة صادق الحسيني في حديث لـ "السومرية نيوز"، بأن "هناك مشاورات تجريها القيادات المحلية في مجلس إدارة المحافظة من اجل الإسراع باستثمار معسكر اشرف وخطه بقطعة سياحية ومركز تبادل تجاري كبير بين اقليم كردستان العراق وهداد، لاهلاً الى، "أن "معسكر اشرف يضم كل المقومات الأساسية لاجلته مدينة سياحية مميزة".

من جانبه قال مدير ناحية العظيم عبد الجبار العبيدي، "أن "المجلس البلدي جرت على استثمار معسكر اشرف بعد إخلائه من اعضاء منظمة خلق وإعلانه الى الإدارة المحلية باعتباره يقع ضمن الحدود الإدارية لناحية العظيم"، على حد قوله.

ويطلق الأهالي في ناحية العظيم ٥٥ كم شمال شرق بقرية، على معسكر اشرف تسمية "لؤلؤة الصحراء" نظراً لكثرة الأشجار والحدائق الجميلة فيه رغم انه يقع في منطقة صحراوية حيث تنمو فيه جميع الخدمات من مشاريع مئة وبحيرات وأقنارات وحدائق كبيرة وصناري ومساحد وطرق إضافة الى مطار كبير يستخدم في نهاية الثمانينات لانطلاق الميوجيات والطائرات المغايلة.

يذكر أن منظمة خلق، الإيرانية المتطرفة اتخذت من معسكر اشرف قرب ناحية العظيم ٥٥ كم شمال بقرية مركز محافظة ديالى، مقراً لها منذ العام ١٩٨٤ وسبلغ عدد اعضائها قرابة ٢٤٠٠ الف إيراني فيما تزيد مساحة المعسكر عن ٢٥ كم مربع.

السومرية نيوز: استان ديالى قرار گاه اشرف را پس از تخلیه توسط سازمان مجاهدين خلق، در معرض سرمایه گذاری قرار می دهد!

انگلیس سازمان مجاهدین را در لیست ممنوعه برد، بسیاری در آن زمان گفتند که فقط دو جا سازمان مجاهدین در لیست ممنوعه هست، یکی رژیم آخوندی و یکی انگلیس آقای جک استراو که آن داستانها گذشت. الان مجاهدین در دو جا ممنوعه هستند، یکی در حکومت فعلی و بخش ولی فقیه در عراق، و دیگری حکومت خود ولی فقیه ارتجاع.

به هرحال، شش سال پیش هم در همین ایام، آن عبدالعزیز حکیم که سوابقش روشن است، وسالهای سال یک مأمور دون پایه اطلاعات آخوندها و ستاد تروریستی امور عراق (ستاد نصر)، در قم و تهران بود. با دیگر نوکیسه‌گان، همین که بعد از اشغال عراق فرود آمدند، می‌گفتند مجاهدین سه هفته‌یی باید بروند، ممنوعه هم هستند، سلاحها و اموال و داراییهایشان هم باید مصادره شود و الی آخر...
آرزویی که هم شاه و هم خمینی به‌گور بردند و کسانی هم که هنوز این آرزو را دارند، بدون شک آن را به‌گور خواهند برد.

در مثل است که آزموده را آزمودن خطاست، اما اگر رژیم و عوامل و مزدورانش در عراق باز هم می‌خواهند مجاهدان اشرف را و مریم را بیازمایند؛ بفرمایید این گوی و این میدان؛ بیا، بیا، بیا...!

بله، بله! سنگ بنای پیروزیهای شما در انقلاب مریم است، با این تکیه‌گاههای آرمانی و با این گوهران بی‌بدیل.

کارزار جهانی دفاع از اشرف

روز قبل از ۲۴ آذر ۱۳۸۸ (۱۵ دسامبر) ملل متحد و نماینده ویژه دبیرکل، نسبت به یک فاجعه انسانی دیگر که قطعاً ابعادش به مراتب بیشتر بود، هشدار دادند.

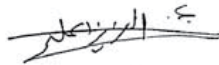
قبل از آنهم - تقریباً دو هفته قبل از ۱۵ دسامبر - نایب رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت، در نامه به نخست‌وزیر عراق هشدار داد؛ «کمیته در جستجوی عدالت که ۲۰۰۰ پارلمانترا در اروپا و آمریکا دربرمی‌گیرد به شما هشدار می‌دهد». هم‌چنین کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف که ۸۵۰۰ حقوقدان را دربرمی‌گیرد و ۱۶ کمیته پارلمانی در ۱۶ کشور جهان، هم، به این کارزار پیوستند.

بسم الله الرحمن الرحيم

قرار (١٢٦)

بالنظر للتاريخ الإرهابي الأسود لمنظمة مجاهدي خلق الإيرانية
الإرهابية وما قامت به من جرائم بحق شعبنا وجيراننا، واستناداً إلى
قرارات مجلس الحكم السابقة المتعلقة بمحاربة المنظمات الإرهابية،
قرر مجلس الحكم بالإجماع بجلسته الاعتيادية (٦٥) المنعقدة
بتاريخ ٢٠٠٣/١٢/٩ ما يأتي:

١. طرد عناصر منظمة مجاهدي خلق الإيرانية من الأراضي العراقية
وخلال فترة أقصاها نهاية العام الحالي .
٢. غلق مقرات منظمة مجاهدي خلق الإيرانية ومنعهم من ممارسة أي
نشاط ولحين مغادرتهم .
٣. مصادرة أموال المنظمة واسلحتها وضمها إلى صندوق تعويضات
ضحايا النظام الفاشي البائد .
٤. للأفراد والمؤسسات العراقية مقاضاة هذه المنظمة لجرائمها بحق
الشعب العراقي ومطالبتها بالتعويض عن ذلك ومن أموالها داخل
وخارج العراق .



عبد العزيز الحكيم

رئيس مجلس الحكم

٢٠٠٣/١٢/٩

حكم شوراي حكومتي منجله

Convention, prevent their expulsion and forcible displacement, and lift the blockade against them. Sadly, however, the opposite occurred and we were forced to witness the events of July.

an Iraqi Army Intelligence Captain and is currently persecuting Ashraf residents, fabricating legal files against them, threatening the lives of their families, arresting suppliers of goods to Ashraf, fabricating false reports about alleged comings and goings of Ashraf residents from outside the Camp in cooperation with the American forces.

You obviously have not concealed your intentions of violating the rights of Ashraf residents. On November 28, in an interview with the "Law Abiding Government" website you praised economic and trade relations with Iran and threatened that if the PMOI does not leave Iraq, then "the Iraqi people will run out of patience due to its behavior, interference in Iraq and past record." You also told Al-Alam TV on January 2 that "We are going to make them leave Iraq."

We, at the European Parliament and ISJ, closely follow up developments in Iraq and Iran and we are aware of pressures by the Iranian regime to suppress Ashraf residents as a precondition to lend support to you in the upcoming parliamentary elections in Iraq. Visit to Iraq by Speaker of Iran's Parliament, Ali Larijani, and his remarks on elections in Iraq and the state of the PMOI, combined with the activities and remarks by Iran's ambassador to Baghdad, Kazemi Qomi, one of Quds force commanders, leave no doubts about it.

But, as the friends of a democratic fascism ruling Iran, which today h Iranian people, has no future who nothing but hatred from the natio international scene.

These actions are unprecedented even in war zones or occupied territories. They also openly contradict international standards, as well as Arabic traditions and the teachings of great Abi people of I

You are certainly aware that on 1 under the principles of universal investigate the crimes committed court's decision relies on the fact court sees as protected persons un violation of that convention.

Dozens of between 2 2008 and 1 and talked

As an elected member from Spain, has the jurisdiction to investigate anywhere that justice has not yet judges can issue international war against Ashraf residents.

I have no people's fi democrati them are a you have i Committee North Am

Over the past several months, ma such as Amnesty International, ti various national parliaments, have resolution passed on April 24, 2009 government to respect the rights

I also cau doubt lead is while w the police: the logical force and 1

European

European Parliament, ASP 11E205

We in ISJ sources an known as aims of th

For examy committee linked to command the forces more than intelligenc detention, the Camp

The inform Kodhayer Iranian re

European



2 December 2009

Honourable Nuri al-Maliki
Prime Minister
Baghdad
Republic of Iraq

Dear Prime Minister,

As Vice President of the European Parliament and the President of the International Committee in Search of Justice (ISJ) comprised of 2,000 parliamentarians from both sides of Atlantic, I am writing to express my strong protest against suppression of Camp Ashraf residents, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI).

Following a decision by the Spanish Court to launch an investigation on the murder of Ashraf residents on July 28 and 29 by Iraqi forces, I particularly wish to warn you that continuing with this kind of behavior, which blatantly violates international laws and norms, would undoubtedly have serious adverse impact on the policies of International community, especially those of the European Union, towards Iraq.

Inhumane siege on Ashraf and sanctions on its residents, including total ban on allowing medical doctors to the Camp, barring medicine and fuel, disrupting entry of food and other essential items in addition to preventing families of Ashraf residents, their lawyers, human rights activists and parliamentarians from entering Ashraf, all point to the fact that your government is rather far from a democratic and an independent Iraq desired by absolute majority of the Iraqi people.

Barring physicians and medicine into Ashraf takes place at a time when those wounded in the deadly attacks of late July desperately need medical care and treatments. In those attacks 130 residents of Ashraf were maimed, 370 wounded in addition to 11 others who were killed by Iraqi forces.

نامه
هشدار
نایب رئیس
پارلمان
اروپا، دکتر
آخو ویدال
کوادراس

از روی نامه نایب رئیس پارلمان اروپا، دکتر آخو ویدال کوادراس دو هفته قبل از ۱۵ دسامبر، خطاب به مالکی می‌خوانم:

«ما به‌شما نسبت به جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف که بدون شک دهها برابر ۲۸ و ۲۹ ژوئیه کشته و زخمی و خسارت بر جای خواهد گذاشت، هشدار می‌دهیم، به‌خصوص که از شما نقل می‌شود (در آن تهاجم مرگبار) دستور شلیک نداده بودید و پلیس و نیروهای عراقی به‌طور سر خود مرتکب این جرایم شده‌اند. اگر این را باور کنیم (یعنی باور کنیم که آقای مالکی خودت این دستور را نداده‌ای)، نتیجه یک چیز بیشتر نیست که آنها دستورات خود را مستقیماً از فاشیسم دینی حاکم بر ایران و نیروی قدس و وزارت اطلاعات دریافت کرده‌اند. گزارشهای دقیقی که از منابع ایرانی - عراقی و طرفهای ثالث به کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت رسیده است و ما آنها را تدقیق کرده‌ایم، نشان می‌دهد کمیته‌یی که در نخست‌وزیری عراق تحت عنوان کمیته بستن اشرف تشکیل شده است، یک دستگاه سرکوب است که منویات فاشیسم دینی حاکم بر ایران را پیش می‌برد و بسیاری از افراد آن در ارتباط مستقیم با این رژیم قرار دارند و دستورات خود را از آن دریافت می‌کنند».

در ادامه این نامه چند مثال مشخص زده شده و اسامی مشخصی را از سپاه بدر و مجلس اعلاء انقلاب اسلامی عراق آورده و بعد ادامه می‌دهد: «شما (یعنی مالکی)، نیز البته مقاصد خود را در مورد نقض حقوق ساکنان اشرف پنهان نکرده‌اید، در روز ۲۸ نوامبر در مصاحبه‌یی که روی سایت دولت قانون متعلق به‌شما درج شده است ضمن تمجید از روابط اقتصادی و تجاری با ایران تهدید کردید که اگر مجاهدین عراق را ترک نکنند، صبر عراقیان از رفتار و دخالت‌ها و سابقه آنان لبریز می‌شود. شما آقای مالکی در ابتدای سال ۲۰۰۹ در روز ۲ ژانویه نیز به تلویزیون العالم متعلق به رژیم ایران گفته بودید "آنها را ناچار خواهیم کرد در عراق باقی نمانند".

ما که در پارلمان اروپا و در کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت تحولات ایران و عراق را دنبال می‌کنیم از فشارهای رژیم ایران برای سرکوب ساکنان اشرف به‌عنوان پیش‌شرط برای حمایت از شما در انتخابات پارلمان عراق مطلعیم. سفر لاریجانی، رئیس مجلس ملایان به عراق، اظهاراتش در مورد انتخابات و مجاهدین و تحرکات و

اظهارات کاظمی قمی یک فرمانده نیروی قدس و سفیر رژیم در بغداد، شکی در این باره باقی نمی‌گذارد. ما به‌عنوان دوستان یک عراق دموکراتیک و مستقل به‌شما اطمینان می‌دهیم فاشسیم دینی حاکم بر ایران که امروزه با قیام سراسری ایران هیچ آینده‌یی ندارد، دوستی و همپیمانی با آن جز انزجار مردم ایران و عراق و بدنامی در سطح بین‌المللی حاصلی نخواهد داشت.

شما آقای مالکی حتماً مطلعید که روز ۲۶ نوامبر دادگاه اسپانیا در حکمی براساس اصل صلاحیت بین‌المللی که در کنوانسیونهای ژنو پایه‌ریزی شده است، صلاحیتش را برای تحقیق پیرامون جنایات روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئیه علیه ساکنان اشرف اعلام کرد. تصمیم دادگاه مبتنی بر این واقعیت است که حمله علیه اشرف می‌تواند نقض کنوانسیون چهارم ژنو باشد که دادگاه، ساکنان اشرف را به‌عنوان افراد حفاظت‌شده تحت این کنوانسیون به رسمیت می‌شناسد. مشاوران حقوقی شما به‌خوبی می‌دانند که قضات این دادگاه در موقع مقتضی می‌توانند احکام جلب بین‌المللی برای عاملان و آمران جنایتهایی صادر کنند که علیه ساکنان اشرف روا شده و روا می‌شود.

در ماههای گذشته بسیاری از مراجع سیاسی و حقوق بشری در سطح بین‌المللی نظیر عفو بین‌الملل، مجمع پارلمانی شورای اروپا و پارلمانهای کشورهای مختلف، بارها و بارها بر حقوق ساکنان اشرف تأکید کرده‌اند. قطعنامه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ پارلمان اروپا از شما و دولت عراق خواسته بود به حقوق ساکنان اشرف در چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو احترام بگذارید، از اخراج و جابه‌جایی اجباری آنان جلوگیری کنید و محاصره آنها را لغو کنید. اما ما به‌عکس، متأسفانه شاهد حوادث ژوئیه گذشته بودیم و حالا یک دادگاه با صلاحیتهای بین‌المللی است که بر نقض حقوق اشرفیان از سوی دولت عراق تأکید می‌کند. به این ترتیب آقای مالکی مطمئن باشید که ادامه سرکوب ساکنان اشرف به‌ویژه ادامه محاصره و جابه‌جایی اجباری آنها دهها برابر وقایع ژوئیه گذشته عکس‌العمل و نفرت بین‌المللی و منطقه‌یی را برمی‌انگیزد که قطعاً لطفهای فاشسیم دینی حاکم بر ایران قادر به جبران آن نخواهد بود.

امیدواریم شما آقای مالکی به ندای وجدان، به تمایل اکثریت قاطع مردم عراق، به فراخوانهای بین‌المللی و پیام عدالت گوش بسپارید و حقوق ساکنان اشرف را مورد

احترام قرار بدهید و از تجاوز و تعدی و محاصره و جابه‌جایی اجباری آنها جلوگیری کنید و احترام مردم عراق و جامعه بین‌المللی را به‌دست بیاورید». خوب، از دو هفته پیش از ۱۵ دسامبر همه چیز گفته شده بود و هیچ چیزی ناگفته نماند.

قطعنامه نمایندگان کنگره آمریکا

قطعنامه پیشنهادی نمایندگان کنگره آمریکا که تا امروز ۱۳۰ امضا داشته و خشونت مستمر توسط نیروهای امنیتی عراق در اشرف را محکوم می‌کند. به دولت آمریکا فراخوان می‌دهد که حفاظت و سلامت ساکنان اشرف را تضمین کند و از رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد که برای پایبندی به تعهدات ایالات متحده و موافقتنامه‌یی که با تک‌تک ساکنان اشرف به ازای گردآوری سلاحها و مهماتشان امضا کرده بود، همه اقدامات لازم و مناسب را اتخاذ کند. فقط این رژیم است که می‌خواهد آمریکا تعهداتش را زیر پا بگذارد و لاغیر.

بعد هم موضعگیریها و صحبت‌های تعدادی از نمایندگان کنگره را شنیدیم که گفتند مگر این دولت عراق همان نیست که ما این همه پول، سرمایه و جان و خونمان را برایش مایه گذاشتیم، آنجا چه خبر است! همه این کارها را انجام دادیم که یک دولت دموکراتیک در عراق روی کار بیاید یا یک دولت دست‌نشانده رژیم ایران؟!

خانم جکسون لی بود که فریاد کشید؛ دولت عراق کسانی که قبلاً چنین توفانهایی را پشت سر گذاشتند و چنین خونی از آنها ریخته شده را می‌خواهد کجا بفرستد؟ بیابان و کویر، در جایی که تابستان ۷۰ درجه گرماست و هیچ درخت و سبزه‌یی در آن نیست؟ آیا دیگر شکی باقی می‌ماند دولتی که می‌خواهد این کارها را بکند، یک دولت دست‌نشانده رژیم ایران است و نه یک دولت عراقی؟!

یعنی شاهد بودیم که در روزهای قبل و مخصوصاً در روز ۱۵ دسامبر، چه برانگیختگی فوق‌العاده بین‌المللی و چه التهایی ایجاد شده بود!

آن نماینده دیگر گفت تنها کسانی که من می‌شناسم و از پس این رژیم دیکتاتوری در ایران برمی‌آیند، اینها هستند، همینهایی که در اشرف هستند. نباید گذاشت که

اینها در عراق به دیوار زده بشوند، باید به این دولت عراق گوشزد کرد که بهای آن را به‌سختی خواهی پرداخت. این دیگر حرف ما نبود، این حرف "روهرا باکر" بود که گفت: بوی تعفن مشام آزار دولت عراق و ملاحای دیکتاتوری ایران به‌مشام می‌رسد و آمریکا نباید کنار بایستد و اجازه دهد چنین کاری انجام شود. این موضوع نگرانی ماست. به طور شبانه‌روزی آن را کنترل و نظارت می‌کنیم.

اشرف، متحد استراتژیک مردم عراق

استناد دولت عراق به لیست تروریستی هم یاوه است. اصول جهانشمول حقوق بشر و قانون حقوق بشر بین‌المللی مگر لیست می‌شناسد؟ بگذریم که خود آن لیست، استمالتی از حاجی خاتمی در آن سالیان بوده است. مگر دیگر تردیدی هست که مخصوصاً در آستانه انتخابات(عراق)، رژیم تا کجا مجاهدین را مانع اشغال و بلعیدن این کشور توسط خودش می‌داند؟ همین امروز و همین الان خبر اول اغلب تلویزیونها در این منطقه از جهان، این است که رژیم روی چاه نفتی در منطقه فکه چنگ انداخته، پرچم خودش را هم روی آن زده و دارد کار خودش را انجام می‌دهد. عجب! به‌نظر می‌رسد منظور رژیم از نعره‌های قدس، قدس از طریق کربلا، بیشتر فکه و عراق باشد! همه خبرگزاریها خبر فوری مخابره می‌کنند، عراق هم به این خاطر جلسه شورای امنیت ملی خودش را تشکیل داد.

حرف که خیلی واضح است؛ بارها مردم عراق گفته‌اند که در مقابل رژیم ولایت‌فقیه و تجاوزاتش، ما این مجاهدین را شریک استراتژیک خودمان می‌دانیم، چرا؟ اقتضای این ژئوپولیتیک، همین شراکت استراتژیکی نیروهای ملی، دموکراتیک و مردمی در ایران و در عراق است، در برابر چه چیز؟ در برابر این چنگ انداختن ولایت‌فقیه با صدور تروریسم و ارتجاع، با بحران‌سازی و با جنگ.

هنوز داستان آوردن اتوبوس برای جابه‌جایی افراد اشرف تمام نشده، شاهد چنگ انداختن رژیم روی چاه نفتی هستیم. ضمن این‌که همه می‌دانند که در جنوب عراق در این سالیان، نفت را چه کسی بالا می‌کشید؛ چند سال پیش که مریم افشا کرد، دستکم ۲۰ میلیارد دلار تا سال ۱۳۸۴ بود.

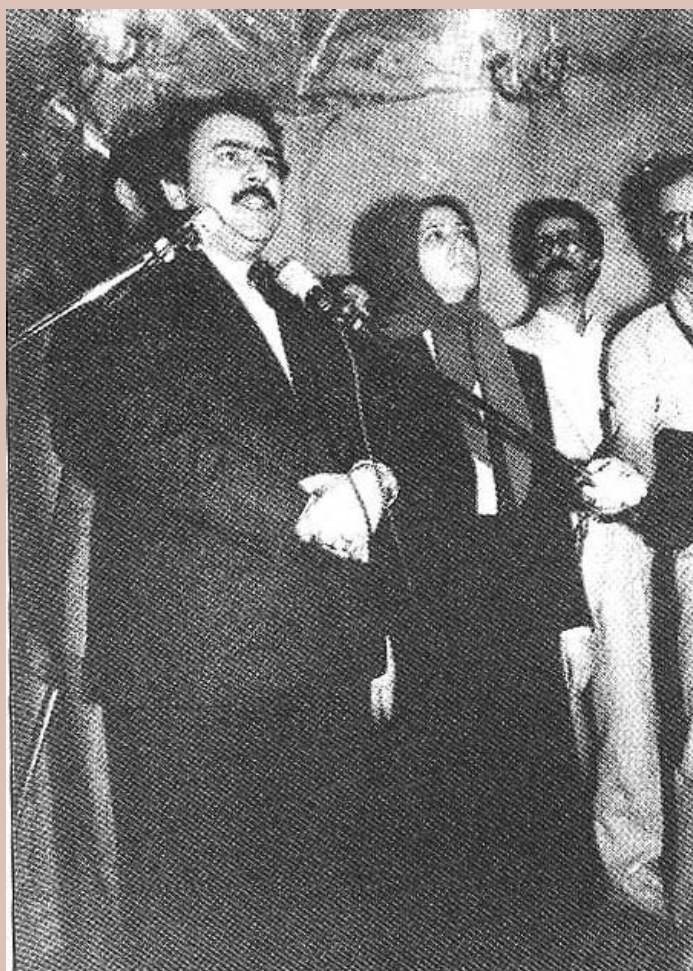
موضوع خیلی روشن است؛ مردم عراق هم در بیانیه ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار و هم در بیانیه ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار گفتند که راه حل، خلع ید از این رژیم است. و مردم و مقاومت ایران و همین مجاهدین، شریک و متحد استراتژیکی ما هستند. واشینگتن پست شهریور سال ۸۶ هم نوشت: چشم‌انداز حاکمیت مشترک آمریکایی - ایرانی در عراق موجب وحشت کشورهای منطقه شده است.

این میدانی که رژیم پیدا کرده است، جز خلق و مجاهدین خلق ایران چه کسی از پس آن برمی‌آید؟ بسیاری از آمریکاییها، تحلیلگرها، نماینده‌ها و سناتورها حرفشان این بوده و این هم هست که اشغال عراق، چنین فرصت بادآورده‌یی را برای رژیم فراهم کرد. رژیم به ظاهر می‌گوید جنگ نمی‌خواست، اما ما که می‌دانیم؛ چه کسی بود که همان حکیم را به ملل متحد و به آمریکا می‌فرستاد و اسناد جعلی ارائه می‌داد که عراق سلاح کشتار جمعی دارد و در قرارگاههای مجاهدین هم هست! معلوم است که رژیم بود. چه کسی بود که این داستان سلاح کشتار جمعی را راه انداخت، سند و مدرک برایش جعل می‌کرد و به مزدورهای عراقی می‌داد که می‌بردند و به این و آن می‌دادند؟ هیچگاه مردم عراق - طبق حرف خودشان - دوست، متحد، شریک، یار و یاور استراتژیکی بهتری در برابر رژیم ولایت فقیه حاکم بر ایران، مثل مجاهدین نخواهند یافت. اینها هستند که می‌توانند بلای رژیم را از سر این کشور دور کنند. خوب، رژیم هم خواسته‌اش خنثی کردن همین است.

دفاع از حقوق قانونی اشرف

شب قبل از ۱۵ دسامبر، وقتی که ملل متحد موضعگیری کرد، دیدیم که آقای دباغ سخنگوی همین دولت عراق، شتابان به تلویزیون الحرة رفت و گفت که نه، نه! ما آنها را به زور به محلی برخلاف خواست خودشان جابه‌جا نخواهیم کرد! متشکریم که آقای دباغ به این اذعان کرد، هر چند که گفت مسأله ما حاکمیت است! هر چند که گفت اینها هیچ «استاتویی» ندارند.

برو بابا جان! چه کسی از تو «استاتو» (موقعیت قانونی) خواسته، کسر شأن مجاهدین است که از تو «استاتو» بخواهند، ما از روز اول، از اباعبدالله الحسین «استاتوی» خود



«یا اباالشهدا به ما گفته اند - در آن جا که تا دیشب بودیم- که علیه خمینی فعالیت نکنید و الا پناهندگی سیاسی در کار نخواهد بود و ما گفتیم شگفتا! ان ارض الله واسعه"، همانا که زمین خدا پهناور و وسیع است و حال به تو پناه آوردیم به تو و یارانت و انصارت، به تو و پدر بزرگوارت علی ابن ابیطالب...»
نیایش در قتلگاه سیدالشهدا در کربلا- بامداد ۱۸ خرداد ۱۳۶۵

را خواسته و اعلام کرده‌ایم:

«به‌خدا سوگند که طنین صدای تو که فریاد "صبرا بنی‌الکرام" را در زیر آسمان این دشت طنین‌افکن ساخته همچنان به‌گوش می‌رسد؛ «سمعنا و اطعنا»، و هم‌چنین طنین فریاد "هل من ناصر" تو در سراسر خاک ایران طنین‌افکنده است که امروز تمامی خاک وطن ما کربلا و تمامی ایام آن عاشورا است».

بله مجاهدین بودند که یکسال قبل از جنگ، در فروردین ۸۱، ندای هیبات سر دادند و پرچم هیبات من‌الذله را بلند کردند؛ بعد دیدیم که در تظاهرات و اعتراضات و قیام خلق قهرمان و دانشجویانش تکثیر و توزیع شد.

چه کسی از تو «استاتو» خواست؟ هرگز، هرگز، هرگز! اما سرسوزنی از حقوق خودمان کوتاه نمی‌آییم و همین امشب هم مقداری به تو آموزش حقوق خواهیم داد، تا بدانی در جهان، چیزی هست به‌نام حق و حقوق و قانون!

می‌گویم ما می‌خواهیم حاکمیت خودمان را اعمال کنیم، اهلاً و سهلاً تا آنجایی که حاکمیت عراق است، اهلاً و سهلاً، بر روی چشم ما! اما اگر صورت مسأله، سرقت این حاکمیت توسط دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران باشد، آنوقت چه می‌گویید؟!

ما بارها و بارها گفتیم، پیوسته هم گفتیم که دعوا با حاکمیت عراق نیست. دعوا با حاکمیت رژیم است بر عراق، و دعوا با حاکمیت مزدوران این رژیم است بر عراق.

پس این از موضوع حاکمیت، دیگر حاکمیت را به‌رخ ما نکش! اگر راست می‌گویید از این همه نقض حاکمیت عراق، از اشغال عراق، از خونریزی در عراق، از جرم و جنایتهایی که رژیم در هفت سال گذشته در عراق انجام داده، بگویید، حداقل یک کلام بگویید!

یادتان هست، آن موفق ربیعی همیشه سعی داشت دخالت‌های رژیم را سمبل کند، چون که مأمور بود و می‌گفت، نه، نه رژیم نیست! پس این بمبها و تسلیحاتی که پشت سر هم آمریکاییان در این سالها می‌گیرند و بعضاً برخی از آنها را نشان می‌دهند - عمده‌اش را هم نشان نمی‌دهند که با مارک رژیم، با آرم رژیم و با نفرات رژیم است - از کجا آمده؟ آیا اینها نقض حاکمیت نیست؟ اما مجاهدین در اشرف حاکمیت تو را نقض می‌کنند؟! نه بابا جان! درد تو حاکمیت رژیم است، این دیگر درد لو رفته‌یی است.

ضمناً چیزی هست در این جهان به نام قانون و حقوق که بر جرثومه‌های عصر جاهلیت و بربریت شناخته نیست. قانون و حقوق می‌گویند نمی‌توان به نام حق حاکمیت کوره آدم‌سوزی راه انداخت والا فاشیسم هیتلری هم می‌گوید خوب، من حق حاکمیت دارم! به نام حاکمیت نمی‌توان اوین و کهریزک درست کرد، والا رژیم آخوندی می‌گوید که حق حاکمیت دارم! ولی جامعه بین‌المللی ۵۶ بار تا به حال محکومش کرده است.

آن که ملل متحد و دبیرکل آن است، می‌گوید «آرتویی»، یعنی مسئولیت حفاظت، یعنی یک دولت باید ساکنان روی خاک خودش را حفاظت کند، چه شهروند، چه غیر شهروند و این مسئولیت حفاظت، متحد و تقویت‌کننده حق حاکمیت است و نه در تعارض با آن، دوستش است، نه دشمن. به نظر می‌رسد که این آقایان، بیش از هر چیز مسئولیت حفاظت از تجاوزات رژیم ایران را به عهده دارند!

چه کسی در این سالیان این همه دانشمند، طبیب و متخصص، خلبان، استاد و کارشناس عراقی را ربود و کشت، چرا؟ چرا؟ آیا اینها را مجاهدین کردند؟ و چرا ساکتید؟ آقای مالکی بگو ببینیم چرا ساکتی؟! چرا این اصلاً به حق حاکمیت تو بر نمی‌خورد؟ مگر یکان سگهای پلیس‌ات را به اشرف نفرستادی و همه جا را بو کشید و سند مکتوب شد که چیزی یافت نشد؟ پس مجاهدین حق حاکمیت تو را نقض کرده‌اند؟ درد تو چیست؟!

آقای دباغ می‌گوید، آخر اشرف که جزیره مستقل در عراق نیست، اینها چرا روی تابلو ورودی اشرف نوشته‌اند: «به شهر اشرف خوش آمدید»، که البته آقای دباغ به زبان فارسی خیلی سلیس «به شهر اشرف خوش آمدید» را گفت!

آخر مگر ما می‌گوییم اشرف جزیره مستقل است؟ چه وقت چنین چیزی گفته‌ایم؟ مگر ما در ورودی اشرف، خودمان برای بیمارستان عراق جدید، پرچم عراق را نصب نکردیم؟ مگر در ابتدای سال ۲۰۰۹ وقتی که حفاظت را از آمریکاییها تحویل می‌گرفتید، خودمان برای شما جشن ترتیب ندادیم؟ مگر حتی دسته موزیکش را ما نگذاشتیم؟ مگر تریبون و بلندگویش را ما نگذاشتیم؟ مگر ما با صدها هزار دلار برجهای بیرون سیاح اشرف را که گردان عراقی از آن استفاده می‌کند، نساختیم؟

مگر دهها میلیون دلار ساختمان که با کار و جانفشانی ۲۴ ساله مجاهدین و هزینه

محضر اجتماع

٢١ كانون الثاني - يناير ٢٠٠٩

من اجل تأمين الحماية الخارجية لمعسكر اشرف سيتعاون سكان مدينة اشرف مع فوج حماية اشرف بعضهم البعض في الاجراءات التالية :

1. يتم انشاء اربعة ابراج في اركان المعسكر الاربعة من الخارج مع انشاء ساتر ترابي صغير بقياس (٥٠٠:٥٠٠ متر) على كلفة مدينة اشرف ومن ثم يتم تسليمه الى فوج الحماية.
2. سيتم تعديل وتنظيف طريق المواصلات بين الابراج من قبل مدينة اشرف .
3. تخصص مدينة اشرف كارفانا لكل برج لاستراحة كادر الفوج .
4. تخصص مدينة اشرف لكل برج وكارفانه مولد للثلاثة ذو سعة ٥ كيلو واط وخزان ماء 1٠٠٠ لتر ومرافق صحية ميدانية. تأمين الوقود وادامة المولدات وماء الخزانات سيكون على عاتق الفوج .
5. تأمين كلفة مستلزمات وتجهيزات الابراج يكون على عاتق الفوج.
6. يتم البدء في تطبيق هذه الخطة اعتبارا من يوم ٢٢ كانون الثاني - يناير ٢٠٠٩
7. سيتم تبليغ اكمل الخطة من قبل ممثل سكان اشرف الى امر فوج الحماية ومن ثم يتم نقل قوات فوج الحماية الى الابراج لممارسة واجبات حماية الاطار الخارجي لمدينة اشرف.

الموقعون
المقر كرم
امر فوج الحماية
٢٠٠٩ / ١ / ٢١
٩ / ٣ / ٣٧ / ٢٠٠٩

ممثل سكان مدينة اشرف
قوى براغي
٢٠٠٩ / ١ / ٢١

مستند التسليم والتسليم

م/ تسليم البرج الجنوبي الشرقي خارج «اشرف» من قبل سكان اشرف

الى الفوج الثالث من الفرقة التاسعة العراقية

بتاريخ ٢٦/١٠/٢٠٠٩ تم تسليم البرج الجنوبي الشرقي خارج «اشرف» من قبل ممثل سكان «اشرف» الى الفوج الثالث من الفرقة التاسعة لتسهيل مهمة الحماية لاشرف. وفي ما يلي مواصفات التجمع:

- 1- كرفانة بكامل القياس 9 في 3.5 متر
- 2- مرافق صحية
- 3- مولدة بخمس كيلوات
- 4- بروجكتور 3
- 5- برج كامل طوله 8 امتار
- 6- مفسلة الأواني (واحد)
- 7- خزان ماء 1000 لتر
- 8- ساتر ترابي بقياس 150*50 متر
- 9- امداد اناء تكبر

التسليم
السليم
٢٠٠٩ / ١٠ / ٢٦

التسليم
البر طاي
٢٠٠٩ / ١٠ / ٢٦

مستند التسليم والتسليم

م/ تسليم البرج الجنوبي الغربي

الى الفوج الثالث

بتاريخ ٢٣/١٠/٢٠٠٩ تم تسليم البرج الجنوبي الغربي خارج «اشرف» الى الفوج الثالث من الفرقة التاسعة لتسهيل مهمة الحماية لاشرف. وفي ما يلي مواصفات التجمع:

- 1- كرفانة بكامل القياس 9 في 3.5 متر
- 2- مرافق صحية
- 3- مولدة بخمس كيلوات
- 4- بروجكتور 3
- 5- برج كامل طوله 8 امتار
- 6- مفسلة الأواني (واحد)
- 7- خزان ماء 1000 لتر
- 8- ساتر ترابي بقياس 150*50 متر
- 9- امداد اناء تكبر

التسليم
البر طاي
٢٠٠٩ / ١٠ / ٢٣

مستند التسليم والتسليم

م/ تسليم البرج الشمالي

الى الفوج الثالث

بتاريخ ٢٤/١٠/٢٠٠٩ تم تسليم البرج الشمالي خارج «اشرف» الى الفوج الثالث من الفرقة التاسعة لتسهيل مهمة الحماية لاشرف. وفي ما يلي مواصفات التجمع:

- 1- كرفانة بكامل القياس 9 في 3.5 متر
- 2- مرافق صحية
- 3- مولدة بخمس كيلوات
- 4- بروجكتور 3
- 5- برج كامل طوله 8 امتار
- 6- مفسلة الأواني (واحد)
- 7- خزان ماء 1000 لتر
- 8- ساتر ترابي بقياس 150*50 متر
- 9- امداد اناء تكبر

التسليم
البر طاي
٢٠٠٩ / ١٠ / ٢٤

مستند التسليم والتسليم

م/ تسليم البرج الشمالي الغربي خارج «اشرف» من قبل سكان اشرف

الى الفوج الثالث من الفرقة التاسعة العراقية

بتاريخ ١٩/١٠/٢٠٠٩ تم تسليم البرج الشمالي الغربي خارج «اشرف» من قبل ممثل سكان «اشرف» الى الفوج الثالث من الفرقة التاسعة لتسهيل مهمة الحماية لاشرف. وفي ما يلي مواصفات التجمع:

- 1- كرفانة بكامل القياس 9 في 3.5 متر
- 2- مرافق صحية
- 3- مولدة بخمس كيلوات (2kw)
- 4- بروجكتور 3
- 5- برج كامل طوله 8 امتار
- 6- مفسلة الأواني (واحد)
- 7- خزان ماء 1000 لتر
- 8- ساتر ترابي بقياس 150*50 متر
- 9- امداد اناء تكبر

التسليم
البر طاي
٢٠٠٩ / ١٠ / ١٩

التسليم
البر طاي
٢٠٠٩ / ١٠ / ١٩

خودشان ساخته شده به شما هدیه نکردیم؟ مگر در ابتدای همین سال! پیشنهادهای خودمان را در صورتجلسه (محضر اجتماع) - که امضا نکردید- مکتوب نکردیم و به دست شما ندادیم؟

آیا صورت مسأله این است که مجاهدین اشرف را جزیره مستقل در عراق می بینند یا صورت مسأله این است که رژیم می خواهد عراق را بخورد و مزدوران خودش را سر کار بیاورد و آلترناتیو ملایی، آلترناتیو ولایت فقیه را به عراق قالب کند! صورت مسأله کدام است!؟

حرف ما چیست؟ ثابت شده که شما صلاحیت حفاظت ندارید، نیت حفاظت هم ندارید، توانش را هم ندارید، یعنی نه نیتش را دارید، نه صلاحیتش را دارید و نه توانش را. والا، بعد از جنگ جهانی دوم یک تشکیلات بین المللی ایجاد شده است که ۱۹۳ دولت هم عضو آن هستند و اسمش هست سازمان ملل متحد!

بر اساس منشور ملل متحد و بر اساس قوانین بین المللی، سازمان ملل یک وظیفه و مسئولیت صلحجانی یعنی نگهبانی از صلح دارد. جزء مدارک سازمان ملل است که روی سایتهاش هست و به سادگی قابل دسترس است. می گوید: صلحجانی من، نگهبانی صلح توسط من، امنیت ضروری را برای میلیونها نفر از مردم در سراسر جهان تأمین می کند.

آیا نیروهای ملل متحد که در کشورهای مختلف جهان هستند، جزیره مستقل درست کرده اند؟ کدام جزیره مستقل!؟ پس این حرف را قبل از ما به ملل متحد بگو! به شورای امنیت و به قوانین بین المللی بگو!

اگر از سازمان ملل بپرسید، می گوید همین الان در ۱۷ عملیات صلح، ۱۱۶ هزار پرسنل اش در چهار قاره دنیا شرکت دارند - سازمان ملل می گوید ها- و اینها روی زندگی صدها میلیون نفر از بابت صلح تأثیرگذار هستند.

سازمان ملل می گوید ۸۲ هزار پرسنل عضو در حال خدمت دارم که نیروی نظامی و ناظران آنها هستند، ۱۰ هزار پرسنل پلیس دارم و بیشتر از ۶۰ هزار پرسنل غیرنظامی، ۱۵ هزار پرسنل غیرنظامی محلی و ۲۲۰۰ داوطلب هم دارم. این آمار ملل متحد در ۱۶۰ کشور است.

کمالین که به انتخابات عراق هم کمک می‌کند، چون در شرح وظایفش نوشته شده که سازمان ملل به برگزاری انتخابات به شیوه درست کمک می‌کند و این یک وظیفه ضروری است. پشتیبانی از انتخابات در جاهایی که جنگ وجود داشته مثل نپال، افغانستان، بروندي، هائیتی، لیبریا و مثل همین عراق...

برای تشویق کشورها در نشریاتش، روی تابلوهای اعلانات و روی سایتهايش، ۲۰ کشور اولی را که برای مأموریت صلح بودجه می‌دهند، خودش اعلام می‌کند، هم‌چنین ۲۰ کشور اولی که برایش نیرو می‌دهند، مثل پاکستان، بنگلادش، هند، نیجریه، نپال، رواندا، غنا، اردن، ایتالیا، فرانسه، مصر، اتیوپی، سنگال، چین، آفریقای جنوبی، اندونزی، مراکش، برزیل، بنین و... را هم اعلام می‌کند.

این مأموریتها از بدو تأسیس سازمان ملل بوده؛ در خاورمیانه، هند و پاکستان، قبرس، سوریه، لبنان، صحرای غربی، کوزوو، کنگو، هائیتی، ساحل عاج، دارفور، بروندي، آفریقای مرکزی، چاد و الی آخر... آیا اینها جزیره تشکیل داده‌اند؟ یا مأموریت چیز دیگری است؟! سازمان ملل همیشه این آمار را منتشر می‌کند.

سازمان ملل می‌گوید یک چارچوب و یک اصول راهنمایی برای عملیات صلح‌بانی ما وجود دارد:

اول - قانون حقوق بشر بین‌المللی است که بخش جدایی‌ناپذیر چارچوب عملیات صلح ملل متحد است.

دوم - درک روشن از قانون بشردوستانه بین‌المللی است. اینها دو چیزند. این یکی قانون بشردوستانه بین‌المللی است که کنوانسیونهای ژنو در این مجموعه است.

خوب، ملل متحد، خودش توضیح می‌دهد که اینها را برای چه می‌خواهد؛ در شرح وظایف برایش نوشته شده، برای جلوگیری از درگیری، برای استقرار صلح، برای حفظ صلحی که برقرار شده، برای تضمین صلح و برای ساختن صلح که هر کدام از اینها خود بایی است.



Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights

International Covenant on Civil and Political Rights

Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966

entry into force 23 March 1976, in accordance with Article 49

Preamble

The States Parties to the present Covenant,

Considering that, in accordance with the principles proclaimed in the Charter of the United Nations, recognition of the inherent dignity and of the equal and inalienable rights of all members of the human family is the foundation of freedom, justice and peace in the world,

Recognizing that these rights derive from the inherent dignity of the human person,

Recognizing that, in accordance with the Universal Declaration of Human Rights, the ideal of free human beings enjoying civil and political freedom and freedom from fear and want can only be achieved if conditions are created whereby everyone may enjoy his civil and political rights, as well as his economic, social and cultural rights,

Considering the obligation of States under the Charter of the United Nations to promote universal respect for, and observance of, human rights and freedoms,

Realizing that the individual, having duties to other individuals and to the community to which he belongs, is under a responsibility to strive for the promotion and observance of the rights recognized in the present Covenant,

Agree upon the following articles:

PART I

Article 1

1. All peoples have the right of self-determination. By virtue of that right they freely determine their political status and freely pursue their economic, social and cultural development.
2. All peoples may, for their own ends, freely dispose of their natural wealth and resources without prejudice to any obligations arising out of international economic co-operation, based upon the principle of mutual benefit, and international law. In no case may a people be deprived of its own means of subsistence.
3. The States Parties to the present Covenant, including those having responsibility for the administration of Non-Self-Governing and Trust Territories, shall promote the realization of the right of self-determination, and shall respect that right, in conformity with the provisions of the Charter of the United Nations.

کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی



Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966

entry into force 3 January 1976, in accordance with article 27

Preamble

The States Parties to the present Covenant,

Considering that, in accordance with the principles proclaimed in the Charter of the United Nations, recognition of the inherent dignity and of the equal and inalienable rights of all members of the human family is the foundation of freedom, justice and peace in the world,

Recognizing that these rights derive from the inherent dignity of the human person,

Recognizing that, in accordance with the Universal Declaration of Human Rights, the ideal of free human beings enjoying freedom from fear and want can only be achieved if conditions are created whereby everyone may enjoy his economic, social and cultural rights, as well as his civil and political rights,

Considering the obligation of States under the Charter of the United Nations to promote universal respect for, and observance of, human rights and freedoms,

Realizing that the individual, having duties to other individuals and to the community to which he belongs, is under a responsibility to strive for the promotion and observance of the rights recognized in the present Covenant,

Agree upon the following articles:

PART I

Article 1

1. All peoples have the right of self-determination. By virtue of that right they freely determine their political status and freely pursue their economic, social and cultural development.
2. All peoples may, for their own ends, freely dispose of their natural wealth and resources without prejudice to any obligations arising out of international economic co-operation, based upon the principle of mutual benefit, and international law. In no case may a people be deprived of its own means of subsistence.
3. The States Parties to the present Covenant, including those having responsibility for the administration of Non-Self-Governing and Trust Territories, shall promote the realization of the right of self-determination, and shall respect that right, in conformity with the provisions of the Charter of the United Nations.

کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



**Convention (IV) relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Geneva, 12 August 1949.
Full text**

Preamble

The undersigned Plenipotentiaries of the Governments represented at the Diplomatic Conference held at Geneva from April 21 to August 12, 1949, for the purpose of establishing a Convention for the Protection of Civilian Persons in Time of War, have agreed as follows:

Part I. General Provisions

Article 1. The High Contracting Parties undertake to respect and to ensure respect for the present Convention in all circumstances.

Art. 2. In addition to the provisions which shall be implemented in peace-time, the present Convention shall apply to all cases of declared war or of any other armed conflict which may arise between two or more of the High Contracting Parties, even if the state of war is not recognized by one of them.

The Convention shall also apply to all cases of partial or total occupation of the territory of a High Contracting Party, even if the said occupation meets with no armed resistance.

Although one of the Powers in conflict may not be a party to the present Convention, the Powers who are parties thereto shall remain bound by it in their mutual relations. They shall furthermore be bound by the Convention in relation to the said Power, if the latter accepts and applies the provisions thereof.

Art. 3. In the case of armed conflict not of an international character occurring in the territory of one of the High Contracting Parties, each Party to the conflict shall be bound to apply, as a minimum, the following provisions:

(1) Persons taking no active part in the hostilities, including members of armed forces who have laid down their arms and those placed hors de combat by sickness, wounds, detention, or any other cause, shall in all circumstances be treated humanely, without any adverse distinction founded on race, colour, religion or faith, sex, birth or wealth, or any other similar criteria.

To this end the following acts are and shall remain prohibited at any time and in any place whatsoever with respect to the above-mentioned persons:

- (a) violence to life and person, in particular murder of all kinds, mutilation, cruel treatment and torture;
- (b) taking of hostages;
- (c) outrages upon personal dignity, in particular humiliating and degrading treatment;
- (d) the passing of sentences and the carrying out of executions without previous judgment pronounced by a regularly constituted court, affording all the judicial guarantees which are recognized as indispensable by civilized peoples.

(2) The wounded and sick shall be collected and cared for.

An impartial humanitarian body, such as the International Committee of the Red Cross, may offer its services to the Parties to the conflict.

The Parties to the conflict should further endeavour to bring into force, by means of special agreements, all or part of the other provisions of the present Convention.

The application of the preceding provisions shall not affect the legal status of the Parties to the conflict.

Art. 4. Persons protected by the Convention are those who, at a given moment and in any manner whatsoever, find themselves, in case of a conflict or occupation, in the hands of a Party to the conflict or Occupying Power of

کنوانسیون چهارم ژنو - ماده سوم مشترک در کنوانسیونهای ژنو

در واقع، ملل متحد می‌گوید: من یک نیروی بیطرفم و می‌خواهم قانون حقوق بشر بین‌المللی و قانون بشر دوستانه بین‌المللی، مراعات شود والا از صلح خبری نیست، والا خونریزی می‌شود. پس باید از درگیری جلوگیری شود، باید صلح ایجاد شود، مستقر شود، حفظ شود، تضمین شود و ساخته شود.

بسیار خوب، اگر این اسمش جزیره و نقض حاکمیت است، پس بفرمایید که شما کوره آدم‌سوزی می‌خواهید. پس بفرمایید که شما اوین و کهریزک می‌خواهید، پس بفرمایید که شما خانه‌های امن و شکنجه‌گاه‌های مخفی را می‌خواهید.

در یک گزارش خواندم که دانشجویان در تظاهرات دانشگاه تهران یا یکی از دانشگاه‌های دیگر شعار می‌دادند: «گفتی عراق دموکراسی، کو، کو، کو؟!»

خوب، اگر در عراق قرار است دموکراسی باشد بسم‌الله، قانون بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی که الفبا است، بقیه را هم خواهیم گفت:

قانونی وجود دارد تحت عنوان «کنوانسیون حقوق مدنی و فرهنگی» که عراق جزء امضاکننده‌های آن است.

قانون دیگری هست تحت عنوان «کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی».

بعد هم کنوانسیون‌های لاهه وجود دارد که در کنفرانس بین‌المللی نوامبر سال ۲۰۰۴ حقوقدانها در مورد اموال و مالکیت‌های مجاهدین به آن استناد کردند.

اصول دیگری در حقوق است به نام «اصل حقوق مسلم»، و هم‌چنین «حقوق مکتسبه»، ولی انگار نه انگار که اینها به گوش آقایان خورده باشد!

از همه روشن‌تر، ساده‌تر و در دسترس‌تر ماده سوم مشترک در کنوانسیون‌های ژنو است؛ چه کنوانسیون سوم و چه کنوانسیون چهارم.

همه کنوانسیون‌های ژنو یک ماده سوم مشترک دارد، ماده سوم می‌گوید: در کشوری که تخاصمی صورت گرفته مثل وضعیت عراق - افرادی هستند که در این جنگ نقش فعال نداشتند (مثلاً مجاهدین در جنگی که در عراق بوده نقش فعال نداشته و عضو نیروی مسلح هیچکدام از طرفین جنگ نبوده‌اند)، در تمامی شرایط بدون هیچگونه تبعیض و استثنایی باید مورد رفتار انسانی قرار بگیرند؛ صرفنظر از عقیده‌شان،

مذهبشان، نژادشان، پوستشان، جنسیتشان، محل تولدشان، دارایی‌شان و هر چیز دیگر.

به چه معنا؟ نه این که دولت عراق در حرف بگوید، رفتار انسانی، رفتار انسانی...! آقا رفتار انسانی را که واژگونه تفسیر نمی‌کنند!

معانی رفتار انسانی در ماده سوم مشترک در کنوانسیونهای ژنو نوشته شده، اینها خط قرمزهای قانون و قوانین بین‌المللی است:

الف: خشونت در قبال حیات و زندگی فرد به‌ویژه هرگونه قتل، نقص عضو، رفتار بیرحمانه و شکنجه،

ب: گروگان گرفته شدن،

ج: تجاوز به حیثیت فردی، به‌ویژه رفتار توهین‌آمیز و تحقیرآمیز،

د: صدور احکام و اجرای اعدام بدون هرگونه قضاوتی که توسط یک دادگاهی که طبق استانداردهای لازم تشکیل شده باشد. یعنی ارائه تمامی تضمینهای قضایی که از سوی جوامع متمدن الزامی دانسته شده است.

ه: مداوای زخمیها و بیماران.

چه کسی بود که بعد از ۶ و ۷ مرداد مانع شد که ما نتوانیم مجروحان را به بیمارستان منتقل کنیم، یا پزشک متخصص و پزشک بیهوشی نتواند بر بالینشان بیاید؟ چه کسی بود؟!

اگر قوانین بین‌المللی، اگر کنوانسیونهای بین‌المللی، اگر مسئولیتهای ملل متحد و وظایفش، دخالت در حق حاکمیت شماست؛ خوب این را بفرمایید و خلاصمان کنید! والا ما می‌گوییم تا وقتی که در بر روی این پاشنه می‌چرخد، تا وقتی که این دولت عراق بندناف خودش را از رژیم قطع نکرده، ببین آقا! نه نیت داری، نه توان داری و نه صلاحیت داری که از اشرف حفاظت کنی! حفاظت باید برعهده ملل متحد باشد. اگر هم آمریکا نمی‌خواهد وظایفش را انجام بدهد، پس سلاح را برای چه گرفتید؟ پس ۲۰ هزار تن مهمات و ۲۰ هزار قطعه سلاح شامل ۸۰۰-۹۰۰ زرهی را برای چه گرفتید؟ رسیدهایش که هست.

چه جالب! می‌گوید اتوبوس می‌آوریم شما سوار شوید بروید! بله؟! چه غلطها! خوشم

می‌آید که مجاهدین نشان دادند تا کجا به رهنمود امام حسین پایبند هستند که انما الحیوه عقیده و جهاد. ماشاءالله، لاحول و لا قوه الا بالله.

خیر! ما جزیره مستقل در کشور شما نمی‌خواهیم، خیر! ما هیچگونه تخطی به حاکمیت شما نمی‌خواهیم، آن کسی که می‌خواهد شما را در جیب بگذارد و بلعد، افعی ولایت است و نه مجاهدین. مگر این که خط او را پیش ببرید.



طارق هاشمی

مگر آقای طارق هاشمی، نایب رئیس‌جمهور کشور نیست که می‌گوید: آقا نمی‌توانی، استعفا بده دیگر، آخر چقدر مردم را می‌کشید؟ چقدر به حقوق مردم تجاوز می‌کنید؟ (این هم ما هستیم؟)

طارق هاشمی می‌گوید: مزدورهای رژیم را آورده‌اید که با ۱۰۰ دلار و ۲۰۰ دلار خودروهایی بمبگذاری شده را از نقاط ایست و بازرسی عبور بدهند. تا کی؟!

به مجاهدین که می‌رسد، شلیک است و تیغ و داس و تبر، اما ما به آرزو ماندیم که یکبار هم همین آقای مالکی و این آقای دباغ از جنایتهای رژیم بگویند، از بمبهای رژیم و از مداخلات رژیم بگویند.

در مقابل مجاهدین خلق و خلق چقدر گردن کش و شقی و سبع، با فورانی از اتهامها و لجن پراکنی که یک‌به‌یک آن را خواهیم گفت. اما در برابر رژیم، کرنش! هیهات منالذله. حالا این آقای طارق هاشمی است که می‌گوید: مسئولیت شرعی و اخلاقی و سیاسی ات اقتضا می‌کند که کنار بروی. یادتان هست از روز اول که این آقای مالکی نخست‌وزیر شد، روز ۲۶ تیر دیدن کاظمی قمی می‌رود، ۲۸ تیر اولین حرف و موضع‌گیریش علیه مجاهدین است که آنها ۶ ماهه باید بروند، حالا هم که هفته‌ها و روزهای پایانی او است، قبل از او عبدالعزیز حکیم هم شانس خود را آزمایش کرد. اما مجاهدین ایستاده‌اند همچون کوه. خوشا به این پایداری پرشکوه با پیروزیهایی که یکی بعد از دیگری به دنبال می‌آورد.

در هر حال من یکبار دیگر هم از شما سپاسگزارم که در مقابل سه اقدام بسیار کثیف

خویشترنداری کردید: آوردن عوامل رژیم به قرارگاه اشرف تحت پوش خبرنگار، راه انداختن بلندگو و ریختن کاغذ پاره که از عراق تا آمریکا و اروپا و داخل ایران خون هر انسان آزاده‌یی را به جوش می‌آورد. چون آقا حرفت را که زدی دیگر این کارها چیست؟ این ادا و اطوار کثیف پلیسی برای وادار کردن مجاهدین خلق ایران به کرنش و تسلیم در برابر ولی فقیه ارتجاع چیست؟ آنهم در زمانی که مردم ایران، جوانهای ایران، دانشجویهای ایران در خیابانها، روز روشن، رژیم را با اوراقش و با عکسهای خمینی و خامنه‌ای به آتش می‌کشند. چه خیال کردید، این چه کثافتکاری است؟! ننگ بر این فضیحت.

شکست خفت‌بار توطئه رژیم

اما مجاهدین عکس‌العمل نشدند و همه درها و دروازه‌ها و مقرها را بازگشودند. جهان دید که در ۶ و ۷ مرداد هم مقصر چه کسی بوده است. والا خوب، آنروز هم اگر می‌خواستید ایستگاه پلیس بزنید، اگر قصد کشتار نداشتید، اگر چنانکه نایب رئیس پارلمان اروپا نوشته، قصد نداشتید که آنها را ناگزیر به رفتن کنید - همچنان که روز دوم ژانویه ۲۰۰۹ گفتید - خوب، چرا آن روز هم از حضور و ورود خبرنگاران ممانعت کردید؟! این بار هم البته رژیم بمبش را ترکاند، ولی به رژیم هم تحمیل شد که جلو چشم جهانیان انجام بشود و همه گفتند که اتوبوسها خالی برگشت و پوزه او به خاک مالیده شد. مبارک!

خوب است در جریان باشید که روز قبلش، ما در یک نامه رسمی مراجع بین‌المللی، به‌خصوص ملل متحد را در جریان قرار داده بودیم که طبق اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم، قرار است عوامل رژیم در پوش خبرنگار و مشخصاً تحت عنوان تلویزیونهای العالم و الفرات که شبکه‌های عرب زبان رژیم آخوندی هستند، به اشرف بیایند و این کاری است بسیار تحریک کننده و ما مخالفیم چون علیه امنیت ماست و تا آنجایی که به ما مربوط می‌شود، می‌خواهیم اوضاع بی‌تنش پیش برود. اما در هر حال، از راه دادن به عوامل رژیم در پوشش خبرنگار تلویزیون و مطبوعات معذور هستیم. شاید به‌همین خاطر باشد که مزدوران رژیم مجبور شدند آرمهای مربوط به رسانه‌های مزدور خودشان را مخفی کنند والا که قطعاً با صراحت و بی‌تعارف از ورود آنها ممانعت می‌شد و اخراج می‌شدند.

گزارشی از پیروزی ۱۵ دسامبر

مهملدی برای: من هم مثل بقیه بچه‌ها می‌گویم که واقعاً این پیروزی کلان و بزرگ و فتح مبین جای تبریک دارد و در صحنه می‌توانیم آثار این را به‌خوبی ببینیم. روز ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) یکسری افراد وزارت دفاع و چند نفر از وزارت حقوق بشر با فرمانده گردان و فرمانده پلیس این‌جا آمده بودند، هیأت بزرگی بود. همان‌طور که در اطلاعیه شورا بود، اول گفتند برای ملاقات بیایید، خواهر مژگان گفتند پیام بدهید که اگر مسأله جابه‌جایی اجباری است، ما ملاقات نمی‌آییم و ملاقات نداریم. دوباره یک هیأت با یکی از افسران‌شان را فرستادند که گفت: هیچ بحث جابه‌جایی اجباری نیست و داوطلبانه است، رفت و برگشت پیامها با هیأت یکساعت و نیم طول کشید، بعد ما به ملاقاتشان رفتیم.

رئیس هیأت عراقی گفت، علی یاسری، در ملاقات با شما ابلاغ کرد که دولت عراق می‌خواهد جابه‌جایی ساکنان اشرف را از ۱۵ دسامبر شروع کند و ما الزامات و اماکن مناسب را در بغداد فراهم کرده‌ایم و امروز هم برای اجرا آمده‌ایم. از این لحظه هر کس از ساکنان که بخواهد می‌تواند خود را تحویل نیروهای عراقی مستقر در اشرف بدهد، ما گفتیم جابه‌جایی به‌صورت داوطلبانه است یا جابه‌جایی اجباری است؟ گفت امروز ما به‌شکل داوطلبانه این‌کار را می‌کنیم تا اگر کسی خواست برود و می‌گفت ما رعایت حقوق بشر را خواهیم کرد.

ما هم در ۵ یا ۶ محور نکاتمان را به او گفتیم: ما به حاکمیت عراق احترام می‌گذاریم، امروز هم می‌بینید که هیچ مانعی برای ورود نیروهای عراقی و هیأت عراقی و خبرنگاران نیست. جابه‌جایی هم نقض حقوق بشر و کنوانسیونهای بین‌المللی است، این نظر همهٔ وکلا و همه پارلمانترها و تمامی اینهاست که اینجا خانه ۳۴۰۰ نفر تلقی می‌شود. گفتیم اگر دولت عراق هم مخالف حضور ماست، ما قبلاً شروطمان برای رفتن به ایران و بعد هم رفتن به کشورهای اتحادیه اروپا را اعلام کردیم. بنابراین، اگر شما می‌خواهید جابه‌جایی اجباری انجام بدهید، یعنی می‌خواهید ساکنان اشرف را سرکوب کنید و قصد دارید وقایعی مثل ۲۸ و ۲۹ ژوئیه را ایجاد کنید دهها و صدها بار فاجعه آن بیشتر خواهد بود.

البته ساکنان اشرف هم تصمیم گرفته‌اند و وکلایشان هم به آنها گفته‌اند که در مورد جابه‌جایی مذاکره‌بی ندارند و این را حق خودشان می‌دانند و نمی‌خواهند حقوقشان زیر پا گذاشته شود. و این که تک‌تک ساکنان اشرف با هیأت وزارت حقوق بشر در آوریل ۲۰۰۹ مصاحبه کردند، نیروهای آمریکایی هم حضور داشتند و صلیب هم اشراف داشت. آنها همه انتخاب کردند که در اشرف بمانند و این انتخاب همه است، در نتیجه این را هم ما می‌خواستیم به شما بگوییم. در واقع او حرفهایش را زد و ما هم حرفهایمان را گفتیم و بعد هم همین حرفها را با خبرنگاران مطرح کردیم.

کمیته سرکوب از قبل به خبرنگاران گفته بود ساکنان اشرف را تحریک به مقابله‌جویی کرده‌اند، ولی وقتی خبرنگاران آمدند و اشرف را از نزدیک دیدند، انتظار چنین وضعیتی را نداشتند و گویی شوکه شده بودند. خبرنگاران اساساً در خیابانها بودند و نمی‌گذاشتند به قسمتها وارد شوند و همین که خبرنگاران برای دیدن دوتا از قسمتها وارد شدند، آنها به سرعت خبرنگاران را از محل دور کردند و این نشان داد که تا کجا تیرشان به سنگ خورده و در واقع مطلقاً نتوانستند به هدفشان برسند. آن روز از هر بابت یک شاهکار بود. مشاهده این جمع که واقعاً خودشان را برای هر لحظه و با هر وضعیتی آماده کرده‌اند. فی‌الواقع افتخارآمیز بود. بچه‌ها واقعاً به صورت یک تن واحد عمل می‌کنند و در صحنه سیاسی هم تک‌تک خواهران و برادران، همان مقدار را که من حضور داشتم و دیدم و گزارش خواندم و شنیدم، واقعاً خیلی خیلی جای تقدیر و سپاسگزاری دارد و در درجه اول ما در تک‌تک اینها عملکرد انقلاب خواهر مریم را می‌دیدیم، که صحنه‌ها همان صحنه نبرد فاتحان بود؛ ۳۶ تن یک الگو بود و حالا کل اشرف به صورت یک تن واحد تحت فرماندهی خواهر مژگان و خواهر صدیقه عمل می‌کند.

اعتراض لرد کوربت

در روز سه‌شنبه ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر ۲۰۰۹)، یک برانگیختگی شدید بین‌المللی در یک فضای بسیار ملتهب ایجاد شده بود. لرد کوربت یکی از قویترین اعتراضات را به عمل آورد و گفت: دولت عراق در یک اقدام مسخره، از خبرنگاران دعوت کرده که در یک نقطه بغداد جمع بشوند؛ جایی که اتوبوسها آنها را به اشرف می‌برند تا تماشاگر این

اقدام به اصطلاح انسانی توسط اراذل و اوباش عراقی در لباس پلیس و نیروهای امنیتی باشند. اما درست قبل از حرکت، بمب منفجر شد و ۵ دقیقه بعد تلویزیون دولتی خبرش را داد و گفت که مجاهدین خلق در همکاری با القاعده این انفجار را انجام دادند! لرد کوربت گفت: چه حرفهای چرند و مزخرفی! ۳۴۰۰ عضو مجاهدین خلق، در آنجا تحت محاصره‌اند، یکسال است خانواده‌شان را نمی‌گذارند وارد شوند، و کلایشان را نمی‌گذارند وارد شوند، حالا به‌طور سحرآمیز وسط شهر بغداد اینها بمب منفجر کردند. شاهکار است، نه؟!

لرد کوربت ادامه می‌دهد: اکنون فقط به مالکی نخست‌وزیر عراق می‌گویم خیلی مواظب باش که چکار می‌کنی، برای این که دموکراسی که مدعی‌اش هستی با رفتاری که با پناهندگان بی‌دفاع در اشرف می‌کنی، آزمایش می‌شود و محک می‌خورد. آقای مالکی باید بیاموزی که یکی از آزمایشهای یک دولت به واقع دموکراتیک این است که چگونه به تعهدات و تضمینهای بین‌المللی احترام می‌گذارد و به آنها عمل می‌کند؛ فارغ از این که راجع به کسانی که تحت حفاظتش هستند، چه فکر می‌کند. هیچ کس از تو نمی‌خواهد مجاهدین را دوست داشته باشی. ولی چیزی که ما روی آن پافشاری می‌کنیم این است که به حقوق آنها تحت قانون بشر دوستانه بین‌المللی احترام بگذاری. تمام حرف همین است. تو و سخنگوی دولت، به‌طور مکرر تضمینهای کتبی و شفاهی به ارگانهای مختلف سازمان ملل و سازمانهای دیگر داده‌اید که به حقوق آنها احترام می‌گذارید و سلامت و امنیت ساکنان اشرف را تضمین می‌کنید. باید بی‌محابا به شما بگویم که این حرفهای شما، تماماً دروغ است. شما هر تعهدی را که داده‌اید، نقض کرده‌اید. به‌یاد بیاورید که آوریل امسال، پلیس عراق با همه ساکنان به‌طور انفرادی، چک هویت انجام داد و در مصاحبه‌های خصوصی، همه آنها انتخاب خود را برای ماندن در اشرف گفتند.

هم‌چنین شما خوب می‌دانید که هیچ سلاحی در این کمپ نیست و نامه‌یی با همین مضمون امضا کرده‌اید که در آنجا نه سلاحی یافت شد و نه مهمات. اما در ۲۸ و ۲۹ ژوئیه وقتی که این اوباش آمدند و با زنجیر، تیر، قطعات بزرگ چوب با میخ حمله کردند و با گلوله‌های واقعی شلیک کردند، آنها با چه واکنشی مواجه شدند؟ با مقاومت

بردبار بدون خشونت. آقای مالکی و افرادش قسمتی از داستان را می‌گویند، می‌گویند که عراق تحت قانون بین‌المللی حق دارد حاکمیت خود را اعمال کند، کاملاً درست است، اما ابداً شواهدی در دست نیست که نشان دهد مجاهدین خلق با آن مخالفند یا حاکمیت عراق را به چالش کشیده‌اند. درست بر عکس. رهبری مجاهدین در اشرف در بیانیه‌های خود به‌طور مکرر این را تأکید کردند که به حاکمیت عراق احترام می‌گذارند. لرد کوربت هم‌چنین گفت که این رژیم یک درخت پوسیده است، آقای مالکی! زیاد به این رژیم تکیه نکن، اشتباه نکن، اوضاع به‌نحو بازگشت‌ناپذیر در ایران چرخیده است. من به آقای مالکی می‌گویم، از فرصت استفاده کن و به‌عقل بیا و به‌حقوق پناهندگان در اشرف احترام بگذار، و باید بگویم که علاوه بر هزاران نفری که در کشور خودت هستند، میلیون‌ها نفر در سراسر جهان از این ایرانیان هستند که پسران، برادران، دختران، پدران و دوستانشان را فدا کرده‌اند، میلیون‌ها نفری که در سراسر جهان برای دموکراسی در ایران فداکاری کرده‌اند.

در ادامه هم از قول آن مقام وزارتخارجة انگلیس که بعد از ۶ و ۷ مرداد با او ملاقات کرده است، گفت عذرخواهی کرد که در اشرف زیاده‌روی شده و بسیاری از ما بعد از آن خشونت ماه ژوئیه احساس شرم کردیم. و من - یعنی کوربت - به‌صراحت به دولت عراق و به دولت خودمان - یعنی دولت انگلیس - باید بگویم اصلاً لازم نیست که شما از آنها خوشتان بیاید و لازم نیست با آنها موافق باشید، بحث این نیست، بحث قوانین بین‌المللی و حقوق به‌رسمیت شناخته شده آنهاست. بحث این است که این حقوق را زیر پا نگذارید. همین، و نه چیز دیگر.

اگر یادتان باشد، در سال ۱۳۶۶، شیراک، نخست‌وزیر فرانسه شانسش را آزمایش کرد. شیراک، تعدادی از مجاهدین را دستگیر کرد و به گابن فرستاد، بعد عیناً مثل همین ۳۶ نفر مجبور شد آنها را برگرداند.

در سال ۱۳۸۲ فرانسه نخست‌وزیری داشت که خیلی در حرف - مثل همین مالکی - علیه مجاهدین زیاده‌روی کرد، اما به‌جایی نرسید. صمیمانه می‌خواهم عرض کنم، دوستانه می‌خواهم عرض کنم که: آنجا که عقاب پر بریزد...! اگر خیلی دلت برای حاکمیت عراق و امنیت عراق سوخته، قبل از این که قرارگاه اشرف

را جمع کنی و ببندی، بی‌زحمت خودت را در بغداد جمع‌وجور کن!
جمع کن بساط دروغ‌پدازی و لجن‌پراکنی و اقدامات کثیف را، مثل این سه کار کثیفی
که در اشرف انجام دادی!

سوابق نوری مالکی

آقای مالکی روز بعد از ۱۵ دسامبر - در بعدازظهر چهارشنبه ۱۶ دسامبر - یک کنفرانس
مطبوعاتی گذاشت که در آن دو سؤال راجع به وقایع روز قبل در اشرف بود.

کنفرانس مطبوعاتی نوری مالکی

تلویزیون العراقیه ۸۸/۹/۲۵ (۱۶ دسامبر ۲۰۰۹)

...ماجد حمید از تلویزیون الرشید: ... بسیاری از کانالهای تلویزیونی و خبرگزاریها
به تناقض بین اظهارات جناب نخست‌وزیر و سخنگوی رسمی (دولت) در مورد
سازمان مجاهدین خلق اشاره کردند، آیا انتقال این سازمان به اطراف بغداد یا خارج
بغداد خواهد بود و آیا این انتقال مقدمه‌یی برای اخراج آنها به خارج از کشور است
یا همیشگی است؟

المالکی: ... اما در رابطه با سازمان مجاهدین خلق، این سازمان دارای سوابق بدی
در عراق می‌باشد. جنایاتی را در حق مردم عراق مرتکب شده. رژیم گذشته از آن
به‌عنوان یک دستگاه امنیتی استفاده کرد و در نماز جمعه مرتکب کشتار شده و
هم‌چنین در کفری و کلار علیه افراد مرتکب جنایاتی شده است. این سازمان در
لیست بسیاری از کشورهای جهان به‌عنوان یک سازمان تروریستی متهم می‌باشد.
قانون اساسی ما و سیاست ما و اهدافمان می‌گوید که عراق نمی‌تواند نه محل اقامت
و نه معبر هیچ سازمان تروریستی باشد... و هم‌چنین به‌خاطر حفظ وحدت عراق
و تمامیت و حاکمیت آن، این سازمان نمی‌تواند در عراق حضور داشته باشد و این
اقدامات تنها اقدامات اولیه برای خلاص شدن از حضورشان است، با کشورهای
جهان صحبت کردیم که هر کسی می‌خواهد اینها را بپذیرد ما از آن استقبال
می‌کنیم. ما این سازمان را مجبور به بازگشت اجباری به ایران نخواهیم کرد و آنها

را تحویل نخواهیم داد. اما این سازمان که متهم به تروریسم است، اجازه نخواهیم داد که در خاک عراق بماند. فکر نمی‌کنم در اقداماتی که اتخاذ شده تناقضی در اظهارات باشد. این انتقال چیزی جز مقدمات نیست. اخراج آنها از این قرارگاه مقدمه‌یی است برای انتقال آنها به خارج و به هر کشوری که آنها را بپذیرد یا این که از عفوی که ممکن است دولت ایران به آنها بدهد، استفاده کنند.

جلال الخالدی از ماهواره الکوثر (رژیم): جناب نخست‌وزیر، ما دیروز طی توری که دفتر آقای علی الدباغ فراخوانش را داده بود، به قرارگاه اشرف رفتیم. طبعاً وقتی که با ساکنان قرارگاه برخورد کردیم، اغلب آنها با خروج از این قرارگاه مخالفت کردند و چنین استدلال کردند که هیچ تضمین امنیتی در خارج از این محل برایشان نیست. این یک موضوع است. اما در صورتی که ساکنان این قرارگاه با خروج از قرارگاه اشرف مخالفت کنند، آیا سقف زمانی توسط دولت عراق برای اخراج آنها از این محل وجود دارد؟ متشکرم.

مالکی: مسأله انتخاب به این معنا نیست که آنها بتوانند هر محلی را که می‌خواهند انتخاب کنند. این کشور حاکمیت و یک دولت مسئول دارد. ما برای آنها جایی را که باید در آن باشند، انتخاب می‌کنیم و هر کسی که اصرار دارد که او انتخاب می‌کند، اشتباه می‌کند. اما این که این تأخیر انداختن غیر محدود باشد، این طوری نیست. چرا که هر چیزی نهایت و حدی دارد. ما هم آن را به پایان خواهیم رساند و همه جهان پیام روشن ما را شنیدند که عراق نمی‌تواند هرگز مقر اقامت این سازمان باشد.

به نظر می‌رسد که این صحبت بیشتر مصرف رژیمی داشته است. با این حال چون آقای مالکی حرف خود را زده‌اند، من هم باید نکاتی را به استحضار برسانم. می‌گویم که این سازمان تروریست است، پس طبق قانون اساسی ما، لا مقرر و لا ممر لها.

فکر می‌کنم دیگر این برچسب تروریستی حربه زنگزده‌یی است. ۶ سال پیش در نوامبر سال ۲۰۰۳ آقای تام تانکریدو، نماینده کنگره آمریکا جواب را داده و من به‌همان جواب اکتفا می‌کنم. در خانه اگر کس است، یک حرف بس است. تانکریدو گفت فقط وقتی تو یک آخوند در ایران باشی، یک ملا در ایران باشی، مجاهدین را تروریست خواهی دید. خوب وقتی شما یک ملا در ایران باشی قطعاً آنها را به‌عنوان تروریست می‌بینی. آنها

که تهدیدی برای کشور ما نیستند. آنها که مطلقاً تهدیدی متوجه آمریکا نکرده‌اند. در واقع آنها یک سرمایه‌عظیم هستند. آنها بودند که از جمله همه اطلاعات در مورد ماجراجویی اتمی را که ما از آن اطلاع داریم، افشا کردند.

علاوه بر این، هر کس که به مجاهدین بگوید تروریست، دستکم این برچسب به آقای مالکی نیامده، چرا؟ چون با ۸ سال در پادگان غیور به‌عنوان سرباز امام - حرف خودش است- و بیعت با ولی‌فقیه ارتجاع و فاشیسم دینی حاکم بر ایران، این ادعاها دیگر زیادی است.

سابقه ایشان را ملاحظه کنید؛ این فقط حرف ما نیست، از جمله:

- آسوشیتدپرس، ۱۱ ژوئن ۱۹۸۷ از رادیو رژیم نقل قول می‌کند که: «سپاه پاسداران انقلاب ایران گفت اگر آمریکا ناو جنگی در خلیج فارس بیاورد، این گروه‌های عراقی را که تحت‌امر ما هستند، می‌فرستیم علیه کشتیهای شما عملیات انتحاری بکنند. هم‌چنان که این شبه‌نظامیان شیعه از حزب‌الدعوه در سفارتهای فرانسه و آمریکا در کویت بمبگذاری کرده‌اند».

رادیو تهران گفت: «واحد نظامی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، در صورت حرکت ماجراجویانه استکبار جهانی در خلیج فارس، به‌عملیات شهادت‌طلبانه مبادرت خواهد کرد. عبارت استکبار جهانی توسط رهبران ایران، برای اشاره به آمریکا است». رادیو تهران به‌نقل از این گروه در بیانیه‌ی گفت: «هر زمان که مقامات جمهوری اسلامی ایران فرمان دهند، ما منطقه را به گورستان سربازان آمریکا و مزدوران مستکبران تبدیل می‌کنیم».

این را در گیومه از بیانیه خودشان دارد نقل می‌کند که هر زمانی رژیم به‌ما فرمان بدهد، یعنی تحت‌امر رژیم هستیم.

مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، سازمان مادر چندین گروه شبه‌نظامی مسلمان شیعه مخالف عراقی است از جمله حزب‌الدعوه مسئول بمبگذاری انتحاری در سفارتهای فرانسه و آمریکا در کویت.

بفرمایید! این هم یک مقاله مستند از نیوزویک ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹، یعنی ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ که قسمتهایی از متن را می‌خوانم:

AP Associated Press

June 11, 1987

Revolutionary Guard, Iraqi Dissident Group Threaten U.S.

NICOSIA, Cyprus - An Iranian Revolutionary Guards leader boasted Thursday that his fast gunboats could and would destroy any American warship that tried to attack islands off his nation's coast.

Earlier, a Tehran-based Iraqi dissident group warned it would launch suicide operations against Americans if they carried out attacks. Tehran radio reported.

Guards deputy commander Afshar derided as U.S. officials that

Ruhollah Khomeini missile-armed gun Iranian-held islands

In the wake of the attack on the frigate United States is force in the gulf danger posed by missiles to ships in the Hormuz, a bottleneck at the entrance of the gulf.

The Stark attack killed 37 U.S. sailors. Iraq has said the attack was accidental and has apologized.

Although both Iran and Iraq have attacked foreign merchant ships in the gulf in their 6 1/2 -year war, the United States believes Iran poses the major threat to shipping in the oil-rich region.

The United States has promised to protect Kuwaiti oil tankers by putting

Iranian land-to-ship missiles installed at the vital Strait of Hormuz.

Afshar, quoted by the state-run Islamic Republic News Agency in a dispatch monitored in Nicosia, said his gunboats could destroy the intruding warships even from a long distance.

"If the Americans try to land forces on Iranian and Persian Gulf islands, and in Iranian bases, the navy of the corps ... will destroy all their facilities with full force by using missile systems," he was quoted as saying in a report on Tehran radio, also monitored in Nicosia.

The group is an umbrella organization for several militant Shiite Moslem Iraqi opposition factions, including the Daawa party, responsible for the 1983 suicide bombings of U.S. and French Embassies in Kuwait.

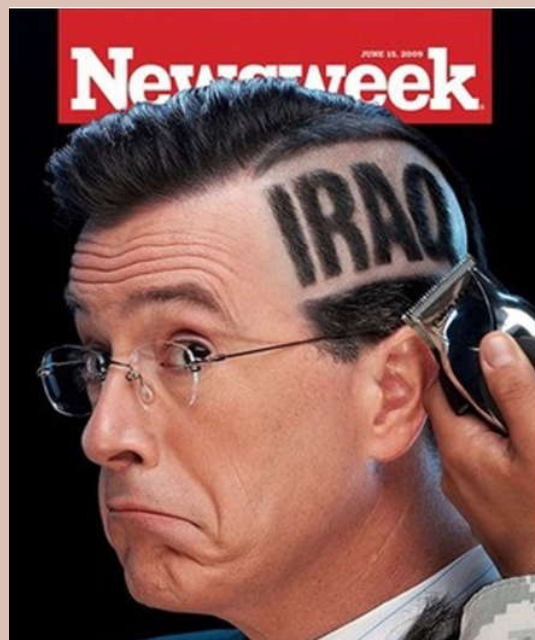
Seventeen of that group's members are currently in jail in Kuwait.

The group is financed and supported by Iran's fundamentalist government. Followers fight alongside Iran in the war with Iraq.

the event of any adventurist move in the Persian Gulf by world arrogance, the diehard Iraqi Mujahedeen will carry out martyrdom-seeking operations."

The term "world arrogance" is used by the Iranian leaders to refer to the United States.

"Whenever officials of the Islamic Republic of Iran give orders, we will turn the region into a graveyard for American soldiers and agents of arrogance," Tehran radio quoted the group as saying in a statement.



Tehran's support for the Iraqi

Skeptics say Dawa will always be in bed with Iran, willingly or otherwise. Shabander, who has known Dawa's leadership since the 1970s, says Maliki is surrounded by senior party members with Iranian loyalties who enable Tehran to "run Dawa by remote control," in his words.

نیوزویک ۱۵ ژوئن ۲۰۰۹

«دهها سال بعد هنوز خاطرات، نخست وزیر عراق را عذاب می‌دهند. در آن زمانها نوری مالکی یک تبعیدی در جنوب ایران بود و شبکه‌های مخفی را اداره می‌کرد و ایران و عراق در جنگ بودند.

مالکی به اجازه مقامات ایرانی نیاز داشت تا به مناطق مرزی وارد شود، ولی مریدان ایرانی مالکی دوست داشتند که زندگی را برای او سخت کنند، مثلاً یکبار بعد از ۱۲ ساعت رانندگی در یک هوای توفانی زمستان، یکی از این مقامات گفته بود که اجازه عبور از آنجا را ندارد و بایستی اجازه عبور از یک مقام دیگر به دست آورد...

به‌عنوان نخست‌وزیر، وقتی که او این داستان را الان بازگو می‌کند، بنابه گفته متحدش سامی العسکری، مالکی به آهستگی به یک دوستش هشدار داد که «اگر این مقام امروز به‌نزد من بیاید کفشهایم را در می‌آورم و توی سر او می‌زنم...»

واقعیت این است که ایرانیها اینک در داخل عراق نفوذ بیشتری در قیاس با نفوذی که قرن‌ها در آنجا داشته‌اند، اعمال می‌کنند. این اهرم به اشکال مختلفی می‌باشد: نه فقط تجارت از آنسوی مرز و لابی کردن مستقیم توسط فرستادگانشان در بغداد، بلکه هم‌چنین با پیوندهای سری با شبه نظامیان شیعی و تیمهای ترور. لذا رهبران عراق به‌طور آشکار مایلند که از تهران دستور بگیرند...

مالکی در اکتبر ۱۹۷۹ عراق را ترک کرد و به ایران رفت... در آن دوران وی اسم مستعار آقای «محسنی» را در ایران و جواد مالکی را در سوریه برای خود برگزید... در شروع جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ حمایت ایران از چریکهای عراقی افزایش یافت و یکسال بعد، دولت ایران به آنها یک اردوگاه که مربوط به یک شرکت نفت کره‌شمالی بود، اختصاص داد تا در آن زندگی کنند. این کمپ که در ۱۳ مایلی شهر ایرانی اهواز بود در منطقه‌ی عرب نشین و در نزدیک مرز با عراق قرار داشت. این نزدیکی، عملیات آنها به داخل عراق را تسهیل می‌کرد...

منزعاتی در مورد این که چه کسی ورودی این کمپ را کنترل کند و دسترسی به مرز چگونه باشد وجود داشت...

مالکی خواهان صبر [صبر و تحمل در برابر فرامین رژیم ایران] بود، اما در نهایت ایرانیها [یعنی رژیم ایران] به‌طور یکجانبه تصمیم گرفتند یک گروه دیگر را سازماندهی کنند

و نامش را مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق گذاشتند. برخى از اعضاى الدعوه به مجلس اعلا پیوستند، اما اکثراً از این کار خودداری کردند یا اخراج شدند. عزت شابندر که در سالهاى ۱۹۷۰ از الدعوه منشعب شد... و اکنون نماینده مجلس عراق است، می گوید مجلس اعلا فرزند ناخلف رژیم ایران است. عراقیهاى که در این کمپ بودند پروسه تحویل این کمپ به مجلس اعلا را توضیح می دهند. آنها می گویند، مالکی که در آن زمان فرمانده این کمپ بود، جلساتی برگزار کرد و به سلسله مراتب آنجا وعده می داد که مبارزه الدعوه ادامه می یابد... تهران از ساکنان جدید این کمپ پشتیبانی کامل کرد. از آن پس سربازان شیعی اسیرشده عراقی اجازه داده می شدند که به جای اردوگاه اسرا، وارد مجلس اعلا بشوند. طالب الحسن به یاد می آورد که وقتی برای تمديد کارت مهاجرت مالکی مراجعه کرده بود، یک مأمور ایرانی جواب داد که باید نامه مکتوب از مجلس اعلا بیاورد... مالکی از این که ایران را ترک می کرد و به سوریه می رفت، بسیار متأسف بود. منابع متفاوت هستند، اما حدود سال ۱۹۹۰ بود که وی به سوریه منتقل شد... مالکی و سایر رهبران شیعی در عراق فراموش نمی کنند که این ایران بود که به عنوان اولین همسایه، شورای حکومتی عراق را در سال ۲۰۰۳ به رسمیت شناخت... طی خونریزیهای فرقه‌یی هم این ایران بود که سلاح به عراق آورد... هیچیک از رهبران کشورهای منطقه قبل از احمدی نژاد از عراق دیدار نکرده است...» در آخر این مقاله هم آمده است: «منتقدین و آنها که به دیده تردید می نگرند، گفتند الدعوه خواه ناخواه همواره با ایران پشت یک میز خواهد بود. شابندر که از سالهاى ۱۹۷۰ با رهبری الدعوه آشنایی داشته، گفت: مالکی توسط اعضاى ارشد حزبش محاصره است که وفادار به ایران هستند و تهران را قادر می سازند که الدعوه را از دور کنترل کند». خوب، مگر شما در پادگان غیور، سرباز امام، تحت امر سپاه پاسداران، بیعت کرده با ولی فقیه ارتجاع، نبودی؟

مجاهدین که هیچگاه در خارج خاک خودشان، عملیاتی نکردند، مرز سرخهایشان هم روشن بوده، همه حقوقدانان هم در همه دنیا این را اذعان می کنند. این تفاوت بین مقاومت مشروع در داخل خاک خودش روی هدفهای نظامی و امنیتی رژیم در

همان روزگار است، با تحت‌امر یک دولت خارجی بودن و با بمبگذاری در کشورها و سفارت‌های دیگر. بنابراین آقا جان اینقدر تند نرو! آنهم در مورد تروریسم مجاهدین!! مگر شما تحت‌امر قرارگاه رمضان و دستجات تروریستی مستقر در پادگان‌های غیر- تحت نام سربازان امام - نبودی؟ مگر سلاح و مهمات را از سپاه پاسداران نمی‌گرفتی؟ مگر آنها را به معابر مرزی نمی‌رساندی؟ مگر حتی در سوریه که تشریف داشتی با نیروی تروریستی قدس ارتباط نداشتی؟ مگر در سوریه با پاسدار رضا سیف‌اللهی، فرمانده وقت ستاد تروریستی نصر، ارتباط و ملاقات نداشتی؟ و تحت امر نبودی؟ مگر شما سرسپرده ولایت فقیه نبودی؟ عجب! هر چقدر که ما خویشتنداری می‌کنیم...!

استقلال شگفت‌انگیز مجاهدین

اما در مورد مجاهدین؛ مگر رئیس‌جمهور قبلی عراق در تلویزیون این کشور در ۱۱ تیر ۱۳۶۷ نگفت: «من می‌خواهم یک شهادتی بدهم برای تاریخ و تاریخ عراق و مردم عراق (چون تا حالا چنین چیزی ندیده بود) این مردمانی که آمده‌اند؛ مجاهدین خلق در کشور ما، چون جنگ است دیگر، ما از آنها اطلاعاتی خواستیم، مجاهدین با صراحت - در حالی که همه اطلاعات را داشتند- از دادن هر اطلاعاتی که به مردمشان، به خلقشان و به اقتصادشان، ضربه بزند یا برخلاف خطوط خودشان باشد، رد کردند و وقتی این کار را کردند، احترام من نسبت به این نیروی سیاسی قابل احترام برانگیخته شد.

بنگريد که تفاوت از کجاست تا به کجا؟! در ۷ سال اخیر هم که خیلی روشن شد؛ این کدام ارتش بود در جهان، کدام سازمان بود در جهان، که نفراش تک‌به‌تک زیر ذره‌بین بروند، سؤال و جواب بشوند، به‌وسیله ۹ آژانس آمریکایی طی ۱۶ ماه تحقیقات غربال بشوند، اسکرین و مصاحبه بشوند و مصاحبه‌های وزارت خارجه آمریکا به‌طور خصوصی و انفرادی و بعد، ۶ سال هم آمریکاییها اینجا بودند.

حالا هم پلیس عراق، دولت عراق، حقوق بشر عراق آمده و مصاحبه پشت مصاحبه، بنام مجاهدین را در چنین کارزار عظیم تاریخی، که از جمیع جهات بیسابقه است.

این فقط حرف ما نیست، یادم هست که این را چند سال پیش، یکی از برجسته‌ترین حقوقدانان در انگلستان گفت: تا آنجایی که من تجربه و علم و اطلاع دارم تا به حال در

الرئيس القائد صدام حسين يكرم عدداً من القادة الميدانيين ويؤكد : تصميمنا طرد المحتلين من كل شبر يحتلونه

الجنود الذين اعتقدوا بأن الخلل في
 برأنا ما أرادنا علاجاً فالحل هو طريق
 نهجه الفارغة ويجلس على أرضه ويملك
 الانتصاري والمعنوي والنفس والسياسي
 خطيرة في شعبيه . وقد يجد طريقاً لأن
 أو هذه مسألة بيته وبين شعبه وليست
 في يتحدث عنها هي انه اسمي المعارضة
 مجاهدي خلق بالعملاء الى العراق ونحن
 حترم المناضلين اصحاب الراي . وللتاريخ
 نتم بعض المعلومات وتعاونوا برغفون وقد
 أو كوة سياسية وهي من نوع المعلومات
 وتؤدي شعبيهم .
 معلومات فائق انما لقرون على الحصول
 انه مشروع ضمن الهدف الواحد الذي هو
 النظام على الثورة . مشروع وصحيح لكل
 مع العراق لأن تعاونيه مع العراق ليس
 مشتركاً لانقاذ شعوب ايران وشعب العراق
 انبه التي ينتهجها حكام ايران بالعدوان على
 اذن وعلى المسلمين بما في ذلك الإيرانيون

القائد : تنتزع الاضينا من غيرهم العراق لعب دور الشمعة التي تحترق دفاعاً عن الانسانية طرييق العراقيين سيستمر بالصعود السيد الرئيس صدام محسين يكرر عدداً من القادة الميدانيين

ان خمنتى او الجنرال الجديد . الذين اعتقدوا بان الخلل في
 وباعتقائنا ان يصلحنا الامور اذا ما ارادنا علاجاً . فالحل هو طريق
 السلام . والتخلي عن هذه العنصرية الفارغة . وجلس على أرضه
 ويشتم جراح شعبه في الجانب الاقتصادي والمعنوي والنفس
 والسياسي والاجتماعي الذي هو حالة خطيرة في شعبيه . وقد يجد
 طريقاً لأن يحكم شعبيه . اما كيف يحكم فهذه مسألة بيته وبين شعبه
 وليست مسألتنا نحن . ومن جملة المخططات التي يتحدث عنها هي انه
 اسمي المعارضة التي هي ضدهم . ويقاد مجاهدي خلق . بالعملاء
 الى العراق . ونحن ليس لدينا عميل . فنحن نحترم المناضلين اصحاب
 الراي . وللتاريخ نقول اننا نسوق ان ظناً منهم بعض المعلومات وتعاونوا
 برغفون . وقد احترمنا رايهم عندما رفضوا كوة سياسية . وهي من
 نوع المعلومات التي قد تؤدي القضاءهم . او تؤدي شعبيهم .

نحصل على المعلومات بجهودنا الذاتية

اما كيف نحصل على المعلومات . فائق انما لقرون على الحصول
 عليها بجهودنا الذاتية . مع انه مشروع ضمن الهدف الواحد الذي هو
 ان نحول دون ان يطغى النظام على الثورة . مشروع وصحيح لكل
 مواطن ايراني ان يتعاون مع العراق . لأن تعاونيه مع العراق ليس
 تعاوناً عملياً وانما تعاون مشترك لانقاذ شعوب ايران وشعب العراق
 من الحالة الظلامية العدوانية التي ينتهجها حكام ايران بالعدوان على
 الامة العربية وعلى العراق وعلى المسلمين بما في ذلك الإيرانيون
 أنفسهم .

بريد خمنتى وجماعته ان يبور عزائمه في مهران . ويكذب على
 شعوب ايران . ويصور الامر كأن المسألة مسألة عملاء تعاونوا مع
 العراقيين وعزب خمنتى وجماعته في مهران . المسألة اعمق من هذا
 وهي تتصل بيقظة شعوب ايران نفسها . على انه كان مغرراً بهم .
 وبقلة شعوب ايران على ان يحكمهم بجناح وعشورون مع نكسك
 شعب العراق يوماً بعد يوم . وشهراً بعد شهر بطريق الخلق والتاريخ
 الحق الذي منذ البداية واتى يوماً هذا . ولأنه يفتل العراقيون ان
 بالطريقة التي يعرفها خمنتى ولا يفتل الإيرانيون بالطريقة التي كان
 يعرفها خمنتى . لان الإيرانيين اقتضوا الدجل بعد ثلثي سنوات
 ورفضوا طريق الدجل والشجوة . وازاء العراقيين بعد ثلثي
 سنوات تفتلنا بطريق الصواب والصحيح وطريق الحقيقة .

راديو بغداد ١١/تير/٦٧ قسمتي از سخنان رئيس جمهور عراق در مراسم اعطای مدال به
 گروهی از فرماندهان نظامی را پخش کرد:
 «... از جمله دروغپردازیهای (خامنهای) [در نماز جمعه دیروز] این است که اپوزیسیون
 و دقیقاً مجاهدين خلق که بر ضد آنان می باشند را مزدوران عراقی نامید. ما مزدور نداریم،
 [اینها] مردمان مبارزی هستند و به آنها احترام می گذاریم و آنان صاحب نظر هستند و
 برای تاریخ می گویم که قبل از این ما از آنان برخی اطلاعات، از نوع اطلاعاتی که به
 اقتصادشان و یا به خلقشان زیان وارد می کند خواستیم، اما آنها رد می کردند و نظرشان
 را هنگامی که رد می کردند به عنوان یک نیروی سیاسی محترم شمرديم.»

انعكاس صحبتهای رئیس جمهور سابق عراق در رسانه های رسمی، ٣ ژوئیه ١٩٨٨

دنیا ارتشی و سازمانی و نیرویی نبوده که تک‌به‌تک نفراش این‌طوری از زیر ذره‌بین رد بشوند.

و همچنان که روحانی برجسته عراقی ایاد جمال الدین گفت: «اگر شما حتی یک برگ جدی، یک ورقه جدی علیه اینها می‌داشتید که کوتاه نمی‌آمدید و صرف‌نظر نمی‌کردید». خوب، این پاسخ برچسب تروریستی آقای مالکی به مجاهدین که از سوی ایشان خیلی خنده‌دار و مضحک و ناموجه است.

شاید به‌خاطر همین سوابق است که هرچه در سالهای گذشته ایشان اتهام زدند و ما دعوت کردیم که تشریف بیاورید به یک دادگاه بیطرف بین‌المللی، به‌روی خود نیاوردند. از ناراحتی ایشان در روز بعد از ۱۵ دسامبر و این که اتوبوسها خالی برگشته و بی‌اثر بودن اقدامات کشیف پلیسی برای این که مثلاً یک مجاهد خلق را با بلندگو و ورق پاره وادار کنند که خودش را به پلیس عراق تسلیم کند و بعد هم جلو رژیم کرنش کند، معلوم می‌شود طرف خیلی پیاده است! اصلاً حالیش نیست، فکر کرده با پادگان غیور و سربازان بیعت کرده با امام ملعون (خمینی) طرف است.

عقب‌ماندگی و کودنی سیاسی!

مالکی می‌گوید اخراج آنها از این قرارگاه، مقدمه‌یی است برای اخراجشان از عراق. خوب از این واضح‌تر نمی‌شد به هدف جابه‌جایی اجباری اقرار کرد. چیزی که مجاهدین سفت و سخت و با تمام قوا در مقابلش ایستاده‌اند و خواهند ایستاد به هر قیمت...! تکرار می‌کنم، اگر کسی زبان قانون حالیش هست؛ خوب اینها (مجاهدین) گفته‌اند همه موقت هستیم تا کشور ثالث بپذیرد... و اینها بعد از این بود که مجاهدین گفتند می‌خواهیم برویم وطن خودمان، نه آنطور که مالکی می‌گوید از عفوی که دولت ایران می‌دهد، استفاده بکنند!... آقای مالکی دیگر از این الفاظ کشیف برای مجاهدین بر زبان مران، عفو شیطان! ارزانی شاگردانش باد، ارزانی اخوان‌الشیاطین باد! گویا طرف خبر ندارد که نه در عراق، نه زیر دوربینهای بین‌المللی، نه زیر نظارت ملل متحد، بلکه در سلولهای اوین و قزلحصار ۳۰ هزار مجاهد سر به دار سپردند و عفو ولی‌فقیه را به‌سرش کوبیدند، ننگ بر این عفو باد.

طرف هنوز دارد با مجاهدین با زبان قرون وسطی، با زبان کرنش و تسلیم به ارتجاع و فاشیسم صحبت می کند و مثل باندهای فاشیستی بلندگو راه انداخته که بیاید خودتان را به پلیس عراق معرفی کنید! جمع کن این رذیلتها را، مگر مجاهدین این کاره اند؟! پس چرا بیایند اینجا (عراق) بایستند؟ کسی که فکر کند بعد از ۲۴ سال (ربع قرن) و بعد این هفت سال زیر مهیبتترین بمبارانها و بعد از ۶ و ۷ مرداد می تواند مجاهدین را با کاغذپاره و بلندگو از پای در آورد، این از فرط عقب ماندگی و کودنی سیاسی است.

طرح اتهامها و دروغهای سخیف

فراخوان به شرکت در دادگاه بین المللی

می گوید که در رژیم قبلی عراق از مجاهدین به عنوان یک دستگاه امنیتی استفاده می شده است، مرتکب کشتار مردم عراق در نماز جمعه شده اند، و هم چنین گردها را کشته اند و در لیستهای تروریستی برخی کشورها هم هستند...

اولاً - لیستهای تروریستی بقیه کشورها به تو چه ربطی دارد؟!

ثانیاً - کدام کشور غیر از تو و رژیم گفته این سازمان ممنوعه است؟ هرگز کسی نگفته! این همه تظاهرات مجاهدین با آرم خودشان، حتی با پرچم ارتش آزادیبخش جلوکاخ سفید، در خیابانهای لندن و پاریس، با علائم و آیینها و ترتیبات خودشان چیست؟ سخت در اشتباهی!

چند بار بگویم و چند بار بنویسیم و چند بار مکتوب کنیم که آقا اگر حرف داری بیا در دادگاه حرفت را بزن. والا معلوم است که حرفهای تو برای خوشامد رژیم است. حرف داری بسم الله. به خصوص که دادگاه اسپانیا از شما دعوت کرده، تشریف بیاورید، از دولت و مقاماتان هم دعوت کرده، بنابراین اگر زحمت بکشید و خودتان داوطلبانه تشریف بیاورید که خیلی بهتر است و استقبال می کنیم.

قبل از تو هم، از مقامات رژیم این را خواستیم که اگر خامنه ای، احمدی نژاد، قبلش، بعدش و حاجی خاتمی راست می گویند، بفرمایند دادگاه. اگر کسی ریگی به کفش خودش نداشت که خیلی خوب است، بیاید در دادگاه بین المللی بیطرف و نشان دهد که حق با اوست و درست می گوید.

اما بحث که این چیزها نیست. در همین دو سه سال اخیر و در این هفت ساله واقعاً می‌شود گفت صدها بار گفتیم، نوشتیم، وکلاً گفتند، پارلمانترها گفتند، حقوقدانها گفتند، سازمانهای بین‌المللی گفتند، اما طرف که گوشش به این حرفها بدهکار نیست. از جمله فردای ۶ و ۷ مرداد حقوقدانها و وکلای بین‌المللی به مالکی نوشتند که آقای مالکی؛ حواست باشد در روز ۳۱ ژوئیه - یعنی دو روز بعد از حمله - شما در تلویزیون دولتی عیناً با واژه‌های رژیم، با کلمه منافقین از مجاهدین صحبت کردید، یعنی دیگر هر نوع حیایی را هم کنار گذاشتید، و بعد انبوهی اتهام ردیف کردید...

عیناً از روی متن نامه حقوقدانها در ۲ اوت ۲۰۰۹ (چهار روز بعد از حمله) برایتان می‌خوانم: «آقای مالکی، کمیته بین‌المللی حقوقدانان برای دفاع از اشرف، تاکنون دهها بار به مقامات مختلف عراقی و به‌خصوص به شخص شما در نامه‌های رسمی نوشته است که اگر طرح این دروغها و اتهامها به‌دستور تهران نیست، به فراخوانهای مکرر حقوقدانان و موکلین ما برای ارجاع آنها به دادگاه بین‌المللی یا کمیسیون حقیقت‌یاب ملل متحد پاسخ دهید. تصریحات روز ۳۱ ژوئیه شما در تلویزیونهای عراقیه و الحره، هیچ تردیدی در نیت شوم شما برای وارد کردن پلیس به اشرف باقی نگذاشت. هرچند در روزهای قبل از آن نیز جنایاتی که نیروهای عراقی به‌دستور شخص شما در اشرف مرتکب شده بودند، مقاصد واقعی شما را برملا کرد و ستایش منجرکننده و تقدیر علنی علی لاریجانی، رئیس مجلس و یک دوجین از ملایان حکومتی تهران را نسبت به این جنایات در نماز جمعه ۳۱ ژوئیه در شهرهای مختلف برانگیخت.

نامه حقوقدانان در ادامه بیان می‌دهد:

از این پیشتر کمیته بین‌المللی حقوقدانان در نامه‌های ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷، ۵ مارس ۲۰۰۸ و ۷ مارس ۲۰۰۸ به مقامات آمریکایی - که کپی آن برای شما و کلیه مقامات عراقی و ملل متحد هم ارسال شده است - گفتند که موکلین ما در اشرف، از هر دادگاه بین‌المللی در اروپا یا آمریکای شمالی برای رسیدگی به چنین اتهامهایی که منشأی جز رژیم ایران ندارد، به‌غایت استقبال می‌کنند.

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

Mr Al-Maliki,

1. The crimes committed in Ashraf on 28, 29 and 30 July are clearly considered as "crime against humanity" and in accordance with Article 7 of the Statute of the International Criminal Court can be

prosecut
know, as
can also
on unive

2. The judi
Rome, b
Ashraf a

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

allegations to an international court or to the United Nations International Humanitarian Fact Finding Commission if they are true and not made at Teheran's instructions.

ADVISORY BOARD

HONOURARY

PRESIDENTS

**THE RT. HON. THE LORD
SLYNN OF HADLEY**, Former
Judge of the European Court of
Justice, UK

M. CHEIF BASSIOUNI,
Distinguished Research Professor
of Law, President Emeritus,
International Human Rights Law
Institute, US

PROF. ERIC DAVID,
President,
Centre of International Law, the
Free University of Brussels, EU

**EXECUTIVE DIRECTOR
FRANÇOIS SERRES**, Lawyer
Paris Bar
CANADA

HON. DAVID KILGOUR, JD,
Former Canadian Secretary of State
for Africa, Latin America and the
Asia-Pacific

PAUL D. COPELAND,
Director Law Society of Upper
Canada

WARREN CREATES, LL.B.,
Head of Immigration Law Group

FRANCE

MARIO STASI, Former
President, Paris Bar Association
**PROF. JEAN-YVES DE
CARA**

Faculty of Law, University of Paris V
Paris Descartes

BERTRAND FAVREAU,
President, Human Rights Institute of
the Bar of Bordeaux

GILLES PARUELLE, Former
President of the Val d'Oise Bar
Association

ITALY

FABIO MARCELLI, Chairman,
Association of Democratic Lawyers-
Italy

SWEDEN

KENNETH LEWIS, President,
Lawyers Without Borders - Sweden

SWITZERLAND

PROF. MARC HENZELIN,
LL.M. Eveter

THE UNITED KINGDOM

**THE RT. HON. THE LORD
WADDINGTON GCVO DL**

QC, Former Home Secretary
under Prime Minister Margaret
Thatcher

**THE RT. HON. THE LORD
ARCHER OF SANDWELL**

QC, Former UK Solicitor General

LORD TAVERNE, QC

SIR GEOFFREY BINDMAN,
Consultant at Bindman & Partners

PROF. BILL EDWARDS,
Barrister, Professor of Law, School
of Law, Birkbeck College, University
of London

MALCOLM FOWLER,
Member, International Human
Rights Committee of the Law
Society, former President,
Birmingham Law Society, former
Chair, Criminal Law Committee of
the Law Society of England & Wales

STEPHEN GROEZ, Head of
Public Law and Human Rights
Department, Bindman & Partners

THE UNITED STATES

DR. ALLAN GERSON, former
Deputy Assistant Attorney General
for Legal Counsel, the U.S.
Department of Justice

STEVEN M. SCHNEEBALDM,
Professional Lecturer in International
Law, School of Advanced
International Studies, Johns
Hopkins University

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

2 AUG 2009

Mr. Nuri al-Maliki
Prime Minister of Iraq
Baghdad
Republic of Iraq

Mr. Al-Maliki,

I am writing on behalf of the International Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA), which represents 8,500 lawyers in Europe and the United States and also on behalf of the lawyers of the residents of Camp Ashraf, members of the People's Mojahedin Organisation of Iran (PMOI).

Your specific remarks on July 31, on Al-Huda and Al-Iraqiya Televisions left no doubt in your ominous intentions for entering the police to Ashraf. The crimes committed by Iraqi forces in Ashraf at your instruction in preceding days had also revealed your true objectives. These crimes raised abhorring prayers and public appreciations by Ali Lajjani, Speaker of the Iranian parliament, and a handful of state mullahs in Friday prayer Sermons of July 31, in different cities of Iran.

The outcome of these attacks on Ashraf camp has been 9 people killed and 450 wounded, a number of whom have been shot or have had brain stroke and are in critical conditions. In addition, 36 of the protected persons were taken as hostages.

In the above-mentioned precise remarks, you have used the term "Monafeqin" that is used by the mullahs ruling Iran to describe the PMOI. While repeating the previous allegations and falsifications against the residents of Ashraf, you stated that 55 of them are eligible to be prosecuted and called for their arrest and named this as one of the objectives of setting up a police station in Ashraf. You also claimed that Ashraf residents have killed a number of Kurds in Kefri as well as a number of Iraqi prayers and have committed crimes.

International jurists have been assured and will be able to prove in an international court that these claims are repetitive allegations dictated by Tehran regime. You certainly need to repeat these fabricated lies in order to cover the "crime against humanity" in Ashraf which was internationally exposed and was carried out at your instruction. Your remarks also illustrate your intention of continuing this crime and massacre of the residents of Ashraf which we vehemently warned you against.

Mr Al-Maliki,

The ICJDA has asked so far in tens of letters to different Iraqi authorities and in particular in official letters of March 10 and 26, 2009, to yourself, to respond to our recurrent calls and those of our clients for referring these falsifications and

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel: + 33.1.47.55.67.00 Fax: +33.1.47.55.97.04 e-mail: int.cida@gmail.com

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان ۱۲ اوت ۲۰۰۹

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

- Hon Antonio Guterres, the United Nations High Commissioner for Refugees
- Hon. Irene Khan, Secretary General of Amnesty International
- Hon. Dr. Iyad Allawi, Former Prime Minister of Iraq
- Dr. Adnan al-Duleimi, President of Iraqi National Accord

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

Advisory Board

Honorary Presidents

The Rt. Hon. The Lord Stynn of Hadley, Former Judge at the European Court of Justice, UK
M. Cherif Bassiouni,

Distinguished Research Professor of Law, President Emeritus, International Human Rights Law Institute, US
Prof. Eric David, President,

Centre of International Law, Free University of Brussels, EU
Executive Director

François Serres, Lawyer Paris Bar

Canada

Hon. David Kilgour, J.D. Former Canadian Secretary of State for Africa, Latin America and the Asia-Pacific.

Paul D. Copeland, Director, Law Society of Upper Canada
Warren Crestes, LL.B. Head of Immigration Law Group

France

Marc Stasi, Former President, Paris Bar Association
Prof. Jean-Yves de Cara, Faculty of Law, University of Paris V

René Descartes
Bertrand Favreau, President, Human Rights Institute of the Bar of Bordeaux

Gilles Paruelle, Former President of the Val d'Osse Bar Association
Italy

Fausto Marcellì, Chairman, Association of Democratic Lawyers-Italy
Sweden

Kenneth Lewis, President, Lawyers Without Borders - Sweden
Switzerland

Prof. Marc Henzlein, LL.M. Emeritus
The United Kingdom

The Rt. Hon. The Lord Waddington GCVO DL QC, Former Home Secretary and Prime Minister Margaret Thatcher
The Rt. Hon. The Lord Archer of Sandwell, QC, Former UK Solicitor General

Lord Taverne, QC
Sir Geoffrey Bindman, Consultant at Bindman & Partners

Prof. Bill Bowring, Bantler, Professor of Law, School of Law, Birkbeck College, University of London

Malcolm Fowler, Member, International Human Rights Committee of the Law Society, former President, Birmingham Law Society, former Chair, Criminal Law Committee of the Law Society of England & Wales

Stephen Gross, Head of Public Law and Human Rights Department, Bindman & Partners
The United States

Dr. Allan Garrison, Former Deputy Assistant Attorney General for Legal Counsel, the U.S. Department of Justice

Sloven M. Schneebaum, Professorial Lecturer in International Law, School of Advanced International Studies, Johns Hopkins University

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

24 December 2007

Hon. Ryan C. Crocker
United States Ambassador to Iraq
US Embassy,
Baghdad
Iraq

Dear Mr Ambassador,

As lawyers for the members of the People's Mojahedin Organisation of Iran (PMOI), and representing 8,500 European jurists who support the rights of the PMOI members in Ashraf, we are writing to raise with you our concerns about the Iranian regime's manipulation of Iraq's Supreme Criminal Court in an attempt to compel it to take action against the residents of Camp Ashraf, Iraq. We respectfully ask that you do not allow a court set up by government of the United States to be utilized against the Iranian regime's opposition.

According to reports by the National Council of Resistance of Iran and our Iranian colleagues from inside Iran, for some time now, the Iranian regime has been making a concerted effort to invite Iraqi judges and judiciary officials, especially those in charge of Iraq's Supreme Criminal Court, to Iran under various religious, legal and tourist pretexts. Once in Iran, it offers these officials incentives and bribes to compel them to create fabricated dossiers against the residents of Ashraf and PMOI members in order to prosecute particularly their leaders. To this end, it fabricates volumes of documents and provides them to these officials.

Calls for the prosecution of the PMOI members by Iraq's Supreme Criminal Court on different occasions can be traced to the Iranian regime and large amounts of bribes it has offered to those involved in making these pronouncements. This is while the court's mandate has no relevance to the PMOI issue. In this light, I would like to draw your esteemed attention to the following:

1. All members of the PMOI in Ashraf are "protected persons" under the protection of the Fourth Geneva Convention, the principle of non-refoulement, Common Article 3 of the Geneva Conventions, the international humanitarian law (IHL) and international law. The manipulation of Iraq's judiciary is a clear violation of the above-mentioned principles since "outrages upon personal dignity" are vehemently rejected with respect to the "protected persons" as indicated in section (c) of item 1 of the Common Article 3 of the Geneva Conventions.
2. In his letter to the PMOI's Secretary General and the residents of Ashraf on 7 October 2005, Maj. Gen. William Brandenburg reviewed important rights and protections of the residents of Ashraf under international law and reiterated, "The residents of Camp Ashraf have the right to protection from danger, violence, coercion, and intimidation, and to special protection for the dignity and rights of women."

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel : +33 1 47 55 67 00 Fax : +33 1 47 55 67 04 e-mail: int.cjda@gmail.com

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷

علاوه بر این، لرد اسلین فقید، قاضی سابق دیوان عالی انگلستان و دیوان عدالت اروپا، در ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ در یک لایحه مبسوط تقدیمی به کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب ملل متحد، آمادگی ساکنان اشرف را برای پذیرش داوری این ارگان جهانی در مورد دعاوی رژیم ایران و دست‌نشانگان آن در عراق اعلام کرد.

8 June 1977 (hereafter: AP I), an initiative and seek

INTRODUCTION

The People's Mujahedin Organisation of Iran (hereafter: PMOI) has the honor to submit this Petition for the establishment of the facts concerning numerous violations perpetrated against members of the Ashraf Camp, Iraq.

The situation submitted to the International Humanitarian Fact-Finding Commission (hereafter: IHFFC) in the circumstances following the operations of the Coalition Forces in Iraq on this day. More specifically, the violations in the Ashraf Camp have been the subject of concern by the regime of the Islamic Republic of Iran (hereafter: the Islamic Republic) and the public of Iran (hereafter: the Islamic Republic) and the public of Iraq (hereafter: the Islamic Republic).

The object of the Commission is to undertake the mission to undertake the First Protocol of the Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Humanity of 12 August 1948 and the Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Humanity of 12 August 1948 and the Convention on the Prevention and Punishment of Crimes Against Humanity of 12 August 1948.

INTERNATIONAL HUMANITARIAN FACT-FINDING COMMISSION

PETITION

FOR THE ESTABLISHMENT OF THE FACTS CONCERNING THE VIOLATIONS PERPETRATED BY THE IRAQI GOVERNMENT AGAINST MEMBERS OF THE PEOPLE'S MOJAHEDIN ORGANISATION OF IRAN

Submitted by:

Lord Slynn of Hadley

On behalf of the National Council of Resistance of Iran (NCRI)

لایحه دادخواست لرد اسلین

ما هم‌چنین بارها و بارها از شما خواسته بودیم که طبق استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی، پرونده‌هایی را که علیه موکلان ما در عراق وجود دارد، به ما ارائه کنید؛ چیزی که هیچگاه پاسخی برای آن نگرفتیم.

کمیته بین‌المللی یادآوری می‌کند که نکات بالا را در نامه‌های زیر به اطلاع مقامات عراقی هم رسانده است، از جمله در نامه ۱۳ مارس ۲۰۰۸ به عالیجناب مدحت محمود، رئیس شورای عالی قضایی عراق، در نامه ۳۰ ژوئن ۲۰۰۸ به آقای جلال طالبانی، رئیس جمهور، در نامه ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۸ به آقای عارف شاهین، رئیس محکمه عالی جنایی عراق، در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸ به قاضی محمد العریبی مربوط به دادگاه مسجد حکمت، در نامه ۲۹ اکتبر ۲۰۰۸ به رئیس اقلیم کردستان، آقای مسعود بارزانی در مورد کردها، در نامه ۲۰ نوامبر ۲۰۰۸ به سفیر شما در ملل متحد، حمید البیاتی.

کمیته بین‌المللی حقوقدانان هم‌چنین یادآوری می‌کند: در ژانویه ۲۰۰۶ دوازده هزار حقوقدان عراقی پس از تحقیقات مبسوط، بیانیه‌یی صادر کردند که در همان زمان در مطبوعات بین‌المللی منتشر شده است.

هم‌چنین به آقای اشرف قاضی، نماینده ویژه دبیرکل در عراق اطلاع دادند که مجاهدین برای پاسخگویی به هر اتهامی در هر دادگاه بیطرف بین‌المللی آمادگی دارند. آقای مالکی یکبار دیگر از شما می‌خواهیم که دعوی و اتهامهای را که متوجه سازمان مجاهدین و اعضای آن در اشرف می‌کنید، با همه مدارک و اسناد آن برای این کمیته ارسال کنید تا مقدمات اقدام نزد دادگاه بین‌المللی جنایی فراهم شود. این نامه برای آقای جواد بولانی، وزیر کشور، برای آقای عبدالحسین شمري، رئیس پلیس دیالی، به‌منظور پاسخگویی در مورد دستور تیراندازی و کشتار در اشرف، ارسال می‌شود و سندیت قانونی دارد.

ضمناً به‌منظور تکمیل پرونده، لطفاً نسخه‌یی از آن توافق دوجانبه با رژیم ایران درباره مجاهدین را که دیکتاتور ایران در ۲۷ فوریه ۲۰۰۹ خواستار اجرای آن توسط عراق گردید، برای رسیدگی در دادگاه ارسال نمایید.

رونوشت به:

پرزیدنت باراک اوباما،

ADVISORY BOARD

HONORARY PRESIDENTS
THE IRTI FOR THE LIONS OF BRITAIN
THE LIONS CLUBS OF GREAT BRITAIN

EXECUTIVE DIRECTOR
FRANCIS SHERWIN, Lawyer For The People

CANADA
HON. DAVID KELSO, J.D., FORMER CANADIAN SECRETARY OF STATE

FRANCE
MAURO STAGNI, FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED KINGDOM
THE IRTI FOR THE LIONS OF BRITAIN

SWITZERLAND
PROF. MARK HENZELIN, LL.M., FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

ITALY
FRANCESCO MARCELLI, CHAIRMAN OF THE BAR ASSOCIATION

SWEDEN
KIMBERLY LEWIS, PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

ITALY
FRANCESCO MARCELLI, CHAIRMAN OF THE BAR ASSOCIATION

SWITZERLAND
PROF. MARK HENZELIN, LL.M., FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

13 March 2008

Honorable Mehdi Mahmooud, President of Iraq's Supreme Judicial Council, Baghdad, Iraq

Dear Mr. Mahmooud,

We are writing to you as lawyers for the residents of Camp Ashraf, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), and on behalf of 8,500 justice who defend their rights.

With utmost regret and astonishment, we were informed of the order of 5 March 2008, issued by the General Criminal Court in Baghdad's Al-Rasheed District, on Ms. Somyeh Mohammadi's case. We have no doubt that if you and the respected judges note the case from the outset until now, including its political motives and process, you will find out that it has been fabricated entirely by the Iranian Intelligence Ministry and the terrorist Quds Force in Iraq. Therefore, we would like to draw your attention to the points disregarded in the order.

1. The universal principle of "presumption of innocence" is violated with regards to the residents of Ashraf (Declaration of the International Seminar of Jurists, Paris, 10 November 2007). Certainly your Excellency concur that the allegations of abduction (consistent with Article 421 of the Iraqi Penal Code) is not a simple issue. The invalidity of the allegation of kidnapping and abductions of the 28 year old Ms. Somyeh Mohammadi, who is a "political prisoner" residing in Ashraf Camp under the Merit National Force - Iraq (MNF-I) control, could have easily been checked from the beginning, also the fact that Mr. Mohammadi, born in 1983, proved the PMOI in 1998.

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

31 July 2008

Hon. Arif Abdul Razzaq al Shalabi, President of the Iraqi High Tribunal, Baghdad, Iraq

Dear Mr. President,

We are writing to you as lawyers for the residents of People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), at Europe, the United States and Canada, who support and defend the justice declaration published in Iraq January 2006, NRC Handobkhab, 3 February 2006, 1 and The Times, 4 February 2006 (enclosure 1).

On 22 July 2008, the second session of the Iraqi High Tribunal during the Friday pre-trial in Baghdad's Hekmat mosque Iraqis television, a "witness", while testifying on the 1999, "white landcrusher vehicles came which belong (Mojahedin-e Khalq). These were vehicles that are 14 Khaki". The witness continued to refer to "two or three color and without license plates". Using the same 14 regime against its opposition, he accused "the Mojahid Iraq citizens. In response to questions by the press that they were the Mojahedin-e Khalq?" he said, "No."

On the same day, 22 July 2008, the Al-Fortm televising the massacre of the residents of Ashraf at the highest knowledge in so far as international agencies and other that witness as "Mouhammed Ashraf Jabbar" and other remarks.

The ICJDA has carefully examined the comments of PMOI and registers its strongest protest vis-a-vis its claim that the PMOI was present on the scene and there shoulders and absolutely unfounded. This claim serves the interests of the Iranian regime. It is no Ministry of Intelligence and Security and the terrorist Revolutionary Guards have been engaging in a certain Iranian opposition.

Such allegations pave the way for the Iranian regime psychological war and terrorist conspiracies against Iraq. We refer to the August 2008 kidnapping of 75

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France Tel: +33 1 47 55 87 00 Fax: +33 1 47 55 87 00

ADVISORY BOARD

HONORARY PRESIDENTS
THE IRTI FOR THE LIONS OF BRITAIN
THE LIONS CLUBS OF GREAT BRITAIN

EXECUTIVE DIRECTOR
FRANCIS SHERWIN, Lawyer For The People

CANADA
HON. DAVID KELSO, J.D., FORMER CANADIAN SECRETARY OF STATE

FRANCE
MAURO STAGNI, FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED KINGDOM
THE IRTI FOR THE LIONS OF BRITAIN

SWITZERLAND
PROF. MARK HENZELIN, LL.M., FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

ITALY
FRANCESCO MARCELLI, CHAIRMAN OF THE BAR ASSOCIATION

SWEDEN
KIMBERLY LEWIS, PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

ITALY
FRANCESCO MARCELLI, CHAIRMAN OF THE BAR ASSOCIATION

SWITZERLAND
PROF. MARK HENZELIN, LL.M., FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

22 November 2008

Mr. Ambassador Hani Al Bazzi, Permanent Representative of Iraq, 14 East 79th Street, New York, NY 10021, U.S.A.

Ambassador,

We are writing to you as lawyers for the residents of Camp Ashraf, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), and on behalf of 8,500 European justice who support the rights of the PMOI. (Translator: Algemeine Zeitung, 31 January 2008, Daily Telegraph 3 February 2008 and the Times February 2006).

Your remarks against the PMOI and our clients at a press conference in the United Nations on November 14 were a source of great surprise and a matter of deep regret. You stated: "We don't want to keep Mojahedin Khalq in Iraq because they cause a lot of problems, they support the former regime of Saddam, that they participated in oppressing and attacking the Iraqi people, the Kurd in the north and other places, even the Driblah tribe in the Diyala... even against the Shiites in the north following in the springing of 1991."

Your remarks contain an enormous amount of false allegations and slanders against the PMOI and our clients. The allegations violate the rights of Protected Person under the Fourth Geneva Convention, provisions of the International Humanitarian Law, international law, many international conventions, including UN Convention Against Torture and 1951 Refugee Conventions.

Your remarks can only be considered as setting the stage for a war crime and in many ways you could be held liable for making these comments.

It goes without saying that allegations about the PMOI's involvement in Iraqi internal conflicts in the north, north and in Al-Anbar are identical to the totally false claims by the Iranian regime. We wish to refer you to a letter to a court in the Netherlands by H.E. Foreign Minister Hoshyar Zohabi in 1999, at the time in charge of the international relations of the Iraqi Kurdistan Democratic Party. He wrote: "The KDP confirms that the Mojahedin were not involved in suppressing the Kurdish people neither during the spring (1991) nor in its aftermath. We have not come across any evidence to suggest that the Mojahedin have extracted any financial rewards from the people of Iraq Kurdistan. The Mojahedin Khalq has its own political agenda in Iraq and its members do not interfere in Iraqi internal affairs."

In the meantime, we would also refer you to 10 months of investigations by the US, Japan in 2003 and 2004, at the conclusion of which senior US officials emphasized that there was no basis to bring any charges against any of the residents of Ashraf.

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France

ADVISORY BOARD

HONORARY PRESIDENTS
THE IRTI FOR THE LIONS OF BRITAIN
THE LIONS CLUBS OF GREAT BRITAIN

EXECUTIVE DIRECTOR
FRANCIS SHERWIN, Lawyer For The People

CANADA
HON. DAVID KELSO, J.D., FORMER CANADIAN SECRETARY OF STATE

FRANCE
MAURO STAGNI, FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED KINGDOM
THE IRTI FOR THE LIONS OF BRITAIN

SWITZERLAND
PROF. MARK HENZELIN, LL.M., FORMER PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

ITALY
FRANCESCO MARCELLI, CHAIRMAN OF THE BAR ASSOCIATION

SWEDEN
KIMBERLY LEWIS, PRESIDENT OF THE BAR ASSOCIATION

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, FORMER DEPUTY ATTORNEY GENERAL

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

29 October 2008

H.E. Mr. Masoud Barzani, The President of Autonomous Kurdistan Region of Iraq (Iraqi Kurdistan)

Your Excellency,

On behalf of 8,500 European justice, I would like to draw your esteemed attention to the plot and measures to the regime's tacit support of international terrorism, against its opposition in particular against the residents of Camp Ashraf in Iraq, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI). The international Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA) now considers observance of the rights of the PMOI members as an important criterion by which one can judge how far Iraq has progressed in the rule of law and has united with the international community. (Please refer to enclosure 1 which includes the Jurists statement published in Frankfurt Allgemeine Zeitung, 31 January 2006, the Daily Telegraph and NRC Handobkhab, February 5, 2006, and the Times, February 4, 2006)

We have received alarming reports about the Iranian regime's efforts in the Iraqi Kurdistan Autonomous Region (Iraqi Kurdistan) to fabricate files against the residents of Camp Ashraf and the regime's bid to misuse the judiciary in Iraq and Iraqi Kurdistan to this end. The Iranian regime is trying to subvert a file to the Supreme Criminal Court branch in Erbil falsely claiming that the PMOI had assassinated some Kurdish citizens during the 1991 incident. On this basis, the regime intends to obtain arrest warrants issued against Ashraf residents and its kindred.

Raising such allegations which are quite well known to your Excellency in their source and fabricated nature, especially a year after the fall of the former Iraqi government, comes at a time when the rights of Ashraf residents as political refugees, protected by the Fourth Geneva Convention, have been recognized by international bodies and the efforts of the Iranian regime for expulsion or extradition of the PMOI members from Iraq has been no result.

These are allegations made by a regime which considers mainly the PMOI responsible for revealing its meddling in Iraq as well as unveiling its clandestine nuclear project and international terrorism which have led to adoption of Security Council resolutions against its nuclear project and 54 condemnations by various UN bodies for its horrendous violations of human rights in Iraq. On the other hand, the regime's record indicates that it has, over the recent years, resorted to distortion of facts, fabrication of judicial files and terrorist operations against the PMOI in order to counter these revelations. Those plots have now reached the Kurdistan region of Iraq.

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France

Tel: +33 1 47 55 87 00 Fax: +33 1 47 55 87 04 e-mail: int.igda@gmail.com

نامه های کمیته بین المللی حقوقدانان به مقامات عراقی

وزیر خارجه ایالات متحده،
وزیر دفاع ایالات متحده،
دبیر کل ملل متحد،
سفیر هیل؛ سفیر ایالات متحده در بغداد،
ژنرال اودیرونو، فرمانده نیروی چند ملیتی،
آدمیرال لیتل، جانشین فرمانده و مسئول امور اشرف در نیروی چند ملیتی.

نامه مجدد ۸۵۰۰ حقوقدان و وکیل در اروپا و آمریکا - ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹

آقای نخست‌وزیر نوری مالکی؛ بر اساس اطلاعیه ۲۳ نوامبر ۲۰۰۹، شما گفته‌اید به ساکنان اشرف اجازه ماندن دائم در اشرف رانمی‌دهیم. زیرا آنها جنایتهایی در حق مردم عراق - به علت اقدامات تروریستی و همکاری با بعثیها و دخالتشان در امور داخلی ما - مرتکب شده‌اند و بنابراین جایی در عراق ندارند.

آقای نوری مالکی این یک زمینه‌سازی برای کشتار مجدد ساکنان اشرف به درخواست دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران است. این اظهارات، نقض آشکار حقوق بین‌الملل انساندوستانه، نقض حقوق بین‌الملل و نقض تعهدات دولت عراق به دولت آمریکا در مورد رفتار با ساکنان اشرف، در چارچوب قانون انساندوستانه بین‌المللی است.

ما همچنان بسیار متأسفیم که شما به‌رغم فراخوانهای متعدد این کمیته بین‌المللی، به‌رغم فراخوانهای متعدد دیگر مراجع ذیصلاح سیاسی و حقوقی برای ارجاع این موضوعات به یک دادگاه بین‌المللی، این دعاوی سراپا کذب که تماماً ساخته و پرداخته اطلاعات آخوندی و نیروی تروریستی قدس و ایادی آنها در عراق است، را تکرار می‌کنید. در حالی که خود شما هم در بطلان آنها شکی ندارید والا از ارجاع پرونده به دادگاه ابا و امتناع نمی‌کردید.

حقوقدانان بین‌المللی در موارد متعدد از جمله در نامه ۲۶ مارس ۲۰۰۹ با ارائه اسناد و مدارک و جزئیات به تمام اتهامهای شما پاسخ داده‌اند.

اصرار شما بر تکرار این اکاذیب، چه هدفی جز سرپوش گذاشتن بر جنایت علیه بشریت در اشرف در ژوئیه گذشته و زمینه‌سازی برای ادامه جنایت به درخواست

فاشیسم دینی حاکم بر ایران دارد؟ کیست که نداند رژیم ایران حمایت از شما در انتخابات پارلمانی عراق را مشروط به سرکوب ساکنان اشرف کرده است؟ علی لاریجانی در سفر اخیر خود به عراق از شما خواست که بیش از این تأخیر نکنید. او بود که گفت اغلب ساکنان اشرف جنایتکارند و باید استرداد و محاکمه شوند. شبیه همین اظهارات را روز بعد سفیر رژیم در بغداد بر زبان راند. تکرار اظهارات کارگزاران رژیم ایران که بخش کمی از آن فوقاً ذکر شد، هیچ ابهامی در مورد ماهیت و خاستگاه اظهارات روز ۲۳ نوامبر شما علیه مجاهدین باقی نمی‌گذارد.

آقای مالکی ما تاکنون دهها بار به‌خصوص به‌شخص شما در نامه‌های ۱۰ و ۲۶ مارس و ۲ اوت ۲۰۰۹ از جمله نوشتیم که اگر طرح این دروغها و اتهامها به‌دستور تهران نیست، به‌فراخوانهای مکرر ما و موکلان ما برای ارجاع به دادگاه بین‌المللی یا کمیسیون حقیقت‌یاب ملل متحد پاسخ بدهید، اما شما هیچ پاسخی ندادید.

از این رو بار دیگر یادآوری می‌کنیم؛ نامه‌های ۲۴ دسامبر ۲۰۰۷، ۵ مارس ۲۰۰۸ به‌سفیر کراکر، ۷ مارس ۲۰۰۸ به‌سفیر ساترفیلد، لایحه ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ لرد اسلین، نامه ۱۳ مارس، ۳۰ ژوئن، ۳۱ ژوئیه، ۱۴ اکتبر، ۲۹ اکتبر، ۲۰ نوامبر را به‌مقامات مختلف عراقی. و باز هم از شما می‌خواهیم که کلیه دعاوی و اتهامهای را که متوجه سازمان مجاهدین خلق ایران و اعضای آن در اشرف می‌کنید، با همه مدارک و اسناد آن برای این کمیته هم ارسال کنید، تا مقدمات اقدام در نزد دادگاه بین‌المللی جنایی فراهم شود.

لطفاً به‌منظور تکمیل پرونده یک نسخه از توافق دوجانبه با رژیم ایران در مورد سرکوب و اخراج مجاهدین که خامنه‌ای دیکتاتور ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۰۹ خواستار اجرای آن توسط دولت عراق گردید را نیز برایمان ارسال کنید.

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

- Letter of Oct 2008
- Letter of Nov 2008

ADVISORY BOARD

HONORARY

MEMBERS

THE RT. HON. THE LORD
SIR JOHN HADFIELD, Former
Judge at the European Court of
Justice, UK

MR. CHRISTOPHER BARRINGTON,
Distinguished Former Professor
of Law, Portland County,
International Human Rights Law
Institute, US

PROF. ERIC DAVID,
President,
Centre of International Law, The
Free University of Brussels, EU

EXECUTIVE DIRECTOR
FRANCIS GERRIES, Lawyer
Paris Bar

SHARADA
HON. DAVID HILSDOWN, J.D.,
Former Canadian Secretary of State
for Africa, Latin America and the
Asia-Pacific

PAUL G. COPPELAND,
Director, Law Society of Upper
Canada

WARREN CREATER, LL.M.,
Head of Immigration Law Group
FRANCE

MAURICE STABE, Former
President, Paris Bar Association
PROF. JEAN-YVES DE
CASA,
Faculty of Law, University of Paris V
Paris Descartes

BERTRAND FAUREAU,
President, Human Rights Institute of
the Bar of Bordeaux

GILLES FAVREUILLE, Former
President of the Val d'Aisne Bar
Association

ITALY
FRANCESCO MARCELLI, Chairman,
Association of Democratic Lawyers

SWEDEN
KENNETH LEWIS, President,
Lawyer Without Borders - Sweden

SWITZERLAND
PROF. HANS HINZELIN,
LL.M. Swiss

THE UNITED KINGDOM
THE RT. HON. THE LORD
WASHINGTON GUYO, LL.
G.C., Former Home Secretary
under Prime Minister Margaret
Thatcher

THE RT. HON. THE LORD
ARCHBISHOP OF SANDWELL,
G.C., Former UK Solicitor General
LORD TAVERNER, G.C.
SIR GIFFORD BISHOP, LL.M.,
Counsel at Director of Public
Prosecutions

PROF. BILL BLOOMING,
Barbier, Professor of Law, School
of Law, St. Mark College, University
of London

MALCOLM POWELL,
Member, International Human
Rights Committee of the Law
Society, former President,
Birmingham Law Society, former
Chair, Criminal Law Committee of
the Law Society of England & Wales

STEPHEN GOOD, Head of
Public Law and Human Rights
Department, Students & Partners
Department, Students & Partners

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, former
Deputy Assistant Attorney General
for Legal Counsel, the U.S.
Department of Justice

STEPHEN M. SCHNEIDERMAN,
Professor of Law in International
Law School of Advanced
International Studies, Johns
Hopkins University

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

24 NOV 2009

Mr. Nuri al-Maliki
Prime Minister of Iraq
Baghdad
Republic of Iraq

Mr. Prime Minister,

On behalf of the International Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA) composed of 8,500 jurists in Europe and the United States and also of lawyers of Camp Ashraf residents, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), I am writing this letter to you regarding your shocking remarks in a meeting with the representative of the International Committee of the Red Cross (ICRC).

Based on a statement by the Prime Minister's office, November 23, 2009, you referred to Ashraf residents in this meeting and said: "We will not allow them to stay in Camp Ashraf permanently. After the crimes they have committed against the people of Iraq, because of their terrorist activities and their cooperation with Basijists and their meddling in our internal affairs, they have no place to stay in Iraq." It appears that this is to lay the ground for another massacre of Ashraf residents at the behest of the religious dictatorship ruling in Iran.

Your remarks are in blatant violation of the International Humanitarian Law (IHL) and international law and also violates the Iraqi Government's pledges to the Government of United States and the United Nations on treatment of Ashraf residents in accordance with the IHL.

It is rather regrettable that despite of repeated calls by ICJDA and many other competent political and judicial bodies to refer these matters to an international tribunal for investigations, you still continue to repeat these false allegations which are all fabricated by the Iranian regime's Ministry of Intelligence and Security and the terrorist Quds Force and their agents in Iraq and you have no doubt about their falsehood.

The ICJDA on a number of occasions and particularly in a letter to you on March 26, 2009, has responded to these kind of allegations and provided the necessary documents and proofs.

What other objectives would you be pursuing by persistently repeating these false allegations other than to cover up the crime against humanity committed in Camp Ashraf last July and to pave the way to continue atrocities against Ashraf residents and their murder at the behest of the religious fascism ruling Iran? It is a common knowledge that the Iranian regime has set the murder of Ashraf residence as a condition for its support to you in the upcoming parliamentary elections in Iraq.

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel: + 33.1.47.55.67.00 Fax: +33.1.47.55.97.04 e-mail: intcjdaj@gmail.com

Most of people in this group let
me that hesitation in

commanders of the
expel the Monafegin
in this regard so far."

day announced that
the anti-Iran terrorist
or information, the
group's members from

was reflected above,

and 26 and August 2,
under the instructions
to refer them to an

Crocker and letter of
appearing before an
by the Iranian regime
and impartial proposal
to the International
in the United Nations of
Iran." Copies of these

Former Judge at the
in 2008, on behalf of
to intervene in so far
and declared Ashraf

international legal standards,
only.

the attention of the

the Judicial Council

Iraqi High Tribunal
Khalifah, Chief of the

COM

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان - ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

agents of the mullahs'
from the PMOI. In

Based on the information of
its agents within Iraq's vari

1- To spread a false claim
meetings between its memb
PMOI's officials, many of d
visits should take place out

2- To spread a false claim
returned to Iran to act again

3- To spread rumors that th
water and electricity bills ar

4- To spread false news th
government in order to ju

5- To intimidate and threats
to make false charges again
faith and trust in the reside

6- To file charges against o
regime's Ministry of Intell
motion through the Revolut

7- To continuously propaga
be given amnesty. This is t
arresting and prosecuting th

8- To prevent foreign and i
community remains unwar
suspicious of the Iraqi gove

9- Hold meetings in Iraq, a
believe that the people of Ir
Adnan Sarraj, who operat
active contact with the regi
announced. In addition to
meddles in Iraq's internal af
adopted to make the organi
blood of the Iraqi people an
meeting called "Seminar of
Hotel al-Mansour in Baghd
in Baghdad.

Tel: + 33.1.4

ADVISORY BOARD

HONOURARY
PRESIDENTS

THE RT. HON. THE LORD
SILKIN OF HADLEY, Former
Judge of the European Court of
Justice, UK

M. CHEOP BARRACLOUGH,
Distinguished Research Professor
of Law, Portland State
University, Oregon, USA

PROF. ERIC DAVID,
Professor,
Centre of International Law, Oe
The University of Essex, UK

EXECUTIVE DIRECTOR
FRANÇOISE GERRIER, Lawyer
Paris, FR

BARBARA
MON. DAVID HIGGINS, JD,
Former Canadian Secretary of State
for Asia, Latin America and the
Caribbean

PAUL D. CORLEAND,
Director, Law Society of Upper
Canada

WARREN CROCKER, LL.M.,
Head of Immigration Law Group
FRANCE

MAURICE STARR, Former
President, Paris Bar Association
PROF. JEAN-YVES DE
CABA

Faculty of Law, University of Paris V
FRANCE

BERNARD FAUREAU,
President, Human Rights Institute of
the Bar of Bordeaux

GILLES PARIBELLI, Former
President of the IAF 2010 in the
Association

FRANK
FRANK MARCELLI, Director,
Association of Doctors, Lawyers
Italy

ANDREW
ANDREW LEWIS, President,
Lawyer, New York - Sweden

SWITZERLAND
PROF. MARIO HENZELIN,
LL.M. Swiss

THE UNITED KINGDOM
THE RT. HON. THE LORD
WATSON OF ST. LEONARDS
WASHINGTON GOV'D DL
GC, Former High Secretary
and First Deputy
Thames

THE RT. HON. THE LORD
ARCHER OF SANDWELL,
GC, Former UK Solicitor General
LORD TAYNEM, GC
Sir GEORGE BENDHAM,
Counsel at Bar and 3rd Baron

PROF. GILL BOWEN,
Barrie, Professor of Law, School
of Law, Middle College, University
of London

MAURICE POWERS,
Member, International Human
Rights Committee of the Law
Society, Former President,
Birmingham Law Society, Former
Chair, British Law Committee of
the Law Society of England & Wales

STEPHEN GROSS, Head of
Public Law and Human Rights
Department, Indiana & Partner

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, Former
Deputy Assistant Attorney General
of Legal Council, the U.S.
Department of Justice

STEPHEN M. SCHNEIDERMAN,
Professor of Law in International
Law, School of Advanced
International Studies, Johns
Hopkins University

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

10 March 2009

Honourable Nuri al-Maliki
Prime Minister of Iraq
Baghdad
Republic of Iraq

Dear Prime Minister,

We write on behalf of the lawyers for the residents of Camp Ashraf in Iraq - members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI) - and on behalf of the International Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA) which has the backing of 8,500 lawyers and jurists across Europe and North America. We wish to bring to your attention a new plot by the Iranian regime against the residents of Ashraf and the government of Iraq.

According to information obtained from within Iran by the National Council of Resistance of Iran (NCRI), the Iranian regime plans to turn the Iraqi government against the PMOI by launching an organized disinformation campaign and spreading misleading reports about the PMOI and the residents of Ashraf. In doing so, it intends to put the government of Iraq against the PMOI in a bid to both rid itself of its opposition and at the same undermine the position of Your Excellency and the nationalist movement within your government and discredit and tarnish its image in the eyes of the international community.

Following the victory of nationalist forces and the crushing defeat of forces affiliated to the mullahs' regime in the recent provincial elections in Iraq and also after the removal of the PMOI from the EU's terrorist list, the regime feels an added necessity to plot against the residents of Ashraf and weaken the Iraqi government.

The degrading remarks by the regime's Supreme Leader Ali Khamenei in his meeting with Mr. Talabani are a sign of this reality. During this meeting, Khamenei told the President of Iraq: "It is expected that you and the Iraqi Prime Minister Mr. al-Maliki seriously pursue the bilateral agreement and understandings... The bilateral agreement on the expulsion of the Mousafeghin [the regime's slanderous term to describe the PMOI] from Iraq must be implemented and we are awaiting this." While describing the PMOI as a source of trouble and corruption, he strongly protested the removal of the PMOI from Europe's terrorist list, adding: "In spite of this decision, the Europeans are not willing to accept the Mousafeghin (PMOI) in their own countries."

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel: + 33.1.47.55.67.00 Fax: +33.1.47.55.97.04 e-mail: int.cjda@gmail.com

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان - ۱۰ مارس ۲۰۰۹

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

26 March 2009

Honourable Nuri al-Maliki
Prime Minister
Baghdad
Republic of Iraq

Dear Prime Minister,

We write on behalf of 8,500 lawyers and jurists across Europe and North America, the International Committee of Jurists in Defence of Ashraf (ICJDA) who defend the rights of Camp Ashraf residents, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI). We wish to bring to your attention some very crucial points about your remarks on Al-Iraqiya TV last night regarding the PMOI. We are quite confident that you have been misinformed. In a letter to you on 10 March, the ICJDA requested you in advance that, "In order to neutralize the plots of the regime against the residents of Ashraf and the Iraqi government, we urge you to order that all reports and information given to the Iraqi government which causes doubts about Ashraf and its residents be verified with the ICJDA or the residents of Ashraf. We also urge you to introduce a representative whom you trust so that the ICJDA or the residents of Ashraf could inform you about these kinds of fabrications or plots via this person."

1- Alleging that the PMOI was involved in "suppression of Friday prayers" in Iraq and "murder of many Kurds and Arabs" are absolutely false and simply sheer lies. The Iranian regime claims that the PMOI massacred 150,000 Shites in southern Iraq in 1990s or ran over Kurds in Kirkuk and Sulaimaniyah by their tanks or opened fire on Shites in Hekmat Mosque of Baghdad. It is worth noting that not a single member of the PMOI have ever been to that mosque in Baghdad. Also please note that the PMOI had no presence what so ever in Kirkuk, Sulaimaniyah or southern Iraq during the war over Kuwait. The documents and statements regarding the evacuation of PMOI camps and centers in northern and southern Iraq before the war on Kuwait, during and after the war had been provided to international bodies and jurists have sent many of these documents to judicial bodies and criminal courts in Iraq. To this end, I wish to refer you to letters on July 31 and October 14 of 2008 and January 14 of 2009.

12,000 Iraqi jurists and lawyers also carried out thorough investigations over the Iranian regime's claims and its disinformation campaign and published their findings three years ago in January 2006 in a statement signed by Iraqi jurists. They expressed their readiness to bear witness in any court of justice (See enclosed New York Times, 21 April 2006).

The testimony of the United Intifadeh Movement of Shaabania to the Special representative of the United Nations Secretary General in Iraq, Mr. Ashraf Qazi, on 29 May 2007 rejecting the same allegations is also enclosed. Also please find enclosed letter by H.E. Husayn Zuhair to a Dutch court on July 14, 1999, rejecting suppression of Kurdish population by the PMOI.

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel: + 33.1.47.55.67.00 Fax: +33.1.47.55.97.04 e-mail: intl.cjda@gmail.com

If you d
guarant
resident
protect

Conside
Security
represe
conside

Thank

You

Int

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

For

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان - ۲۶ مارس ۲۰۰۹

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

3. The International Comu
the residents of Ashraf, th

4. Friends of a Free Iran in
the European Parliament
Hadley, former Judge at th
of the Law Faculty of Fre
"We warn of the Iranian
particularly the Regime's C
of international law, partic

5. Following a 16-month-s
intelligence provided by th
Geneva Convention". Ser
member of the PMOI (Th
the PMOI as well as the d
April 2006), 5,200,000 Ira
March 2007) and 300,000
court, not influenced by th
propaganda war waged by

I would therefore request
the efforts to use it again

I take this opportunity to
Europe or North America
investigated fully.

Very Respectfully,



Francois Serres,
International Committee o

- cc:
- Hon. Ban Ki-moon, UN
 - Hon. Jalal Talabani, Presi
 - Hon. Taqir al-Hashemi,
 - Hon. Mahmoud Al- Mal
 - Hon. Hoshyar Zebari, Fe
 - Hon. Wojdan Mikhail, M
 - General David Patraeus,
 - Mai. Gen. Douglas M. S
 - Hon. Aref Shahin, Head
 - Head of RCLC
 - Hon. Staffan de Mistura,
 - Hon Jakob Kellenberger,
 - Hon Louise Arbour, the

Tel:

Advisory Board

Honorary Presidents

The Rt. Hon. The Lord Slynn of Hadley, Former Judge at the European Court of Justice, UK
M. Cherif Bassiouni, Distinguished Research Professor of Law, President Emeritus, International Human Rights Law Institute, US
Prof. Eric David, President, Centre of International Law, the Free University of Brussels, EU

Executive Director

Francois Serres, Lawyer Paris Bar

Canada

Hon. David Kilgour, JD, Former Canadian Secretary of State for Africa, Latin America and the Asia-Pacific
Paul D. Copeland, Director, Law Society of Upper Canada
Warren Creates, LL.B., Head of Immigration Law Group

France

Mario Stasi, Former President, Paris Bar Association
Prof. Jean-Yves Le Cerny, Faculty of Law, University of Paris V

Rena Descartes
Bertrand Favreux, President, Human Rights Institute of the Bar of Bordeaux

Gilles Fariette, Former President of the Val d'Oise Bar Association

Italy

Fabio Marcellì, Chairman, Association of Democratic Lawyers - Italy

Sweden

Karinath Lewis, President, Lawyers Without Borders - Sweden

Switzerland
Prof. Marc Henzlin, LL.M., Ecole

The United Kingdom
The Rt. Hon. The Lord

Waddington QCVO, DC, QC,
Former Home Secretary and Prime Minister Margaret Thatcher

The Rt. Hon. The Lord Archer of Sandwell, QC, Former UK Solicitor General

Lord Taverne, QC
Sir Geoffrey Bindman,
Consultant at Bindman & Partners

Prof. Bill Bowring, Barrister,
Professor of Law, School of Law, Birkbeck College, University of London

Malcolm Fowler, Member, International Human Rights Committee of the Law Society, former President, Birmingham Law Society, former Chair, Criminal Law Committee of the Law Society of England & Wales

Stephen Greisz, Head of Public Law and Human Rights Department, Bindman & Partners

The United States
Dr. Allan Gerson, former Deputy Assistant Attorney General for Legal Counsel, the U.S. Department of Justice

Steven M. Schneebaum, Professional Lecturer in International Law, School of Advanced International Studies, Johns Hopkins University

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

24 December 2007

Hon. Ryan C. Crocker
United States Ambassador to Iraq
US Embassy,
Baghdad
Iraq

Dear Mr Ambassador,

As lawyers for the members of the People's Mojahedin Organisation of Iran (PMOI), and representing 8,500 European jurists who support the rights of the PMOI members in Ashraf, we are writing to raise with you our concerns about the Iranian regime's manipulation of Iraq's Supreme Criminal Court in an attempt to compel it to take action against the residents of Camp Ashraf, Iraq. We respectfully ask that you do not allow a court set up by government of the United States to be utilized against the Iranian regime's opposition.

According to reports by the National Council of Resistance of Iran and our Iranian colleagues from inside Iran, for some time now, the Iranian regime has been making a concerted effort to invite Iraqi judges and judiciary officials, especially those in charge of Iraq's Supreme Criminal Court, to Iran under various religious, legal and tourist pretexts. Once in Iran, it offers these officials incentives and bribes to compel them to create fabricated dossiers against the residents of Ashraf and PMOI members in order to prosecute particularly their leaders. To this end, it fabricates volumes of documents and provides them to these officials.

Calls for the prosecution of the PMOI members by Iraq's Supreme Criminal Court on different occasions can be traced to the Iranian regime and large amounts of bribes it has offered to those involved in making these pronouncements. This is while the court's mandate has no relevance to the PMOI issue. In this light, I would like to draw your esteemed attention to the following:

1. All members of the PMOI in Ashraf are "protected persons" under the protection of the Fourth Geneva Convention, the principle of non-refoulement, Common Article 3 of the Geneva Conventions, the international humanitarian law (IHL) and international law. The manipulation of Iraq's Judiciary is a clear violation of the above-mentioned principles since "outrages upon personal dignity" are vehemently rejected with respect to the "protected persons" as indicated in section (c) of item 1 of the Common Article 3 of the Geneva Conventions.
2. In his letter to the PMOI's Secretary General and the residents of Ashraf on 7 October 2005, Maj. Gen. William Brandenburg reviewed important rights and protections of the residents of Ashraf under international law and reiterated, "The residents of Camp Ashraf have the right to protection from danger, violence, coercion, and intimidation, and to special protection for the dignity and rights of women."

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel : +33.1.47.55.67.00 Fax : +33.1.47.55.97.04 e-mail: int.cjda@gmail.com

نامه کمیته بین المللی حقوقدانان - ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸

ADVISORY BOARD

HONORARY PRESIDENTS
THE RTY. HON.
THE LORD SLYNN OF HADLEY, Former
 Judge of the European Court of Justice, UK
MR. CHITRANJEE BANERJEE,
 Distinguished Research Professor of Law,
 President, International Women's Rights Law Institute,
 DePaul University, US
PROF. ERIC DAVID, President,
 Centre of International Law, The Free University of
 Business, EU

EXECUTIVE DIRECTOR
FRANÇOIS SIBRENS, Lawyer, Paris Bar

CANADA
HON. DAVID KILBOURNE, J.D., Former
 Canadian Secretary of State for Africa, Law
 America and the Americas
PAUL D. COMPELAND, Director, Law Society
 of Upper Canada
WARREN CREATES, LL.B., Hon. of
 Immigration Law Group

FRANCE
MARCO ESTANI, Former President, Paris Bar
 Advocate
PROF. JEAN-YVES DE CARA
 Faculty of Law, University of Paris V René Descartes
BERTRAND FAVREAU, President, Paris Bar
 Representative of the Paris Bar
GILLES PARUELLE, Former President of the
 Val d'Oise Bar Association

ITALY
FABIO MARCELLI, Chairman, Association of
 Democratic Lawyers-Italy

SWEDEN
KENNETH LEWIS, President, Lawyers
 Without Borders - Sweden

SWITZERLAND
DIX MARIK HENZELIN, LL.M.

THE UNITED KINGDOM
THE RTY. HON.
THE LORD WADDINGTON,
 COUNCIL OF JUDGES, Former Honorary Secretary
 under Prime Minister Margaret Thatcher
**THE RTY. HON. THE LORD ARCHER OF
 SANDWELL, QC**, Former UK Solicitor General
LORD TAVNERE, QC
SIR GEOFFREY BRIDGMAN, Consultant at
 British E-Paths
PROF. DALE BENNISON, Director, Professor
 of Law, School of Law, Babcock College, University
 of Lincoln
MALCOLM POWELL, Member, International
 Human Rights Committee of the Law Society,
 former President, Birmingham Law Society, former
 Chair, China Law Committee of the Law Society
 of England & Wales
STEPHEN GHOSZ, Hon. of Public Law and
 Human Rights Department, Lindeman & Partners

THE UNITED STATES
DR. ALLAN GERSON, former Deputy
 Assistant Attorney General for Legal Counsel, The
 U.S. Department of Justice, former Chief Counsel,
 US Delegation to UN Human Rights
STEVEN M. SCHNEBERG, Professor
 of Law, International Law School, University
 of Maryland at St. Paul, Johns Hopkins University

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

13 March 2008

Honourable Medhat Mahmoud
President of Iraq's Supreme Judicial Council
Baghdad,
Iraq

Dear Mr Mahmoud,

We are writing to you as lawyers for the residents of Camp Ashraf, members of the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), and on behalf of 8,500 jurists who defended their rights.

INTERNATIONAL HUMANITARIAN FACT-FINDING COMMISSION

PETITION

FOR THE ESTABLISHMENT OF THE FACTS CONCERNING THE VIOLATIONS PERPETRATED BY THE IRAQI GOVERNMENT AGAINST MEMBERS OF THE PEOPLE'S MOJAHEDIN ORGANISATION OF IRAN

Submitted by:

Lord Slynn of Hadley

On behalf of the National Council of Resistance of Iran (NCRI)

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

for Iraq

members of the
behalf of 8,500
of the PMOI (as
2006, Daily Telegraph,
and NRC Handelsblad, 3

March 2008, about the
curate - we would like to
Status of the residents of
security situation of
by the Iranian regime's
against the PMOI.

truly concerned about the
has been a chain of
planned by the clerical
ing which include; the
2006 bombing of a bus
with 11 passengers), the
2007 attempt to poison
of a vehicle carrying
idents of Ashraf and the
sh deprived residents of

to Iraq several agents of
bods Force from inside
not attacks against Ashraf.

ncy some necessary

Professional Lecturer in International
Law, School of Advanced
International Studies, Johns Hopkins
University

information about Ashraf and PMOI on different grounds.

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France
Tel : + 33.1.47.55.67.00 Fax : +33.1.47.55.97.04 e-mail: int.cjda@gmail.com

نامه های ۷ مارس ۲۰۰۸ به سفیر ساتفیلد، لایحه ۲۶ فوریه ۲۰۰۸ الرد اسلین،
نامه ۱۳ مارس و ۳۰ ژوئن ۲۰۰۸

ADVISORY BOARD

HONOURARY PRESIDENTS

THE RT. HON. THE LORD

SLYNN

at the ECJ

M. CHEF

Distinguished

Law, Press

Human Rig

PROF. E

Centre of I

University

EXECU

ADVISORY BOARD

HONOURARY PRESIDENTS

THE RT. HON. THE LORD

SLYNN OF HADLEY, Former

Judge at the European Court of

Justice, UK

International Committee of Jurists

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

ADVISORY BOARD

HONOURARY PRESIDENTS

THE RT. HON.

THE LORD SLYNN OF HADLEY, Former

Judge at the European Court of Justice, UK

M. CHERIF BASSIOUNA,

Distinguished Research Professor of Law,

President, International Human Rights Law Institute,

DePaul University, US

PROF. ERIC DAVID, President,

Centre of International Law, The Free University of

Brussels, EU

EXECUTIVE DIRECTOR

FRANÇOIS SENEZ, Lawyer Paris Bar

CANADA

HON. DAVID KALOGOUR, JD, Former

Canadian Secretary of State for Africa, Latin

America and the Asia-Pacific

PAUL D. COPPELAND, Director, Law Society

of Upper Canada

WARREN CREATES, LL.B., Head of

Immigration Law Group

FRANCE

MARIO STASA, Former President, Paris Bar

Association

PROF. JEAN-YVES DE CARIA,

Faculty of Law, University of Paris V René Descartes

BERTRAND FAVREAU, President, Human

Rights Institute of the Bar of Bordeaux

GILLES PARIELLE, Former President of the

Walloon Bar Association

ITALY

FABIO MARCELLI, Chairman, Association of

Democratic Lawyers-Italy

SWEDEN

KENNETH LEWIS, President, Lawyers

Without Borders - Sweden

SWITZERLAND

DR MARC HENZELIN, LL.M.

THE UNITED KINGDOM

THE RT. HON.

THE LORD WADDINGTON,

GCVO, DL, QC, Former Home Secretary

and former Minister Margaret Thatcher

THE RT. HON. THE LORD ARCHER OF

SANDWELL, QC, Former UK Solicitor General

LORD TAVENNER, QC

SIR GEOFFREY BINGHAM, Consultant at

Brodman & Partners

PROF. BILL BOWRING, Barrister, Professor

of Law, School of Law, Birkbeck College, University

of London

MALCOLM FOWLER, Member, International

Human Rights Committee of the Law Society,

former President, Birmingham Law Society, former

Chair, Criminal Law Committee of the Law Society

of England & Wales

STEPHEN GORZEL, Head of Public Law and

Human Rights Department, Strindberg & Partners

THE UNITED STATES

DR. ALLAN GERSON, former Deputy

Assistant Attorney General for Legal Counsel, the

U.S. Department of Justice, former Chief Counsel,

U.S. Delegation to United Nations

STEVEN M. SCHNEIDERMAN, Professorial

Lecturer in International Law, School of Advanced

International Studies, Johns Hopkins University

International Committee of Jurists
in Defence of Ashraf

20 November 2008

Mr Ambassador Hamid Al Bayati
Permanent Representative of Iraq
14 East 79th Street
New York, NY 10021
U.S.A.

Ambassador,

We are writing to you as lawyers for the residents of Camp Ashraf, members of the People's Mojahedin Organisation of Iran (PMOI), and on behalf of 8,500 European jurists who support the rights of the PMOI. (Frankfurter Allgemeine Zeitung on 31 January 2006, Daily Telegraph 3 February 2006 and the Times 4 February 2006).

Your remarks against the PMOI and our clients at a press conference in the United Nations on November 14 were a source of great surprise and a matter of deep regret. You stated, "We don't want to keep Mojahedin Khalq in Iraq because they cause a lot of problems, they support the former regime of Saddam, that they participated in oppressing and attacking the Iraqi people, the Kurd in the north and other places, even the Dulaimi tribe in the Diyala... even against the Shiite in the south following in the uprising of 1991."

Your remarks contain an enormous amount of false allegations and slander against the PMOI and our clients. The allegations violate the rights of Protected Persons under the Fourth Geneva Convention, provisions of the International Humanitarian Law, international law, many international conventions, including UN Convention Against Torture and 1951 Refugee Convention.

Your remarks can only be considered as setting the stage for a war crime and in many ways you could be held liable for making these comments.

It goes without saying that allegations about the PMOI's involvement in Iraqi internal conflicts in the south, north and in Al-Anbar are identical to the totally false claims by the Iranian regime. We wish to refer you to a letter to a court in the Netherlands by H.E. Foreign Minister Hoshyar Zebari in 1999, at the time in charge of the international relations of the Iraqi Kurdish Democratic Party. He wrote, "The KDP can confirm that the Mujahedin were not involved in suppressing the Kurdish people neither during the uprising (1991) nor in its aftermath. We have not come across any evidence to suggest that the Mujahedin have exercised any hostility towards the people of Iraqi Kurdistan. The Mujahedin Khalq has its own political agenda in Iran and its members do not interfere in Iraqi internal affairs."

In the meantime, we would also refer you to 16 months of investigations by the U.S. forces in 2003 and 2004, at the conclusion of which senior U.S. officials emphasized that there was no basis to bring any charges against any of the residents of Ashraf.

ICJDA - 104, Avenue Victor Hugo, 75016, Paris, France

Tel : + 33.1.47.55.67.00 Fax : +33.1.47.55.97.04 e-mail: int.cjda@gmail.com

seemed attention to the
sponsor of international
of Camp Ashraf in Iraq.
The international
observance of the rights
judge how far Iraq has
community. (Please refer
Frankfurter Allgemeine,
January 3, 2006; and the

arts in the Iraqi Kurdish
of Camp Ashraf and the
this end. The Iranian
anch in Erbil falsely
ing the 1991 incidents. On
Ashraf residents and

gency in their source and
Iraqi government, comes at
ected by the Fourth
and the efforts of the
from Iraq has born no

a PMOI responsible for
uclear project and
ouncil resolutions against
for its horrendous
record indicates that it
on of judicial files and
relations. These plots

da@gmail.com

نامه‌های کمیته بین المللی حقوقدانان به مقامات عراقی

خوب، حالا مردم عراق و مردم ایران قضاوت کنند که این آقای مالکی، در حالی که هر روز یک جای بغداد با تسلیحات و طرح و برنامه همین رژیم آخوندی به هوا می‌رود، چرا چرا چرا؟ یقه مجاهدین را ول نمی‌کند؟ و هر چقدر هم می‌گویند آقا آخر بیا دادگاه و اسنادت را بفرست، حاشا و کلا؟!

عجبا! اما وقتی می‌رسیم به دادگاه‌های بین‌المللی، از جمله دادگاه عدالت اروپا، شاهد نامه‌هایی هستیم که گروه‌های عراقی از جمله انتفاضه شعبانیه برای خاویر سولانا و دادگاه عدالت اروپا فرستادند که این مجاهدین اصلاً در جریان کویت در جنوب عراق نبودند! آخر چند تا مجاهد وجود دارد که اصلاً می‌دانستند در بغداد مسجدی وجود دارد به نام مسجد حکمت؟ به خدا هنوز من خودم هم نمی‌دانم. دبیرکل انتفاضه شعبانیه به دادگاه عدالت اروپا و خاویر سولانا نوشته که آخر در عراق، هیچ ارتباطی بین مجاهدین و تروریسم، نه در گذشته و نه در حال حاضر، وجود ندارد.

می‌گوید: ما می‌خواهیم شهادت بدهیم آنچه را که می‌بینیم؛ اینها (مجاهدین)، یک منطقه صحرائی را تبدیل به یک مروارید صحرا کردند و ادامه می‌دهد که در آن انتفاضه شعبانیه که رژیم و مزدورانش می‌گویند، اینها اصلاً حضور نداشتند، نقشی علیه ما نداشتند و بدانید که هر کس از این حرفها می‌گوید، اجیرشده از طرف نظام ایران است.



المصدر: ٥٩٤
التاريخ: ٢٠٠٧/٤/١١

بغداد - شارع

نسخة إلى /
- مكاتب المحافظات
- الأضابير



نامه دبیرکل انتفاضه شعبانیه به خاویر سولانا و دادگاه عدالت اروپا

پس اینها بهانه است. خیلی قباحت دارد که کسی خودش بمب‌گذار سفارت فرانسه و آمریکا در کویت باشد، خودش بیش از ۸ سال سرباز امام ملعون در پادگان غیور باشد، و خدا می‌داند در چند عملیات صد و چهل و چهارگانه تروریستی علیه مجاهدین در آن سالیان دست داشته باشد و حالا بیاید برای ما لغز تروریستی بخواند! بس کن آقاجان، بس کن!

باز هم تأکید بر حقوق قانونی

نکته دیگری هم بگویم شاید برایتان جدید باشد، این که مالکی مع‌الواسطه برای ما پیام دوستی می‌فرستاد! (اگر روزی قرار بشود که در محضر خلق قهرمان گزارش جامع بدهیم، من همه این کاغذها و اوراق و اسناد را دارم).

چون تا آنجا که مربوط به ما بود، نیامده بودیم که با دولت عراق بستیزیم، حتی به نوری مالکی هم گفتیم که غیر از حقوق قانونیمان هیچ چیز نمی‌خواهیم و گفتیم ما که مشکل برای عراق نیستیم، ما راه حل هستیم یا لاقلاً بخشی از راه حل هستیم، مشکل در رژیم است و همین رژیم است که این همه خون می‌ریزد و جنایت می‌کند. خوب، یادتان هست که حتی خمینی هم که روی کار آمد، ما که نمی‌خواستیم فضای سلامت و روند سیاسی در هم بشکند و در هم بریزد، ولی مرض در او بود. این اسناد و این اوراق و این داستانها که من برایتان گفتم هم، نشان می‌دهد که مرض در کدام جانب است.

ما که ستیزی با حاکمیت عراق نداریم. این را گفته‌ایم، باز هم می‌گوییم. اما این مالکی از روز اول که آمد، آنکه اولین موضعگیریش علیه ما بود. بعد در اواسط کار - شاید تحت فشار آمریکاییها یا عامل دیگری که من نمی‌دانم دو سال و اندی سکوت کرد، و این شمه‌یی بود از آنچه بین ما و او گذشت. اما الان (از اول ژانویه) یکسال تمام است که بلایی نبود که بر سر مجاهدین نیآورده باشد.

اول گفتند هیچ چیز با زمانی که آمریکاییها حفاظت اشرف را به عهده داشتند، فرقی نمی‌کند. بعد دیدیم موفق الربیعی پیدایش شد، یک جاسوس با روشهای ناشیانه‌یی که از روشهای ساواک شاهنشاه آریامهر در ۴۰ سال پیش عقب‌تر بود. بعد هم که مقاومت

ایران و مجاهدین او را به زباله‌دان تاریخ انداختند. (اعرجی از جریان صدر گفت که این شخص نمایندهٔ ۹ بدر است. ۹ بدر کیست؟ مگر بارها رحیم صفوی و سایر سرکردگان سپاه نگفتند که پاسدار دقایقی ۹ بدر را از ترکیب اسیران عراقی تشکیل داد و اسم ۹ بدر را هم پاسدار دقایقی در روز نهم ماه رمضان روی آنها گذاشت).

پایان پیروزمند کارزار بهار ۶

اما بنام مجاهدین را که در همین غوغا و همین وانفسا، به‌موزات قیام، چگونه روز سه‌شنبه ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) اینقدر سریع کارزار خودشان را به اوج می‌رسانند... حق این بود که همان شب شیپور پیروزی و فتح مبین و پایان پیروزمند کارزار بهار ۶ به صدا درمی‌آمد.

هر چند که دلم برای آن گُرد قهرمان اصغر یعقوب‌پور و البته برای تک‌تک شهدا سوخته بود، ولی در آن روز شما به‌من نشان دادید که به این سرعت جای آنها را پر کرده‌اید. دیدم که چه گُردها و یلانی دارید که هر یک بغرنجترین شرایط را کفایت می‌کنند؛ لاحول ولا قوه الله بالله.

خوشا به خواهر مزگان و خواهر صدیقه که در زیر چتر آنها چنین قهرمانان و گُردها و یلانی بالا کشیده‌اند، یعنی در این روز که معروف شده به ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر) خیلی چیزها را به‌ثبیت دادید و حک و تثبیت کردید. آنچه که می‌دانم این است که بعد از فروغ ایران و قیام اشرف، فی‌الواقع فتح مبینی را محقق کردید؛ بحمدالله و المنه، بدون این که خون از دماغ کسی بیاید.

از آنجا که همه شما می‌دانید پایه و سنگ بنا، صندوق صدق اشرف بود و لاغیر، قدر اشرف بود و لاغیر، همه‌اش در یک کلام انقلاب مریم بود و بیابیا، یعنی پرداخت قیمت، شما توانستید با آرامش و تسلط و کنترل این کارزار را به اوج برسانید. در حالی که در صحبتها از آن که عضو کنگرهٔ آمریکاست یا آن که نمایندهٔ مجلس انگلیس است یا شهردار فرانسوی، می‌بینید چطور برافروخته و عصبانی و عصبی و برانگیخته بودند، حال دیگر فکر بچه‌های خودمان و نیروها و هواداران را نکنید. لیکن شما پیش بردید. آدم به چشم می‌بیند که آن خونها و رنجها و اعتصابها و التهاب و درد و ناراحتیهای ۶ و

۷ مرداد واقعاً چطور در اینجا گل داد و مزده داد.

نیروی تروریستی قدس رژیم یا القاعده؟!

یکی از اتهامهایی که مالکی نثار مجاهدین می‌کند، این است که اینها در دیالی با القاعده در ارتباط هستند! مالکی می‌گوید: اینها چون در دیالی در ارتباط با القاعده و رژیم سابق عراق هستند، پس جابه‌جایی آنها ضروری است! اما قضیه درست معکوس است تا آنجایی که ما - اقلاً حول و حوش اشرف - در این سالها و در زمانی که جبهه نجات دیالی فعال بود، چیزهایی علیه مجاهدین تحت نام القاعده دیدیم که هیچ چیز و مطلقاً هیچ چیز جز رژیم نیست. پس اگر سؤال آقای مالکی جدی است رژیم است که باید جواب بدهد که چرا این کارها را می‌کند، چرا چنین مخارجی می‌کند و چرا مالکی را به سمت چنین اتهامهای رذیلانه‌یی می‌راند؟ اطلاعیه آنچه که در دیالی به نام القاعده است، را نگاه کنید:



ومن يتولهم منكم فإنه منهم

الحمد لله رب العالمين، ولا عدوان إلا على الظالمين، والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد :
قال الله تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا}

- قال الله عز وجل {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ ذُنُوبِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أَنْ تَجْعَلُوا لَهُمْ عَشِيرَتَكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا}. لما ذكر أن من صفات المنافقين اتخاذ الكافرين أولياء من دون المؤمنين، هي عبادة المؤمنين أن يتصفوا بهذه الحالة القبيحة، وأن يشاهوا المنافقين، فإن ذلك موجب لأن {تَجْعَلُوا لَهُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا} أي: حجة واضحة على عقوبتكم، فإنه قد أنذرنا وحذرتنا منها، وأخبرنا بما فيها من المفساد، فسلوكتها بعد هذا موجب للعقاب. وفي هذه الآية دليل على كمال عدل الله، وأن الله لا يُعَذِّبُ أَحَدًا قَبْلَ قِيَامِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، وفيه التحذير من المعاصي التي تؤدي إلى الكفر؛ فإن فاعلها يجعل الله عليه سلطانا مبينا.
- وقال الله عز وجل {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَمَا لَهُ مِنْهُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ} يرشد تعالى عبادة المؤمنين حين تبين لهم أحوال اليهود والنصارى وصفاتهم غير الحسنة، أن لا يتخذوهم أولياء. فإن بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يتناصرون فيما بينهم ويكونون بدا على من سواهم، فأنتم لا تتخذوهم أولياء، فإنهم الأعداء على الحقيقة ولا يباليون بضرركم، بل لا يدخرون من مجهودهم شيئا على إضلالكم، فلا يوالاهم إلا من هو مثلهم، وهذا قال: {وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَمَا لَهُ مِنْهُمْ} لأن التولي التام يوجب الانتقال إلى دينهم. والتولي القليل يدعو إلى الكثير، ثم يتدرج شيئا فشيئا، حتى يكون العبد منهم. {إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ} أي: السدين وصفتهم الظلم، وإليه يرجعون، وعليه يعولون. فلو جنتهم بكل آية ما تعوك، ولا اتقادوا لك.
- في ظل تكاليف الأعداء على ولاية ديالى الآية، وفي الوقت الذي اندكت به آليات الفرقة القليلة بسديالى ومقراتهم بالعمليات الاستشهادية وبالعبوات الناسفة، وفي ظل تقديم الشهداء لأجل إعلاء كلمة هذا الدين في هذه الأرض.

وفي هذا الظل كله ظهرت راحة هؤلاء المنافقين الذين ما زالوا من عهد النبي ﷺ إلى هذا العهد يكيدون الدسائس بالمسلمين والجاهدين، كيف لا، والله سبحانه وتعالى ذكر صفات هؤلاء المنافقين وفضحهم بسورة الفاحشة (سورة التوبة)، فقال الله عز وجل {الْقَوْمُ خَفَاءٌ وَنَقَالًا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكُمْ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْكُمُ الشُّكَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ، عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمُ الْكَافِرِينَ. لَأَيَسَّرَ اللَّهُ لِلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ، إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ لَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ، وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ ابِعَانِيَتَهُمْ فَصَبَّحَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ، لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَمَأْوَسَعُوا خِلَالَكُمْ يَتَّبِعُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَليمٌ بِالظَّالِمِينَ، لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلِ

وَقَالُوا لَكَ التَّائِبُونَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَئِذَا لَمْ يَأْتِ الْفِتْنَةَ سَقَطُوا وَإِنْ جِئْتُمُ لِمَحِطَّةٍ بِالْكَافِرِينَ، إِنَّ نَاصِيكَ حَسَنَةٌ تَسُؤُهُمْ وَإِنْ نَاصِيكٌ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلٍ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ، قُلْ لَنْ نُصِيبَنَّكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرْتَضُوا إِيَّاكُمْ فَتَرْضَوْنَ، قُلْ هَلْ تَرْضَوْنَ بِنَا إِيَّا إِنْ أَخَذَ الْاِحْسَنِينَ وَتَحْنُ تَسْرَبْنَ بِكُمْ أَنْ تَرْضَوْنَ؟

ولقد تجملت ردة بعض التنظيمات التي تتسمى بمسميات إسلامية ووطنية وذلك بعقد اجتماعات مع الأمريكان والحرس الوثنى، والتي عقدت بالمواقع التالية :

١. اجتماع في السلمانية.
 ٢. اجتماع في مقر محافظة ديالى.
 ٣. اجتماع في معسكر منافقي خلق بمحطة العظيم.
- وقد حضر هذا الاجتماع قادة هذه التنظيمات، و تكفلوا بدعم العدو الأمريكي والحرس الوثنى، بالتطوع للشرطة والحرس الوثنى وزيادة على ذلك اعتراف السفير الأمريكي زلامي خليل زاده باجتماعه مع هذه التنظيمات - المحسوبة زوراً على التنظيمات الجهادية - والإسلام منهم براء.

وكما بين الله سبحانه وتعالى في الآيات المذكورة آنفاً بأن موالاته الكافر ردة عن دين الله عز وجل، وانسلاخ منه.

فيا جنود تلك التنظيمات عليكم أن تعوا المكر الذي يخطط له قادتكم، كي لا تقعوا في الردة عن دين الله، فيكون مصيركم نار جهنم خالدين فيها أبداً.

ويا أبناء أهل السنة الأحرار، المدافعين عن دينكم وشرفكم وأعراضكم، لا تتخذوا بما يسمى بجبهة إنقاذ ديالى والتي يقودها المرتد عبد الله الجبوري - أهلكه الله -، والذي جعل حشدهم لدولة العراق الإسلامية بأن يتعاونوا مع المحتل الصابئي ضد تلك الدولة المسلمة الفتية.

وإن دولة العراق الإسلامية لتتحذر تلك التنظيمات - التي جعلت من نفسها أداةً يجرها العدو الأمريكي كيف شاء - بأن أي تعاون مع الأمريكان أو دولة الكفر أو بالدخول فيها. فإن مصيره سيكون أليماً ياذن الله تعالى.

فإن كان وليكم الأمريكان والحرس الوثنى فإن ولينا الله القوي العزيز.

فإن ولينا الله الجبار المتكبر.

فإن ولينا الله العلي الكبير.

اللهم قد بلغنا اللهم فاشهد

اللهم قد بلغنا اللهم فاشهد

اللهم قد بلغنا اللهم فاشهد

والله غائب على أسره ولكن أكثر الناس لا يعلمون

چنان که می‌بینید، بالای اطلاعیه نوشته است: دولت العراق الاسلامیه (دولت اسلامی عراق) ولایت دیالی، سمت چپ هم نوشته: دادگاه شرع ولایت دیالی، یعنی دادگاهی که به اصطلاح حکم کشتن و کشتار و بمبگذاری می‌دهد. در صفحه دوم در ماده ۳ از جلسه‌ی در قرارگاه «منافقین» خلق در منطقه عظیم صحبت می‌کند!

ناگفته پیداست که هر کس، از خود این آقای مالکی گرفته تا القاعده و تا موفق الربیعی، وقتی با فرهنگ رژیم صحبت کند، کلمه منافقین دم خروس است!

ترجمه سند این است که در این جلسات رهبران این تشکیلات حضور داشته و برای حمایت از دشمن آمریکایی و حرس وطنی (گارد ملی عراق) از طرف آنان مأموریت داده شده‌اند که داوطلب ورود به شرطه و حرس وطنی جمع‌آوری کنند. علاوه بر این سفیر آمریکا، زالمای خلیلزاد اعتراف کرده که با این سازمانهای تقلبی که خودشان را سازمانهای جهادی نامیده‌اند، ملاقات کرده است و اسلام بری از آنان است.

منظورش همان شوراهای بیداری است که آن موقع، در زمان ژنرال پترائوس که آمریکاییها از آنها حمایت می‌کردند و رژیم خیلی مخالف بود، تعدادشان در عراق به ۹۰-۸۰ هزار رسید و طرح این بود که تا ۱۱۰ هزار نفر افزایش یابد که هم رژیم و هم دولت مالکی قویاً با این شوراهای بیداری مخالفت کردند.

اما آنچه که به ما مربوط است، در این اطلاعیه می‌گوید: ای فرزندان اهل سنت، ای مدافعان دین و شرف و ناموستان، گول آن چیزی را که جبهه نجات دیالی نامیده می‌شود و رهبری آن را عبدالله جبوری - خدا او را هلاک کند - به عهده دارد نخورید؛ کسی که حسد او بر حکومت اسلامی عراق، او را واداشته است که با اشغالگران صلیبی علیه این حکومت نو پای مسلمان همکاری کند. (جبهه نجات دیالی در آن زمان علیه مداخلات رژیم و در حمایت از اشرف و حقوق مجاهدان اشرف بود).

مطمئناً دولت عراق و شخص مالکی هم از این نوع اطلاعیه‌ها که حالا برخی از آنها به دست ما افتاده، مطلع بوده و هست. اما، چون دقیقاً پشت این اتهام رژیم است، نعل وارونه می‌زند که رد پای خودش را معکوس جلوه بدهد و پاک بکند.

افشاگری قابل توجه

یکی از هممین افراد که با مزدوران بدر همکاری می کرده و هم چنین تحت نام القاعده برای منفجر کردن لوله های آبرسانی اشرف، مواد و تسلیحات به اینها می رسانده، در زمانی که آمریکاییها مسئول حفاظت اشرف بودند، در مورد این افراد اطلاعاتی به آمریکا می دهد و دست رژیم را رو می کند. نامه وی این است:

این نامه در هر دادگاهی قابل ارائه است، دستخط خودش و به عربی است که خلاصه آن را برایتان می خوانم:

می گوید: «در روستای فلان، خانه فلان، یکی از مسئولین دفتر مجلس اعلای انقلاب اسلامی شعبه خالص بود - مخاطب را می گوید- این آشنایی از یکسال و نیم پیش از طریق یک واسطه انجام شد. هر چند که اینها تشکیلات شیعیان را کافر می دانستند و بدریها را هم دشمن خودشان، اما یک کسی به نام "کمال هادی جراب" آمد مقادیری بسته انفجاری آماده ساخت ایران و مواد منفجره تی.ان.تی، چاشنیهای انفجاری و یک ماده انفجاری که من ندیده بودم و دقیق یادم نمی آید چه بود، و چیزهایی از این قبیل داد. بعد هم امیر شرعی این گروه - آن گروهی که تحت نام القاعده کار می کرد- فتوایی داد که الان همکاری با ایران و سلاح گرفتن از اینها اشکالی ندارد، هم چنان که در سیره نبوی هم آمده...». (سوءاستفاده از نام پیامبر را ببینید که پیامبر اکرم در جنگ علیه روم و صلیبیها، کمک و سلاح از مشرکان گرفت).

یعنی این به اصطلاح شیعیان رژیمی، هر چند که مشرک هستند، ولی ما باید از اینها سلاح و پول بگیریم، سلاح و پول اینها حلال است.

ادامه اش را می خوانم: «این رابطه پیش رفت تا این که عملیات منفجر کردن لوله آب شهر اشرف که از کارهای این گروه بود، یعنی با همان مواد و طرح و بسته های انفجاری که ساخت ایران بود، صورت گرفت. وی مدعی بود که این عملیات به خصوص، برای پول دادن به گروه است، به طوری که با کمال هادی جراب در مورد منفجر کردن لوله آب در مقابل مبلغی پول توافق کرده بود که مقدار آن را نمی دانم. این عملیات ۲ بار تکرار شد، او کسی بود که اقدام به انتقال سلاح کرد و این سلاحها هم مورد استفاده قرار گرفت. میزان دیگری از سلاحها و مواد انفجاری به مناطق دیگر مثل بغداد منتقل

شد، آنان کارگاه بمبگذاری ماشین داشتند و بعقوبه و خان بنی‌سعد و کرکوک را دربرمی‌گرفت و انتقال از طریق مخفی کردن سلاح در جاهایی در داخل ماشین که در نقاط بازرسی امکان باز کردن آن‌را نداشتند، انجام می‌شد. بعد مثال می‌زند، که مثل فلان نقطه در کامیونهای باری که با پیچ تثبیت می‌شد و داخل آن خالی بود و ممکن بود سلاح داخل آن جاسازی شود و الی آخر.

انتهای نامه هم اسم و امضا و تاریخ مشخص دارد. بنابراین از کم و کیف انفجار لوله‌های آب اشرف با پول و با تسلیحات و با طرح و برنامه رژیم حالا تحت هر عنوانی، هم نیروهای آمریکایی و هم دولت عراق اطلاع دارند. یعنی نمی‌تواند بگوید من بی‌اطلاع بودم! اما سؤال این است که مالکی بگو چرا ساکتی!؟

بعد هم که جلوتر رفتیم، دیدیم رژیم است که افرادی را تحت نام القاعده استخدام می‌کند، که اطلاعیه بدهند. اسامی آنها هم مشخص است: حامد شلال، شاکر محمد، ستار جبار، عامر صبار، بعد با آنها جلسه شرعی هم می‌گذارند و نتیجه‌اش این است که همانا مجاهدین خلق هدف شرعی این جماعت بشوند، که خود این مجاهدین هم شیعه و از رافضیه‌های مشرک هستند. به‌علاوه این که با آمریکاییهای صلیبی هم در قرارگاه اشرف همکاری می‌کنند!

می‌رسیم به ژوئن سال ۲۰۰۶ (خرداد سال ۱۳۸۵) فردی به‌نام کمال هادی درخالص، مسئول دفتر بدر از مجلس اعلای انقلاب اسلامی که اینها را اداره و هماهنگ می‌کند و در اطلاعات مربوطه نوشته شده، تصمیم‌گیری به‌لحاظ شرعی توسط حامد شلال انجام شد و شاکر محمد و ستار جبار، لقمان کنعان و دو نفر دیگر از روستای اسپید آماده انجام گردیده‌اند.

پس بیخود نبود که این اتهام القاعده در اشرف هم‌چنان که لرد کوربت هم گفت چرند است و پرند... .

تقرير - المعلومات الموثقة بخصوص علاقة مجموعة سناكر محمد جبير

رستار جبار سردي . مع جماعة بود في الخالص
ثم التعارف بين رستار جبار سردي . الساكن في قرية (اله) دار
في مزرعة الناي والذي كان الأمير العسكري للمجموعة والموجود
كحال هادي جراب . الساكن في قرية الخويلص لـ ١٢ كيلومتر
جنوب الخالص . وهو أحد مسئولين في مكتب المجلة الأمان
للثورة الإسلامية فرع الخالص . وحدث هذا التعارف قبل عام
ونصف العام تقريباً . عن طريق وسيط . وكان هذا الوسيط
هو تاجر أسلحة . علاوة هذا التعارف زود كحال هادي جراب
جماعة رستار بكسيت من الصبوات الباهظة الاميرانية الصنع .
ومواد متفجرة مثل مادة TNT . وصواعق يدوية . ومادة لا اذكر
اسمها جيداً . تقريباً نترات الصور .

تشبه من هذا القبيل . وبأوامر من حاكم
بمصر الشيعة كذا . وبأوامر من حاكم
للمجموعة في مصر من قبل رستار جبار . وبأوامر من حاكم
مصر . في مناطق اخرى مثل بغداد حيث يوجد لديهم هناك
بعضها الآخر يتم نقله من قبل رستار جبار . وبأوامر من حاكم
درنة لتفنيخ السيارات . وبمقتضى ما كان بين سعد وحركة
ويتم النقل عن طريق الخفاء الأسلحة في مواقع داخل البصرة لتنظيم كمان
الركبي لسيارة البيكم . الذي يصيب بواسطة برافتي ويكون
داخله مجهزة من الممكن تفنيخ الأسلحة في داخله . ولا زالت الرسائل
هذه الغلاف مستمرة .

وأنا شاهد ومقول عن معلوماتي
محمد جبار بن محمد العبيدي
١٠/١٩

انگشت رژیم در پشت انفجارهای بزرگ بغداد

مقاومت ایران بارها افشا کرده است که پشت این انفجارها کیست و سلاحش از کجا می‌آید. نه فقط ما، نیروهای ملی عراقی، افراد بیطرف، حتی افراد دارای اطلاعات که کم هم نیستند، همین را می‌گویند.

سند صفحه مقابل که برای دادگاه اسپانیا هم فرستاده شده، از مجموعه اسنادی است که از داخل فرستاده‌اند (این سند را همانهایی فرستاده‌اند که قبلاً لیست ۳۲ هزار مزدور را از تهران فرستادند). این سند نزد همه حقوقدانان و مراجع بین‌المللی هم هست و بسیار سند گویایی است که چگونه نیروی تروریستی قدس برای هوشیار کردن سرکردگانش در تهران، این سند را به ارگانهای رژیم در داخل ایران فرستاده است.

سند به زبان عربی و تاریخ آن ۱۱ نوامبر ۲۰۰۹ (۲۰ آبان) است. در این سند مدیریت کل عملیات می‌گوید: «روز گذشته ما این اطلاعات را دریافت کردیم که یک گروه مسلح به دستور اطلاعات ایران - وزارت اطلاعات - در حال طراحی برای اجرای عملیات تروریستی به وسیله دو خودرو انفجاری در استان بغداد در کراده مریم، بلافاصله بعد از پایان زمانبندی مشخص شده برای نمایشگاه بین‌المللی بغداد است تا وزارتخانه‌های دفاع، مهاجرت و مسکن را مورد هدف قرار بدهد. این نقشه در ملاقاتی در خانهدی در منطقه کاظمیه متعلق به فردی به نام ابو خالد که اسم اصلی او نامشخص است، طراحی شده است.

مشخصات فرد: «قد متوسط، موی سفید، عینک طبی، مغازه نقره‌فروشی و عتیقه‌فروشی در درب قبله امام موسی کاظم، نزدیک هتل توریستی الخضراء و الی آخر... این عناصر حیدر مهدی حسین، حیدر محسن از اهالی استان المثنی اقدام به شناسایی منطقه هدف خواهند کرد تا از سیطره‌های مسیری که خودروها باید طی کنند و محل نصب دستگاههای سوناست عکس بگیرند و نوع خودروها و میزان مواد انفجاری برای اجرای عملیات را مشخص کنند. گروههای مسلح مورد نظر، همان گروه مسلح به دستور وزارت اطلاعات ایران، عملیات تروریستی خود را در استان بغداد تشدید خواهند کرد که قبلاً نیز اطلاعاتی در مورد انفجار خودروهای بمبگذاری شده در منطقه کراده ارسال شده بود».

بحث خیلی روشن است، خود دولت عراق است، خود نخست‌وزیری عراق است که می‌داند و درجایی که می‌خواهد، می‌نویسد و ابلاغ می‌کند که گروه مسلح به‌دستور وزارت اطلاعات رژیم ایران برای نمایندگانه بین‌المللی بغداد با چنین فردی، با چنین خصوصیاتی، با چنین افرادی از کجا و کجا و کجا و این هم هدفهایشان و الی آخر...

سرية ولورية

من / وكالة الوزارة لتقوية القوى المسلحة - المعلومات
إلى / قيادة قوات حرس الحدود - المعلومات والمتممة و مديرية العامة لمراقبة
الحدود الجوية - المعلومات والمتممة و مديرية القطاع المعنى العامة - معلومات
والمتممة و المديرية العامة لعملية التفتيشات - المعلومات والمتممة
و المديرية العامة لتقوية حرس الخواص - المعلومات والمتممة
و/ المديرية العامة لتفتيشات - موكلا لقيادة تونسي

رقم التفتيش	وقت الإلقاء	تاريخه
١٧٦	١١/٢٨	٢٠٠٩/١١/١١

(٠) رسالة المديرية العامة لتفتيشات - موكلا لقيادة تونسي
المرفقة/ ١٥٤٢٨ في ٢٠٠٩/١١/١٠ (٠) رسالة مكتب وليس التوجيه - موكلا لتفتيشات
تونسي سورية والكردية شرقية / أمن/ ١٨٧٣ في ٢٠٠٩/١١/١٠ (٠) رسالة جهاز
التفتيشات التونسي العراقي/ ١٦٨٤ في ٢٠٠٩/١١/١٠ بالذود معلومات تكو ما يلي (٠)
تتعلق بمجموعة مستحقة ويخرج من التفتيشات الاوتية لتفقد صلبة ارضائية بمقتضى
مقتضى في محافظة بلاد - ~~الاطلاق~~ انتهاء الفترة المقررة لعرض بلاد الدول
على ان يتواجد على يد في منطقة التفتيشية التمدد (أبو خالد - جهول اسمه) (٠) لوصلة
(٠) متوسط الطول والهيئة - ايض الشعر - يرتدي النظارات الطبية - لديه محل تبيع
الثقبة والتحف القديمة في باب تينة الاسم التلقب (ع) قرب سدق الشراء السليم
ويعتبر ان من (المثد) لوجل التوما كبة ، حيدر مهدي حسين ، حيدر مومن - من اهل
محافظة المشي - هي الامكان (٠) ~~التفتيشات~~ التفتيشات التفتيشات التفتيشات
التفتيشات التفتيشات التفتيشات التي تستلمها الجهات الامكان لاجهزة السونار والتعداد
نوع المعدات وكيفية التوجه المتغيرة لتفقد الصلبة (٠) التفتيشات التفتيشات التفتيشات
البحث بتكليف صلبتها الارهابية في محافظة بلاد حيث سبق واسم يرسل معلومات
بمضمون لتجور هيتين مغلقتين في منطقة تفرقة (٠) توجه التفتيشات ما يتزم بسند
المعلومات اعلاه (٠) التفتيشات

التوقيع /
التصديق /
3. التواء التفتيشات
الوقت المساعد لتقوية القوى المسلحة
٢٠٠٩/١١/١١

رژیم دیکته می کند

خوب آقای مالکی بگو ببینم چرا ساکتی؟! چرا تا به حال ما یک مورد از این چیزها را از شما نمی شنویم؟ اما بیدریغ هر روز نثار کردن برچسب تروریستی به مجاهدین، نقض حاکمیت عراق به مجاهدین، همکاری القاعده از طرف مجاهدین، آخر یاهه گویی هم حد و حدودی دارد، بیخود نیست که اعتراض نیروهای عراقی هم بلند است. پس موضوع این نیست که مجاهدین چه کرده اند یا چه نکرده اند، موضوع به سادگی عبارت از این است که رژیم دیکته می کند، دولت عراق اجرا می کند. مگر داد نیروهای عراقی، احزاب عراقی، عشایر عراقی، شیوخ عراقی در نیامده که آقای مالکی این همه کشتار هست، این همه بمبگذاری هست، در آخرین انفجار صدویست، سی نفر کشته شدند. صدها نفر مجروح شدند، تو چرا به تروریسم مجاهدین پیله کردی!؟

خلع ید از رژیم، شعار همگانی مردم عراق

- **دکتر ظافر العانی** بود که گفت: بگذارید من فقط یک جمله بگویم، در شرایطی که دولت عراق و احزاب سیاسی که حکومت عراق را در چنگ خودشان دارند باید به مداوای جراحتهای عراقیها بپردازند و تروریستهای واقعی را تعقیب کنند، اما آنچه که ما می بینیم، همه اش می گویند اخراج سازمان مجاهدین خلق از دیالی! و نتیجه گیری کرد که آیا این چیزی جز پاداش به دولت تهران است؟ دولتی که همه می دانند چه میزان در پرونده امنیتی عراق دخالت و خرابکاری دارد.



- **ایاد جمال الدین** روحانی برجسته شیعی بارها گفته، آقا این دولت در چنبره رژیم ایران است.

ایاد جمال الدین است که می گوید: مشکل ما در عراق موضوع نفوذ افزایش یابنده رژیم ایران است. و در همین روز ۱۵ دسامبر، (۲۴ آذر) می گوید؛ وقتی آخرین سرباز



آمریکایی از عراق خارج شود، اعلام خواهد شد که عراق یک مستعمره رژیم ایران است و از سوی پاسداران انقلاب ایران اداره می‌شود. ایالات متحده این پروژه تعجب‌انگیز را شروع کرده و ناگزیر است تا ته خط برود. اما با ترک عراق در وسط این پروژه، یک مشکل ایجاد خواهد شد، یک خطر بزرگتر از برنامه هسته‌یی ایران.

یادتان هست که رئیس‌جمهور برگزیده این مقاومت بود که ۶ سال پیش در آذر ۱۳۸۲ گفت: خطر رژیم در عراق صدمبار بیشتر از خطر هسته‌یی آن است.

آقای ایاد جمال‌الدین، سپس ادامه می‌دهد که دولت عراق باید به قوانین و کنوانسیونهای بین‌المللی در مورد ساکنان اشرف احترام بگذارد، آنها به موجب کنوانسیونهای ژنو حفاظت شده هستند و بعد حتی به دولت عراق نصیحت می‌کند و می‌گوید حتی اگر تو می‌خواهی جلو این رژیم بایستی و به‌خاطر منافع خودت فشار بیاوری، چرا اینقدر به رژیم میدان می‌دهی؟ از قضا این عراق است که می‌تواند روی این رژیم در رابطه با قرارگاه اشرف فشار بیاورد، چرا تو معکوس می‌کنی؟ چرا این فرصت را از دست بدهیم؟ بعد می‌گوید: البته که من کارهای دولت عراق را در رابطه با قرارگاه اشرف محکوم می‌کنم. و این دولت مواضع من را خیلی خوب می‌داند.

- **دکتر صالح مطلق**، همین تازگی گفت: در واقع هیچ چیز



مبهمی این وسط وجود ندارد (و هر کسی هم که حتی فقط به فقط به منافع ملی عراق بیندیشد، جدا از بحث حق و حقوق و قانون، به این نتیجه می‌رسد که دکتر صالح مطلق رسید که آنچه که اینها در اشرف می‌کنند، اجرای دیکته‌های ایران توسط دولت فعلی عراق است. او گفت از زمانی که این دولت روی کار آمده، اولویتش راضی کردن رژیم ایران است، نه راضی کردن عراق. آنها در شرایطی که روزانه خون مردم عراق بر زمین ریخته می‌شود.

مجدداً دکتر صالح مطلق می‌گوید: تصمیمگیری در مورد جابه‌جایی مجاهدین اشرف یک رویکرد صرفاً ایرانی است، منظورش رژیم ایران است که حکومت عراق اجرا می‌کند.

- **دکتر سلام زوبعی**، معاون و مشاور امنیتی قبلی همین مالکی است که می‌گوید: جابه‌جا کردن ساکنان اشرف اقدامی خطرناک و لکه‌ننگی برای بشریت است. دیگر از این واضحتر می‌شود گفت؟



خوب، پس ابهامی وجود ندارد. به قول ایاد جمال‌الدین در مشت محکم و در چنگ محکم رژیم ایران قرار دارد. راه حل چیست؟ باز هم به قول همین آقای ایاد جمال‌الدین، قبل از هر چیز این کشور باید نخست خود را از نفوذ رژیم ایران خارج و خلاص کند؛ خلع ید. یعنی این شعار همگانی مردم عراق، نیروهای ملی، نیروهای وطنپرست و کسانی است که منافع ملی عراق را می‌بینند.

اشرف، کانون استراتژیکی نبرد

هم‌چنان که در ابتدای بحث گفتیم، پس این نیاز مشترک دو خلق است، نیاز دو خلق برادر به خلاص شدن از شر رژیم آخوندی در ایران، به همین دلیل، اتحاد عمل استراتژیکی، نیاز مشترکشان هست. آیا وزنه تعادل دیگری غیر از اشرف و مجاهدانش در برابر این رژیم پیدا می‌شود؟ آیا سد و مانع مستحکمتری غیر از اشرف و مجاهدانش پیدا می‌شود؟ در داخل ایران، در عراق و در منطقه و در سراسر جهان آیا سد و مانع محکمتری پیدا می‌شود؟ آیا راه حلی غیر از راه حل سوم که از سالها پیش رئیس‌جمهور برگزیده این مقاومت گفته و گفته و باز هم می‌گوید، پیدا می‌شود؟

خوب، شما نشان دادید، مجاهدین نشان دادند، اشرف پایدار در این ۷ سال و به‌خصوص در سال ۲۰۰۹ نشان داد که این حرف عین حقیقت است. این تنها راه و این تنها مسیر است، مسیر ایستادگی و مقاومت در مقابل رژیم، فقط باید در دهان این رژیم کوبید. بعد که شما ایستادید، بعد که شما قیمت را دادید، بعد که سرفراز شدید، الگویی می‌شود الهام‌بخش، کانونی می‌شود برای امید و ایستادگی، هم برای دانشجویان داخل ایران، هم برای مردم عراق و هم در سطح جهانی که پس می‌شود، پس می‌توان، پس می‌توان و باید!...

این طور اشرف راه باز می کند. این طور اشرف و مریم، شماها و مریم به پیش می برید، این است معنی کانون استراتژیکی نبرد. الحمدلله چون عکس آن پیش نیامده و شما نخواهید گذاشت هیچوقت پیش بیاید، چون تسلیم و بندگی و دریوزگی پیش نیامده، کسی آن طرفش را ندیده. اما در تاریخ ایران هست. اگر بعد از کودتای ۲۸ مرداد هم، چنین مقاومتی و چنین پایداری بود، تردید نکنید که وضعیت سراپا فرق می کرد. به جای بریدگی و وادادگی و جذب شدن در ساواک سلطنتی، پرچم پایداری و هیئات منالذله بالا می رفت. اصلاً و ابداً دارودسته ارتجاعی خمینی امکان پیدا نمی کردند که به حاکمیت برسند.

نامه کمیته در جستجوی عدالت به مالکی

نامه دیگری در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹ از آقای ویدال در پاسخ به صحبت های مالکی، که نسخه های آن برای رئیس جمهور آمریکا، برای وزرای خارجه و دفاع آمریکا و برای وزرای عراقی هم ارسال شده، برای ملل متحد و کمیساریای عالی حقوق بشر وهم چنین نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد، برای سفیر آمریکا، برای فرمانده نیروی چند ملیتی و وزارت خارجه های مختلف فرستاده شده است:

آقای نوری مالکی نخست وزیر عراق،

به عنوان نایب رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته در جستجوی عدالت که در برگیرنده ۲۰۰۰ پارلمانتر در اروپا و آمریکا است، به شما می نویسم، در نامه قبلی در ۲ دسامبر به شما در مورد قصد دولت عراق مبنی بر جابه جایی ساکنان اشرف هشدار داده شد. تأکید کرده بودیم که این جابه جایی به فاجعه یی بسا سنگین تر از کشتار ساکنان اشرف توسط نیروهای عراقی در ژوئیه گذشته، منجر خواهد شد. اما شما در کنفرانس مطبوعاتی (۱۶ دسامبر)، هدف از جابه جایی ساکنان اشرف را برملا کردید و ضمن تکرار اتهام های کذب همیشگی خود علیه مجاهدین، گفتید؛ این سازمان در عراق نمی تواند حضوری داشته باشد و این اقدامات تنها یک اقدامات آمادگی برای خاتمه دادن به حضور آنها در عراق است. اخراج آنها از این قرارگاه، آمادگی برای انتقال آنها به خارج یا بهر کشوری است که آنها را بپذیرد یا این که از عفو عمومی استفاده کنند

که دولت تهران به آنها بدهد. حتماً مطلعید که اظهارات شما با استقبال گسترده رسانه‌های رژیم ایران مواجه شد. معلوم می‌شود جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف مقدمه یک اقدام غیرقانونی دیگر، یعنی اخراج و استرداد اجباری است. اما در روز ۱۵ دسامبر همه جهانپان مطلع شدند که همه ساکنان اشرف با جابه‌جا شدن در داخل عراق مخالفند و این منجر به خونریزی خواهد شد. (واشینگتن پست ۱۶ دسامبر، سی.ان.ان ۱۴ و ۱۶ دسامبر، خبرنگارهای آسوشیتدپرس و فرانسه ۱۵ دسامبر).

در این روز دهها خودرو پلیس و شماری از مقامات عراقی عضو کمیته بستن اشرف به‌همراه شماری از خبرنگاران وارد اشرف شدند. خبرنگاران پس از یکسال تحریم مطبوعاتی اشرف، به‌منظور تهیه گزارش از کسانی که نمی‌خواهند در اشرف بمانند، دعوت شده بودند. تعداد کافی اتوبوس برای انتقال ساکنان اشرف نیز طبق بیانیه‌های سخنگوی دولت شما از قبل حاضر و آماده شده بود. نیروهای عراقی هزاران تراکت در خیابانها و قسمتهای مختلف اشرف فرو ریختند و با بلندگو هم اعلام کردند که افراد داوطلب می‌توانند خود را به‌مرکز پلیس یا هریک از گشتیها معرفی کنند. نیروهای عراقی در حالی که خبرنگاران آنها را همراهی می‌کردند به‌نقاط مختلف اشرف رفتند، با بسیاری از ساکنان رودررو صحبت کردند، از آنها خواستند اشرف را ترک و همراه آنها به‌بغداد بروند. اما برخلاف انتظار آنها، حتی یک نفر حاضر به‌چنین کاری نشد و خودروها خالی بازگشتند. اقدام ۱۵ دسامبر با معیارهای دموکراتیک فاصله زیادی دارد، اما بار دیگر این حقیقت را نشان داد که تبلیغات رژیم ایران و دولت عراق مبنی بر این که ساکنان اشرف برخلاف میل خود در آنجا مانده‌اند تا چه اندازه قلب واقعیت است، و کاش این تجربه باعث می‌شد شما اظهارات غیرقانونی روز ۱۶ دسامبر را تکرار نمی‌کردید. امروز جهان با چشمهای باز رفتار دولت شما را با ساکنان اشرف به‌مثابه یک شاخص عمده در مستقل و دموکراتیک بودن عراق و پابندی آن به معاهدات بین‌المللی نظاره می‌کند. محاصره ضدانسانی که از ابتدای امسال بر ساکنان اشرف تحمیل شده، از جمله جلوگیری از ورود دارو و پزشک و سوخت و خانواده ساکنان اشرف و وکلا و فعالان حقوق بشر، انزجار جامعه جهانی را برانگیخته است. تنها به برخی از تحولات در فاصله دو هفته گذشته نگاه کنید.



18 December 2009

Honourable Nuri al-Maliki
Prime Minister
Baghdad
Republic of Iraq

Dear Prime Minister,

I am writing to you as Vice President of the European Parliament and the President of the International Committee in Search of Justice (ISJ) comprised of 2,000 parliamentarians from both sides of Atlantic. In my earlier letter to you on December 2, I cautioned you about the Iraqi plan to displace Camp Ashraf residents by force and emphasized that such a move would lead to an even greater humanitarian catastrophe compared to what happened in late July this year.

However, you unveiled the aim of the displacement of inhabitants of Ashraf in your press conference on Wednesday, December 16. While repeating the usual baseless allegations against the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI), you said: "This organization cannot have any presence in Iraq and these measures (displacement within Iraq) are only preparatory measures to end their presence in Iraq... Their expulsion from the camp [Ashraf] is to prepare for their transfer to outside Iraq or any country that would accept them. Or else, they can take advantage of a general amnesty to be awarded to them by Iran..." Your remarks were widely welcomed by the state-run media in Iran as you certainly are aware of them.

It is now quite clear that the forcible displacement of Ashraf residents is a prelude to yet another unlawful measure, which is their forcible expulsion and extradition.

The world realized on December 15 that all residents of Ashraf are against displacement within Iraq and such a displacement would lead to bloodshed (I draw your attention to reports by Washington Post, December 16; CNN, December 15 and 16; and Associated Press and AFP, December 15).

1

European Parliament, ASP 11E205, 60 rue Wiertz, B-1047, Brussels, Belgium

نامهٔ نایب رئیس پارلمان اروپا - ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹

Amnesty International

Iranian opposition group supporters in Iraq must not be forcibly evicted



11 December 2009

The Iraqi authorities must not forcibly relocate about 3,400 members of an Iranian opposition group from a settlement north of Baghdad where they have lived since the mid-1980's, Amnesty International said on Friday.

Sources have told Amnesty International that residents of Camp Ashraf, which is 60km north of Baghdad, have been given a deadline of 15 December 2009 to leave or they will be forcibly removed and relocated elsewhere in Iraq. Some may also be at risk of being forcibly returned to Iran.

Camp Ashraf is home to over 3,000 members and supporters of the Iranian opposition group, the People's Mojaheddin Organization of Iran (PMOI). The group have been living there for more than 20 years and it is now a small town with shops, medical and other facilities.

"Whatever measures the Iraqi authorities decide to take with regard to the future of Camp Ashraf, the rights of all its residents must be protected and guaranteed at all times," said Hassiba Hadj Sahraoui, Deputy Director of the Middle East and North Africa programme at Amnesty International.

"Further no Iranian national in Iraq who is at risk of serious human rights violations in Iran should be forcibly returned there."

Government officials in Iraq have been quoted as saying plans are in place to forcibly remove people from the camp to other sites within Iraq in the coming days.

Prime Minister Nuri al-Maliki has reportedly announced that Camp Ashraf's residents will be moved to the southern province of Muthanna.

Amnesty International fears that forced removals of the residents of Camp Ashraf would put them at risk of arbitrary arrest, torture or other forms of ill-treatment, and unlawful killing.

Since mid-2008 the Iraqi government has repeatedly indicated that it wanted to close Camp Ashraf, and that its residents should leave Iraq or face being forcibly expelled from the country.

On 28-29 July 2009 Iraqi security forces stormed the camp and at least nine residents were killed and many more injured. Another 36 who had been detained were reported to have been tortured and beaten. They were released on 7 October in poor health after maintaining a hunger strike throughout their period of detention.

No investigations are known to have been carried out by the Iraqi authorities into their alleged torture and other ill-treatment or into allegations that Iraqi security forces used excessive, lethal force when taking control of Camp Ashraf last July.

فراخوان عفو بين الملل، ١١ دسامبر ٢٠٠٩

عفو بین الملل حامیان گروه ایرانی مخالف در عراق نباید اجباراً اخراج شوند ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹

عفو بین الملل روز جمعه گفت: مقامات عراقی نباید حدود ۳۴۰۰ تن از اعضای یک گروه ایرانی مخالف را از محل استقرار در شمال بغداد جایی که از اواسط سالهای ۱۹۸۰ در آن زندگی کرده‌اند را به اجبار جابه‌جا نمایند.

منابع به عفو بین الملل گفته‌اند که ساکنین کمپ اشرف، که در ۶۰ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد، ضرب‌الاجلی دریافت کرده‌اند که تا ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ آنجا را ترک کنند یا به زور جابه‌جا و در جایی دیگر در عراق اسکان داده می‌شوند. برخی نیز شاید در معرض برگرداندن اجباری به ایران قرار داشته باشند.

کمپ اشرف محل زندگی بیش از ۳۰۰۰ تن اعضا و حامیان گروه ایرانی مخالف، سازمان مجاهدین خلق ایران (PMOI) می‌باشد. این گروه بیش از ۲۰ سال آنجا زندگی می‌کرده است و هم اکنون یک شهر کوچک با مغازه‌ها و درمانگاه و سایر تاسیسات است.

حسبیه حاج صحراوی جانشین مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در عفو بین الملل اظهار داشت: «هر تدبیری که مقامات عراقی در رابطه با آینده این کمپ تصمیم بگیرند حقوق ساکنین آن در هر زمانی باید حفاظت شده و تضمین بشود.»

«علاوه بر این هیچ تبعه ایرانی که به طور جدی در معرض نقض حقوق بشر در ایران قرار داشته باشد نباید به اجبار به آنجا بازگردانده شود.»

از مقامات رسمی دولتی در عراق نقل قول شده است که گفته‌اند طرحهایی در جریان است تا در روزهای آینده افراد را به اجبار از کمپ به سایر سایتها در داخل عراق منتقل کنند.

نخست وزیر نوری مالکی به کرات اعلام کرده است ساکنین کمپ اشرف به استان جنوبی المثنی منتقل خواهند شد.

عفو بین الملل از این که نقل مکان اجباری ساکنین کمپ اشرف آنها را در معرض ریسک دستگیریهای خودسرانه، شکنجه و یا انواع دیگری از بدرفتاریها و قتل غیر قانونی قرار بدهد، هراس دارد.

از اواسط ۲۰۰۸ دولت عراق کراراً نشان داده است که می‌خواهد کمپ اشرف را ببندد و ساکنین آن باید عراق را ترک کنند و یا با اخراج اجباری از کشور روبرو شوند.

در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۹، نیروهای امنیتی عراقی به کمپ حمله کرده و حداقل ۹ نفر از ساکنین کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. ۳۶ نفر دیگر که بازداشت شده بودند گزارش شده که شکنجه شده و کتک خورده بودند. آنها در روز ۷ اکتبر بعد از این که در طول مدت بازداشت در اعتصاب غذا بودند در شرایطی که سلامتی آنها بد بود آزاد شدند.

در زمانی که نیروهای عراقی کنترل کمپ اشرف را در ژوئیه گذشته به دست می‌گرفتند در ارتباط با اتهامات شکنجه و بدرفتاریهای دیگر و یا اتهاماتی که نیروهای عراقی زور بیش از حد و نیروی کشنده به کار بردند هیچ تحقیقاتی انجام نمی‌شود.

- روز ۱۵ دسامبر اعلام شد که ۱۲۰ عضو کنگره آمریکا قطعنامه‌یی را ارائه داده‌اند که رفتار سرکوبگرانه دولت عراق با ساکنان اشرف را محکوم می‌کند، خواستار توقف خشونت علیه آنان از سوی دولت عراق و تضمین حفاظت آنها از سوی دولت آمریکاست. چندین عضو کنگره در سخنان خود در برابر کنگره در روزهای ۱۴ و ۱۵ دسامبر، جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف را به شدت محکوم کرده‌اند.

- در روز ۴ دسامبر، اکثریت اعضای پارلمان نروژ در بیانیه‌یی اعلام کردند جابه‌جایی اجباری ساکنان اشرف غیر قانونی است از دولت عراق خواستند دست به چنین کاری نزنند و حقوق ساکنان اشرف را به‌عنوان افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت بشناسد.

- عفو بین‌الملل به دولت عراق نسبت به جابه‌جایی هشدار داد و خواستار ممانعت از آن گردید.

- ۲۱۷۲ شهردار فرانسوی در ۱۵ دسامبر جابه‌جایی ساکنان اشرف را محکوم کردند و از دولت عراق خواستند حقوق ساکنان اشرف را در چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت بشناسد.

- در دسامبر، دادگاه ملی اسپانیا حکم قبلی خود در ۲۶ نوامبر را قطعی کرد؛ حکمی که در مورد کشتار ۲۸ و ۲۹ ژوئیه در اشرف که افراد آن حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو هستند، به‌عنوان جنایت علیه بشریت، دستور تحقیقات می‌دهد.

در مورد اتهامهایی که علیه سازمان مجاهدین خلق ایران تکرار کرده‌اید هم‌چنان که در نامه‌های قبلی برای شما نوشته‌ام، در فاصله سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ ما در سفرهای متعدد هیأت‌های پارلمانی به اشرف، در گفتگو با صدها تن از ساکنان اشرف، در گفتگو با مسئولان مجاهدین و با بسیاری از شخصیت‌های عراقی، دریافتیم که در پرسش‌های دموکراتیک مجاهدان اشرف، و در دوستی مردم عراق با آنها و در دفاع آنها از یک عراق دموکراتیک و مستقل، هیچ تردیدی نیست. با احترام به شما یادآوری می‌کنم که اتهام‌های شما مطلقاً دروغ است، به‌همین خاطر است که شما به‌فراخوانهای ساکنان اشرف و وکلای آنها و کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف برای ارجاع اتهام‌ها به یک دادگاه بین‌المللی هیچ پاسخی نمی‌دهید. اما امروز من به شما پیشنهاد می‌کنم

همه اتهامهای خودتان و مدارک مربوطه را به دادگاه اسپانیا که پرونده تحقیق علیه مقامات شما را گشوده است، ارسال کنید. اگر کمترین [حقیقتی] در دعوای شما وجود دارد، تعلق نکنید. مفتخرم که دادگاه کشور من این صلاحیت را دارد که نسبت به جنایت و بیعدالتی و نقض قوانین بین‌المللی در هر کجا که عدالت حاکم نیست، عکس‌العمل نشان بدهد. ما از فشارهای رژیم ایران برای سرکوب اشرف به‌عنوان پیش شرط حمایت از شما در انتخابات مطلعیم. اما محترمانه به شما می‌گوییم از قیام مردم ایران به‌ویژه آنچه در ۷ دسامبر (۱۶ آذر)، اتفاق افتاد درس بگیرید. سرنوشت خودتان را به خامنه‌ای و احمدی‌نژاد که مردم در خیابان عکسهای آنها را به آتش می‌کشند، گره نزنید، این چیزی جز انزجار مردم ایران و عراق و جز بدنامی در سطح بین‌المللی در بر نخواهد داشت. ما امیدواریم شما به خاطر یک عراق دموکراتیک و مستقل و چه به خاطر مصالح خود و حزب متبوعتان و چه در احترام به تمایل اکثریت قاطع مردم عراق؛ اولاً به اجرای قطعنامه ۲۴ آوریل پارلمان اروپا در مورد ساکنان اشرف ملتزم شوید و از جابه‌جایی اجباری آنها خودداری کنید.

ثانیاً به محاصره ظالمانه آنان پایان دهید و حقوق آنان را به‌عنوان افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون ژنو به رسمیت بشناسید.

رادیکالیزه شدن قیام پس از ۱۶ آذر

اگر دقت کرده باشید، قیام به‌جایی رسیده که مهمترین مسأله آن بیرون زده است. بعد از ۱۳ آبان گفته بودیم اعتلای قیام، اعتلا یعنی ارتقا و پیشروی. این بار گفتیم جهش و تعمیق، یعنی رادیکالیزاسیون، که بعداً البته همه گفتند.

اما این جهش بزرگ به‌سوی ارتش بزرگ آزادی مردم ایران است، تکرار می‌کنم که اگر کلمات حساب و کتاب دارند، بعد از ۶ ماه که از قیام می‌گذشت، من این کلمه را کاملاً حساب‌شده انتخاب کردم.

چون مهمترین موضوعی که سر باز کرد، ۱۳ آبان شروعش بود، ۱۶ آذر دیگر بیرون ریخت و فوران کرد. دیگر نه فقط ما، همه در دنیا گفتند. البته دانشجویان زنجیرها را گسستند. در روزهای قبلش می‌گفتند و پرهیز می‌دادند از ساختارشکنی! ساختارشکنی

نشود!! نرسد به آنجایی که رسید. اما مردم به خصوص دانشجویها بیخیال! در ششمین ماه قیام، آن هم بعد از ۱۳ آبان، دیگر تصویرها را خودتان دیدید. انگار همان کارهایی که با زرهپوش در اشرف می کردند، در یزد داشت می کرد. تازه این در حالی بود که رژیم واقعاً خودش را خفه کرده بود که همه وسایل ارتباطی و مخابراتی و فیلم و تلفن و اینها را بسته بود و رسماً هم گفته بود. به عبارت دیگر آنچه را که ما دیدیم و شنیدیم همه واقعیت که نیست، بخشی از واقعیت است. در مورد قضایای اشرف هم، در مورد ۶ و ۷ مرداد هم، در مورد ۳۶ گروگانمان هم، آخر مگر ما چند عکس و فیلم و (تصاویر) داشتیم؟ هر چه که داشتیم غنیمت بود. اما این فقط قسمتی از ماجرا بود، همه اش نبود. مثلاً در مقام مقایسه، اگر فرضاً یک دست را در نظر بگیریم، این یک بند انگشتش بود. حالا موضوع چیست؟

تحلیلگران مسأله شان این بود که مثلاً یک وقت چپروی نشود که رژیم سرکوب کند، یک وقت این دانشجویان و خلق قهرمان تندروی نکنند! جمع کنید این بحثهای چپروی و راستروی را سر قیام. این دام است، این موضوع انحرافی است. صورت مسأله در قیام که الان چپروی و راستروی نیست.

این صورت مسأله مال کسی است که گمان می کند حالا مثلاً اگر چپروی نکند، چه چیزهایی به دست می آورد!! یعنی که گویا نگرانش از این است که نکند یک وقت چپروی بکند، یک وقت دانشجویها بیش از حد شلوغ کنند، یک وقت عکسهای ولی فقیه را آتش بزنند، یک وقت در دانشگاه را بکنند، ولی فقیه عصبانی می شود، سرکوب می کند و بعد ما به عقب می رویم!!

مگر صورت مسأله چپروی دانشجویهاست؟! خامنه‌ای حتماً هرکاری می توانست می کرد. دیگر تیغش بیشتر از این نمی برد، اگر می توانست که این یکی و آن یکی را می گرفت، به ضررش است که نمی گیرد، نه این که لطف کرده، اگر به سودش بود که رگبار باز می کرد، به ضررش است، که نمی کند.

تهدید که چپروی نیست، از قضا تهدید اگر می خواهید به این زبان بگویید راستروی است.

ما که نمی توانیم برویم روی کثافت و دنائت رژیم ماله بکشیم و بگوییم نه ما هم

ساختارشکنی نمی‌کنیم. چنین خبری نیست. اگر کانون استراتژیکی نبرد جلوتر از توده‌ها حرکت نکند، اگر پیشاهنگ انقلابی، پیشتاز انقلابی در کانون استراتژیکی نبرد، که قیمتش را هم داده، دستکم یک گام جلو نباشد، آخر پس چه راهنمایی و چه رهبری؟! خودمان می‌گوییم که فرصت‌طلبی خمینی در این بود که می‌ایستاد ببیند جو و فضا چیست، پشت آن حرکت می‌کرد. به چشم هم دیدیم؛ این خواهران و برادرانی که آن سالها را یادشان می‌آید، در شهریور ۵۷، بعد از این که رژیم شاه تجمع میدان ژاله (که بعداً میدان شهدا نام گرفت) را به گلوله بست، خمینی در زیج رفت و اصلاً در نیامد. اطرافیانش هم می‌گفتند که حال آقا بد است، ناراحت است. اما حال آقا بد نبود، آقا جا زده بود. به دلیل این که یک هفته بعد که اوضاع چرخید، مردم ریختند بیرون، دانشجویها ریختند بیرون، حتی نمایندگان مجلس رژیم، از آدمهای خود شاه، یک هفته اعلام اعتصاب کردند، بعد که آن فضای ترس و فضای رعب شکست، خمینی دوباره سر بلند کرد.

نمونه دیگر؛ سال ۵۶ دانشجویها و همین تعداد مجاهدین و نیروهای انقلابی دیگر، آنهایی که بودند، تظاهرات می‌کردند، بیرون می‌آمدند، اعلامیه می‌دادند، شبنامه می‌دادند، ولی آخوندها تکان نمی‌خوردند.

خمینی دید خیلی دارد عقب می‌افتد، نهیب زد، در نامه‌اش خطاب به علما و فضایی حوزه علمیه گفت مگر شما ندیدید که شعرا شب شعر گذاشتند، کاری نشد، دانشجویها تظاهرات کردند کاری نشد، مردم تظاهرات کردند کاری نشد، پس نترسید، شما هم بیایید. با این استدلال وارد صحنه شد که کاری نمی‌شود. نه با استدلالی که شما می‌گویید «بیا بیا»، با استدلال برو، برو! با این استدلال که «کاری نمی‌شود» و «تجربه شد»...

چرا؟ چون هدف غصب رهبری و حاکمیت و سرقت حق ملت ایران بود. حالا قیام رسیده است به نقطه رادیکال شدن، شعارش می‌گوید: «مرگ بر اصل ولایت فقیه». شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه مثل روز ۵ مهر که مجاهدین با آن شهدایشان گفتند: «شاه سلطان ولایت»، «شاه سلطان خمینی، مرگت فرارسیده». در همین نشستها شاهد بودیم، یکی از برادران خودمان آمد شهادت داد. خودش در اوین شاهد

این اعدامها بوده، تا صبح روز بعد ۱۸۰۰ نفر شد، شاهد همینجاست، در سالن نشسته، بسیاری از شما هم شاهد بودید.

حالا این بخارات متراکم این انبار باروت به محض این که این شکاف را پیدا کرده دارد بیرون می‌زند. خامنه‌ای که شلیک نمی‌کند، به خاطر من و شما نیست، به خاطر این است که به ضررش می‌شود، بدتر می‌شود، رادیکالتر می‌شود، عیناً مثل موضوع مالکی که خودتان می‌گفتید، آخر راه حل نظامی آمدن به اشرف را تجربه کرده، وقتی مجاهدینش قیمت را می‌دادند، وقتی «بیا بیا» شان جدی بود، خوب اگر می‌آمد، باز همان اوضاع را تکرار می‌کرد.

نتیجه: اصل موضوع رهبری قیام است و این که به کدام سمت می‌برد؟ در سال ۵۶ هم همین بود، در سال ۵۷ هم همین بود، وقتی رژیم می‌درد و از گون می‌شود موضوع روی میز، آلترناتیو و رهبری است، خیلی هم جدی است، این است صورت مسأله قیام، نه چپ‌روی و راست‌روی!

مسأله اصلی، رهبری قیام

بنابراین، موضوع کانونی که در قیام بیرون زده، موضوع رهبری است. حالا قیام که رسیده به این درجه از عمق، از رادیکالیزاسیون، از تعمیق. حرفش چیست؟ می‌گوید مرگ بر اصل ولایت فقیه، عکس خامنه‌ای را می‌گذارد وسط لگدمال می‌کند و آتش می‌زند. می‌گوید مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای. مثل زمان شاه دیگر دعوا با نخست وزیر و هویدا نیست.

چهل و دو سال پیش، در سال ۱۳۴۶، بعد از چند سال سکوت، اولین تظاهرات دانشجویی ما در همین دانشگاه تهران، در زمین بین دانشکده حقوق و دانشکده فنی بود. موضوع تظاهرات، ابتدا شهریه بود. صحنه‌اش را یادم هست. اعلام کرده بودند که شهریه دانشگاه را می‌خواهند افزایش بدهند.

شروع کار دانشجویی هم با یک خواسته صنفی بود. دانشجویها جمع شدند برای اعتراض در مورد شهریه. من هم رفتم توی صف تظاهرات. فردا صبح رفتیم جلو دایره دم درب دانشگاه، دیگر بحثمان شهریه نبود، شعار شد «من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی...» پس

فردا هم شعار شد "آزادی" و علیه دیکتاتوری. یعنی مسأله اصلی رو آمد. سال ۵۶ هم هکذا... و حالا سال ۱۳۸۸ هستیم، موضوع رهبری قیام یعنی چه؟ یعنی به کدام سمت می‌خواهید ببرید؟ فرض کنید شما راننده یک ماشین هستید. آخر در کدام جاده می‌خواهید بروید، کدام مسیر؟ آدرس شما کجاست؟ سال ۵۷ - ۵۶ خمینی خیلی خوب آدرس می‌داد. چپ و راستش را با آمریکا از طریق ابراهیم یزدی تنظیم می‌کرد، با انقلابیون آن زمان طوری مرزبندی کرد که بگذارند روز روشن به راحتی به تهران پرواز کند و مبادا مانع بشوند...

نتیجه: موضوع جدی که سر برداشته موضوع رهبری است؛ به کدام سمت می‌خواهی ببری؟ می‌خواهی بگویی هدف این است که موسوی رئیس جمهور بشود؟! هدف این است؟! یا هدف جمع کردن این رژیم و سرنگونی است؟ (اگر هدف سهیم شدن باند مغلوب و ریاست جمهوری موسوی است، معلوم است که کار پیش نمی‌رود. اما اگر هدف سرنگونی است در این درجه از تعمیق به مجاهدین و ارتش آزادی راه می‌برد). ملاحظه می‌کنید که موضوع رهبری قیام شعله می‌کشد. توده مردم و آنهایی که در صف مقدم هستند، آن دانشجویها می‌گویند مرگ بر اصل ولایت فقیه. همیشه هم در ایران این طوری بوده، آن دیگران می‌گویند ساختار شکنی نکنید. ما چه گفتیم؟ گفتیم راه و مسیر، جمع کردن بساط این رژیم است، نه ساخت و پاخت با آن، نه کنار آمدن با آن، نه امتیاز گرفتن از آن. این است نقش کانون استراتژیکی نبرد، این است کانون الهام و امید و راه نشان دادن.

حالا در بحث خودمان. اگر چنین ارتقایی، چنین جهشی در قیام واقعی است... یک وقت می‌گوییم نه، چه جهشی؟ جهشی در کار نیست. این تظاهرات هم مثل همان تظاهرات مثلاً ۶ماه پیش است، مثل تظاهرات خردادماه است. این طوری که نیست، آنزمان چه کسی با خامنه‌ای کار داشت؟ چه کسی جرأت داشت عکس خمینی را آتش بزند؟ چه کسی جرأت داشت این شعارها را بدهد؟ حالا به نقطه‌یی رسیده که حتی آخوند خاتمی می‌گوید هسته‌های عمل تشکیل شده است. بنابراین از این پس، رژیم یا باید امتیاز بدهد (انبساط)، که نمی‌دهد و یا باید به جانب انقباض برود. این یک امر واضح است و در مسأله اتمی هم همین طور بود...

نقش پیشتاز

این است نقش پیشتاز، این است نقش عنصر رهبری کننده که باید یک گام کیفی جلوتر باشد، نه عقب‌تر. حالا در قدمهای بعد خواهید دید که تضاد اصلی، تضاد شماره یک جنبش، تضاد رهبری است. (منظور از رهبری یعنی چه مسیری؟ چه هدفی؟ کجا می‌خواهی ببری؟ می‌خواهی این رژیم را نگهداری و اصلاحش کنی؟ می‌خواهی رئیس‌جمهورش را عوض کنی؟ می‌خواهی از خامنه‌ای امتیاز بگیری؟ چه می‌خواهی؟ این صحنه‌ها و این دانشجویان و این مردمی که ما دیدیم، اینها چه می‌خواهند؟ آیا این رژیم را می‌خواهند؟ آیا بود این رژیم را می‌خواهند یا نبودش را؟ باقی ماندن رژیم را می‌خواهند یا سرنگون کردنش را؟).

پس صفحه مختصات قیام گام به گام عوض شده، از یک نقطه جهش آسایی عبور کرده، هر کسی باید تصمیمش را بگیرد.

این برادران و خواهرانی که از آن زمان ۳۰ سال پیش یادشان می‌آید. ما آنزمان در اوین بودیم، خبر از جای دیگر نداشتیم، بعد از ظهرها به تمام بند، یک روزنامه کیهان می‌دادند هر برگش به یک اتاقی می‌رفت، بعد می‌چرخید. یک دفعه دیدیم، آقای دکتر سنجابی برای این که مرزبندی کند، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفته که ما تروریستها را محکوم می‌کنیم. بعد فهمیدیم که از بازاریهای تهران گرفته تا همین آخوندهای امروز، همه بر سر او ریخته و اعتراض کرده اند و او عقب نشسته است.

یعنی موضوع روی میز، الان موضوع رهبری است. منظورم اسم و رسم و عنوان نیست. منظورم این است که به کدام راه می‌بری؟ به چه سمت هدایت می‌کنی؟ در مجموع که دو سمت بیشتر وجود ندارد. یا حفظ و اصلاح همین رژیم، مثلاً استحالته کردنش، یا خطی که شما طی سه دهه رفته‌اید.

سؤال: آیا شما وقتی این صحنه‌های دانشجویان را می‌دیدید، لحظه داشتید، یاد بچه‌های خودمان چه شهید چه زنده، یاد میلیشیای آن سالهای خودمان، چه شهید چه زنده، افتادید؟ بی‌جهت نیست که رژیم می‌گوید مجاهدین باید از عراق بروند. من که همه لحظاتم این بود، تصویرها را که می‌دیدم همه‌اش همین بود که این تصویر دارد حرف

می‌زند؛ چه حرفی؟! از جوانهایی که در را از جا می‌کنند، از شعارهایشان، این جسارت اشرفشان بود یا نبود؟!

جمعیت: بله.

- آیا جدای از اسم و عنوان آیا به ثمر نشستن خط و خطوط خودتان را، به چشم دیدید یا ندیدید؟

جمعیت: بله.

- پس مسأله کانونی قیام که بیرون می‌زند و روی میز می‌آید، مسأله رهبری و سمتگیری است .

اعتراف به پیروزی آشکار، از موضع درماندگی و استیصال

کاظمی قمی، سفیر رژیم در عراق در گفتگو با شبکه خبر رژیم در ۲۹ آذر ۸۸ به شکست توطئه رژیم در جابه‌جایی اشرف اعتراف کرد:

گفتگوی کاظمی قمی - اخراج مجاهدین از عراق

تلویزیون شبکه خبر (رژیم) ۱۳۸۸/۹/۲۹ (۲۰ دسامبر ۲۰۰۹)

- «مجری: جناب آقای سفیر آخرین وضعیت گروهک تروریستی منافقین در

عراق و اردوگاه اشرف در حال حاضر به چه صورتی است و تصمیم دولت عراق در این زمینه چیست ضمن این‌که ما یکی دو روز قبل هم خبرهایی را پخش کردیم از قول آقای نوری مالکی که گروهک منافقین در عراق دیگر جایگاهی ندارند و باید خارج بشوند از این کشور.

کاظمی قمی سفیر رژیم در عراق: باور دولت عراق و مردم عراق در خصوص وجود عناصر این گروهک تروریستی و خود گروهک تروریستی این هست که ادامه این حضور بر امنیت ملی عراق، امنیت داخلی عراق و مصالح ملی و عمومی عراق اثر منفی دارد، چرا که کارنامه سپاه این گروه در طول این ۶ سال عراق جدید، دخالت‌هایی که اینها در پرونده امنیتی داشتند و دخالت‌هایی که اینها در برخی از مقاطع به خصوص در مقاطع انتخاباتی از خودشان نشون دادند به گونه‌هایی هست که دولت عراق ادامه حضور اینها را مضر بر امنیت ملی خودش می‌داند اگر چه ذاکره و خاطره مردم عراق نسبت به همکاری‌هایی که این گروهک در دوره صدام علیه این ملت انجام دادند فراموش نخواهد کرد و ضمناً دولت عراق مصمم هست بر این‌که این گروه باید اخراج بشه به علاوه این‌که اینها در سرزمین عراق هستند و در حاکمیت دولت عراق و به‌طور طبیعی حق هر دولتی هست که بخواهد حاکمیت خودش را بر کل سرزمینش حاکم کنه این سیاست امروز از جانب دولت عراق دارد دنبال میشه. در گام اول برای اخراج، دولت مصمم هست به انتقال اینها

از مکان موجود به يك مکان ديگري که بتواند در آن مکان فرآیند خارج‌سازی اینها را انجام بده. دولت عراق تأکید دارد بر (نامفهوم) اخراج، بر این نظر هست که باید رعایت مسائل انسانی را داشته باشد به این معنا که اینها به صورت داوطلبانه خارج بشوند اگر چه دولت عراق تلاش دارد به‌صورت مسالمت‌آمیز این‌کار را انجام بده اما آن چیزی که امروز رهبران این گروه و هک نفاق دارند انجام می‌دهند يك مخالفت با این سیاست دولت عراق هست به‌همین خاطر هم شما اگر ببینید در ۲ - ۳ ماه گذشته که دولت عراق اقدام کرده وارد شدن به این پادگان آمدند و يك حرکت سلبی را انجام دادند و خشونت با پلیس عراق بر خورد کردند که برخی از مسائلی هم به‌وجود آمد. باید به این نکته اضافه کرد متأسفانه به‌دلیل سیاستهای اتحادیه اروپا و فشارهایی که امروز اتحادیه اروپا داره می‌آورد به عراق و تأکید می‌کند به این‌که اینها باید در عراق بمانند که این يك فشار سياسي هست که دولت عراق هم چندین بار موضع مخالف خودش را اعلام کرده. این که اروپا مصره به این‌که باید مسائل انسانی رعایت بشه می‌تواند آنها ببرد در پیش خودش نگهداری بکند از این جهت دولت عراق به‌دنبال اخراج (نامفهوم) به‌منظر می‌آید که جدي هستند همان‌طوری که عرض کردم در گام اول این هست که اینها را از این مکانی که هست به‌مکان ديگري منتقل بکند. در ۲ - ۳ روز گذشته دولت عراق بر اساس زمانبندی که اعلام کرده بود مجدد مراجعه کرد به این پادگان که با مخالفت مسئولین این گروه و هک مواجه شد و به‌دنبال این آن چیزی که ما اطلاع داریم دولت عراق دارد با کشورهای خارجی صحبت می‌کند که به این شکلی که اینها بخواهند اعضا یا عناصر را تحریک کنند که در مقابل پلیس عراق بایستند این را قبول ندارد و بر این اساس دنبال يك کاری هست که انجام بدهد برای اخراج اینها البته شما هم می‌دانید که دولت عراق به‌دلیل مسائلی که الان دست به‌گریبان هست از جمله مسأله امنیت، مسأله انتخابات و مشکلاتی که حقیقتاً داره و ما هم مطلع هستیم طبیعتاً نمی‌تواند آن چیزی که خودش انتظار داره با آن سرعت و برنامه‌ی را که می‌خواهد انجام بدهد اما بر انجام این مسأله حتمی هست و تأکید دارد يك نکته‌ی هم من اضافه کنم بر اساس آن چیزی که امروز صلیب‌سرخ می‌گه و خانواده‌های این اعضا آمده‌اند و ارتباط گرفته‌اند بخش زیادی از این افراد نادم و فریب خورده که الان اظهار ندامت می‌کنند اینها می‌خواهند از این پادگان خلاص بشوند اگر چه رهبران این گروه و هک تا الان مخالفت کردند اما این يك واقعتی است که بخش زیادی از این افراد پشیمان و فریب خورده می‌خواهند برگردند و جمهوری اسلامی ایران هم که همواره اعلام کرده که به رأفت اسلامی توجه دارد و این افراد می‌توانند به کشور باز گردند. امیدوار هستیم که شرایط به‌گونه‌ی بشود که دولت عراق بتواند به آسانی پروژه را به اتمام برساند».

به این می‌گویند اعتراف به فتح مبین، به این می‌گویند رسیدن بیا بیا از موضع در ماندگی و استیصال. بهتر از این و ذلیلانه‌تر از این نمی‌شد به شکست آنچه رژیم دیکته کرده بود، اذعان و اعتراف کرد. بهتر از این نمی‌شد گفت که اصل موضوع، انتخابات عراق است و صفتبندی مردم و نیروهای ملی و آلترناتیو عراقی در برابر آلترناتیو «رژیمی» و در قبال خواب شومی که فاشسیم دینی حاکم بر ایران، برای مردم عراق و برای تحمیل آلترناتیو دست‌نشانده خودش به این کشور دیده است.

بهتر از این نمی‌شد در فرهنگ آخوندی و پاسداری و نیروی تروریستی قدس، به این اعتراف کرد که اسم واقعی آنچه که به ما می‌گفتند جابه‌جایی، فرآیند خارج‌سازی است. اصطلاح تازه‌یی است که می‌شنویم!

در ادامه، سرکرده نیروی تروریستی قدس در عراق و سفیر رژیم در عراق، همین پاسدار دژخیم، خوب توضیح می‌دهد که منظور از فرآیند خارج‌سازی یعنی نادم‌سازی، خائن‌سازی و تسلیم به رأفت آخوندی!

مظاهر رأفت را در ۶ ماه گذشته در جریان قیام افراد رژیم حتی پاسدارهای رژیم که بچه‌هایشان را رژیم کشت، مهره‌های رژیم، سردمداران رژیم، هرکدام به‌ترتیبی فاش کردند و نیازی نیست که ما بیشتر توضیح بدهیم. رویش نمی‌شود که آن حرکت سلبی را در فقه‌اللغه آخوندی بیشتر از آنچه که گفت توضیح بدهد. بلکه می‌گوید که اینها یک حرکت سلبی کردند و برخی مسائل به‌وجود آمد. منظور لودر است و بولدوزر و عبور از روی مجاهدان بی‌دفاع و غیرمسلح، منظور عبور زرهپوش است از روی این بدن‌ها و منظور داس است و تیغ و تبر بر بدن‌های بی‌سیر.

کماکان خواب اخراج مجاهدین را می‌بیند و عمداً نادیده می‌گیرد که در خرداد سال گذشته - علاوه بر ۵/۲ میلیون نفر مردم عراق در سال قبلش - ۳ میلیون شیعیان عراق بودند که خواهان خلع ید از رژیم در عراق بودند و خواهان بستن سفارت خودش و اخراج همین پاسدار سردژخیم سرکرده نیروی تروریستی قدس شدند.

بهتر از این نمی‌شد حرف‌های لاریجانی را تأکید مؤکد کرد که منظور از فرآیند خارج‌سازی عبارت است از نادم‌سازی و خائن‌سازی برای تسلیم و برخورداری از رأفت رژیم آخوندی، یعنی تبدیل شدن به‌بریده مزدوران حقیر، آن هم در بحبوحه

قیام مردم ایران و دانشجویانش علیه مردم و مقاومت ایران و به‌طور خاص علیه مجاهدین.

خوب، اینها که سرخ کردن صورت ملا و پاسدار با سیلی است. اصل موضوع این است که به‌خصوص در مقطع انتخابات، نفس حضور مجاهدین و اشرف، راه‌بندی است در برابر صدور ارتجاع و تروریسم و تحمیل آلترناتیو ملایان حاکم بر ایران، بهتر از این نمی‌شد به این اعتراف کرد.

چیزی که بهتر و زودتر از هرکس خود رژیم فهمیده است که مانع بلعیدن کشور همسایه - آن هم در همین ایامی که موضوع چاههای نفت بالا گرفته - و سد سدید و وزنه تعادل، و مشخص‌تر بگوییم، راه حل در کجا و در چیست.

بهتر از این نمی‌شد به این نوک پیکان و این کانون استراتژیکی، به ناگزیر اعتراف کرد.

فصل دوم

انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوة

نقش رژیم در دولت و مجلس عراق

سران رژیم آخوندی در این سالها بارها و بارها هرگونه مجامله و پرده تعارف را کنار می‌زدند و می‌گفتند که در این دولت عراق و حتی در مجلس آن چه نقشی دارند، از جمله:

-رفسنجانی ۶ اسفند ۸۵:

«همه رؤسای عراق دوستان ایران هستند». بعد هم مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و حزب‌الدعوه را اسم برد و تصریح کرد: «اکثریت مجلس عراق همان کسانی هستند که ما می‌خواهیم و از این مجلس دولتی بیرون آمده که جزو دوستان ایران است... با اقدامات آمریکاییها مشکل حضور طالبان در افغانستان، رژیم صدام و تا حدودی منافقین برای ایران حل شده است».

تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶ اسفند ۸۵

... رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که در همایش روحانیون سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی در حسینیه جماران سخن می‌گفت، ... آمریکاییها به جلال طالبانی گفته بودند ایرانیها مزاحم می‌شوند و رئیس‌جمهور عراق به آنها گفته است، چه دلیلی دارد که ایرانیها دخالت کنند، همه روسای عراق دوستان ایران هستند و در

زمان در بهدري ما ايران به ما اعم از دو گروه کردها، حزب‌الدعوه و مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق پناه داد...
وي تصريح کرد: اکثریت مجلس عراق همان کسانی هستند که ما می‌خواهیم و از این مجلس دولتي بیرون آمده که جزو دوستان ایران است.
وي با اشاره به این‌که دشمن عصباني و زخمي را نمی‌توان نادیده گرفت، گفت:
با اقدامات آمریکاییها مشکل حضور طالبان در افغانستان، رژیم صدام و تا حدودي

- وزیر کشور رژیم، دژخیم پورمحمدی، ۲۶ مرداد سال ۸۶، با صراحت به یک خبرگزاری رژیم گفت: در عراق، قانونش (قانون اساسیش)، مجلس آن و دولتش نزدیک به ما، هم‌پیمان با ما و همگرا با نظام اسلامی درست شده. عین حرف خودش را می‌خوانم: «وقتی آمریکا میلیاردها دلار هزینه کند، هر روز کشته بدهد، حیثیتش لکه‌دار شود و همه چیز خود را در عراق از دست بدهد و آن وقت دولتی که در آنجا تشکیل می‌شود، همگرا با نظام اسلامی ما باشد، مجلسی که تشکیل می‌شود هم‌پیمان ما باشد و قانون آن نزدیک به قانون ما تدوین شود، مطمئناً آمریکا ساکت نخواهد نشست».

خبرگزار ي فارس ۸۶/۵/۲۶:
... به گزارش خبرگزار ي فارس از زنجان، مصطفي پورمحمدي امروز در جمع مديران استان زنجان اظهار داشت: ملت ما روي ارزشهاي خود ايستادگي مي‌کند...
پور محمدي افزود: ... وقتي آمریکا میلیاردها دلار هزینه کند، هر روز کشته بدهد، حیثیتش لکه‌دار شود و همه چیز خود را در عراق از دست بدهد و آن وقت دولتي که در آنجا تشکیل می‌شود، همگرا با نظام اسلامي ما باشد، مجلسي که تشکیل می‌شود هم‌پیمان ما باشد و قانون آن نزدیک به قانون ما تدوین شود، مطمئناً آمریکا ساکت نخواهد نشست...
پور محمدي تصريح کرد: بدون شك موقعيني که ما امروز در آن قرار گرفته‌ایم،

- پاسدار کاظمی قمی، سفیر رژیم در عراق در ۷ خرداد ۸۶، به خبرگزاری رسمی رژیم گفت: «بدون تردید حمایت گسترده و بیدریغ جمهوری اسلامی ایران از احزاب و گروههای مبارز عراقی اعم از شیعه و سنی و کرد موجب ادامه حیات سیاسی و استمرار مبارزه آنان گردید. ضمن این‌که به‌همین دلیل پس از سقوط صدام تشکیل شورای حکومتی از مهمترین دستاوردهایی بود که به‌شدت مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت» (همان ارگانی که در ۹ دسامبر ۲۰۰۳ (۱۸ آذر ۱۳۸۲) حکم به اخراج

مجاهدین کرد).

«تشکیل این شورا از توصیه‌های اُکید جمهوری اسلامی ایران به دوستان عراقی بود... با تشکیل شورای حکومتی، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله هیأت بلندپایه‌یی را با هدف تأیید و حمایت از فرآیند سیاسی به عراق اعزام کرد و این اعزام در شرایطی صورت گرفت که مخالفت بسیاری از کشورها از فرآیند سیاسی و شورای حکومتی را به همراه داشت.»

این را درست می‌گوید. تمامی کشورهای عربی مخالف بلعیده شدن عراق به وسیله رژیم آخوندی بودند.

«خبرگزاری ایرنا ۸۶/۳/۷: حسن کاظمی قمی سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق که ریاست هیأت ایرانی در گفت و گو با طرف آمریکایی در خصوص مسائل عراق را بر عهده داشت، ابراز امیدواری کرد که این نشست به سیادت هر چه سریعتر ملت عراق و پایان دادن به ناامنیها و سرعت یافتن بازسازی عراق منجر شود. متن کامل سخنان کاظمی قمی در نشست روز دوشنبه سفیران ایران و آمریکا در بغداد که در اختیار گروه سیاسی ایرنا قرار گرفت. ... جمهوری اسلامی ایران در پی درخواست مبارزان عراقی از مبارزات حق طلبانه ملت عراق علیه رژیم فاشیست ضد بشری صدام حمایت نمود. بدون تردید حمایت گسترده و بی دریغ جمهوری اسلامی ایران از احزاب و گروههای مبارز کرد، سنی و شیعه عراقی موجب ادامه حیات سیاسی و استمرار مبارزه آنان علیه رژیم صدام گردید، ضمن این که رژیم صدام همواره تلاش می نمود تا ضمن سرکوب مبارزین عراقی از گروهک تروریستی شناخته شده منافقین علیه مردم عراق و جمهوری اسلامی ایران بهره برداری نماید.

... پس از سقوط صدام، تشکیل شورای حکومتی (مجلس حکم) از مهمترین دستاوردهایی بود که به شدت مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. تشکیل این شورا از توصیه‌های اُکید جمهوری اسلامی ایران به دوستان عراقی بود. به همین منظور جمهوری اسلامی ایران با اعزام هیأت و حضور در صلاح‌الدین ضمن کمک به شکل دهی اجلاس رهبران، نسبت به تشکیل مجلس حکم به گونه‌یی که همه رهبران مؤثر کرد، سنی و شیعه و حتی مسیحی را در برگیرد کمک شایانی کرد. با تشکیل شورای حکومتی، جمهوری اسلامی ایران بلافاصله هیأت بلند پایه‌یی را با هدف تأیید و حمایت از فرآیند سیاسی به عراق اعزام کرد و این اعزام در شرایطی صورت گرفت که مخالفت بسیاری از کشورها از فرآیند سیاسی و شورای حکومتی را به همراه داشت...»

لاریجانی که دبیر شورای عالی امنیت آخوندها بود، گفت: «ما در عراق از روند سیاسی حمایت می‌کنیم. همیشه هم به کسانی که فکر می‌کردیم دوستان ما هستند و حرف شنوی از ما دارند، آنها را تشویق کردیم. مثل مجلس اعلا، حزب الدعوه، حزب الدعوه هر دو گروه، گروههای مختلف مستقل...». می‌گوید همه اینها از دوستان ما هستند و از ما حرف شنوی دارند.

تلویزیون شبکه خبر (رژیم) ۸۶/۶/۲۱: «... تنها ایران بود از این روند حمایت کرد، این یک، نکته دوم اینه که وقتی که قانون اساسی اونجا می‌خواست تصویب بشه ما تنها کشوری بودیم که از رفراندوم و قانون اساسی در عراق حمایت کردیم. ایران تنها کشور منطقه بود که از انتخابات مجلس ملی در عراق حمایت کرد و از دولت ملی در عراق ما بودیم که حمایت کردیم... ما از روند سیاسی حمایت می‌کنیم همیشه هم به کسانی که فکر می‌کردیم دوستان ما هستند حرف شنوی از ما دارند اونها رو تشویق کردیم مثلاً مجلس اعلا، حزب الدعوه، حزب الدعوه هر دو گروه، گروههای مختلف مستقل، همه اینهایی که از دوستان ما هستند...»

پس این که نیروهای ملی عراق می‌گویند دیکته رژیم است، این که هزاران پارلمانتر در اروپا و آمریکا می‌گویند اخراج مجاهدین و جابه‌جایی که امروز فهمیدیم اسم آن فرآیند خارج‌سازی است، اینها دیکته رژیم است، حرف صریح سران همین رژیم است.

انعکاس نقش رژیم

یکی از مسئولان اطلاعاتی آمریکا به نام «رابرت بایر» که در خاورمیانه مأموریت داشته و چند کتاب هم نوشته به‌عنوان اطلاعات و نه از موضع تحلیل به‌مجله تایم گفت، نیروی قدس از دست‌نشاندهانش در عراق دیسپلین بالایی را طلب می‌کند تا ردی از خودشان باقی نگذارند.

«من چشمه‌یی از این نحوه کار را وقتی گرفتم که در سالهای ۱۹۹۰ در شمال عراق بودم. رهبران شیعی عراق زیر دست ایران هستند و تنها زمانی با من ملاقات می‌کردند که حافظان و بپاهای ایرانی در کنارشان حضور داشتند. من این برداشت را داشتم که هر کلمه‌یی که از دهانشان بیرون می‌آمد، آن را قبلاً تهران تأیید کرده بود.»
در همین مقاله آمده است: «تردیدی نیست که ایرانیها در بیشتر جاهای عراق دست باز دارند و تسلیحات و مهمات به شبه نظامیان شیعی می‌رسانند.»



Tuesday, Feb. 13, 2007

Where's the Smoking Gun on Iran?

By Robert Baer

As the Bush Administration inches closer to confronting Iran, don't expect it to produce a bona fide smoking gun. Despite the claims made at the highly secretive military briefing in Baghdad over the weekend, intelligence conclusively implicating Iran in attacks on American forces isn't there — and never will be.

There's little doubt that the Iranians have free run of much of Iraq; are supplying arms and ammunition to Shi'a militias; and are committed to seeing the United States fail in that country. Iran already essentially owns Basra as well as several other large Shi'a towns in the south. And, unlike our own, Iranian interests in Iraq are unambiguous. In 2004, when I was in Qum, an influential Iranian cleric, Ayatollah Sanae, told me with chilling clarity: Should the situation in Iraq deteriorate to the point that the Shi'a are seriously threatened, Iran will have no choice but to step in militarily. Even, he made clear, at the risk of American retaliation.

But that does not answer this question: Are the Iranians themselves pulling the trigger, killing our troops, or are they ordering their Iraqi surrogates to do so? There are a couple of good reasons the Administration can't tell us. For one, the group the Administration named Sunday as providing weapons to the insurgents — the Islamic Revolutionary Guard Corps's Quds force — is virtually impenetrable. Secretive and disciplined, the Quds force is more a cult than anything else. Its members are all believers, meticulously selected, vetted and controlled. Another reason we'll probably never catch the Quds force red handed is that it communicates sensitive information by courier. No blogs or calling home to brag to mom about everything they're doing in Iraq for Allah and Iran.

The Quds force maintains the same discipline when comes to handling its Iraqi surrogates. It demands and gets plausible deniability. I got a glimpse of that when I was in northern Iraq in the 1990s. Iraqi Shi'a leaders under Iran's thumb would only meet me with their official Iranian minders standing by. I had the impression every word that came out of their mouths was pre-approved by Tehran.

This leaves the Administration in a quandary, especially trying to sell a confrontation with Iran to a suspicious Democratic Congress and an American public that now knows it was duped by bogus intelligence to justify the Iraq invasion.

If indeed a confrontation is in the cards, I don't see that the Administration has a choice other than to provoke an incident — force the Iranians to fire back in the clear light of day, letting the United States invoke self defense, U.N. Article 51. Options might include arresting or assassinating the Mahdi Army leader Moqtada Al-Sadr, chasing Iranians in hot pursuit across their border, or, more bluntly, bombing a Quds Force base in Iran in the name of force protection.

In any event, don't expect Condoleezza Rice to appear in front of the U.N. with a stack of grainy satellite photographs and sketchy telephone intercepts. She's going to need something a lot more convincing, and it's doubtful she'll ever get it.

مجله تايم، ۱۳ فوریه ۲۰۰۷: «تردیدی نیست که ایرانیها در بیشتر جاهای عراق دست باز دارند و تسلیحات و مهمات به شبه نظامیان شیعی می‌رسانند»

-ژنرال اودیرونو هم که فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق است، در مرداد ۱۳۸۶ (۸ تیر ۲۰۰۷) به تلویزیون سی.بی.اس صریحاً گفت ۷۳ درصد تلفات نیروهای آمریکایی در عراق به خاطر بمبگذاری و تهاجمات شبه نظامیان تحت حمایت رژیم ایران است.

- روزنامه نیویورک تایمز ۱۳ فوریه ۲۰۰۷:

این روزنامه روی نقش رژیم در انفجار سامرا و حرم امام دهم و یازدهم انگشت گذاشته و می‌گوید: «بسیاری از شهروندان سامرا به این باور رسیده‌اند که مأموران رژیم ایران مقصر انفجار حرم سامرا بوده‌اند و بر این نکته انگشت می‌گذارند که مهاجمین، یونیفرمهای کوماندو به تن داشتند. آنچه روشن است، این‌که این حمله به دقت طراحی و محاسبه شده بود. یک سرایدار این حرم به شرط ناشناس ماندن از ترس این‌که به خاطر صحبت با آمریکاییان جان خود را از دست بدهد، صحنه روز حمله را شرح می‌دهد. چارچوب کلی حرفهای وی توسط مقامات آمریکایی و عراقی (در این رابطه) مورد تأیید قرار گرفت.»

در همین رابطه آقای طارق هاشمی، معاون رئیس‌جمهور عراق در ۱۷ مرداد ۸۶ «خواستار انحلال بلادرنگ وزارت امنیت عراق شد» و با صراحت گفت: «این وزارتخانه برای عراقیها ننگ محسوب می‌شود.»

پس پارلمان اروپا یا کمیته ایران آزاد در پارلمان بریتانیا و ۱۶ کشور دیگر که می‌گویند این کلمات، فرهنگ و تک به تک دیکته رژیم تهران است، درست می‌گویند.

"All the News That's Fit to Print"

The New York Times

Late Edition
New York Times, increasing circulation, now late, high 37 tonight, middle 36, low 35. Tomorrow, same and short, high 37, middle 36, low 35. Details, Page A28.

VOL. CIV., No. 53,854

Copyright © 2007 The New York Times Company

NEW YORK, TUESDAY, FEBRUARY 13, 2007

ONE DOLLAR



MARKETS BOMBED Four explosions killed at least 67 people and wounded 155 at two markets in central Baghdad, causing a six-hour Mars. Page A8.

One Year Later, Golden Mosque Is Still in Ruins

Deep Scar in Sunni City With a Shiite Shrine

By MARC SANTORA

SAMARRA, Iraq, Feb. 11 — It has been a year since Sunni insurgents ripped a hole in the glorious dome here of Iraq's most sacred Shiite shrine, shattering its 720,000 gold tiles and exposing a hole of almost 100 feet. The mosque has been in ruins since.

There has been no rebuilding and no healing, the mosque annual pilgrims, and the property they guard, are gone. The rubble south of Baghdad and north of Tikrit are packed with mounds of rubble and debris. The citizens of this Sunni city, who practiced and took pride in the shrine, are still in mourning. They say they want to find the reason for the attack, but they will not hear of it.

And a proposal from the Shiite-led government to send thousands of dollars to repair the shrine is being rejected by the Sunni-led government.

Symbolic of political paralysis are the ruins of the Golden Mosque, the shrine of the Prophet Muhammad. From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

States and U.S. At Odds on Aid For Uninsured

By ROBERT FEAR

WASHINGTON, Feb. 12 — In the absence of federal action, governors and state legislators around the nation's health care systems, protesting health insurance, with tens of millions of Americans in need of coverage, are in a collision course with the Bush administration, whose health budget pro-

Weeks After a Death, Twists in Some 9/11 Details

By STEWELL CHAN

NEW YORK, Feb. 12 — The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

The 9/11 attacks, which killed nearly 3,000 people, have been re-examined in a series of new details that have emerged in the weeks since the attacks.

No Evidence Officer Immediately Rushed to Ground Zero

By STEWELL CHAN

WASHINGTON, Feb. 12 — The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

The FBI's top investigator, who was not immediately rushed to Ground Zero after the Sept. 11 attacks, has been criticized for his handling of the investigation.

A Year Later, the Golden Mosque of Samarra Is Still in Ruins as Mistrust Prevents Repairs

By MARC SANTORA

SAMARRA, Iraq, Feb. 11 — It has been a year since Sunni insurgents ripped a hole in the glorious dome here of Iraq's most sacred Shiite shrine, shattering its 720,000 gold tiles and exposing a hole of almost 100 feet. The mosque has been in ruins since.

There has been no rebuilding and no healing, the mosque annual pilgrims, and the property they guard, are gone. The rubble south of Baghdad and north of Tikrit are packed with mounds of rubble and debris. The citizens of this Sunni city, who practiced and took pride in the shrine, are still in mourning. They say they want to find the reason for the attack, but they will not hear of it.

And a proposal from the Shiite-led government to send thousands of dollars to repair the shrine is being rejected by the Sunni-led government.

Symbolic of political paralysis are the ruins of the Golden Mosque, the shrine of the Prophet Muhammad. From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

From the moment the shrine was destroyed, Iraq — already accused of the gross violation of the trade center in New York City — was seen as a place of direct confrontation.

نقش رژیم در انفجار سامرا و حرم امام دهم و یازدهم - روزنامه نیویورک تایمز ۱۳ فوریه ۲۰۰۷

از بطن جمهوری اسلامی متولد شد

معاون وزیر فرهنگ همین دولت مالکی (جابرالجابری) در ۱۹مهر ۲۰۰۷ در شبکه عرب زبان رژیم آخوندی - العالم - با صراحت گفت: «مجلس اعلا از بطن جمهوری اسلامی ایران متولد شد، در سرزمین جمهوری اسلامی رشد و نمو یافت، در آنجا کارهایش را به پیش برد و فعالیت کرد. مجلس اعلا تحت زعامت و ولایت و امامت و مرجعیت خمینی قرار داشت».



خامنه‌ای هم که آن موقع رئیس جمهور خمینی بود، گفت؛ من خودم مأموریت داشتم اساسنامه اینها را بنویسم.

پس حالا دیگر هیچ چیزی از انظار جهانیان درباره حقانیت مواضع مجاهدین و مقاومت ایران پنهان نمانده است. یعنی حرفی نیست که مثلاً اپوزیسیون یک رژیم ادعا کرده باشد. حرف، حرف سران و سرکردگان رژیم آخوندی است.

اعتراف سردمداران ریز و درشت رژیم

سریاسدار رحیم صفوی - در موضع فرمانده سپاه - در ۸مهر ۸۶ با صراحت گفت که چگونه سپاه ۹ بدر پاسداران انقلاب اسلامی ایران را تشکیل داده‌اند، او گفت: «ما حتی از نیروهای عراقی که به ایران آمده بودند سپاه بدر درست کردیم، از کسانی که اسیر شده بودند، تیپ احرار درست کردیم. کدام کشور است که افسران عالی‌رتبه عراق را علیه خود به کار بگیرد؟»، از این صریح‌تر نمی‌شد گفت.

روزنامه کیهان ۸/۰۷/۸۶:

... گفتگو با سید یحیی رحیم صفوی یکی از جالب‌ترین تجربه‌هایی است که هر خبرنگار حوزه دفاعی می‌تواند داشته باشد...

«ما حتی از نیروهای عراقی که به ایران آمده بودند سپاه بدر، از کسانی که اسیر شده بودند، تیپ احرار درست کردیم. کدام کشور است که افسران عالی‌رتبه عراق را علیه خود

به‌کار بگیرد؟»...

ما پرهیزی نداریم که بگوییم ما حمایت معنوی‌ای را از حزب‌الله لبنان و دیگر گروه‌ها داریم.

ما بر اساس استراتژی دفاعی خودمان حمایت‌هایی را از دولت عراق داریم... چرا ما برای حفظ امنیت جمهوری اسلامی نباید به لبنان برویم... ما برای دفاع از خود و عمق دادن به این دفاع و برای امنیت ملی خود کمک‌هایی معنوی و مشورتی را به دولت عراق و حزب‌الله

- آخوند یونسی وزیر اطلاعات رژیم در شهریور ۷۹ گفت:

«ما به‌دست مردم عراق - اتباع عراق - از منافقین انتقام می‌گیریم»، یعنی توسط مزدوران خودش.

بعد هم گفت: «منافقین در آینده متحمل ضربات سنگین می‌شوند». و بعد موج بمبگذارها، عملیات تروریستی، از جمله آن ۷۷ موشک را دیدیم.

اطلاعه سازمان مجاهدین خلق ایران
اشراف آخوند یونسی به تبلیغات تروریستی
علیه مجاهدین در خاک عراق
ما به‌دست مردم عراق از منافقین انتقام خواهیم گرفت

- رژیم آخوندی که تاکنون تلاش می‌کرده چنین رانموده کند که نقش موثری در القابات تروریستی علیه مجاهدین اعاده از زبان وزیر اطلاعات - مسئولیت عملیات تروریستی علیه مجاهدین در خاک عراق را که از سال ۷۹ تاکنون به ۹۸ نفر بالغ می‌شود به عهده گرفت.
- مذاکرات ایران در سالهای گذشته در موارد متعددی از مسئولیت وزارت اطلاعات با همکاری مزدوران عراقی در عملیات تروریستی علیه مجاهدین پیونده بر داشته است.
- سازمان مجاهدین عراقی در اطلاعیه مورخ ۸ بهمن ۱۳۷۹ پس از کشته شدن شهیدان تروریست‌های رژیم آخوندی به عراق، حسیه، به شماره‌های ۱۷۱ و ۱۷۲ با اعلام گروه اطلقاً تکلیف شدت شدت می‌دهد.

مزدوران عراقی وزارت اطلاعات انجام شد.
در صفحه ۲

نشریه مجاهد شماره ۵۰۹ - ۶ شهریور ۱۳۷۹

- روزنامه بدر، ارگان سپاه ۹ بدر، ۲۰ ژوئن ۱۹۹۹ بیعت خودش را با خامنه‌ای به‌عنوان ولی امر مسلمین جهان اعلام می‌کند و به‌صراحت می‌نویسد: «مجلس اعلا، قانون آن و اساسنامه آن زیر نظر ولی فقیه شخصاً و با نظر امام امت ریخته شده است».

- رحیم صفوی در ارگان رسمی سپاه پاسداران موسوم به صبح صادق در شماره ۲۸۷ روز ۲ بهمن ۱۳۸۵ می‌گوید: «رسالت دقایقی - پاسدار دقایقی - بنیانگذاری و تشکیل بدر که بعداً به لشکر بدر تبدیل شد، بود». و بعد به نقل از سرکرده قبلی سپاه پاسداران، پاسدار محسن رضایی نوشت: «دقایقی ابتدا گردانهای شهید صدر و سپس تیپ بدر را تشکیل داد و روز نهم ماه مبارک رمضان پیشنهاد کرد نام تیپ ۹ بدر باشد».

- در سوم مرداد ۸۸ هم، پاسدار حسین علایی از سرکردگان سابق سپاه نوشت: «من رفیق شهید دقایقی هستم... او از اسرای بعثی عراقی و از فرماندهان جنایتکار آنها و نیز از فراریان از رژیم بعثی، مجاهدانی را ساخت که لشکر بدر را به وجود آوردند...»



- خبرگزاری فارس، ۱۵ مهر ۸۸

در مورد پاسدار محمدرضا نقدی (دژخیم شناخته شده‌یی که در موردش روشنگریهای بسیاری انجام شده است) که بعد از پاسدار دقایقی فرماندهی سپاه ۹ بدر را به عهده گرفت، می‌گوید: «به دنبال عملیات کربلای ۵ و شهادت شهید اسماعیل دقایقی، فرمانده لشکر بدر، در اسفند ۱۳۶۵ به فرماندهی آن لشکر منصوب شد و ضمن انجام عملیات متعدد... بخشی از این لشکر را، با توسعه کمی و کیفی، به تراز سپاه ارتقا داده شده

بود، برای انجام جنگهای پارتیزانی به ارتفاعات قره‌داغ در منطقه کرکوک عراق برد و عملیات مکرر پرافتخاری را در جبهه‌های داخل عراق... هدایت کرد. نقدی در نبردهای ارتفاعات شاخ شمیران در ماههای آخر جنگ بر اثر اصابت تیر دشمن مجروح شد و به افتخار جانبازی نائل گردید. یکسال پس از پایان جنگ، فرماندهی سپاه بدر را به‌سردار مرتضی قربانی واگذار کرد...»

رابطه مستمر جریان مالکی با نیروی تروریستی قدس و نعل وارونه زدن

با این تصریحات سران و سرکردگان رژیم از خامنه‌ای تا لاریجانی تا رحیم صفوی... سؤال من از آقای مالکی این است که چه کسی جزئی و بخشی از دستگاه امنیتی بود که شما می‌فرمایید؟ آیا مجاهدین بودند که به‌گفته شما در روز بعد از ۱۵ دسامبر، در رژیم سابق عراق بخشی از دستگاه امنیتی این کشور بودند یا آنهایی که به‌قول آن افسر آمریکایی کلمه‌به‌کلمه‌شان را رژیم و نیروی تروریستی قدس در دهانشان می‌گذارد؟! چه کسی؟!

خوب، در خوشبینانه‌ترین حالت، می‌توان گفت که شما قیاس به‌نفس کرده‌اید، اما طبق تجارب ما، واقعیت چیز دیگری است. واقعیت نعل وارونه زدن است، همچنان که رژیم سالهای سال می‌گفت که تسلیحات کشتار جمعی عراق چنین و چنان است و به‌خصوص، داخل قرارگاههای مجاهدین است از جمله در همین قرارگاه اشرف!

David Warren: The Afghan endgame. B2 • Charles Gordon: A non-confrontational welcome for the G20. B6

SATURDAY OBSERVER

WAR ON TERRORISM

Saddam's deadly secret

The Gulf War allies spared the camps of 'pro-democracy' Iranian rebels based in Iraq. Now they are concealing Saddam's arsenal of chemical, biological and nuclear weapons, a dissident says.



I n a letter that he said he had written in 1998, the late Iranian dissident leader Mehdi Bazargan accused Saddam Hussein of concealing his arsenal of chemical, biological and nuclear weapons. Bazargan, who was a vocal critic of the regime, said that the Iraqi government had been hiding the weapons since the Gulf War. He also accused the regime of using the weapons to threaten its neighbors and the world.

Why the crack

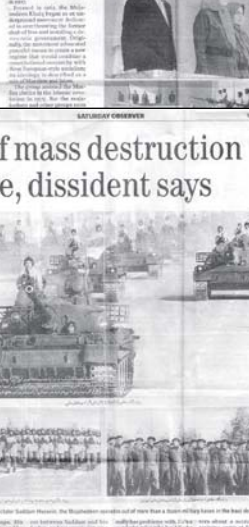


F or the past several years, the United States has been engaged in a war on terrorism. The war has been fought in Afghanistan and Iraq. The war has been a costly one, both in terms of lives and money. The war has also been a controversial one. Many people have questioned the need for the war and the methods used to fight it.

WEAPONS OF MASS DESTRUCTION

weapons of mass destruction and Europe, dissident says

with Moscow. Said to be withheld and hidden by Iraq leader Saddam Hussein, the dissident accuses Iraq of more than a dozen of key items in the list of weapons of mass destruction.



with Moscow. Said to be withheld and hidden by Iraq leader Saddam Hussein, the dissident accuses Iraq of more than a dozen of key items in the list of weapons of mass destruction. The dissident also accuses the regime of using the weapons to threaten its neighbors and the world.

Saddam is gathering enough to annihilate North America

The U.S. government has the information to know that Saddam Hussein is gathering enough to annihilate North America.



The U.S. government has the information to know that Saddam Hussein is gathering enough to annihilate North America. The dissident also accuses the regime of using the weapons to threaten its neighbors and the world.

of al-Qaeda fanatics

in substance in the world, but they are not fanatics. They are people who are looking for a better life. They are people who are looking for a better future. They are people who are looking for a better world.

of al-Qaeda fanatics

in substance in the world, but they are not fanatics. They are people who are looking for a better life. They are people who are looking for a better future. They are people who are looking for a better world.



Students practice building together. Photo is a photograph of a group of people.

اتاوا سیتی زن - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۱ (۲۶ آبان ۱۳۸۰)

جنگ با تروریسم راز مرگبار صدام

نویسنده و گزارشگر: ایرون ساندز

متحدین جنگ خلیج اردوگاههای شورشیان طرفدار دموکراسی مستقر در عراق را نادیده گرفتند. يك مخالف (بریده مزدور) می‌گوید حالا آنها زرادخانه سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌یی صدام را مخفی می‌کنند... در غارهای عمیق در زیر بیابان عراق، يك گروه تروریست ایرانی که از حمایت قوی سیاسی در آمریکای شمالی بهره می‌برد، مخفیانه زرادخانه سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی، و هسته‌یی صدام حسین را جا داده است...

آقای رضوانی تابستان گذشته به سیتی‌زن نوشته و نقشه‌های کشیده شده توسط دست از محلهای فوق‌العاده محرمانه زرادخانه سلاحهای کشتار جمعی صدام ارائه داد.

مجاهدین، از صدام طرفداری می‌کردند و از آن زمان به بعد کمک بزرگی به صدام در مخفی کردن سلاحها و موشکهای هسته‌یی، شیمیایی و بیولوژیکی بوده‌اند. مجاهدین تقریباً در چندین نوبت هلیکوپترهای سازمان ملل را سرنگون کردند.

به گفته آقای رضوانی، صدام سلاحهایش را با کامیونهایی به حداقل پنج پایگاه مجاهدین در عراق در ماههای قبل از جنگ خلیج ۱۹۹۱ منتقل کرد. او گفت تحت نظارت ارتشهای عراق و مجاهدین، موشکها، بمبها، پودرهای شیمیایی، سموم و مواد مربوطه در غارهای زیرزمینی که در زیر پایگاههای مجاهدین ساخته شده نگهداری شدند. به‌طور نمونه، يك عبور با بیش از ۳۰ پله منتهی به عمق بیابان از نواحی انبار گسترده سلاح می‌شود که با دربهای کشویی مهر و موم شده‌اند. آقای رضوانی گفت در بها با کنترل الکترونیکی باز می‌شوند که تنها برای دستیاران عالی‌رتبه نظامی شناخته شده است. او پیشنهاد کرد: من آماده‌ام به عراق بروم و سازمان ملل را همراهی کنم و مخفیگاههای سلاح را از فاصله نزدیک به آنها نشان دهم. او گفت: در طول جنگ خلیج فارس، آنها موشکها، بخشهای مخابرات و شیمیایی و اتمی کارخانجات حساس ارتش عراق را منتقل کردند.

ولی يك ویدئو که اخیراً از عراق بیرون آمده و به سیتی‌زن داده شده رهبر مجاهدین خلق مسعود رجوی را در يك جلسه خصوصی با صدام حسین نشان می‌دهد. يك بخش

دیگر ویدئو يك فرمانده مجاهدین را نشان می‌دهد که محتوای کامیونی از مواد تأمین شده توسط يك مقام عراقی به پایگاهی در نزدیکی بغداد را بازرسی می‌کند. به گفته سربازی که مخفیانه این تبادل را با يك دوربین مینی چسبیده به پوتینش فیلمبرداری کرده، این يك محموله از سلاحهای شیمیایی بوده است: در يك نقطه فرمانده مجاهدین يك ظرف بزرگ شیشه‌یی را در دست می‌گیرد و ظروف کوچکتر را بازرسی می‌کند.

آقای رضوانی نیز با میزان ذخیره سلاحهای کشتارجمعی صدام حسین متعجب شد. او گفت شخصاً انتقال مواد شیمیایی و هسته‌یی از کارخانه در نزدیکی شهرهای سامره و تکریت به پایگاه اشرف در نزدیکی شهر بعقوبه در منطقه العظیم و نیز انتقال ۱۷۰۰۰ اسلحه شیمیایی و هسته‌یی از تیپ ۷ ارتش عراق به پایگاه اشرف را مشاهده کرده است. او همچنین انتقال مواد شیمیایی در ظرفهای مخصوص با گنجایش شاید بیش از ۱۰۰ لیتر یا کیلوگرم و نیز ظرفهای ۲۰۰ لیتری از نزدیکیهای بغداد به پایگاه شخصی آقای مسعود رجوی در ابوغریب و پایگاه محافظت شده در منطقه حامد الحسین که در شمال غربی بغداد قرار دارد، را دیده است.

انتقال تسلیحات و مواد شیمیایی در منطقه جنوبی عراق به ارتش مجاهدین رجوی در نزدیکی شهر الکوت و نیز مخفی کردن ماهرانه موشکهای پیشرفته و سلاحهای شیمیایی و هسته‌یی در ۷۰ خودرو ارتش مجاهدین وجود داشته است: هر کدام از آنها در يك منطقه دور افتاده در چوب مخفی شده و شب بعد به واحد دیگری منتقل می‌شدند. البته، آنها مورد حفاظت ارتش مجاهدین در نزدیکی پایگاه اشرف بودند.

در دفترش در پاریس، آقای فرزین هاشمی در رد ادعاهای آقای رضوانی صریح و سریع بود.

آقای هاشمی قبل از این که حتی ادعاهای آقای رضوانی را بشنود، گفت: علی رضوانی يك عضو وزارت اطلاعات ایران است. من فکر می‌کنم او این دروغها را ارائه داده است.

اما الهه هیکس به داستانهای کَرخ کننده رضوانی باور دارد. خانم هیکس، يك محقق با سابقه برای شعبه خاورمیانه و آفریقای شمالی دیده‌بان حقوق بشر، که يك سازمان ناظر بین‌المللی محترم مستقر در نیویورک است، با آقای رضوانی و دیگر رزمنده‌های از خواب بازگشته مجاهدین در يك هتل در کولوگن آلمان در سال ۱۹۹۷ ملاقات داشته است. خانم هیکس که در ایران متولد شده گفت که آقای رضوانی مدت کوتاهی پس از

یازده سال پیش در دیماه ۷۷، دولت حاجی خاتمی و سخنگوی رسمیش این حرف را می‌زدند، که همان موقع مقاومت ایران و مجاهدین جوابشان را دادند و دعوت کردند که خوب، تشریف بیاورید این تسلیحاتی را که آدرس می‌دهید، با حضور خبرنگاران و با حضور ناظران ملل متحد، نشان بدهید؛ در هر ساعت شبانه روز و در هر زمانی که می‌خواهید. چرا نمی‌آید؟

اما بحث این نبود، رژیم خودش در پی پنهان کردن تأسیسات اتمیش بود (همان تأسیسات اتمی که توسط مجاهدین افشا شد). و این چنین نعل وارونه می‌زد. پس فکر می‌کنم که خوشبینی را - که این فقط قیاس به نفس است - باید کنار گذاشت. به دلیل انبوه مدارک و اسناد، واقعینی می‌گویم که این نعل وارونه زدن است.

اکاذیب مضحک مهاجرانی در مورد پنهان کردن سلاحهای کشتار جمعی عراق در مراکز مجاهدین زمینه‌سازی برای تهاجمات هوایی و موشکی به قرارگاههای ارتش آزادیبخش

مهاجرانی، وزیر ارشاد دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، در مصاحبه‌ای که ۳۰ آذر از تلویزیون حکومتی پخش شد، مدعی گردید «یکی از جدی‌ترین احتمالات این هست که مراکزی که در اختیار منافقین هست در عراق، از جمله مراکزی است که سلاحهای کشتار جمعی را حکومت عراق در آنجا پنهان کرده» است. یک سخنگوی مجاهدین این دعاوی مضحک را، که ساخته و پرداخته وزارت اطلاعات رژیم آخوندی است تکذیب کرد و گفت: این رژیم با سوءاستفاده از شرایط کنونی عراق با این دروغپردازیها، همزمان عراق و مقاومت ایران را هدف قرار می‌دهد. وی هشدار داد: رژیم با طرح این اکاذیب آن‌هم از زبان یک مقام رسمی، برای تهاجمات هوایی و موشکی به قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی ایران در خاک عراق زمینه‌چینی می‌کند. در گذشته نیز استبداد مذهبی حاکم بر ایران با استفاده از موقعیتهای مشابه، بارها قرارگاههای ارتش آزادیبخش را با جنگنده بمب‌افکنها، موشکهای اسکادB، توپهای غول پیکر ۳۲۰ میلیمتری و انواع خمپاره‌ها هدف قرار داده است. قبل از سخنان مهاجرانی نیز خبرگزاری و مطبوعات رژیم در روزهای ۶ و ۷ دسامبر با سروصدای زیاد اعلام کردند که بازرسان آنسکام در یک سایت مجاهدین دستگاههایی پیدا کرده‌اند که در جنگ میکروبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یک روزنامه فارسی زبان طرفدار رژیم در لس آنجلس بنام صبح ایران روز ۲۸ آذر مدعی شد یک قرارگاه مجاهدین

که «بمبهای شیمیایی عراق در آنجا پنهان است... روز گذشته

بمباران شد... در طول بازرسیهای نمایندگان سازمان ملل متحد از بغداد»، «عراقیها بمبهای شیمیایی را سوار کامیونها می‌کردند و آنها را بین پادگانهای مجاهدین در رفت‌وآمد نگه می‌داشتند».

سخنگوی مجاهدین تأکید کرد علاوه بر زمینه‌چینی حملات نظامی و تروریستی، رژیم با این دروغ‌ها و بسیج سیاسی و تبلیغاتی علیه مجاهدین هم‌چنین می‌خواهد بر تلاشهای خود برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی سرپوش بگذارد. نیویورک‌تایمز ۸ دسامبر فاش ساخت که رژیم آخوندی «در حال استخدام دانشمندان روسی است که در زمینه جنگهای میکروبی تخصص دارند و احتمالاً در حال ساختن زرادخانه تسلیحاتی بیولوژیکی می‌باشند».

رژیم آخوندی قبلاً هم در موارد متعدد از جمله در نوامبر ۹۲، سپتامبر ۹۴ و فوریه ۹۸ دروغهای مشابهی را منتشر کرده بود. سازمان مجاهدین در همان زمان از مقامات مسئول ملل متحد خواست «از ملایان حاکم بر تهران بخواهند دعای سرایا کذب خود را به هر

حضور مجاهدین در عراق به عنوان یک مقاومت مشروع

سابقه مجاهدین بسا از این چیزها روشنتر است؛ از روز اول دیدار صلح در بغداد در ۲۵ خرداد ۱۳۶۵ که اطلاعیه آن در همان زمان منتشر شد و همه هم از آن خبر دارند. بعد از آمدن ما به عراق و دیدار من با رئیس‌جمهور این کشور، همان‌زمان در اطلاعیه‌یی به‌طور صریح گفتیم: تا وقتی شما در خاک ما - در خاک ایران - بودید، ما با شما می‌جنگیدیم.

اما از وقتی که آمادگیتان را برای صلح اعلام کردید، از وقتی که از خاک ما خارج شدید، از وقتی که قطعنامه‌های شورای امنیت را پذیرفتند، از وقتی که کتباً و رسماً به‌طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران به‌عنوان مبنای مذاکرات صلح پاسخ مثبت دادید. بسیار خوب، ما هم در صلح هستیم و مقاومت ایران جنبش جهانی صلح را هدایت کرد.

الرد الرسمي للجانب العراقي

ذات الطبيعة
خلق بكيفية
أق عليها من
مشتركة .
المخلصة في
إيران ، ومع أى جهة
أيران يجب
لمشروعة وبأن القوة
للق بين البلدين
بعضه للبلدين ،
بروف المحيطة

صرح السيد لطيف نصيف جاسم وزير الثقافة والأعلام لوكالة الأنباء العراقية ، تعليقا " على البيان الصادر عن المجلس الوطني للمقاومة في إيران بتاريخ ١٣ آذار ١٩٨٣ بما يلي :-

أن البيان المذكور يتسم بصورة طامة مع الروح التي سادت المحادثات التي جرت في فرنسا بين السيد طارق عزيز نائب رئيس الوزراء والسيد سمود رجوى مسؤول المجلس الوطني للمقاومة في إيران بتاريخ ١٩ / ١ / ٨٣ والتي أكد فيها الطرفان رغبة الشعبين العراقي والایراني في العيش بسلام ، وأقامة علاقات حسن الجوار ، وعدم التدخل في الشؤون الداخلية كما أكدا خلالها بأن النظام الحالي في إيران بأصراره على العدوان والتوسع والتدخل في الشؤون الداخلية هو السبب والعائق الأساس أمام التسوية بين الشعبين العراقي والایراني هدفها العيش في السلام .

و على هذا الأساس نلنا نحيي المبادرة السلمية التي عرضها بيان المجلس الوطني للمقاومة في إيران ويؤكد حرص العراق على قضية السلام واستعداداه التام للتعاون مع المجلس الوطني للمقاومة في إيران ومع كل من يرغب من الإيرانيين في إقامة السلام مع العراق ، وبناء العلاقات بين البلدين الجارين على أسس وطيدة . .

(١ - ٢)

پاسخ رسمی دولت عراق به طرح صلح شورای ملی مقاومت

١٣ مارس ١٩٨٣ (٢٢ اسفند ١٣٦١)

شماره ۱۴۴

یا مقلب القلوب والابصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال



شنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۱ - شماره ۱۰۰۰ (ریال) (خارج از کشور معادل دو دلار)

طرح صلح شورای ملی مقاومت

• اعلان فوری آتش بس • تشکیل کمیسیون نظارت • عقب نشینی نیروها تا پشت مرزهای زمینی ورودخانه ای قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) • مبادله کلیه اسرا • تعیین خسارت های جنگی و نحوه تادیه حقوق ایران در دیوان بین المللی لاهه • بازگشت پناهندگان و آوارگان • تنظیم قرارداد قطعی صلح

اطلاعیه مسئول شورا

هموطنان عزیز!
پشتیبانان شورای ملی مقاومت برای استقلال و آزادی جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران! در آستانه ای سالگرد ملی شدن صنعت نفت برهبری پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و در آغاز سال جدید ضمن عرض تبریکات شورای ملی مقاومت؛ با ایمان به پیروزی "صلح و آزادی" و پیروزی مقاومت عادلانه ملت اسیرمان بر استبداد سیاه و بر جنگ طلبی ضد ملی و ضد میهنی رژیم خمینی؛ طرح کلی صلح شورای ملی مقاومت بمنظور استقرار صلح عادلانه بین ایران و عراق را به پیوست تقدیم می کنم. طرح حاضر حاصل بررسی های جامع و بحث و مشاوری شورای ملی مقاومت در ۶ ماه اخیر است و آقای رئیس جمهور بنی صدر، کلیه ای حزب، سازمان ها، گروهها و شخصیت های عضو شورا با تفاق آراء آن را مورد تصویب قرار داده اند.

شماره ۱۴۴، صفحه ۲

شماره ۱۴۴

یا مقلب القلوب والابصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال



شبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۱ - ۱۰۰۰ شماره ۱۰۰۰ (خارج از کشور معادل دو دلار)

طرح صلح شورای ملی مقاومت^x

• اعلان فوری آتش بس • تشکیل کمیسیون نظارت • عقب نشینی نیروها تا پشت مرزهای زمینی ورودخانه ای قرارداد (الجزایر) ۱۹۷۵ • مبادله کلیه اسرا • تعیین خسارتهای جنگی ونحوه تادیه حقوق ایران در دیوان بین المللی لاهه • بازگشت پناهندگان وآوارگان • تنظیم قرارداد قطعی صلح

اطلاعیه مسئول شورا

هموطنان عزیز!
پشتیبان شورای ملی مقاومت برای استقلال وآزادی جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران!
در آستانه ی سالگرد ملی شدن صنعت نفت برهبری پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق و در آغز سال جدید ضمن عرض تبریکات شورای ملی مقاومت؛ با ایمان به پیروزی "صلح وآزادی" و پیروزی مقاومت عادلانه ی ملت اسپرمان بر استبداد سیا ه و بر جنگ طلبی ضد ملی و ضد میهنی رژیم خمینی؛ طرح کلی صلح شورای ملی مقاومت بمنظور استقرار صلح عادلانه بین ایران و عراق را به پیوست تقدیم می کنم.
طرح حاضر حاصل بررسی های جامع و بحث و مشا و ره ی شورای ملی مقاومت در ۶ ماه اخیر است وآقای رئیس جمهور بنی صدر، کلیه ی احزاب، سازمان ها، گروهها و شخصیت های عضو شورا با تفاق آراء آن را مورد تصویب قرار داده اند.

تقدیر صفحه ی ۲

طرح صلح شورای ملی مقاومت

بدنبال ملاقات آقای طارق عزیز نایب نخست وزیر عراق با آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و صدور بیانیه‌ی مشترک ۱۹/دیماه/۱۳۶۱ مبنی بر استقرار صلح عادلانه و حل فصل مسالمت آمیز اختلافات دو کشور از طریق مذاکرات مستقیم بر اساس تمامیت ارضی، استقلال کامل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام به آزادی‌های آزادی دولت ایران و عراق، روابط حسن همجواری و همکاری متقابل در خدمت آزادی، صلح، ترقی و ثبات منطقه؛ شورای ملی مقاومت قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) و مرزهای زمینی ورود خانه‌های مندرج در این قرارداد را مبنای صلح عادلانه و پایدار اعلام می‌کند. لکن بدیهی است این پذیرش ملازم با عدم هرگونه مداخله در امور داخلی یکدیگر است. بنا بر این شورای ملی مقاومت در عین تاکید بر ضرورت مصونیت مرزها از هرگونه تجاوز، هرگونه مقابله نامه و یا پروتکل مداخله جویانه و سرکوبگرانه منضم به قرارداد ۱۹۷۵ را مردودی می‌شناسد. اعم از اینکه چنین مقابله نامه یا پروتکلی سری یا علنی باشد.

شورای ملی مقاومت که برای استقلال و صلح و آزادی در ایران، مبارزه می‌کند، در پی عمده‌بررسی و پس از انجام مطالعات و مشورت‌های جامع بمنظور دستیابی به یک صلح عادلانه - که در قدم اول به ملاقات نایب نخست وزیر عراق با مسئول شورا و صدور بیانیه‌ی مشترک منجر گردد - اکنون پیشنهادهای خود در باره "طرح کلی صلح" را برای اطلاع دولت عراق، سازمان ملل متحد، جنبش کشورهای غیرمتعهد، کنفرانس اسلامی و نیز برای آگاهی دولت ایران و عراق و همه‌ی طرفداران صلح در منطقه و جهان بشرح زیر اعلام می‌نماید:

بقیه در صفحه ۲

شماره ۱۴۴



بقیه از صفحه اول

طرح صلح شورای ملی مقاومت

از جنگ به دیوان بین المللی لاهه جهت تعیین خسارت‌های ناشی از جنگ و نحوه‌ی تادیبه‌ی حقوق ایران. رای دیوان در این مورد لازم الاجرا خواهد بود.

۶- تعهد طرفین به فراهم نمودن موجبات بازگشت پناهندگان و رانده‌شدگان دو کشور به یکدیگر، با اعلام عفو عمومی و تضمین امنیت مالی و جانی آنها.

۷- تنظیم قرارداد قطعی صلح بین دو کشور، بر مبنای احترام کامل به حاکمیت و استقلال ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، حسن همجواری و مصونیت مرزها از تجاوز. * طرح حاضر در یک مقدمه و ۷ بند با توافق آراء در شورای ملی مقاومت بتصویب رسیده است.

مسئول شورای ملی مقاومت

مسعود رجوی
۶۱/۱۲/۲۲

محل امضاءها

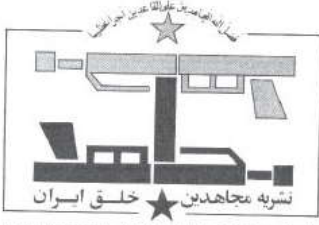
۱- اعلان فوری آتش‌بس بین کلیه نیروهای دو کشور در زمین، هوا و دریا.

۲- تشکیل کمیسیون نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی تحت نظر یک مرجع مرضی طرفین یا دبیرکل ملل متحد.

۳- عقب‌نشینی نیروهای دو کشور تا پشت مرزهای مشخص شده در پروتکل‌های راجع به اعلام‌گذاری مجدد مرز زمینی ایران و عراق و پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ی بین ایران و عراق و صورتجلسات نقشه‌ها و عکسبرداری‌های هوایی ضمیمه‌ی آن دو که با مضای دوطرف رسیده است. زمان لازم برای عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی مذکور به تشخیص کمیسیون نظارت بر آتش‌بس، قبل از اعلان آتش‌بس تعیین می‌شود.

۴- مبادله‌ی کلیه اسرای جنگی، حداکثر در ظرف سه ماه پس از اعلان آتش‌بس با رعایت مقررات بین‌المللی، تحت نظر ضلیب سرخ‌بین‌المللی. ۵- ارجاع مسأله‌ی تعیین خسارت‌های ناشی

- پیام رئیس جمهورینی صدر
- در رابطه با پیام اخیر خمینی
- عملیات واحدهای موتور
- آتش در بهار سبز (داستان)
- خمینی مشهورترین چهرهٔ ج



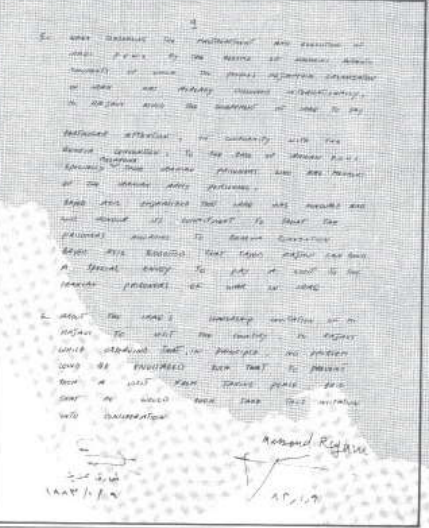
سال چهارم - پنجشنبه ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ - شماره ۵۰۰ - شماره ۱۰۰۰ (مراجعه کنونی شماره ۱۰۰۰)

تلاش
مسئول شورای ملی مقاومت
به دبیرکل سازمان ملل متحد
دربارۀ ۲۵۰۰۰ اقدام و ۶۰۰۰۰
زندانی سیاسی در رژیم خمینی

بیانیهٔ مشترک نایب نخست وزیر عراق و مسئول شورای ملی مقاومت ایران

تأمین ارضی هر دو کشور و به مراعات متقابل سیاست عدم در امور داخلی یکدیگر و روابط همکاری قلبی محکم باشد. (جنگ و دعوی) گذشتها در ارتباط با دیگرانیکه شورای ملی مقاومت دولت جمهوری دموکراتیک است که پس از سرنگونی رژیم خمین ایران مستقر خواهد گردید. آقای رجوی اعلام نمود رژیم گذشته تنها خمینی خواستار جنگ با عراق است. جنگی که به نفعی برای ارضای ایران از گوی - اعلام ابتدائی این دولت وقت نشینی گامگ برخواهیش تا خمینی یعنی بوده و دنیا در استمرار سلفی سرکوبگری خود تمام ملت ایران است. آقای رجوی نمود که این جنگ با سرنوبت خمینی بودند خورده و خمینی از سرپوش گذاشتن بر مقاومت که داخلی برای مبار کردن بر جبهه اشتراکی - اقتصادی و برای جنون توسعه طلبانه خود به منت یک امپراطوری آفرین و سلطانی تا انقلاب استفاده میکند. آقای رجوی هم چنین خدانا عامل آزارش، جنگ و به حاسن ترین منطقه جهان (خا دانست و اعلام نمود از آنجا که جز زبان قدرت زبانی نمی شناسد صلح با خمینی - جز در شرایط و شعاع بطلان او - واقع میماند تا کبیده از حمی مل و دول جهان بایکوت نفت خمینی را کندنی هزینه های سرسام آور اوست، درخواست نمود. آقای رجوی ضمن تاذ حکومت هرگونه آزار غیرنظامی دولت رژیم خمینی به افراد، مردم و دفاع شهرهای عراق، عراق حواسار گردید که نمیتواند بگذرد.

توضیح: در آخرین تا مانی گذشته ما در این باره چاب بود ترجمه ای سیاسی مشترک نایب نخست وزیر عراق و برادر مجاهدان مسعود رجوی را دریافت کردیم. نظر به اهمیت سیاسی فوق العاده این بیانیه و دیدار آقای طارق عزیز از مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران و مسئول شورای ملی مقاومت که به نشانی یک خطه مشرف به سرد خائید قرار داد که این روایت بر اساس نظام متقابل سیاسی هر دو طرف برای آرمانهای مشروع بردستان، و نه بر مبنای و حمایت های نوع دیگر، بین طرفین از چارچوبه حاکمیت و استوار است.



آخرین برگ متن دستنویس بیانیه مشترکی که توسط نایب نخست وزیر عراق آقای طارق عزیز و برادر مجاهد مسعود رجوی امضا شده است.

دکتر: کلمات داخل کروشه () و جهت توضیح ترجمه افزوده شده اند و در متن اصلی وجود ندارند.

پسگشته ۱۹ ژانویه ۱۹۸۳ (۱۹۶۱) آقای طارق عزیز نایب نخست وزیر عراق با آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در محل نشست اول سازمان مجاهدین خلق ایران (پاریس) دیدار و بیست و پنج جنگ ایران و عراق و ضرورت پایان دادن به جنگ را مطرح نمودند. در پایان ملاقات ابوابخ طرفین به شرح زیر برای اطلاع ملاتین ایران و عراق و هدیه طرفداران صلح در منطقه و جهان اعلام می گردد:

آقای (طارق) عزیز موضع عراق صبی بر علاقه صادقانه برای برقراری صلح بین عراق و ایران بر اساس استقلال کامل و تأمین ارضی، احترام به آزادی اراد مردم عراق و مردم ایران، عدم دخالت در امور داخلی و ایجاد روابط مشترک بین مردم عراق و ایران بر اساس احترام متقابل و همکاری دو جانبه به نحوی که در خدمت منافع متقابل و آرزوهای آنها برای آزادی، توفیق و صلح و هر خدمت صلح و ثبات در منطقه باشد را برای آقای رجوی توضیح داد. آقای (طارق) عزیز همچنین مواضع و انگیزاتی را که توسط عراق در این مورد انجام گرفته است توضیح داد و در این رابطه خواست خود در جهت جلب اطمینان مردم ایران و نیروهای مبارز آن را که به صلح میان دو خلق معتقدند، برای آقای رجوی تشریح نمود.

آقای (طارق) عزیز ضمنی از جانب رهبری عراق به آقای رجوی برای دیدار از عراق به منظور ایجاد روابط دو طرفه بین خلق های همجوار بر اساس احترام متقابل و تبادل صداقت برای استمرار صلح تقدیم نمود.

آقای (طارق) عزیز برای رفع هرگونه سوء تفاهمی که بنوعی گواشات مطبوعات درباری نهایت روایت بین دو طرف ایجاد شده است، این حقیقت را

در همانجا هم رئیس جمهور عراق گفت و در تمام رسانه‌های عراق هم منعکس شد - براساس صحبت‌هایی که من خودم کردم - که اولین چیز احترام عراق به استقلال سیاسی و ایدئولوژیکی و آزادی عمل مقاومت ایران در کارش و در حرکتش است و این ۱۷ سال آزمایش شد. و احدی حتی به اندازه یک دانه ارزن اجازه دخالت در کار ما به خودش نمی‌داد و این را هزاران تن از مجاهدین در آن سالیان به چشم دیده‌اند. ضمن این که از روز اول هم به‌صراحت می‌گفتیم که اگر روزی این رژیم - رژیم

شعار حزب الله في لبنان
 مجلة النور
 مؤسسة خيرية وثقافية
 دار نشر خيرية خيرية
 12 محرم 1417 هـ - 11 يونيو 1996 م - العدد 117
 ATH - THAWKA - Number 2 June 11, 1996 - No. 117

السيد الرئيس صدام حسين يستقبل رئيس منظمة مجاهدي خلق الإيرانية

القائد: تحترم المقاومة الإيرانية وحرية باي الحركة والعمل

رئيس جمهور
 از رهبر سازمان مجاهدين خلق ايران استقبال مي كند
 بدمقاومت ايران و آزادي اش در حرکت و فعاليت احترام مي گذاريم



الرئيس القائد صدام حسين يستقبل السيد مسعود رجوي
القيادة في العراق تحترم المقاومة الإيرانية واستقلالها الأيديولوجي والسياسي

تأكيد التزام العراق بالمبادئ الثابتة للسلام

رئيس جمهور
 از آقای مسعود رجوی استقبال می کند
 رهبری عراق به مقاومت ایران و استقلال ایدئولوژیک و سیاسی اش احترام می گذارد
 تأکید التزام عراق بر اصول پایدارش برای صلح



العراق
 هاشم حسن طراوي
 محمد حسن جعفر
 محمد رشيد الجمالي
 16 حزيران 1985 هـ
 4 - 11 يونيو 1996 م
 17 حزيران 1996 م
 17 حزيران 1996 م
 17 حزيران 1996 م

العراق يحترم المقاومة الإيرانية ويحرص على السلام والاستقرار

السيد الرئيس صدام حسين
 السيد الرئيس صدام حسين يستقبل السيد مسعود رجوي

عراق بدمقاومت ايران احترام مي گذارد
 و شديدا به صلح و ثبات تمایل دارد.



دیدار صلح در بغداد - ۲۵ خرداد ۱۳۶۵

ولایت فقیه - با شما خواست صلح بکنند، بفرمایید صلح کنید، خواهش می‌کنیم صلح کنید. چون ما نمی‌خواهیم که کسی به وکالت از طرف ما و به‌جای ما با این رژیم بجنگد. جنگ با این رژیم و سرنگونیش بر عهده خلق ایران و مجاهدین خلق ایران و رزم‌آوران آزادی ایرانزمین است و لاغیر.

از روز اول و لدی‌الورود و قبل از این که من حتی به‌همین ملاقات اول بروم، به‌محض ورود، از فرودگاه عازم مرقد سیدالشهدا و حضرت علی(ع) شدیم و در آنجا اعلام پناهندگی کردیم که برای هیچکس سوءتفاهم نشود.

واقعیت چه بود؟ فراتر از حقوق پناهندگی، هم‌چنان که در نظریه‌های حقوقی متعدد از جانب برجسته‌ترین حقوقدانان بین‌المللی آمده، ما یک گروه و نیروی مشروع مقاومت شناخته‌شده بودیم. نه چیزی در داخل دولت عراق و رژیم عراق، نه نه نه!

در آن‌زمان بسیاری می‌گفتند که مقاومت ایران در عراق جایگاهش، موقعیتش دولت در تبعید است نه دولتی در داخل دولت عراق، هرگز! دولتی در بیرون این دولت. اگر بتوان گفت که مقاومت فرانسه در جنگ جهانی دوم و ژنرال دوگل در لندن، الگویی بودند برای یک دولت تبعیدی، مقاومت ایران در عراق، بسا بسا فراتر از آنها استقلال و آزادی عمل داشت.

بنابراین نعل وارونه زدن در مورد این که مجاهدین بخشی از دستگاه‌های امنیتی عراق بودند، دیگر اثر ندارد. حرفمان هم فقط یک ادعا نیست.

دعوت به دادگاه بین‌المللی و ارائه اسناد

با صراحت عرض می‌کنم که ما در یک دادگاه بیطرف بین‌المللی، اگر آقای مالکی تشریف بیاورند، چند چیز را قویاً با اسناد و مدارک کافی اثبات می‌کنیم:

اول این که، ایشان مسئولیت شاخه نظامی حزب‌الدعوه را در پادگان غیور اصلی اهواز که محل «قوات شهید صدر» (به‌قول خودشان) بود، به‌عهده داشت و عملیات ترور در داخل عراق را اداره می‌کرد.

دوم این که، کلیه سلاح‌های عناصر حزب‌الدعوه در ایران، توسط وزارت اطلاعات و سپاه تأمین می‌شد.

سوم این که، کلیه ترورهای داخل خاک عراق که توسط شاخه نظامی الدعوه انجام می گرفت. تحت نظر نیروی قدس سپاه پاسداران و گاه وزارت دفاع رژیم ایران صورت می گرفت.

چهارم این که، از سال ۲۰۰۱ که رهبران حزب الدعوه به دلیل اختلافات رسماً از مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق کناره گیری کردند، وزارت اطلاعات و فرماندهان ستاد نصر و نیروی قدس سپاه تصمیم گرفتند رابطه های جداگانه یی با شماها برقرار کنند. حتماً ابوبلال ادیب، نفر بعد از خود شما در دولت فعلی عراق، معرف حضور هستند، ایشان بود که با وزارت اطلاعات و دفتر خامنه ای و ستاد نصر در ارتباط مستقیم بود. علاوه بر این، تعدادی از مسئولان حزب الدعوه بعد از انشعابات به عضویت وزارت اطلاعات درآمدند که حالا هم در مسئولیتهای مختلفی حضور دارند و عناصر وزارت اطلاعات در عراق هستند. به خصوص بعد از انحلال قوات صدر در ایران، تعدادی از مسئولان آن به عضویت ارگانهای نظامی و امنیتی رژیم آخوندی درآمدند.

پنجم این که، بعد از بیرون آمدن از مجلس اعلاى انقلاب اسلامی که صد درصد دست ساز رژیم بود، حقوق دوستان! به صورت سهمیه بندی و براساس مأموریت از طریق اعتبارات دفتر خامنه ای و وزارت اطلاعات تأمین می شد که همین ابوبلال و ابوعقیل و سایر دوستان شما در جریان هستند.

و نکته ششم و تاسفبار این که شما حتی بعد از این که در عراق به حاکمیت هم رسیدید، باز هم از نیروی قدس سلاح و تسلیحات می گرفتید. بفرمایید این هم سند آن، که البته نمونه یی و مشتکی از خروار است که به دادگاه بین المللی ارائه خواهد شد.

گرفتن سلاح از نیروی تروریستی قدس

شگفتا که تاریخ سند ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳ است، یعنی دقیقاً یکسال و یکماه و ۱۰ روز بعد از سقوط دولت قبلی عراق. چون طبعاً نویسنده این سند به زبان فارسی مسلط نبوده، در نگارش سلیس نیست. این سند را ملاحظه کنید، یک بار آن را از ابتدا تا انتها قرائت می کنم:

بسمه تعالی - آرم حزب الدعوه

نیروهای شهید صدر - به عربی، قوات الشهيد الصدر

شماره ۳۸۵ ص

تاریخ: ۳۰ / ۲ / ۸۳

به فرماندهی قرارگاه قدس سردار محمدی

از حزب الدعوه الاسلامیه «مقر مهران»

سلام علیکم

احتراماً بدینوسیله پس از بررسی [بررسی] اوضاع عراق در روزهای اخیر و عدم وجود امنیت در کل مناطق عراق و بخصوص در بغداد و با ترور کردن شخصیت‌های مهم گروه‌های [گروه‌های] شیعه و با ازدس [دست] دادن شهید عزالدین سلیم از گروه حزب الدعوه، لذا خواهشمند است درخواست [درخواست] ما (را که) نیازهای مهم برای محافظت از شخصیت‌های کادر حزب (است) که مشغول فعالیت سیاسی در مجلس حکم (منظور همان شورای حکومتی عراق است) و در جاهای دیگر هستند و ما قبلاً نیازهای خود (را) کتباً در جلسه بین حاج ابوبلال ادیب و حاج سردار نادری در قرارگاه میانی نوشتیم، لطفاً این اقدام (را) تأمین کنید

۱- کولت گمری [کلت کمری] - «۶۰» عدد

۲- دستگاه خفه کنند کولت [صداخفه کن کلت] - «۱۵ عدد»

۳- جلیقه ضد تیر - «۱۰ عدد»

و من...التوفیق

مهر حزب الدعوه که در آن به فارسی نوشته شده: «شبکه‌های شهید صدر- دفتر مهران» و «مسئول مقر حزب الدعوه الاسلامیه در مهران» به نام «واسطی» هم آن را امضا کرده است. ملاحظه می‌کنید که طبق این سند علی ادیب، معاون فعلی نوری مالکی در حزب الدعوه که تا سال ۱۳۸۲ در ایران بوده است، نیازهای خود را با سر تیپ پاسدار نادری مکتوب کرده و مورد توافق قرار داده‌اند و طبق این سند نماینده همین جریان آقای مالکی در مهران درخواست اجرای آن را از فرمانده قرارگاه قدس، پاسدار محمدی، می‌کند که هنوز هم با او در ارتباط است. پاسدار محمدی عیناً مثل همین پاسدار کاظمی قمی، سفیر رژیم در بغداد، از سر تیپها و سرکرده‌های نیروی تروریستی قدس است.

العدد (شماره) ۳۸۵ ص

التاريخ ۸۳/۲/۳۰

بسم الله



نیروی های فوجی در جوار

مقامات الشریعہ (الصلوات علیہم)

به فرماندهی تفرنگاه قدس سردار محمد
از حزب الدعوة الاسلامیة «مقره کولان»

سلام علیکم

احتراماً. بدینوسیله پس از برسی اوضاع عراق در سدهای اخیر و عدم وجود امنیت
در کل مناطقی عراق مخصوصاً در بغداد و با تکرار شورشها و محرم گروهای شیعه
و با از رسی داون شهید عبدالعزیز سلیم از گروه حزب الدعوة لذا خواهشمند است
درخواست ما نیازهای محرم برای همانظری از سفیرین ای کادر حزب که مشغول
فعالیت سیاسی در مجلس حکم و در جاها دیگر و ما قبله نیازهای خود کتبیاً در
جلسه بین حاج ابوبکر ادیب و حاج سردار ناری در تفرنگاه میانی نوشتیم
لطفاً این اعلام تأمین کنید

①- کولت کمبری «۶۰ عدد»

②- دستگاه خفیه کولت «۱۵ عدد»

③- جلیقه ضد تیر «۱۰ عدد»

ومن... التوفیق



مسؤل مقر حزب الدعوة الاسلامیة

در کولان

واسطی

[Signature]

سند درخواست سلاح از نیروی تروریستی قدس، از سوی حزب الدعوة

۱۳۸۳ اردیبهشت ۱۳۸۳

چند یادآوری و گزارش سی.ان.ان

- یادتان هست که نیوزویک ۱۵ ژوئن ۲۰۱۰ نوشته بود که آقای مالکی در محاصره اعضای ارشد حزبش می‌باشد که وفادار به رژیم ایران هستند و این امر تهران را قادر می‌سازد جریان ایشان را از دور کنترل کند... این را نیوزویک نوشته بود.

- این هم یادتان هست که سند آسوشیتدپرس در مورد انفجار در سفارت آمریکا و فرانسه در کویت را خواندیم.

- در بهمن ۱۳۸۵ (۵ فوریه ۲۰۰۷) سی.ان.ان گزارش کرد که مقامات آمریکایی اعلام کردند یکی از نمایندگان پارلمان عراق به‌خاطر دست داشتن در انفجار سفارت آمریکا در کویت در دادگاه این کشور به اعدام محکوم شده است. مقامات آمریکایی گفتند این فرد از جوخه‌های مرگ و یکی از عوامل رژیم ایران در عراق است که وارد مجلس این کشور شده است. او یک عامل کلیدی نیروی قدس سپاه پاسداران می‌باشد و عملیات رژیم ایران در ارسال سلاح به‌داخل عراق و نفوذ سیاسی در این دولت را هدایت می‌کند. مقامهای اطلاعاتی ارتش آمریکا در عراق به‌دولت مالکی از بابت این پرونده مراجعه کردند و کلیه اتهامات را به دولت مالکی منتقل کرده‌اند. اطلاعات ارتش آمریکا می‌گوید که این فرد به‌عنوان «کانالی برای انتقال سلاح و نفوذ سیاسی» برای نیروهای ویژه ایران در عراق عمل می‌کند. اطلاعات آمریکا می‌گوید وی هنوز در ارتباط مستقیم با شبکه‌های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم ایران است.

اسم او جمال جعفر (معروف به ابومهدی مهندس) است و سی.ان.ان گزارش کرد که «دادگاه کویت در سال ۱۹۸۴ او را به‌طور غیابی به اتهام بمبگذاری سفارتهای آمریکا و فرانسه به‌مرگ محکوم کرده است».

بعداً لو رفت کسی که وارد مجلس عراق شده همین فرد است. او «هم‌چنین در ربودن یک هواپیمای کویتی دست داشت». طبق همین گزارش سی.ان.ان «حزب‌الدعوه مسئولیت بمبگذاری سفارت آمریکا در کویت را در آن زمان به عهده گرفته بود...»

سی.ان.ان می‌گوید اما این فرد از آن‌زمان که مقامات آمریکایی در (بهمن ۱۳۸۵) موضوع را علنی می‌کنند، ناپدید شده و ممکن است به ایران رفته باشد.

تا اینجا را به‌نقل از سی.ان.ان از مقامات آمریکایی خواندم.

تازگی یکی از تلویزیونهای عربی خبر داد که ابو مهدی مهندس از ایران - جایی که به عنوان دستیار فرمانده سپاه قدس انجام وظیفه می کند و مسئولیت ارتباط و هماهنگی با شماری از افراد را در پارلمان عراق بر عهده دارد - قرار است مجدداً از استان بابل عراق در همین انتخابات آینده کاندیدا شود! حالا توجه کنید که با این تفصیل، چگونه آقای مالکی نعل وارونه می زند و یقه مجاهدین را با برچسب تروریستی گرفته و ۱۱ مجاهد خلق را هم با همین برچسب در اشرف در ۶ و ۷ مرداد به شهادت می رساند.

انقلاب اسلامی عراق و ۹ بدر

از وضعیت جریان آقای مالکی گفتیم. حالا ببینید که وضعیت مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق و ۹ بدر که سراپا دست ساز رژیم آخوندها در ایران بوده است، چگونه است؟! حزب الدعوه را رژیم نساخته و اصلیت آن عراقی است. در حالی که مجلس اعلا و ۹ بدر، تماماً ساخته و پرداخته و تولید سپاه پاسداران و اطلاعات آخوندهاست. این را همه مردم عراق می دانند و به همین خاطر، حتی آقای مالکی و حزبش این بار در انتخابات شورای استانهای عراق - حاضر به ائتلاف سیاسی در یک لیست واحد انتخاباتی با آنها نشدند - چون به ضررشان است و به خاطر نفرت و انزجار عمومی از جریانهای دست ساز رژیم ایران، خودشان می سوختند.

- نیوزویک ۲۶ دسامبر ۲۰۰۱: خبرنگار از حکیم می پرسد، می گویند رژیم ایران پول حملات شما علیه مجاهدین خلق را در عراق می پردازد و نیروهای مجلس اعلاي انقلاب اسلامی عراق هستند که علیه مجاهدین عملیات می کنند. (منظور عملیات تروریستی علیه قرارگاههای مجاهدین در آن فاصله ۱۰ ساله ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ است). حکیم نه فقط تکذیب نمی کند، بلکه با صراحت می گوید: «منافقین هدف مشروعی هستند».

روزنامه بدر ارگان سپاه

خالد الفهدی نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خیریه بدر

ولی امر المسلمین (ق.ا): لایحه پیشنهادی برای احداث بیمارستان تخصصی قلب و عروق در قم

آقای قائم مقام فرماندهی سپاه بدر گفت: روزنامه بدر از بول بیت النبال و از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه منتشر می شود و بایستی که سیاست چاپ در آن در خدمت یگان سپاه بدر باشد ولی ما نظرات اساسی در مورد آن چه در آن منتشر می شود و سیاستی که بیرونی می کند داریم.

بدر

روزنامه بدر

خالد الفهدی نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خیریه بدر

ولی امر المسلمین (ق.ا): لایحه پیشنهادی برای احداث بیمارستان تخصصی قلب و عروق در قم

آقای قائم مقام فرماندهی سپاه بدر گفت: روزنامه بدر از بول بیت النبال و از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه منتشر می شود و بایستی که سیاست چاپ در آن در خدمت یگان سپاه بدر باشد ولی ما نظرات اساسی در مورد آن چه در آن منتشر می شود و سیاستی که بیرونی می کند داریم.

بدر

روزنامه بدر

خالد الفهدی نایب رئیس هیئت مدیره انجمن خیریه بدر

ولی امر المسلمین (ق.ا): لایحه پیشنهادی برای احداث بیمارستان تخصصی قلب و عروق در قم

آقای قائم مقام فرماندهی سپاه بدر گفت: روزنامه بدر از بول بیت النبال و از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه منتشر می شود و بایستی که سیاست چاپ در آن در خدمت یگان سپاه بدر باشد ولی ما نظرات اساسی در مورد آن چه در آن منتشر می شود و سیاستی که بیرونی می کند داریم.

اسناد مربوط به سپاه بدر

نمونه هایی از جنایات تروریستی

شهادت شش مجاهد خلق و مجروح شدن ۳۱ تن دیگر در انفجار یک دستگاه اتوبوس در بغداد



اتوبوس شهری حامل مجاهدین در شمال شرقی بغداد با انفجار یک ماشین متعلق از موکب مستجر و هدف یک سوادمند، حاشیگر آقا تروریستی از سوی مزدوران وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران رژیم آخوندی پس از گذر از این حاشیه طبقه تروریستی هدف و جنس هدف در عراق از سال ۱۹۹۲ تاکنون می باشد. جدید رفته از این انفجارها و سوء قصد های تروریستی توسط مزدوران سپاه پاسداران رژیم آخوندی و مجلس انقلاب اسلامی عراق به عهده گرفته شده است.



مزدوران عراقی وزارت اطلاعات به شرکت در حمله به زدن به فرآگاد حسی و سلسله عملیات تروریستی رژیم علیه مجاهدین در خاک عراق اعتراف کردند.



تاریخچه مزدوری

علیه مجاهدین و شهروندان عراقی

حمله موشکی جنایتکارانه رژیم آخوندی به یک منطقه مسکونی در بغداد باعث مرگ دخترش یک کودک بیگناه و مجروح شدن شماری از شهروندان گردید



معمود عبدالعزیز حکیم ابرار اخوند باقر حکیم از سوی گروه مزدور رژیم موسوم به مجلس انقلاب اسلامی عراق، تعداد موشک های شلیک شده در منطقه کرخ بغداد را ۹ فروند ذکر کرد.

جنایت بزرگ رژیم آخوندی در بغداد

مجموعه تروریستی رژیم آخوندی به یک منطقه مسکونی در بغداد روز ۲ آوریل ۷۹، ۳ قطعی و ۳ عراقی کشته و ۳۰ نفر از جمله زنان و کودکان مجروح شدند.



ظلمت بزرگ مردم بغداد علیه جنایت مزدوران رژیم آخوندی

تروریست های رژیم آخوندی با کار گذاشتن یک کامیون انفجاری در بغداد ۸ شهروند عراقی را به طرز فجیعی به قتل رساندند و شمار بیشتری را مجروح کردند.



- برنامه شیکاگو تلویزیونی الجزیره در باره مجلس اهلا و ایو زیسون دست ساز رژیم آخوندی برای عراق سپاه موسوم به ۹ بدر
- یکی از بازو های تروریسم و جنایت سپاه پاسداران
- جنگ روانی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی علیه مجاهدین از طریق مزدوران باند جنایتکار باقر حکیم
- یک ارگان ویژه صدور تروریسم به نام «مجمع جهانی اهل البیت»
- در پی آغاز حمله نظامی توسط آمریکا آخوندها به نیروهایشان برای مخالفت در عراق آماده باش دادند
- اعلامیه ها و انتشاریه های مجاهدین در مورد جنایات مزدوران باند باقر حکیم
- محمد باقر حکیم کیست؟
- سوابق مزدور جنایتکار عبدالعزیز حکیم
- دیدگاه دست سازی به نام مجلس انقلاب اسلامی عراق
- در باره حزب الدعوة و سوابق مزدوران گروه آمده در مجلس اهلا - مقاله هفت نامه لیبنتی الشراع

خون ۵ قیرمان ارتش آزادی در حملهٔ ددمنشانه به قرارگاه حبیب بوزمین ریخت



مزدوران عراقی وزارت اطلاعات به شرکت در خمپاره زدن به قرارگاه حبیب و سلسله عملیات تروریستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراق اعتراف کردند

مزدور دیگر به نام اتانند و از آنها یک دستگاه لندکروز، چندین تیفه سلاح و مجموعه ای از اسلحه و تجهیزات به دست آمد. این موضوع سپس با جزئیات در نشریه مجاهد شماره ۲۸۰ منتشر گردید.

سازمان مجاهدین خلق ایران همچنین در اطلاعیه ۲۰ خرداد ۱۳۷۸، و بتیال الحصار یک مائین الحجازی بر سر راه التوریس حمل مجاهدین و شهروندان عراقی که شش شهید و ۱۱ مجروح از مجاهدین و دهها مجروح از شهروندان بی گناه عراقی بر جای گذاشت، اطلاع کرده القسام در معایر عمومی و کشتار شهروندان بی گناه، شیوه رفیانه و بزدلانگی سپاه آخوندی است که برای اجرای طرحهای تروریستی، مزدوران عراقی مرسوم به سیاه ۹ خرد، تحت امر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به خدمت میگرداند.

رافیر و تبلیغ و ترویج و معرعات رسمی رژیم آخوندی در خیمه های آن ایام خود آشکارا میگفتند که "مسلمانان عراقی" به تلاقی کفر با فتن "امیر سپاه اسلام" (عباد شیرازی) به القبح التوریس حامل مجاهدین میبادت نموده و خواستار "انحراج مجاهدین از خاک عراق" میشانند و "مقرهای این گروهک تا بحال شاهد حملات زنی از طرف مردم عراق بوده است که منجر به محاصرت و محروم شدن شهان شهان از آزادی از امداد این گروهک گردیده است" (تاریخ روز ۱۹/۱۱/۷۸).

در خرداد و تیر سال ۱۳۷۶ نیز وقتی رژیم آخوندی به تبارک نهادهای تروریستی آن ایام علیه مجاهدین مشغول بود، در خبرگزاری و معطومات و رسانه های خود، ترهائی از این قبیل منتشر میکرد که:

سازمان مجاهدین خلق ایران در اطلاعیه ۲۸ مرداد ۱۳۷۹ دربارهٔ تهاجم تروریستی رژیم آخوندی به قرارگاه حبیب که با خمپاره های ۱۲۰ میلیتری صورت گرفت، اعلام کرده بود مطابق کتکات ضبط شده می سیم و ششم، چهارم و پنجم مزبور مشترکاً با مجاهدین سپاه پاسداران، لشکر ۹۲ زرهی اهواز و یگانگ مزدوران عراقی وزارت اطلاعات انجام شده است.

در همین اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران در وجهه ویرکال و شورای امنیت ملل متحد را به نقض آشکار قطعنامه ۵۹۸ سلب نموده و خواستار محاکم کردن جنایات تروریستی رژیم آخوندی و اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا علیه این رژیم گردید.

در همین روز دستور شورای عالی مقاومت ایران برادر مجاهد مسعود و جری، طی تگرمی به ویرکال و شورای امنیت ملل متحد، ضمن فاش کردن پیش قدمی رژیم آخوندی در شکایتش به ملل متحد در مورد فریب خمپاره از داخل خاک عراق به دست مجاهدین از ویرکال و شورای امنیت ملل متحد خواست عیبتی را برای رسیدگی به جنایات تروریستی رژیم آخوندی و تعلیق پیر امران دعوی دروغین آن اقدام نمایند. در این هنگام رژیم آخوندی، در یک واکنش نشانده در راهی خود اعلام کرد و مجاهدین دولت عراق میگرداند مقرر گروهک تروریستی متعلق به شمال بصره حمله قرائ گرفته است. به گفته منابع مخالف دولت عراق با تعداد امروز ۲۰ خمپاره ۱۲۰ میلیتری به مقر گروهک تروریستی متعلق به منطقه دیره در شمال بصره شلیک شد. گروهک متعلق امروز حمله به پایگاه خود در شمال بصره را تأیید کرد، اما به تلفات این حمله اشاره نکرد.

در روز بعد، همان متعلقین، مرسوم که کسانی جز مزدوران عراقی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی نیستند، از طریق فرستنده ای که تحت عنوان فرادید انقلاب اسلامی عراق از تهران پیشتر میشود، به نحو مضحک گفته های در روز پیش را دبی رژیم آخوندی را نکته به نکته لشخوار و اعلام کردند. یکی از مقرات پانده متعلقین خلق ایران مزدور رژیم صدام در بصره را مورد تهاجم قرار داده اند و ۲۰ کتله خمپاره ۱۲۰ میلیتری شلیک کرده اند. اما مطابق شایعات در دسترس نیست. عساکراً بر اینکه این عملیات در کافر سلسله عملیاتی است که مقاومت اسلامی علیه این رژیم تروریستی صورت داده است.

به این ترتیب مزدوران عراقی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی، همچنانکه مجاهدین قتیلا اعلام کرده بودند، سرانجام به شرکت در خمپاره زدن به قرارگاه حبیب و سلسله عملیات تروریستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراق، که توسط مجاهدین اعتراف کردند.

از این پیشتر نیز مجاهدین بر اساسی اطلاعات موثق و اسناد و شواهد آشکار تأیید نقش مزدوران عراقی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی را بر ملا

متعلقین مردم (روزنامه های اطلاعات و رسالت - ۱۴ تیر ۷۶).

معلقان رژیم حبیبی در ۱۶ تیرماه به قرارگاه اشرف یا مرشکهای ۱۰۷ میلیتری حمله کرد و همچنین مجاهدان خلق ابراهیم سلیمی، پارعلی گورنای و حسین سلیمی در بغداد ترور شدند. رژیم آخوندی این جنایات را به سازمان مجوسی بنام سازمان مجاهدین مسلمان عراقی نسبت داد و ادعا کرد که مرکز آن در بیروت قرار دارد، اما امروز بعد روزنامه اشرف الاوسط فاش کرد که منابع ایزدیسون عراق از وجود چنین سازمانی که رژیم ایران مدعی آن است هیچ اطلاعی ندارند.

۱۴ سال پیش در جریان عملیات بزرگ فروغ جاویدان نیز رژیم آخوندی از جنایات مزدوران عراقی خود را در حوالی کرمانشاه برای کشتار مجاهدین اعلام کرده بود. ستاد فرماندهی ارتش آزادی ن: سس ایران در گزارش عملیات فروغ جاویدان در همان

یکسال قبل از آن هم همین باقر حکیم در ۲۹ شهریور ۱۳۷۹ با صراحت به خبرگزاری حکومتی ایسنا به تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۰ گفت که از سال ۹۱ «سیاست ما نسبت به منافقین عوض شد» و «از آن زمان به تهاجمات نظامی علیه مجاهدین دست زده ایم». حملات و بمبگذاریهای کثیفی که وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران آخوندها سازماندهی می کردند، تأمین مالی و تسلیحاتی می کردند و تا آن زمان - زمانی که حکیم این حرف را زده - ۱۳۴ فقره حملات تروریستی با قربانیان بسیار، به خصوص در بین شهروندان عراقی و حتی همین همسایگان اشرف بود.

همه چیز نشان می داد که این مجلس اعلای انقلاب اسلامی و «سپاه ۹ بدر پاسداران انقلاب اسلامی» هیچ موجودیت جداگانه‌یی از رژیم آخوندها نداشت.

ادعای این که تهاجمهای تروریستی علیه مجاهدین توسط «مردم عراق» انجام می شود، تنها و تنها در خدمت توجیه حملات تروریستی رژیم ایران بود. کمالین که همین حرفهای حکیم که الان اشاره کردیم، دقیقاً ۴ هفته بعد از آخوند یونسی بود. چون آخوند یونسی همان طور که دیدیم در دوم شهریور ۱۳۷۹ به عنوان وزیر اطلاعات رژیم گفت: «ما به دست مردم عراق از منافقین انتقام خواهیم گرفت... و منافقین در آینده متحمل ضربات سنگینی خواهند شد».

تأسیس به‌دستور خمینی

«مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق»، به‌دستور خميني تأسيس شد و خامنه‌اي اساسنامه آن را نوشت. در بند اول بيانیه تأسيس به‌تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱، «جهاد عليه امپرياليسم» تا «برپايي حکومت اسلامي» در عراق، خط مشي آن شناخته شده است که توسط باقر حکيم اعلام شد و همزمان در روزنامه‌هاي رسمي ملايان منتشر گرديد:



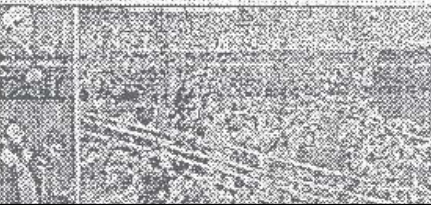
متعاقباً آخوند هاشمي «سخننگوی مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق» که بعدها با نام «آيت‌الله شاهرودي» رئيس قوه قضاييه در رژيم آخوندي شد، تصريح کرد که پيام آنها براي مردم عراق «اطاعت محض از رهبري امام خميني» است و اينکه «کاملاً تسليم نظرات مبارک» باشند (روزنامه رسالت ۱۱ مهر ۱۳۶۶).

بيعت حکيم و دارودسته او با خامنه‌اي به‌عنوان «ولي امر مسلمين جهان» بعد از مرگ خميني در تمام رسانه‌هاي رژيم اعلام شد. (حکيم در روزنامه بدر در ۳۰ خرداد ۱۳۷۸ اعلام کرد: «مجلس اعلا، قانون آن و اساسنامه آن زير نظر ولي فقيه شخصاً و با نظر امام امت ريخته شده است»).

از مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق حمه کنید و به آنها پادگان و پایگاه بید

طلحات

حجت الاسلام حکیم: ما مجلس اعلای انقلاب اسلامی را برای رهبری مردم عراق کانبدیده می کنیم



اخبار ایران

بیانیه حزب جمهوری اسلامی در رابطه با تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

بر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق است که هر چه سریع تر با بسیج انتشار وسیع جامعه و ایجاد وحدت بیشتر بین گروهها و جمعیت های مسلمان و مردم علاقه مند به استقلال و آزادی کشور با حفظ شعار نه شرقی و نه غربی و با الهام از آرواح پاک شهیدای انقلاب اسلامی عراق به ویژه شهید بزرگوار حضرت آیت الله سید محمدباقر صدر و خواهر فاضله و مظلومانش پیشنهادی راه را برای گسترش انقلاب اسلامی تا سرنگونی رژیم فاسد صدامی بزنند

حزب جمهوری اسلامی ضمن تیریک و برتری شناختن این مجلس بعنوان رهبر و تنها سخنگوی ملت مسلمان عراق با تاکید به مکتبی ماندن و عدم گرایش به چپ و راست و طرد هر گونه روحیه ناسیونالیستی و سازشکارانه در آن، آزادخواهان و نهضت های آزادی بخش جهان را به حمایت و پشتیبانی از مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق دعوت می نماید با امید به پیروزی حق بر باطل و شکست کامل استکبار جهانی

زود است که با عنایات خداوندی نخل بلند انقلاب اسلامی شما مردم فدakar که سینه سراب و شاداب از خونهای پاک و جوشان مجاهدان و مبارزان راه خداست به ثمر بنشیند و در سایه پر طراوت خود مستضعفان و محرومان عراق مأوا بخشد. ما با تجربه ای که از انقلاب عظیم اسلامی خود بر عاقلت مرجع بزرگوار اسلام حضرت امام خمینی مدظله العالی به دست آوردیم همواره معتقد بودیم که لزوم یک رهبری واحد الهی برای هدایت و نجات جامعه از سلطه جهانخواران شرق و غرب ضروری و حیاتی است و با اعلام تشکیل این مجلس که نقشه امید ملت مظلوم و رنج کشیده عراق و آزادخواهان مستلزمه است یقین داریم که این ملت مسلمان و شهیدپرور با استفاده از تجربیات انقلاب اسلامی ایران با برپائی تظاهرات و راهپیمائی های میلیونی و شعار دشمن شکن الله اکبر مسن حمایت از مجلس اعلای انقلاب اسلامی رژیم ضد مردمی و فاشیستی صدام را برای همیشه به رساله دان تاریخ خواهد فرستاد

در رابطه با تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق شب گذشته از سوی حزب جمهوری اسلامی اطلاعاتی به شرح زیر انتشار یافت: بسم الله الرحمن الرحيم در شرایطی که انقلاب اسلامی مردم مسلمان عراق در مراحل حساس و سرنوشت سازی قرار گرفته است اعلام تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق سا رقه امیدي در دل محرومان و مستضعفان عراق و متعلقه بوجود آورد.

اعلام تشکیل این مجلس مکتبی با ترکیب روحانیون برجستهای که در آن عشویت دارند نقطه عطفی در تاریخ مبارزات این ملت رشید و مقاوم خواهد بود. گرچه استکبار جهانی و مزدور دست نشاندهای صدام عطفی با اعلام موجودیت این مجلس که نشانگر رهبری واحد و انسجام تمامی نیروهای مومن و مسلمان عراق است پیش از هر زمان دیگری به وحشت افتاده و از هیچ چنای فری گذار نخواهد کرد. ولی بر ملت آزاد عراق است که با تمام قوا در جهت حمایت و تقویت این رهبری اسلامی انقلاب تا نیل به اهداف مقدس آن که سرنگونی رژیم بعثی صهیونیستی بغداد و استقرار

دو سند دیگر:

این هم دو سند دیگر که قبلاً مجاهدین منتشر کردند:
سند اول - به تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۶۹ که سر تیپ پاسدار کمال هدایت، فرمانده قرارگاه مرکزی تروریستی رژیم به اسم «قرارگاه مرکزی حمزه سیدالشهداء» به فرماندهان قرارگاههای تابعه ابلاغ می‌کند، از روی آن می‌خوانم: «لازم است کلیه گیرندگان نسبت به ایجاد تسهیلات لازم جهت تردد معارضین عراق با کنترل قرارگاه رمضان به آن کشور اقدام نمایید». یعنی زیر کنترل قرارگاه رمضان بروند و بیایند.
سند دوم - به تاریخ ۶ فروردین ۱۳۷۰، از فرماندهی بسیج آخوندی به نواحی بسیج و قرارگاههای قدس است که می‌گوید: با مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق همکاری کنید، در خصوص صدور احکام مأموریت و تبادل پیامهای دفاتر مجلس اعلا مساعدت کنید، کادر مورد نیاز آنها را برای مأموریت‌هایشان تأمین کنید و جالب‌تر این که می‌گوید برای کمک به امر تبلیغات در جنوب عراق ۳۰ تا آخوند مجرب عراقی هم در بسیج روحانیت قم آماده اعزام به نواحی هستند که نسبت به انتقال آنها اقدام کنید.

تسهیلات فوری برای اعزام مزدور به عراق

شماره ۳۶۷
تاریخ ۱۳۳۳



بسمه تعالی



فرماندهان قرارگاههای تابعه
فرماندهی قرارگاه مرکزی حمزه
دالشهدا (ع)
سوغ: تردد معارضین
سلام علیکم
بدین وسیله ابلاغیه شماره
۳۰۱۳۱۲ مورخه ۶۹/۱۱/۲
لم یکن اعلام و لازم است کلیه
ندگان نسبت به ایجاد تسهیلات
م جهت تردد معارضین عراق با
قول قرارگاه رمضان به آن کشور
ام نمائید.
فرمانده قرارگاه مرکزی حمزه
دالشهدا (ع)
سرتیپ پاسدار کمال هدایت

بین ریسر لیدر شماره ۳۰۱۳۱۲ مورخه ۶۹/۱۱/۲ گمان کمترین
عدم و عدم است که کمترین زمان نسبت بر این تسهیلات عدم حجت
تمد سر نسین عراق با کمترین قرارگاه رمضان به آن شده اقدام تمهید
فرمانده قرارگاه مرکزی حمزه دالشهدا (ع)
سرتیپ پاسدار کمال هدایت
۱- معارفت حجت محمد احمدی پیری
۲- فرماندهان پایگاه گسترده پیرا محرم سهرت . بند ۱ مریدان
۳- تسهیلاتی که از این تسهیلات
۴- تمهیدات و روشی فراهم تراب در قرارگاه مرکزی از طریق سرتیپ
دانشگاه
شماره فرماندهی سرتیپ هدایت . فرمانده حجت اسفندیار
قرارگاه رمضان جهت اطلاع

ندگان:
- معاونت عملیات جهت آگاهی و
بری
- فرماندهان پایگاههای اشدویه.
انشهر، سودشت، بانه، مریوان
- تیبهای مکه و اباعبدالله
- نماینده تیمسار فرماندهی
ترم نزاجا در قرارگاه مرکزی از
بق سیاه مستقر
وشت.
ستاد فرماندهی کل قوا معاونت
اعمال و عملیات جهت استحضار
رکاه رمضان جهت اطلاع

تسهیلات فوری برای اعزام مزدور به عراق

شماره ۳۶۷ / ۳۰ / ۱۳۶۷
تاریخ ۱۳ / ۱۲ / ۶۹



جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

فرماندهی قرارگاه های تابعه
فرماندهی قرارگاه مرکزی خرمسید شهدای اعزام
موضوع: تردد معارضین
سلام علیکم

بین ریسر لیدر شماره ۱۹۱۰۰۳۳۲ مورخه ۳۰ / ۱۲ / ۶۹ گمان کمترین
عدم در دست است که در زمان نسبت برابری و تسهیلات لازم جهت
تمدن معارضین عراق با اکثرین قرارگاه در زمان به آن شده اقدام نمائید.
فرمانده قرارگاه مرکزی خرمسید شهدای اعزام
سرپرستان
۱- معاونت عملیات جهت آگاهی و پیگیری
۲- فرماندهان پایگاه های اشدویه، پیرانشهر، سوسن، بانه، مریوان
۳- تیپ های مکه و اباعبدالله
۴- نماینده تیمسار فرماندهی محترم نزاجا در قرارگاه مرکزی از طریق سپاه مستقر
رونوشت
ستاد فرماندهی کل قوا معاونت اطلاعات و عملیات جهت استحضار
قرارگاه رمضان جهت اطلاع

به: فرماندهان قرارگاه های تابعه
از: فرماندهی قرارگاه مرکزی حمزه سیدالشهدا (ع)
موضوع: تردد معارضین سلام علیکم
بدین وسیله ابلاغیه شماره ۶۹۱۱۲۲۳ مورخه ۳۰ / ۱۲ / ۶۹ کان لم یکن اعلام و لازم است کلیه گیرندگان نسبت به ایجاد تسهیلات لازم جهت تردد معارضین عراق با کنترل قرارگاه رمضان به آن کشور اقدام نمائید.
فرمانده قرارگاه مرکزی حمزه سیدالشهدا (ع)
سرتیپ پاسدار کمال هدایت

گیرندگان:
۱- معاونت عملیات جهت آگاهی و پیگیری
۲- فرماندهان پایگاه های اشدویه، پیرانشهر، سوسن، بانه، مریوان
۳- تیپ های مکه و اباعبدالله
۴- نماینده تیمسار فرماندهی محترم نزاجا در قرارگاه مرکزی از طریق سپاه مستقر
رونوشت
ستاد فرماندهی کل قوا معاونت اطلاعات و عملیات جهت استحضار
قرارگاه رمضان جهت اطلاع

وظیفه‌ی «کلیه‌ی فرماندهان نواحی بسیج سراسر کشور»: اعزام مزدور به عراق

به: کلیه فرماندهان نواحی بسیج سراسر کشور
از: فرماندهی نیرو مقاومت بسیج
موضوع:

سلام علیکم

نظر به اینکه مساعدت در امر و جذب سازماندهی نیروهای داوطلب عراقی و همچنین اعزام آنها از وظائف نیرو مقاومت گشته است. مقتضی است همکاری لازم را با دفاتر بسیج مجلس اعلا انقلاب اسلامی در نواحی و بالاخص در موارد ذیل معمول نمایند.

۱ - کمک در امر تبلیغات جنوب، و در این رابطه تعداد «۳ روحانی مجرب عراقی در بسیج روحانیت قم مجلس اعلا مستقر در قم آماده اعزام به نواحی می‌باشند که ضمن هماهنگی با دفاتر بسیج مجلس اعلا نسبت به انتقالشان به ناحیه اقدام نمایند.

۲ - مساعدت به مراکز فرماندهی نواحی و دبیرخانه آنها در خصوص صدور احکام مأموریت و تبادل پیام‌های دفاتر مجلس اعلا

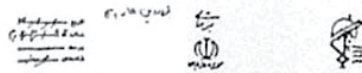
۳ - مأمور نمودند موقت کادر مورد نیاز دفاتر بسیج مجلس اعلا در انجام مأموریت فوق‌الذکر.

در ضمن چنانچه مأموریت‌های محوله نواحی در خصوص جذب و ارسال کمک‌های مردمی و اعزام نیروهای داوطلب عراقی به قرارگاه‌های قدس مربوطه با اشکالی برخوردید می‌توانید به شماره تلفن ۳۹۸۰۱۶ قرارگاه سیدالشهدا نیروی مقاومت تماس حاصل نمایید.

رونوشت:

- دفتر محترم نمایندگی ولی فقیه
- ستاد نیرو نواحی
- معاونت محترم نیرو
- بسیج مجلس اعلا
- دبیرخانه ستاد نیرو

از طرف عظیمی فرماندهی نیرو مقاومت بسیج



بسم الله الرحمن الرحیم
در فرماندهی نیرو مقاومت بسیج

سلام علیکم

توجه به کلیه دست‌اندرکاران محترم معاونت عالی نیروهای داوطلب عراقی و همچنین اعزام آنها از وظائف نیرو مقاومت گشته است. مقتضی است همکاری لازم را با دفاتر بسیج مجلس اعلا

اندر امور مربوط به تبلیغات جنوب، و در این رابطه تعداد «۳ روحانی مجرب عراقی در بسیج روحانیت قم مجلس اعلا مستقر در قم آماده اعزام به نواحی می‌باشند که ضمن هماهنگی با دفاتر بسیج مجلس اعلا نسبت به انتقالشان به ناحیه اقدام نمایند.

۲ - مساعدت به مراکز فرماندهی نواحی و دبیرخانه آنها در خصوص صدور احکام مأموریت و تبادل پیام‌های دفاتر مجلس اعلا

۳ - مأمور نمودند موقت کادر مورد نیاز دفاتر بسیج مجلس اعلا در انجام مأموریت فوق‌الذکر.

در ضمن چنانچه مأموریت‌های محوله نواحی در خصوص جذب و ارسال کمک‌های مردمی و اعزام نیروهای داوطلب عراقی به قرارگاه‌های قدس مربوطه با اشکالی برخوردید می‌توانید به شماره تلفن ۳۹۸۰۱۶ قرارگاه سیدالشهدا نیروی مقاومت تماس حاصل نمایید.

رونوشت:

- دفتر محترم نمایندگی ولی فقیه
- ستاد نیرو نواحی
- معاونت محترم نیرو
- بسیج مجلس اعلا
- دبیرخانه ستاد نیرو

از طرف عظیمی فرماندهی نیرو مقاومت بسیج

اشرف پایدار - کارزار پیروزی

اسناد استقلال مجاهدین

گزارش دبیرکل ملل متحد از بازرسی قرارگاههای مجاهدین

جهت اطلاع دولت عراق و آقای مالکی!

این گزارش دبیرکل ملل متحد کوفی عنان در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸ در مورد بازرسیها از عراق و بازرسان آنسکام است:



THE SECRETARY-GENERAL

Symbol* Fax Note	7871	Date	16/12	3 of 3
To	Ali REZA	From	OSG	
Co./Dept.	TNI	Co.		
Phone #		Phone #		
Fax #	201 393-2682	Fax #		

15 December 1998

Excellency,

I have the honour to submit for your consideration reports from the Director-General of the International Atomic Energy Agency (IAEA) dated 14 December 1998, and the Executive Director of the United Nations Special Commission (UNSCOM) dated 15 December 1998, concerning their work in Iraq, as called for in the letter to me from the Security Council President, dated 30 October 1998.

The reports cover the period since 17 November 1998.

The report from the IAEA states that Iraq "has provided the necessary level of co-operation to enable the above enumerated activities to be completed efficiently and effectively".

The report from UNSCOM includes material that relates to issues prior to 17 November 1998. With regard to the period since, the report presents a mixed picture and concludes that UNSCOM did not enjoy full cooperation from Iraq.

In light of the findings and conclusions contained in the reports, taken together, the Council may wish to consider three possible options:

His Excellency
Mr. Jassim Mohammed Buallay
President of the Security Council
New York

Please accept, Excellency, the assurances of my highest consideration.

Kofi A. Annan

گزارش دبیرکل ملل متحد از بازرسی قرارگاههای مجاهدین

ملل متحد ترتیباتی برای بازرسی از عراق به دنبال تسلیحات کشتار جمعی، داده بود. این نامه با امضای کوفی عنان، دبیرکل ملل متحد به رئیس وقت شورای امنیت ملل متحد است که در آن گزارش رئیس اجرایی آنسکام، که در آن زمان باتلر بود، از بازرسیها و جستجوها در عراق را تقدیم رئیس شورای امنیت می‌کند.

در صفحه هفتم گزارش رئیس اجرایی آنسکام که به امضای ریچارد باتلر است که من چکیده اش را می‌گویم. می‌گوید: ما در عراق از همه جا بازرسی کردیم، جز یک سایت که دولت عراق گفت این سایت تحت کنترل او نیست و اختیاری بر آن ندارد و خودتان بروید با مسئولان این سایت صحبت کنید.

یعنی به‌طور خلاصه دولت وقت عراق می‌گوید: این سایت ربطی به ما ندارد و مسئولیتی هم در این مورد نداریم و کنترل هم نداریم. اسم این سایت قرارگاه اشرف است. عیناً از روی متن گزارش برایتان می‌خوانم: «در مدت بازرسی که گزارش شده است تیمهای بازرسی، بازرسیهای غیر مترقبه‌یی را از شماری از سایتها که توسط عراق اعلام نشده‌اند انجام دادند، دسترسی به این سایتها، میسر بود و بازرسی صورت گرفت. یعنی در عراق هرجایی را که خواستند، دولت وقت عراق اجازه داده است که بروند و ببینند و دارد به دبیرکل و دبیرکل به شورای امنیت گزارش می‌دهد که دسترسی به این سایتها میسر بود و بازرسی صورت گرفت، به استثنای یک تأسیسات که مورد استفاده سازمان مجاهدین خلق ایران می‌باشد [منظور قرارگاه اشرف است]، اعلام شد که محل این تأسیسات تحت اتوریته عراق نیست. بحث پیرامون دسترسی به این سایت برعهده کمیسیون و آن سازمان گذاشته شد، [یعنی گفتند خودتان بروید با مسئولان این سایت صحبت کنید]. یک گفتگو در این باره شروع شده، و سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته است که از نظر اصولی سایتهايش قابل دسترسی توسط کمیسیون و آنسکام باشد».



such data. In response to the Commission's recent requests, Iraq stated that it is meeting its obligations with respect to the provision of data on its testing activity and denied access to the particular information requested by the Commission. In relation to the Commission's most recent requests, on 6 December, Iraq stated it would reconsider its decision. It has not yet provided the data requested.

During a chemical monitoring inspection on 5 December, the National Monitoring Directorate (NMD) representatives placed unacceptable conditions on the photography of bombs, citing national security concerns. No photographs were taken.

During the reporting period, undeclared dual-capable items and materials subject to chemical and biological monitoring, were also discovered.

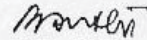
On 11 December the chemical monitoring group was told by the NMD representative that they would not be able to conduct an inspection at a specific monitoring site on that day because it was a Friday. The inspection group was not able to inspect the inside of the site. This incident underlined the position stated earlier that Iraq would facilitate entry to buildings "during the working days of the work, except Fridays".

Inspections of capable sites

Identification of the nature of activities at locations where undeclared dual-use capabilities may exist is an important aspect of monitoring activity. During the reporting period, teams conducted no-notice inspections at a number of sites that had not been declared by Iraq. Access to these sites was provided and inspections took place with one exception which was at a facility occupied by the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI). The site of this facility was declared as being not under the authority of Iraq. Discussions over access were left to the Commission and that organization. A dialogue has begun on this matter and the PMOI has accepted, in principle, that its sites are subject to access by the Commission.

cooperation by Iraq, it must regretfully be recorded again that the Commission is not able to conduct the substantive disarmament work mandated to it by the Security Council and, thus, to give the Council the assurances it requires with respect to Iraq's prohibited weapons programmes.

Accept, Excellency, the assurances of my highest consideration.


Richard Butler

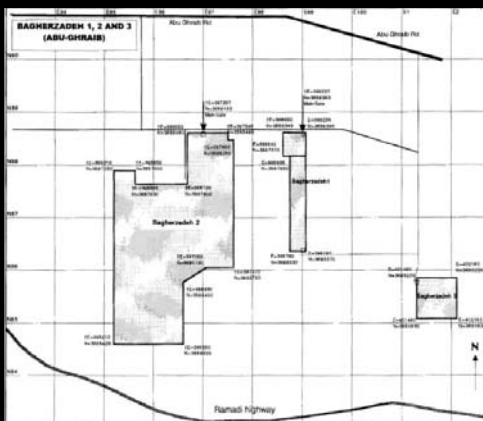
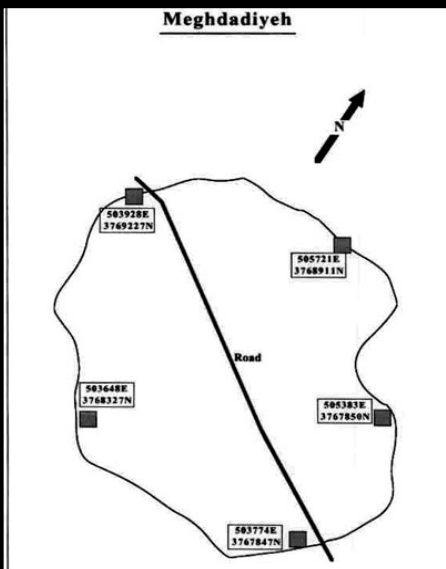
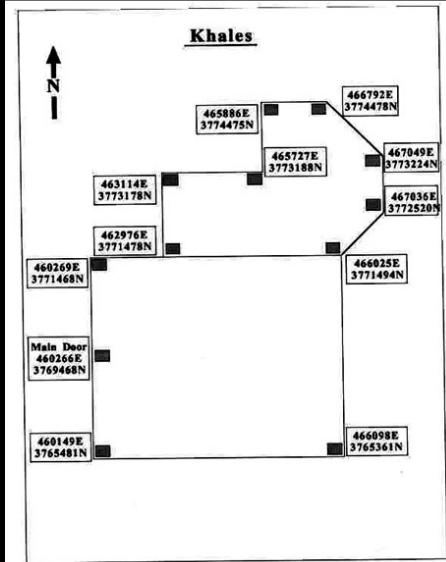
نامه رئیس اجرایی آنسکام به دبیر کل ملل متحد

مدارک آن موجود است، در همانزمان و در طول سالیان هم، حرف ما با ملل متحد، شورای امنیت و آنسکام این بود که از طریق دولت عراق وارد نشوید، اگر با ما کار دارید، با قرارگاههای ما، با همه مقرهای ما، چه در بغداد، چه در خارج بغداد، چه در اشرف، چه در بدیع و هرکجای دیگر، ما رابطه مستقیم و مستقل خودمان را داریم. می‌گفتیم در این صورت بفرمایید. همه جا را بازرسی کنید و کمالین که آمدند و در سالهای بعد هم اشرف را دیدند. یعنی بر اساس اطلاعات دروغینی که رژیم و همین مزدورانش، مزدوران کنونی می‌دادند، آنها غیر مترقبه می‌آمدند، وقتی که خودشان می‌آمدند، نه از طریق دولت عراق می‌گفتیم بفرمایید؛ در بدیع و در خود بغداد و...

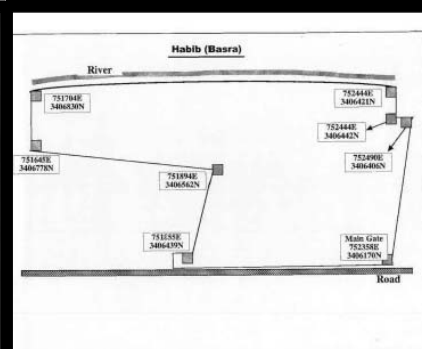
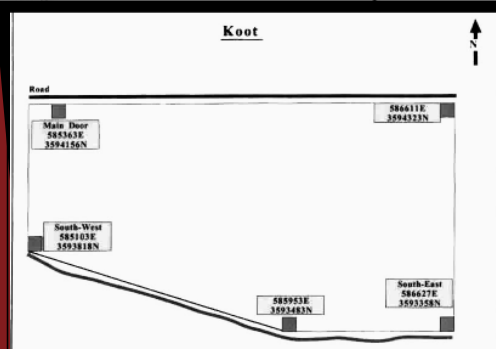
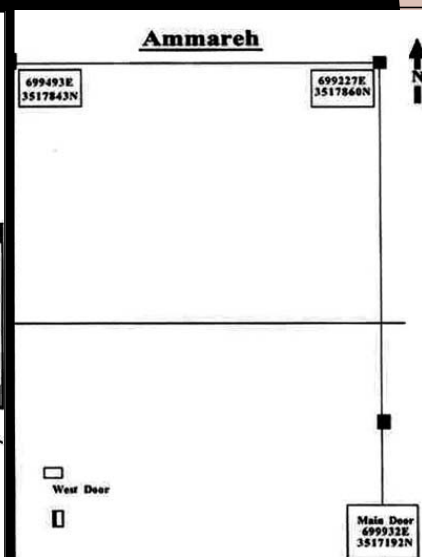
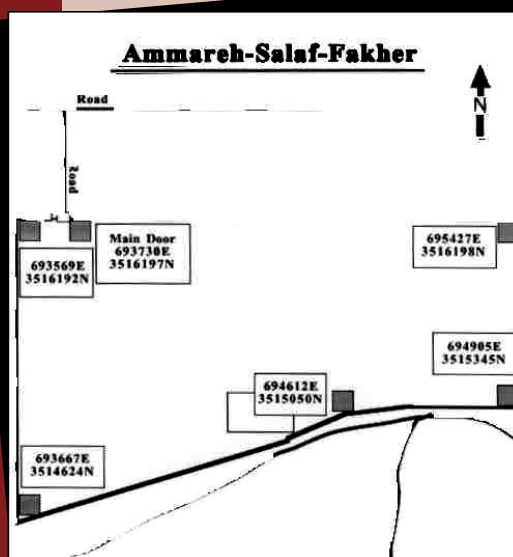
ENTRANCES TO IRANIAN MOJAHEDIN SITES
Date: December 10, 2002

1. Central Office in Baghdad: E=446600/N=3686047
2. Ashraf (North of Khalls): E=460266/N=3769468
3. Anzali (Jalawla): E=513856/N=3793117
4. Alavi (Meqdadya): E=503774/N=3767847
5. Faezeh (Kut): E=585363/N=3594156
6. Mouzarmi (Al-Amara): E=693730/N=3516197
7. Homayoun (Al-Amara): E=699932/N=3517192
8. Habib (Basra): E=752358/N=3406170
9. Badizadegan (Abu-Ghralb): E=410683/N=3687189
10. Bagherzadeh 1 (Abu-Ghralb): E=399223/N=3688363
11. Bagherzadeh 2 (Abu-Ghralb): E=397207/N=3688433

اسامی قرارگاههای ارتش آزادیبخش



اسامی و موقعیت قرارگاههای ارتش آزادیبخش



اسامی و موقعیت قرارگاههای ارتش آزادپیشخ

و این هم گزارش سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که می‌گوید در سال ۹۳ ما (همراه با هیأت بازرسان ملل متحد- آنسکام) سرزده وارد قرارگاه اشرف شدیم و دوجیز توجه ما را جلب کرد؛ یکی این که بر خلاف سایت‌هایی که تاکنون دیده بودیم بسیار تمیز و مرتب بود و دیگری استقلال اینها از عراقیها به نحوی که هیچ عراقی و افسر عراقی را اجازه ندادند با ما همراه باشد.

مدیریت اطلاعات مرکزی

سازمان مجاهدین خلق - گروه مخالف ایرانی

گزارش تحقیق اطلاعاتی

اطلاعات به دست آمده تا اول ژوئیه ۱۹۹۳

سازمان مجاهدین خلق بزرگترین گروه فعال مخالف ایرانی است. هدف اولیه آن سرنگون کردن دولت ایران و تشکیل یک جمهوری غیر دینی است. گروه ادعا می‌کند که دولت جدید از سوی یک انتخابات آزاد سراسری باید انتخاب شود و می‌باید آزادی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی برای زنان و مردان را تأمین کند...

در اوایل فوریه ۱۹۹۲ بازرسان ملل متحد از کمپ اصلی ارتش آزادیبخش ملی ایران در نزدیکی شهر الخالص عراق دیدار کردند که قرارگاه اشرف نامیده می‌شود. طبق گزارش بازرسان این تأسیسات مانند یک سفارتخانه بود و از سوی عراقیها مانند خاک ایران محسوب می‌شد. هیچ عراقی به جز کسانی که تیم بازرسی حاضر را مشایعت کردند در این قرارگاه که بسیار تمیز و منظم توصیف شده است، وجود نداشت.

The Mojahedin-e Khalq: Profile of an Iranian Dissident Group (u)

Intelligence Research Paper

Key Findings

Information available as of 1 July 1993

was used in this report.

The Mojahedin-e Khalq: Profile of an Iranian Dissident Group (u)

The Mojahedin-e Khalq (MEK) is the largest and most active Iranian dissident group. Its primary goal is the overthrow of the Iranian Government, after which it would seek to establish a nontheocratic republic. The group claims the new government would be chosen by a free nationwide election and would endorse social, cultural, political, and economic freedom for men and women. The MEK also claims the government would be Islamic in character, but the group supports freedom of religious choice and practice, according to MEK literature. (c NF)

In early February 1992, UN inspectors toured the National Liberation Army's primary camp at Al Khalis, also known as Ashraf base. According to the inspectors' report, the facility was "like an embassy" and considered by the Iraqis to be Iranian territory. There were no Iraqis other than those accompanying the inspection team present at the base, which was described as orderly and clean. In December 1992 another UN team, intending to inspect the Iraqi Organization for Military Industry Archives in Baghdad, was told on its arrival at the facility that it was the MEK's headquarters compound. The UN team was given a briefing by the MEK about Iranian efforts to acquire weapons of mass destruction and toured the compound. According to the report, the facility consists of buildings used for living quarters, an armory, conference facilities, and communications.

گزارش سازمان اطلاعاتی آمریکا در مورد بازرسی از قرارگاههای مجاهدین

نامه رسمی مدیر کل اداره بازرسی ملی عراق

نامه رسمی مدیر کل اداره بازرسی ملی عراق، در تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۰۲ آنچه را که ۴ سال قبل، در ۵ دسامبر ۱۹۹۸، در مورد مکانها و مراکز مربوط به سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق گفته بود، مجدداً مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌گوید مکانهای مربوط به سازمان مجاهدین مواردی هستند که دولت عراق مجاز شناخته و پذیرفته است که این سازمان آنها را بدون هرگونه دخالتی از سوی این دولت مورد استفاده قرار دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اعد لكل حالة ما يستوجب
وتوكل على الله
الرئيس القائد (صدام حسين)

جمهورية العراق
رئاسة الجمهورية
هئية التصنيع العسكري
دائرة الرقابة الوطنية

العدد / ٢٨٤٢
التاريخ هـ ٥ / شوال / ١٤٢٢
٢٠٠٢ / ١٤ / ٩ م

الى من يهمه الامر

اشارة الى تصريحات ادلى بها اللواء المهندس حسام محمد امين المدير العام
لدائرة الرقابة الوطنية العراقية في الخامس من كانون اول / ديسمبر ١٩٩٨ تؤكد ما
يلي:
ان المواقع التي تعود لمنظمة مجاهدي خلق اليرانية هي مواقع سمحت الحكومة
العراقية للمنظمة المذكورة باستخدامها دون تدخل.



اللواء المهندس

حسام محمد أمين

مدير عام دائرة الرقابة الوطنية

٢٠٠٢/١٢/٩

نامه رسمي مدير كل ادارة بازرسي ملي عراق - ٩ دسامبر ٢٠٠٢

هم‌چنین در دسامبر ۱۹۹۸ (آذر ۱۳۷۷)، خبرگزاری‌های رویتر و آسوشیتدپرس، بیانیه و اظهارات رسمی مدیرکل بازرسی ملی عراق را که در رسانه‌های این کشور هم منتشر شده بود، مخابره کردند مبنی بر این‌که:

«دولت عراق هیچ‌گونه دخالتی در کار قرارگاه‌های مجاهدین ندارد و هرگونه بازرسی از آنها منوط است به توافق رئیس تیم بازرسان ملل متحد با این طرف خارجی. یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران یک موضوع و سوژه عراقی نیست و یک طرف خارجی است.»

الرقابة الوطنية تصند وز الأمم نو اليه

تحق الزود الوثائق مستمدا من صورهم بالمرور الزمنية الوطنية من دعوات تشرار بوليفر باني رئيس اللجنة الخاصة التي زعم فيها ان الجانب العراقي قد منع أحد فرق التفتيش من الوصول الى موقع كان ذلك الفريق يتولى تفتيشه. وقال لوكالة الأنباء العراقية ان ادعاءات السيد بوليفر غير صحيحة وفيها تزوير من الجانب العراقي لم يمنع اي فريق تفتيش من الوصول الى مواقع التي طلبت لفتحة الخدمة للوصول اليها ولم يخطر عنده وصول هذه الفرق الى المواقع التي زعمت انها كانت مغلقة. وقال ان الدعوات التي ياتي بوليفر ادعاها عنها في وقت يوم 18 كانون الثاني الماضي حين ان فرقة تفتيشه وكان من عدة جماعات الثائرة تتألف من 170 شخصا من الذخول بدمشق مقدمين ان موقع تقع لاجدي الجهات اقليمية الحليفة للعراق وحشد القوات بطلب عليها مع اللجنة الخاصة عن الموقع المذكور. وقالت اللجنة بعد ان جرى التفاوض بين رئيس فريق التفتيش والجهة اقليمية

REUTERS
 1624 051298 GMT

RWS CSA AFA RWSA G GNS O RMR
 RTR_TNS 3 OVR NEWS MEAST IQ US GB RU OFEC DIP 786 LA55435
 IRAQ-UN
 Iraq says weapons inspectors distorting facts
 By Dominic Evans

ASSOCIATED PRESS

EC Iraq UN
 1445 GMT 05 dec 98
 Iraq denies barring U.N. inspectors from weapons site
 BAGHDAD, Iraq (AP) - Iraq on Saturday denied that it barred weapons experts in October from entering a suspected weapons site inside an area controlled by exiled Iranian opposition activists. They wanted to enter a site "belonging to one of the foreign parties residing in Iraq" over which Iraq has no control, the official Iraqi News Agency said, quoting Hussam Mohammed Ameen, the head of an Iraqi office that deals with the U.N. inspectors. In a letter to the U.N. Security Council dated Dec. 3, deputy chief inspector Charles Duelfer said a U.N. team could not obtain access to a site because it was under the control of an exiled Iranian opposition group. Ameen said Iraq cannot get officially involved when the United Nations Special Commission, which is responsible for disarming Iraq, wants to inspect a site occupied by foreigners. He said the rules of disarmament in Iraq require that the head of the inspection team and the foreign official in charge of the area work out an arrangement between themselves for entering the site. Ameen said some U.N. inspectors did want to enter the site administered by Iranian exiles of the Mujahideen Khalq on Oct. 25. But the Iraqi side "strictly adhered" to the procedures and did not interfere in the negotiations between the exiled Iranians and the inspectors, he said. Finally, after almost three hours of discussions, the head of the inspection team decided not to go in and withdrew his members, Ameen said. The Mujahideen Khalq, which opposes the Islamic government in Iran, operates about a dozen military camps in Iraq, most of them close to the Iranian border. Ameen said the same U.N. team had carried out surprise visits to 15 weapons sites including government buildings on the same day. UNSCOM is responsible for destroying Iraq's weapons of mass destruction. Until the mission is complete, the U.N. Security Council will not lift the economic sanctions imposed after Iraq's 1990 invasion of Kuwait. lb/vj

ers) - Iraq accused a senior U.N. Sunday of distorting facts in a report to which he said inspectors were not they wanted to check last month. , Iraq's liaison officer with the U.N. OM) inspectors, said the report by Charles Duelfer sought to pin the blame attempted November 25 inspection which f. 12 inspectors showed up for a surprise ng to one of the foreign organisations ed by Duelfer as being controlled by s who have bases in Iraq. Duelfer said tional Monitoring Directorate told

opter flew too close to a U.N. helicopter, eady been given a detailed explanation of nsidered the matter closed. also referred to the discovery of a "Class and some filter presses" that could have ilitary use. inet was out of order and had been corehouse which UNSCOM had already et one filter had been found and said it nking water. narged with overseeing the scrapping of chemical weapons and long range missile working in Iraq for seven years but say withheld information from them. bulding their operations after briefly at the height of a standoff between Iraq s. Diplomats say UNSCOM will test promise of renewed cooperation. or a comprehensive review of its compliance requirements, hoping this will lead to an ons imposed for its 1990 invasion of

... Minister Tareq Aziz left Baghdad on Saturday for Moscow where he is due to hold talks on ways of lifting the sanctions.

أسوشيتد پرس
 ۱۹۹۸ دسامبر

رويتر - دسامبر ۱۹۹۸

به زبان حقوقی، و از نظر موقعیت حقوقی، یعنی این که دولت عراق کلیه قرارگاهها و مراکز مجاهدین در این کشور را در عداد سفارتخانه‌های خارجی به‌مثابه خاک همان کشور تلقی می‌کرد و به رسمیت شناخته بود. چون مطابق کنوانسیون وین سفارت‌های خارجی در خاک هر کشوری از بابت عدم دخالت، بخشی یا مثل خاک آن کشور تلقی می‌شود. در نتیجه دولت عراق به رسمیت شناخته بود که قرارگاههای مجاهدین هم تا وقتی مجاهدین در عراق هستند، به لحاظ حقوقی، در ردیف سفارتخانه‌های خارجی، و در حکم خاک خود آنها و مصون از هرگونه دخالتی باشد. وقتی می‌گوییم که علاوه بر حقوق پناهندگی، مجاهدین به لحاظ حقوقی یک گروه مقاومت مشروع و در یک کلام یک دولت در تبعید تلقی می‌شدند، هیچ مبالغه‌یی در آن نیست. درجه استقلال مجاهدین و مقاومت ایران را از اینجا می‌شود خوب فهمید و اسناد آن هم منتشر شده و موجود است.

شاید به همین خاطر بود که واشینگتن پست در ۱۹ آذر ۱۳۸۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۰۳) یعنی درست در فردای روزی که آن حکم ننگین شورای حکومتی عراق درباره اخراج سه هفته‌یی مجاهدین توسط عبدالعزیز حکیم صادر شد نوشت: «در یک اقدام تعجب‌برانگیز که ممکن است تعادل قوای منطقه را به هم بزند، شورای حاکم عراق دیروز رأی داد که گروه پیشتاز مخالف ایرانی را اخراج کرده و اموالش را ضبط نماید. این حکم خواهان اخراج ۳۸۰۰ نفر از اعضای این گروه تا آخر همین ماه، (دسامبر ۲۰۰۳) است ... این تصمیم علیه مجاهدین خلق یک دستاورد قابل ملاحظه سیاسی و امنیتی برای (رژیم) ایران است ...»

احمد چلبی، عضو شورای حکومتی که پیوندهای نزدیکی هم با آمریکا و هم با ایران دارد، حکم شورای حکومتی را معرفی کرد. او که یک مسلمان شیعه است، بنا به گفته یک منبع عراقی، اخیراً به ایران سفر کرده است. اغلب ۲۴ عضو شورای حکومتی عراق در ماههای اخیر به ایران سفر کرده‌اند...»

معنایش خیلی واضح است و همچنان که در قسمتهای قبلی بحث دیدیم، سردمداران رژیم خودشان بی‌تعارف و بی‌پرده روی این رابطه و این نزدیکی و این پیوندها بارها و بارها انگشت گذاشتند.

Iraq Council Votes to Throw Out Iranian Opposition Group

By Robin Wright and Rajiv Chandrasekaran
Washington Post Staff Writers
Wednesday, December 10, 2003; Page A 20

Iraq's Governing Council voted yesterday to expel the leading Iranian opposition group and confiscate its assets, a surprise move that could alter the regional balance of power. The resolution calls for the eviction of the group's 3,800 members by the end of the month.

The move came as the American governor of Iraq, L. Paul Bremer, headed to Washington for talks at the White House about several unresolved and thorny issues in the U.S. exit strategy, particularly the transfer of power to a provisional Iraqi government to be concluded by July 1.

The Iraqi council's unanimous decision against the People's Mujaheddin, or MEK, is a significant political and security gain for Iran and could marginalize the group or even eliminate it as an effective opposition movement. The MEK, which was supported by former president Saddam Hussein, has launched hundreds of attacks against Iran over the past two decades.

The move also marks a turning point for U.S. policy. The future of the Iranian opposition group has been heatedly debated within the Bush administration.

The MEK, which mixes Marxism and Islam, has been on the U.S. list of terrorist organizations since 1999, but some administration hawks had argued that the group could form the basis for an effort to pressure or change the regime in Tehran.

The administration has been under mounting pressure for months from European and other allies to crack down on the MEK and treat it like a terrorist group, according to U.S. officials and European diplomats. The MEK, born in the 1960s to limit Western influence in Iran and now tied to anti-American attacks, is surrounded by U.S. troops, but it has continued anti-government broadcasts into Iran and other activities.

Washington is prepared to allow the Iraqis to act against the MEK, U.S. officials said yesterday.

The timing is interesting. The Iraqi council's decision comes as Jordan's King Abdullah has been quietly trying to mediate the hand-over of about 70 al Qaeda operatives held by Iran -- in exchange for action by the United States on the MEK.

The move may also be linked to the Iraqi council's efforts to improve relations with Iran, another predominantly Shiite Muslim country that shares Iraq's longest border.

both the United States and Iran, according to Iraqi sources. Most months.

ny of its members are Shiites, the uprising in southern Iraq after Iraqis were killed.

MEK of its only direct access to Iran's borders.

Iraqi council's resolution calls for its members' engaging in any of all MEK funds and weapons, Hussein's regime.

's up to them,' said Entifadh press. «They can seek refuge in

ates, however, will not turn the sponsors of terrorism.

S. invasion. More than a dozen ties.

es Taylor in Liberia. These are y that holds them to account for out. . . . At the moment they're State Department official said

Iraqis denied that they were pressured by the United States to act. «The council based its decision on the black history of this terrorist organization and the crimes committed against our people and our neighbor,» the council said in a statement yesterday.

Chandrasekaran reported from Baghdad.

واشینگتن پست در ۱۹ آذر ۱۳۸۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۰۳)

اسناد سلاحهای غنیمتی ارتش آزادیبخش

درمورد سلاحهایی هم که ارتش آزادیبخش ملی ایران در بیش از ۱۰۰ رشته عملیات بزرگ و کوچک از رژیم آخوندی به غنیمت گرفت، آنها را در همان زمان مورد به مورد آمار می‌دادیم. مثلاً در عملیات فتح مهران در ۳۰ خرداد ۱۳۶۷، ارتش آزادیبخش ملی ایران، لشکر ۱۶ زرهی تحت امر خمینی و همین‌طور لشکر ۱۱ ضدامیرالمومنین مربوط به سپاه پاسداران را تارومار کرد. خسارت رژیم همان موقع اعلام شد که بیشتر از ۲ میلیارد دلار بود. غنائمی را که توانستیم به پشت جبهه منتقل کنیم ۱۸۱ دستگاه تانک، توپ و زره‌پوش، ۲۴۲ خودرو، ۱۲۳ قبضه خمپاره‌انداز، ۴۱۲ دستگاه موشک‌انداز و انواع و اقسام موشکها از سام ۷ تا مالیوتکا، مینی کاتیوشا و کاتیوشا و دریایی از تسلیحات و تجهیزات که حدود ۵۰ خبرنگار خارجی هم آنها را به چشم دیدند و عکس و فیلم گرفتند.



تصویرهایی از غنائم ارتش آزادیبخش در عملیات چلچراغ



In t
offer
capti
launc
817 AK
assaul
booty
C
(t



DESERT SCORPIONS

These British-made Scorpion reconnaissance tanks formed the 16th armored division's second line of defense. All 14 were seized in battle, and many more destroyed (left). Soviet-made mobile multiple rocket launchers (*katyusha*) will add a significant kick to NLA artillery barrages (right).



66

68

NLA QUARTERLY, AUTUMN 1988

تصویرهایی از غنائم ارتش آزادیبخش در عملیات چلچراغ



Disarming Khomeini

NLA displays \$2 billion in war booty

The compact alongside is reminiscent of an. But the surroundings are in a strip, the National some of its war booty. Across a dusty orderly rows of weapons, guns of ers, fuel storage and jeeps, and Iranian license plates a large 3,000 square electronic equipment as the US TOW anti-

According to Capt. in charge of the seized only during liberated the western. They had precise turned Mehran in asserts. Nevertheless surrounding height smile appeared on three whole days, transferring the booty a thing, because of all this weaponry.

The quality of Mannan explains damaged weapons on exhibit, were 4 NLA combatants, items were transferred. All the weapons Khomeini regime's indicate that most

60



CHIEFLY CHIEFTAIN

Of the 54 tanks captured, 32 were British-made Chieftain main battle tanks, the best in Khomeini's arsenal (top). Twenty-five jeep-mounted 106mm recoilless rifles provide a potent anti-tank combat capacity (left).

NLA-QUARTERLY, AUTUMN 1988

61

تصویرهایی از غنائم ارتش آزادیبخش در عملیات چلچراغ

اعتراف خمینی

این هم نامه خمینی به خط خودش که در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۶۷ یعنی ۴ هفته بعد از فتح مهران توسط ارتش آزادیبخش ملی ایران است. یادتان هست که خمینی وقتی به قول خودش جام زهر آتش بس، آتش بس تحمیلی را سر کشید، گفت دلیلش را بعداً خواهد گفت. اما مرد و دلیلش را خودش نگفت و گذاشت تا دیگر سردمداران رژیم مثل ولایتی، مثل سران سپاه و بقیه‌شان بگویند که چیزی نبود جز ترس از پیشرویهای بعدی ارتش آزادیبخش.

حالا به چند سطر از نامه‌یی که به خط و امضای خود خمینی است، توجه کنید. خمینی می‌نویسد: «مسئولان جنگ می‌گویند تنها سلاحهایی که در شکستهای اخیر از دست داده‌ایم به اندازه تمام بودجه‌یی است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود».

شماره ۶۷

بسم الرحمن الرحیم

تا بر وجهی که سده ها میگذرد... این خداوند عزیز است... در این زمانه که...

باید خداوند است... حال که ستمی نظامی... اسمم این... همه سده های...

تاسران و بی باسی... بر لبه های... در این زمانه که...

بسم الله الرحمن الرحیم... در این زمانه که...

اعتراف خمینی، ۲۵ تیر ۱۳۶۷: «مسئولان جنگ می گویند تنها سلاحهایی که در شکستهای اخیر از دست داده ایم به اندازه تمام بودجه بی است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته ایم».

گزارش وزارت خارجه آمریکا

گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۷ در مورد تسلیحات مجاهدین از بابت سلاحهای سنگین، نوشته است: مجاهدین خلق بیش از ۲۰۰۰ تانک و نفربر زرهی و توپخانه سنگین داشتند که طبق موافقتنامه با نیروهای آمریکایی، آنها را تحویل دادند و به عنوان افراد حفاظت شده طبق ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو شناخته شده‌اند.

Country Reports on Terrorism

Released by the Office of the Coordinator for Counterterrorism

April 30, 2007

Mujahedin-e Khalq Organization (MEK)

a.k.a. MKO; Mujahedin-e Khalq; Muslim Iranian Students' Society; National Council of Resistance; National Council of Resistance (NCR); Organization of the People's Holy Warriors of Iran; The National Liberation Army of Iran (NLA); The People's Mujahedin Organization of Iran (PMOI); National Council of Resistance of Iran (NCRI); Sazeman-e Mujahedin-e Khalq-e Iran

.....

Strength

Estimates place MEK's worldwide membership in the several thousands, with large pockets in Paris and other major European capitals. **In Iraq, roughly 35,000 MEK members are gathered under Coalition supervision at Camp Ashraf, the MEK's main compound north of Baghdad, where they have been designated as "protected persons" under Article 33 of the Fourth Geneva Convention.** This status does not affect the group's members outside of Camp Ashraf or the MEK's designation as a Foreign Terrorist Organization. As a condition of the 2003 cease-fire agreement, **the MEK relinquished more than 3,000 tanks; armored personnel carriers; and heavy artillery**

بزرگترین لشکر سوار زرهی جهان

چهارسال و نیم بعد از گردآوری همین سلاحها بود که یک افسر آمریکایی که خودش شاهد بوده گفت به لحاظ انواع مهمات و تسلیحات و تعداد زرهی در یک لشکر؛ مجاهدین خلق در واقع بزرگترین لشکر سوار زرهی را در جهان ترتیب دادند.
(سایت ایست برانسویک سنتینل - ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷)

Spotswood welcomes alumni back from war
Vets tell students about experiences serving in Iraq
BY JESSICA SMITH Staff Writer
East Brunswick Sentinel, USA



..."They actually had the world's largest CAV [cavalry] division."
"Remarkably, the cavalry unit of the PMOI is composed of all women, and women ran the regime as a whole."...

بیانیه رسمی سنتکام

بیانیه رسمی سنتکام (فرماندهی مرکزی ایالات متحده) در ۱۷ مه ۲۰۰۳ می گوید:
حل و فصل داوطلبانه و مسالمت آمیز پروسه گردآوری ۲۱۳۹ تانک و نفربر زرهی و قبضه های توپ و توپخانه و سلاحهای پدافندی بین مجاهدین خلق و نیروهای ائتلاف، سهم مهم و به سزایی در مأموریت ائتلاف برای ایجاد یک محیط امن و امان برای مردم عراق داشته است.



NEWS RELEASE

HEADQUARTERS UNITED STATES CENTRAL COMMAND

7115 South Boundary Boulevard

MacDill AFB, Fla.

33621-5101 Phone: (813) 827-5894; FAX: (813) 827-2211; DSN 651-5894

May 17, 2003

Release Number: 03-05-57

FOR IMMEDIATE RELEASE

Update on the Consolidation of the Mujahedin-E Khalq (MEK):

Coalition forces have consolidated 2,139 tanks, armored personnel carriers, artillery pieces, air defense artillery pieces and miscellaneous vehicles formerly in the possession of the Mujahedin-E Khalq (MEK) forces. The 4th Infantry Division also reports they have destroyed most of the MEK munitions and caches. The voluntary, peaceful resolution of the process by the MEK and the Coalition significantly contributes to the Coalition's mission to establish a safe and secure environment for the people of Iraq.

بيانية ١٧ مه ٢٠٠٣ سننكام

اسناد خرید خودروها

نمونه دیگر، خرید خودروها و ماشینهای مجاهدین است که وزارت بازرگانی هم گواهی کرده است. قابل توجه دولت عراق که نمی‌تواند براساس کنوانسیونهای لاهه به‌خصوص ماده ۵۲ و ۵۳ از اموال و داراییهای مجاهدین سلب مالکیت بکند والا اسم آن سرقت است و شکایت بین‌المللی به‌دنبال خواهد داشت.

این سند رسمی جمهوری عراق، وزارت بازرگانی است که، گواهی می‌کند سازمان مجاهدین خلق ایران یک فقره ۳۵۰۰ خودرو از انواع مختلف از خارج عراق وارد کرده است. یعنی از کشورهای مختلف: ژاپن، کره جنوبی، کشورهای اروپایی،... با هزینه خودش وارد کرده که مورد به مورد اسنادش هست.

حتماً یادتان هست که سال ۸۷ تعدادی از آنها و نه همه‌اش را نشریه مجاهد شماره ۹۱۵ در ۵ تیر ۸۷ منتشر کرد و اسناد را کلیشه کرد که یکی از آنها سند ۳۵۰۰ خودرو بود. سند دیگر ۲ میلیون دلار خرید آیفاز دولت عراق است، بعدی باز یک میلیون و صد هزار دلار خرید آیفاز دولت عراق هست، ۵۰۴۷۳۳ دلار خرید «واز» از دولت عراق هست، یک میلیون و ۱۹۰ هزار دلار خرید ۱۰ دستگاه اتوبوس در سال ۱۳۸۰ و بسیاری اسناد دیگر؛ از اسناد خرید سلاح، خرید مهمات، پرداخت ۸ میلیون دلار مابه‌ازای دینار (۴ میلیون دینار به‌نرخ رسمی دولتی در آن زمان برای این که نرخ بازار آزاد نصف این بوده) تا اسناد بیش از ۵ میلیون دلار پول تلفن به‌شکرت کل ارتباطات و پست عراق در طول این سالها، تا اجاره خانه‌ها و تا پوشاک مجاهدین که از کجا خریداری می‌شده، مثلاً از کره جنوبی یا کشورهای اروپایی، تا لامپ رادیوشان، تا پولی که برای رله برنامه نیم‌ساعته یا یک ساعته تلویزیونی به‌وزارت تبلیغات عراق در آن زمان می‌داده‌اند. خوب آقای مالکی شما هم می‌توانید از زمانی که در پایگاه غیور و قرارگاه رمضان تشریف داشتید، اسناد خودتان را ارائه کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق

وزارة التجارة

القسم / المصاحبات

العدد / ص ٢٧٨٨٧

التاريخ / ١٤٤٤هـ

٢٠٠٢ / ١٢ / ١٣ م

الى / من يهيمه الامر

الموضوع / شهادة

نصدر هذه الشهادة لمنظمة مجاهدي خلق الايرانية والتي تؤيد فيها أنها استوردت (٣٥٠٠) عجلة مختلفة الأنواع من خارج العراق وعلى نفقتها الخاصة .

مع التقدير .

٤ / وزير التجارة

٢٠٠٢ / ١٢ / ١٣

جمهورية عراق

وزارة بازرگانی

٢٠٠٢-١٢-١٣

موضوع: گواهی

این گواهی برای سازمان مجاهدين خلق ايران صادر شده است و تاييد می کند که سازمان ٣٥٠٠ خودرو از انواع مختلف از خارج عراق با هزینه خودش وارد کرده است.

با تشکر

از سوی وزیر بازرگانی

نامه وزارت بازرگانی عراق در مورد وارد کردن ٣٥٠٠ خودرو خریداری شده از خارج به عراق، توسط مجاهدين

Hauptstadt **Bank Leu**

Date: 26.11.88
 Amount/Debit: ANIS/ROU/FDM
 Wiretrans: 01/219 23 57
 Wire Number:

Mr.
 Nader Rafidein
 79, rue du Bas Val Mary
 F-95430 Marol

Dear Sir,

We herewith confirm the order of Mr. Abdul H. Lulachin of November 26, 1988, to transfer with value date of December 5, 1988 US\$ 2,500,000.-- to

Rafidein Bank
 Palestine Street Branch
 Baghdad
 for acc. No. 4112
 in favour of Mr. Mohamed Amin

We will therefore debit your US\$-account No. 9020-40473-3 with us.

Yours sincerely,
 BANK LEU LTD.
 H. K. BUCHER

آقای عزیز
 بدینوسیله تأیید می‌شود که با سفارش آقای ... در تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۸۸ مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ دلار با تاریخ اعتبار ۵ دسامبر ۱۹۸۸ به حساب زیر منتقل شده است:

بانک رافدین
 شعبه خیابان فلسطین
 بغداد

واریزی مبلغ
 ۲ میلیون دلار از
 سوی مجاهدین به
 حساب دولت عراق
 بابت خرید
 خودروهای آیفنا

واریزی مبلغ ۵۰۴ هزار
 و ۷۳۳ دلار از سوی
 مجاهدین به حساب
 دولت عراق بابت خرید
 ۱۰۰ دستگاه خودرو
 واز

ORDER

Name: _____
 Account number: 60 P _____
 I/We beg _____

UNION BANK OF SWITZERLAND, GENEVA

Account No 3102
 Rafidein Bank
 Branch of Karadet Marlon
 Baghdad
 Iraq

Am. 504.733 \$

Geneva, 9.02.1988 Signature: _____
 Address: _____

Service: FGCA/432/PAS	Tel: 6753	Wire: _____
-----------------------	-----------	-------------

واریزی مبلغ
یک میلیون و
۱۰۰ هزار دلار از
سوی مجاهدین
به حساب دولت
عراق بابت خرید
خودروهای آیفَا

Bank Leu 

Summe 26.11.88
MBS/BSN/PIN
01/219 23 57

Mr.
NADER RAFFEJED
79, rue du Bat Sai Mary
F-95430 Merisyl

Dear Sir,

We herewith confirm, that by debiting your US\$-account No. 900-40473-3 with us, we transferred on the 9th November 1988 US\$ 1.100.000,- to

Rafidin Bank
Palestine Street Branch
Baghdad
in favour of Mr. Mohammed Amin
acc. No. 4112

Yours sincerely,

Bank Leu Ltd.
L-1115 S. WOLFF

آقای عزیز
بدین وسیله تأیید می شود که با بدهکار کردن حساب شما به شماره...
در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۸۸ مبلغ ۱,۱۰۰,۰۰۰ دلار به حساب زیر منتقل

نک رافدین
ن فلسطین
بغداد

88.12.06 21.06
Meldung nach § 29 der Außenwirtschaftsverordnung
Blatt 2 einzureichen

COMMERZBANK
AG
Kreuzburger Str. 28
2000 Hamburg 70

Bank für den Empfänger
RAFIDAIN BANK
PALESTINE STREET BRANCH
BAGHDAD - IRAQ

Bank für den Begünstigten
RAFIDAIN BANK
PALESTINE STREET BRANCH
BAGHDAD - IRAQ

Bank für den Zahlenden
COMMERZBANK
AG
Kreuzburger Str. 28
2000 Hamburg 70

U S D 89.375,00 US Dollar

Bezeichnung des Darlehens
kurzfristige Darlehen zurückzahlung

Bezeichnung des Darlehensnehmers
Mr. MOHAMMED AMIN
BAGHDAD - IRAQ

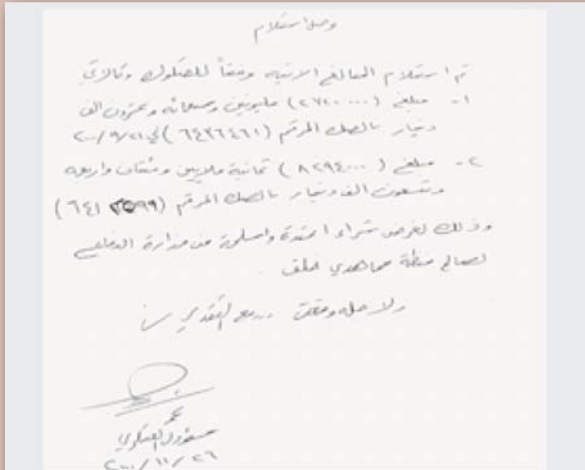
Bezeichnung des Darlehensgebers
COMMERZBANK AG
Kreuzburger Str. 28
2000 Hamburg 70

Bezeichnung des Darlehenszwecks
Darlehen zurückzahlung "kurzfristig"

5.12.88

واریزی ۸۹ هزار
و ۳۷۵ دلار
به حساب دولت
عراق بابت
خرید خودرو
آیفَا

رسید پرداخت
 ۱۱،۰۱۴،۰۰۰ دینار از
 سوی سازمان مجاهدین
 خلق ایران به وزارت
 دفاع عراق بابت خرید
 سلاح و مهمات



مبالغ زیر براساس چکهای آن به این شرح دریافت شد:
 ۱- مبلغ ۲,۷۲۰,۰۰۰ (دو میلیون و هفتصد و بیست هزار دینار به موجب چک شماره ۶۴۳۶۴۴۶۱ در تاریخ ۲۰۰۰/۹/۲۱)
 ۲- مبلغ ۸,۲۹۴,۰۰۰ (هشت میلیون و دو صد و نود و چهار هزار دینار به موجب چک شماره ۴۲۱۲۵۹۹)

از وزارت دفاع برای سازمان مجاهدین خلق
 موارد فوق را با امضا تأیید می کنم
 با احترام - عمر - مسئول امور نظامی
 ۲۰۰۰/۱۱/۲۶

رسید پرداخت
 ۲۲۳ میلیون دینار
 از سوی سازمان
 مجاهدین خلق ایران
 به ارتش عراق
 بابت نصب خمپاره
 انداز ۱۲۰ میلیمتری
 بر روی خودروهای
 زرهی M۱۱۳ ارتش
 آزادبخش که در
 عملیات فتح مهرا
 به غنیمت گرفته
 شده بود



به سازمان مجاهدین خلق ایران
 موضوع: مسلح کردن خودروها
 عطف به قرارداد های منعقدہ با سازمان فوق الذکر مجهز کردن (۲۰) فروند خودرو زرهی مدل M۱۱۳ به خمپاره انداز الجلیل (۱۲۰ میلیمتری) به قیمت (۱۰۰) میلیون دینار انجام شد و به اضافه (۲۴) خودروی قبلی به مبلغ ۱۲۰ میلیون (یک صد و بیست میلیون دینار) وهم چنین نمونه اولیه به مبلغ سه میلیون دینار تحویل داده شد. با این ترتیب مجموع مبلغ دریافتی از سازمان به (۲۲۳) دو صد و بیست و سه میلیون دینار بالغ گردید.

با تشکر
 سر تیپ مهندس
 شاکر محمود صالح
 مدیر مرکز پژوهشهای توپخانه
 ۲۰۰۱/۹/۲۲

رسید پرداخت
 ۲۸۶،۵۰۰،۰۰۰ دینار از
 سوی سازمان مجاهدین
 خلق ایران به صنایع
 نظامی دولت عراق
 بابت خرجهای پرتابی
 ۶۰۰۰ گلوله تانکهای
 چیفتن که مجاهدین در
 عملیات فتح مهران به
 غنیمت گرفته بودند

إلى / منظمة مجاهدي خلق الإيرانية
 الموضوع / تصنيع حشوات

إشارة إلى العقد المبرم مع المنظمة أعلاه تم تصنيع (٦٠٠٠) حشوة
 دافعة لمدائف ١٢٠ ملم لدبابات جفمن وسلمت إلى المنظمة
 وبكلفة (٢٨٦٥٠٠٠٠٠) مائتان وستة وثمانون مليون
 وخمسمائة ألف دينار وحسب الايصالات الخاصة بها .

مع التقدير
 مدير المصنع

به: سازمان مجاهدین خلق ایران
 موضوع: ساختن خرجهای پرتابی

براساس قرارداد بسته شده با سازمان، تعداد ۶۰۰۰ خرج پرتابی برای گلوله‌های
 ۱۲۰ میلی تانک چیفتن ساخته و به سازمان تحویل داده شد. مطابق صورتحساب
 دریافتی ویژه خرجهای پرتابی، هزینه آن به مبلغ ۲۸۶،۵۰۰،۰۰۰ (دویست و هشتاد
 و شش میلیون و پانصد هزار) دینار دریافت شده است.

با احترام
 (م) سازمان نظامی مجاهدین خلق ایران

وصل شديد المبلغ

تم استلام مبلغ * ثلاثة ملايين ومائتين وسبع وعشرون الف و
 مائة واربعمائة دينار و تسعمائة فلس (٢,٤٧٧,١٦٧,٩٠) و مبلغ
 * ثلاثة وثمانين الف و تسعمائة وخمسة ورسعين رولاً * (٨٣,٩٧٥)
 ازاء شراء خمس وثمانين مائة من الاسلحة والامتحة والعتاد العربية
 التي اشتراها جيش القوي الوطن الايوني من جيش العراق .

قبض رسید پول

مبلغ سه میلیون ودویست و هفتاد و هفت هزار و یکصد و شصت و هفت دینار و نهصد فلس
 (٣,٢٧٧,١٦٧) و مبلغ هشتاد و سه هزار نهصد و هفتاد و پنج دلار (٨٣,٩٧٥) بابت خرید هشتاد
 و پنج قطعه سلاح و مهمات و تجهيزات نظامی خریداری شده ارتش آزادی بخش ملی ایران از
 ارتش عراق دریافت شد.

رسید پرداخت ۳
 میلیون و ۲۷۷ هزار
 و ۱۶۷ دینار و
 پرداخت ۸۳،۹۷۵
 دلار از سوی ارتش
 آزادیبخش ملی ایران
 به ارتش عراق بابت
 خرید ۸۵ قطعه سلاح
 و مهمات و تجهیزات
 نظامی

Ordre de paiement / Zahlungsauftrag / Ordine di pagamento / Payment order

Société de Banque Suisse
Schweizerischer Bankverein
Società di Banca Svizzera
Tratte des paiements / Zahlungsverfahr / Tratte dei pagamenti

Genève

Veuillez bonifier par le débit de mon/notre compte: Bitte vergüten Sie zu Lasten meines/unsereis Kontos: Vogliate bonificare a debito del mio/nostro conto: Please transfer to the debit of my/our account:

48'987 - A. F.

Compte No / Konto / Account: C0-48'987.0 Monnaie / Währung / Moneta / Currency: US\$

Monnaie / Währung / Moneta / Currency	Montant / Betrag / Importo	Bénéficiaire / Begünstigter / Beneficiario (avec adresse exacte) / (mit genauer Adresse) / (con indirizzo esatto) / (with exact address)	Banque du bénéficiaire / Bank des Begünstigten / Banca del beneficiario / Beneficiary's bank	Compte / Konto / Account No	Motif de paiement / Zahlungsgrund / Motivo del pagamento / Details of payment
US\$	*3'000'000.--	a/c 57 24 00 Dr. Abdul SATTAR Mr. Ali Al-Abdulah	Crédit Suisse GENEVE		Mr. B. Tehrani

Annexes/Detags/Klagen/Enclosures

Genève, le 3.4.87

26 200 N 3/2

Timbre et signature / Stempel und Unterschrift / Timbro e firma / Stamp and signature

Secrétariat II

Ordre de paiement / Zahlungsauftrag / Ordine di pagamento

Au **Crédit Suisse**
Case postale
1211 Genève 11

Veuillez effectuer le paiement suivant par le débit de notre compte:
Wir ersuchen Sie, zulasten unseres Kontos folgende Vergütung auszuführen:
Vogliate eseguire, a debito del nostro conto, il versamento seguente:

Communications / Mitteilungen / Comunicazioni

Monnaie / Betrag / Importo: US\$ 5'000'000.--

Valeur 07.04.87

Frais à la charge du donneur d'ordre / Spesen zulasten des Auftraggebers / Spese a carico del committente

Frais à la charge du bénéficiaire / Spesen zulasten des Begünstigten / Spese a carico del beneficiario

Signature / Unterschrift / Firma

Compte pour le donneur d'ordre / Kopie für den Auftraggeber / Copia per il committente

Donneur d'ordre / Auftraggeber / Committente

Compte / Konto / Conto No: 516'313-72-1

Mr. Modjtaba PIRHASHEMI

Bénéficiaire / Begünstigter / Beneficiario

Dr. Abdul Sattar and/or
Mr. Ali Al-Abdulah
A/c no. 14884-029 - N884

Compte auprès de / Konto bei / Conto presso
Lombard Odier Bank & Cie
Geneva

Geneva 03.04.87

Lieu, date / Ort, Datum / Luogo, data

پرداخت ۸ میلیون دلار مابه‌ازای دریافت ۴ میلیون دینار از دولت عراق
(بانرخ رسمی دولتی - دوبرابر بازار آزاد)

اسناد پرداخت هزینه آب و برق اشرف

در همین سال ۲۰۰۹، ماه به ماه ماهیانه بیش از ۲۰۰ هزار دلار برای برق اشرف از ما می‌گیرند که این البته تمام برق اشرف نیست، چون ژنراتورهای جداگانه خودش را دارد و تأسیسات برقی خودش را که خواهم گفت.

در همین سالها، یعنی از سال ۲۰۰۴ تا امروز، حدود ۱۵ میلیون دلار صرف تأسیسات آب و برق اشرف شده است. آمریکاییها هم حضور داشتند، اسنادش هم هست که تماماً و مطلقاً حاصل کار و زحمت مجاهدین و پول خودشان و هوادارانشان و هموطنانشان است. یکبار موفق الربیعی گفت ثروتمندانی هستند در میان ایرانیها که به اینها کمک می‌کنند. لابد خلقی که صد هزار جان فرزندان خودش را، خون فرزندان خودش را تقدیم می‌کند، دیگر پول فرع بر آن است، بسیار ناچیزتر از جان عزیزترین و رشیدترین فرزندان ایران است. بفرمایید این هم قبضه‌های برق و آب آمده است. بفرمایید این قبضه‌های آب و برق...

PROFORMA INVOICE

 MODERN IRAQ COMPANY FOR TRADING AGENCIES PO BOX 962395 AMMAN 11196 JORDAN 18 Abdul Rahman Alawi Street, Near Bristol Hotel. Tel: 00962 6 5938860/1/2/3/4/5/6/7/8 Fax:00962 6 5938860		Proforma Invoice no A007	
		Date: Feb 02 th, 2009	PAGE NO 1
Buyer : M/S Hamednik		COUNTRY OF ORIGIN: EUROPEAN COMMUNITY- UNITED KINGDOM	
PLACE OF DELIVERY: Ex our baghdad warehouse	A/C Name: Modern Iraq Co. For Trading Agencies A/C No.: 001 060982 02 01 Bank Name: The Housing Bank For Trade and Finance Branch: The Main Branch Swift: HBHOJOAXXXX		
Payment Terms: 25% down payment, 75% upon loading the genset on truck in our Erbil warehouse	Bank information: Iraq A/C Name: Modern Iraq Co. For Trading Agencies A/C No.: 3628 Bank Name: Iraqi Middle East Investment Bank Branch: Baghdad - Iraq Swift: IMEBIQBAAXXX		
	Quantity	Unit Price (USD)	Total
C1675 D5 Open	4	250,000.00 \$	1,000,000.00
DMC200-B	1	155,000.00 \$	155,000.00
	Total Amount		1,155,000.00


Payment terms:

Modern Iraq
for Trading Agencies authorized signatory



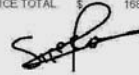
سند خرید شژنراتور - ۲ فوریه ۲۰۰۹
۱۵۵ هزار دلار

PROFORMA INVOICE

 MODERN IRAQ COMPANY FOR TRADING AGENCIES PO BOX 962395 AMMAN 11196 JORDAN 18 Abdul Rahman Alawi Street, Near Bristol Hotel Tel: 00962 6 5938960/123145/6778 Fax:00962 6 5938860		Proforma Invoice no A020		
		Date: July 7th, 2008	PAGE NO: 1	
Buyer : M/S Hamd Nik		COUNTRY OF ORIGIN: EUROPEAN COMMUNITY- UNITED KINGDOM		
PLACE OF DELIVERY: Ex our Erbil warehouse: down payment, 50% upon loading the gensets on truck in our Erbil warehouse	Bank Information: Jordan Jordan Investment and Finance Bank, Main Branch, Swift Code: JIFBJOAM , Beneficiary: Modern Iraq Company for Trading Agencies, Account Number: 14151300 , Account Name: Modern Iraq Co. For Trading Agencies			
		Quantity	Unit Price (USD)	Total
Cummins Power Generator C150 D6 Open Cummins Power Generator DFHD Open		1	20,000.00 \$	20,000.00
		1	\$146,000.00	\$ 146,000.00
		PROFORMA INVOICE TOTAL		\$ 168,000.00

Modern Iraq
for Trading Agencies

Authorized signatory



سند خرید ژنراتور - ژوئيه ۲۰۰۸
۱۶۸ هزار دلار

Modern Iraqi Company For Trading agencies
Hay Al-Wahda,
No 2, St. 38, Dis. 904
Elwiah, Baghdad, Iraq
Tel: +964 1 719 0020
Fax: +964 1 719 0025
E-mail cummins@al-bunnia.com
www.cummins.al-bunnia.com



INVOICE

Customer

Name: Mr. Sami Nassori
Address:
City: Erbil
Phone:
Mobile:

Invoice #: MICTA 12-06-E016
Invoice date: December 20-2006

Item	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	Cummins Generator Model C1675D5S	2	\$223,000.00	\$446,000.00
	Serial Numbers			
	SSN:G06K839330			
	SSN:G06K839340			
	Less advance payment			-\$70,000.00

Payment COD

Sub Total	\$376,000.00
Total Due	\$376,000.00

Warranty: One year from this invoice date as per standard manufacturer warranty.

Signature:

سید سامی ناصر
مدير عام
شركة البنية التجارية العراقية

سند خرید دو عدد ژنراتور - ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶

۳۷۶ هزار دلار

Modern Iraq Co. For Trading Agencies



Date : 17/10/2006

Cummins

Invoice

Invoice-No : 1
 Invoice-Date : 17/10/2006

Customer-Name : Mazen Sami Nasoh

Address : Baghdad / al - masbah

Phone-No : 07902592912

Item	Serial No.	Engine-No	Description	Qty	Unit-Price \$	Total-Price \$
1	F06K819300	33163449	Generator	1	229000.00	229000.000
Parts Cost \$						229000.000
0.0 % Discount Amount \$						6.00
Total Invoice \$						229000.000

Sales Manager

ع.م.خامل

٢٠٠٦/١٠/١٧

Accountant Signature

تؤيد استلام البضاعة الخاصة ببيع المبلغ
 بحسابنا بصرف دار المصارف

علاء عثمان عبد

٢٠٠٦/١٠/١٧

شركة العراق الحديث لتوكيلات التجارة المحدودة

Address : Baghdad- Agaba bn Nafi Sq
 E-mail : cummins@al-bunnai.com

العنوان : بغداد - ساحة عقدة بن نافع
 البريد الإلكتروني : cummins@al-bunnai.com
 ص : ٧١٩٠٠٢٠
 فاكس : ٧١٩٠٠٢٥



Page 1

سند خريد ژنراتور - ١٧ اکتبر ٢٠٠٦

٢٢٩ هزار دلار

Modern Iraqi Company For Trading agencies
Hay Al-Wahda,
No 2, St. 38, Dis. 904
Elwiah, Baghdad, Iraq
Tel: +964 1 719 0020
Fax: +964 1 719 0025
E-mail cummins@al-bunniya.com
www.cummins.al-bunniya.com



INVOICE

Customer Mr Rami Nassouri

Name: _____
Address: _____
City: Erbil

Phone: _____
Mobile: _____

Invoice #: MICTA 03-07-E027
Invoice date: March 15 2007

Item	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	Cummins Generator Model C1675 D50	1	\$223,000.00	\$223,000.00
	SSN:F06K822110			

Payment Cash On Delivery

Sub Total	\$223,000.00
Total Due	\$223,000.00

Warranty: One year from this invoice date as per standard manufacturer warranty.

Signature: _____

M.I.C.T.A.

سند خرید ژنراتور - ۱۵ مارس ۲۰۰۷
۲۲۳ هزار دلار

Modern Iraq Company For Trading agencies
Hay Al-Wahda,
No 2, St. 38, Dis. 904
Elwiah, Baghdad, Iraq
Tel: +964 1 719 0020
Fax: +964 1 719 0025
E-mail: cummins@al-bunna.com
www.cummins-al-bunna.com



INVOICE

Customer M/S Nashid company
Name: ATT: Mr. Hamed Nik
Address:
City:
Phone:
Mobile:
Invoice #: MICTA 09-4-E-A049
Invoice: APRIL 21 th 2009
Delivery to: Ex BIAP/ BAGHDAD
Referrenc

Item	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	Cummins Power Generators C1675 D6 Open	1		250,000
	LOGKAWG350 25339854		\$250,000.00	250,000
	Cummins Parts:			
	lub oil filter	1		
	lub oil bypass filter	1		
	fuel filter	1		
	air filter	1		

Payment Terms

100% Cash payment

Total Amount	250,000
	250,000
Total Balance	-

Bank Address :
Bank Information :
Name: Modern Iraq Co. For Trading Agencies
No. 001 050882 02 01
Bank Name: The Housing Bank For Trade and Finance
Branch: The Main Branch
Swift: HBHJOJAXXXXX

Signature:

Modern Iraq
for Trading Agencies

Warranty: One year from this invoice date as per standard manufacturer warranty.

سند خرید ژنراتور - ۲۱ آوریل ۲۰۰۹
۲۵۰ هزار دلار

030	Additional price 315kW motor	1 Pc	1.990,00	1.990,00
040	SGS inspection	1 Pc	1.500,00	1.500,00
	Sea freight charges	1 Pc	2.100,00	2.100,00

Two cases

Case 1 : s.t.c. pump type HG2-150500 with electric motor
Dimensions : 305*120*170 cm
Gross weight : 3130 kg
Net weight : 2835 kg

Case 2 : s.t.c. pump type HG2-125500 with electric motor
Dimensions : 305*120*170 cm
Gross weight : 2690 kg
Net weight : 2395 kg

H.S. code : 84137089

Origin: European Community / The Netherlands

Total 66.980,00

Prices are in EUR, and exclude all duties, levies and taxes.

Delivery : CIF Insurance and Freight Kuwait port

سند خرید پمپ آب ۶۶ هزار و ۹۸۰ دلار

Modern Iraq Company For Trading agencies
 Hay Al-Wahda,
 No 2, St. 38, Dia. 904
 Elwath, Baghdad, Iraq
 Tel: +964 1 719 0020
 Fax: +964 1 719 0025
 E-mail: cummins@al-burnia.com
 www.cummins.al-burnia.com



INVOICE

Customer M/S Nashid company

Name: _____ Invoice # MICTA 09-3-E-A026
 Address: _____ Invoice March 14th 2009
 City: _____ Delivery to: Ex Works MICTA Ertl Warehouses
 Phone: _____ Reference
 Mobile: _____

Item	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	Cummins Power Generators C190 D6 Open	2	\$19,750.00	39,500
	K0BKAWC060 2189690			
	K0BKAWC050 21896919			

Norit Nijhuis
 leading in purification

SHIPPING INVOICE NO. H2009080

Consignee:
 Mr. Abbas Ghasim Mohammed
 Diala Province - Iraq
 Khalis

Buyer and Notify address:
 NASHID TRADE
 Bagdad - Iraq
 Tel:00 964 77025 66796

Your ref : H/0212TYE
 Your contact person : Sharif
 Orderdate : 28-11-2008
 Customer code : 52640

Ordernumber : 283546
 Contact person : A. Betting
 Page : 1 of 2
 Date : 21-04-2009

Item	Partcode	Description	Qty	Price/Unit	Total
010	HG2-150500 E	Pump with electric motor	1 Pc	33.950,00	33.950,00
		Capacity: Q / H / P Eta			
		duty point: 400 m ³ /hr / 163 mlc / 237 kW / 74.9 %			

Norit Nijhuis
 leading in purification

Commercial INVOICE NO. H2009080

Buyer and notify:
 Mr. ABBAS GHASIM MOHAMMED
 Diala province - Iraq
 Khalis

Your ref : H/0212TYE
 Your contact person : Sharif
 Orderdate : 28-11-2008
 Customer code : 52640

Ordernumber : 283546
 Contact person : A. Betting
 Page : 1 of 2
 Date : 21-04-2009

Item	Partcode	Description	Qty	Price/Unit	Total
010	HG2-150500 E	Pump with electric motor	1 Pc	32.900,00	32.900,00
		Capacity: Q / H / P Eta			

اسناد خرید ژنراتور و پمپهای آب
 ۱۰۶ هزار و ۳۵۰ دلار

Modern Iraqi Company For Trading agencies
 Hay Al-Wahda,
 No 2, St. 38, Dis. 904
 Elwiah, Baghdad, Iraq
 Tel: +964 1 719 0020
 Fax: +964 1 719 0025
 E-mail cummins@al-bunnia.com
 www.cummins.al-bunnia.com



Spare Parts Invoice

Customer Name: Mr. Ahmed Ridha
 Address: _____
 City: _____
 Phone: _____
 Mobile: 07 702 614 087

Misc Invoice #: MICTA 12-08-001
 Invoice date: 28-12-08
 Customer Inquiry #: _____
 Customer Inq. date: _____

Item	Part No.	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	0541-0813	CONTROL KIT (GCM)	4	\$1,023.93	\$4,095.72
2	0541-0868-03	CONTROL KIT (NETWORK GATEWAY)	1	\$1,888.87	\$1,888.87
3	0334-1850	CABLE TW PR PVC-PCC (TEXT)	1	\$502.43	\$502.43
4	0998-0016-02	PCWII SOFTWARE KIT W/NETWORK	1	\$890.38	\$890.38
5	0541-0772	CONTROL KIT (DIM EXP)	1	\$368.88	\$368.88
6	0541-0867-04	CONTROL KIT (ETHERNET ROUTER)	1	\$5,011.53	\$5,011.53
7	0998-077-04	InPower Software with dongle	1	\$1,483.96	\$1,483.96
8	0193-0432	SENDER-TEMP (TEXT)	2	\$55.20	\$110.40
9	0193-0444	WATTMETER (0-125 %)	2	\$102.27	\$204.54
10	4094998	ALTERNATOR	1	\$707.53	\$707.53
11	0193-0465	SENDER-TEMP	2	\$75.42	\$150.84
12	363227300RX	MOTOR,STARTING	1	\$888.34	\$888.34
13	0302-2009-01	VOLTMETER-AC (0-300/0-600V)	1	\$116.01	\$116.01
14	0302-2010	METER-FREQUENCY	1	\$146.27	\$146.27
15	0302-2011	AMMETER (0-125%)	1	\$165.22	\$165.22
16	0302-2012	WATTMETER (0-125 %)	1	\$148.69	\$148.69
17	0308-1045	SWITCH (REPL KEY 308-1046) (TEXT)	1	\$47.96	\$47.96
18	0338-2933	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$41.08	\$41.08
19	0300-4306	REGULATOR-AUTO VOLT (24V)	1	\$508.65	\$508.65
20	0302-2058-03	TRANSFORMER-CURRENT	3	\$109.89	\$329.67
21	3096857	VALVE,SHUTOFF	1	\$111.68	\$111.68
22	0338-2931-02	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$50.00	\$50.00
23	0338-2931-01	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$48.47	\$48.47

Payment Cash

Sub Total	\$18,017.12
3% Discount	-\$541.12
DHL Charge	\$1,900.00
Total Due	\$19,376.00
50% Advance Paid	\$9,688.00
Total Due	\$9,688.00

نور اسلامية
 (964) 1 719 0020
 شركة العراق الحديثة للوكالات التجارية
 المولدات


Prepared by: For Koosay Ibrahim
 Signature: _____

شركة العراق الحديثة للوكالات التجارية
 المولدات

سند خرید تجهيزات برقی - 28 دسامبر 2008

19 هزار و 376 دلار

سند خرید
ترانسفورماتور
۲۵ مارس ۲۰۰۹
۱۸ هزار و ۸۰۰ دلار

OTDS Ltd		Invoice		
UNIT 11 SPITFIRE BUSINESS PARK HAWKER ROAD CROYDON CR0 4WD UK Tele: +442086811223 Fax: +442086699918				
INVOICE TO		SHIP TO		
Abbas Ghossein Mohammad		Abbas Ghossein Mohammad		
CUST VAT NO	P. O. NO.	TERMS	SHIP VIA	
	Q 938	40% DEPOSIT	CNF	
			FOB	
			REQ NO	
ITEM	DESCRIPTION	QTY	RATE	AMOUNT
1800 K.	TRANSFORMER OF OTDS CONSTRUCTION, IRON PLATES WITH ORIENTED GRAINS, PRIMARY COPPER WINDING, NATURALLY COOLED IN CORRUGATED RECTANGULAR TANKS, OIL FILLED SPECIFICATION: IEC QUANTITY 1 TYPE: OUTDOOR KVA: 1600 PRIMARY VOLTAGE: 33000 SECONDARY VOLTAGE: 480-480 VECTOR SYMBOLS: Dyn11 TAPPOUS: ± 2*2.5% NO-LOAD (IRON) LOSSES (W) 2300 LOAD (COPPER) LOSSES (W) 14500 IMPEDANCE VOLTAGE (%) 6.00 FREQUENCY: 50HZ STANDARD: IEC40074 AMBIENT TEMP: 55 DEGREES C DIMENSIONS, WEIGHT INFO OIL KG 450 TOTAL HGT 3000 HEIGHT MM 1800 LENGTH MM 1900 WIDTH MM 1140 Finings No 3 bushings in porcelain for H.V No 4 bushings in porcelain for L.V	1	18,000.00	18,000.00
WE HEREBY CONFIRM AND GUARANTEE THAT THIS INVOICE IS TRUE AND CORRECT AND THAT NO MATERIALS CHARGED HEREIN ARE OF ISRAELI ORIGIN NOR DO THEY HAVE ANY ISRAELI CONTENT.			SUB TOTAL	
			VAT Total (In £)	
			VAT TOTAL	
			Total (In £)	
			TOTAL	

Estimate for Electricity Network of ASHRAF Base					
Item	Subject	Length-meter	Cost per unit	Total Cost	Remarks
۱	۳lines/ Aluminium wires High Tension Line from KHALIS to ASHRAF	۲۹۰۰۰ by ۳	\$۵۰,۰۰	\$۱۴۷۰,۰۰۰	
۲	For high Tention in Khalis- Transformer ۱۲۲ to ۲۲ kva	۱ Unit	\$۱۰۰,۰۰۰,۰۰	\$۱۰۰,۰۰۰,۰۰	
۳	Street Lights Network of Ashraf and it's Surroundings Fence	۸۴۰۰	\$۵,۰۰	\$۴۲,۰۰۰,۰۰	
۴	The Low Voltage Power Network	۶۰۰	\$۵,۰۰	\$۳,۰۰۰,۰۰	
۵	۳۲kv to ۱۱ kv Central Ashraf Power Station Equipments	۲ Units	\$۲۷,۰۰۰,۰۰	\$۵۴,۰۰۰,۰۰	
۶	Transformers ranging from ۱۰۰ to ۱۰۰۰	۸۰ Units	\$۲۰,۰۰۰,۰۰	\$۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰	
Total Cost				\$۱,۹۷۰,۰۰۰	

برآورد هزینه شبکه برق اشرف به مبلغ ۱ میلیون و ۱۹۷ هزار دلار

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network

ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
20	Supply, Transport, Extend lie down, connect with all necessary accessories (elbows, tees, flanges reducers, transformers, valves, adaptors, washers, o-rings, bolts & nuts, unions) install putting sand under pipes, test. Buried with sand & soft soil, for asbestos pipes)				
20	diameter 12 inch	ML	399.00	11.0000	4389.000000
21	diameter 10 inch	ML	129.00	8.0000	1032.000000
22	diameter 8 inch	ML	14.00	6.0000	84.000000
	diameter 6 inch	ML	1280.00	2.0000	2560.000000
	diameter 4 inch	ML	11.000	35.0000	385.000000
	diameter 3 inch	ML	202.00	25.0000	5050.000000
	diameter 2 inch	ML	722.00	22.0000	15884.000000
	diameter 1.5 inch	ML	35.00	2.0000	70.000000
	diameter 1.25 inch		1.60	18.0000	28.800000
	diameter 1 inch		318.00	15.0000	4770.000000
	Subtotal				70376.420000
23	Supply, Transport, Extend lie down, connect with welding with all necessary accessories (elbows, tees, flanges reducers, transformers, valves, adaptors, unions) install putting sand under pipes, test. Buried with sand & soft soil, coated with bitumen, for seamless steel pipes)				
	diameter 12 inches	ML	2.000	9.0000	18.000000
6	water storage elevated tank with conc. Base and conc. Or steel tower.				
	Capacity 100 m ³	Nos	1	2000000	2000000000
7	storage tank with conc. Base				
	a- capacity 100 m ³	Nos	2	1500000	3000000000
	b- capacity 200 m ³	Nos	2	1300000	2600000000
	Subtotal				106376.420000
8	ground water storage tank made of R.C.				
	capacity 1000 m ³	No	1	12000000	12000000000
9	Package water supply unit				
	capacity 500 m ³ /h	No	1	3000000	3000000000
10	Irrigation water pump station with pumps pipes, check valves strainers, gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y, Δ starters. The pumps running power are				
	a- 40 Kw	No	1	2500000	2500000000
	b- 30 kw	No	1	2200000	2200000000
	c- 150 kw	Nos	1	1200000	1200000000
	d- stand by generator capacity 250 kwA	No	1	2500000	2500000000

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network

ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
Subtotal					۳۰۰۰۰۰۰۰
۱۱	Raw water pump station with pumps pipes, check valves strainers , gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y,Δ starters. The pumps running power are				
	a- ۱۰۰ kw, ۳۰۰ m ³ /hr	No	۱	۳۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
	b- ۱۳۰ kw, ۱۰۰ m ³ /hr	No	۱	۲۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰
	c- ۱۳۳ kw	Nos	۴	۲۰۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰۰
	d- ۱۸۰ kw	No	۱	۲۸۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰۰
	capacity a- ۳۰۰ kva	No	۱	۵۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰۰
	capacity b- ۱۰۰۰ kva	No	۱	۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
Subtotal					۳۳۲۰۰۰۰۰۰
۱۲	Irrigation water pump station with pumps pipes, check valves strainers , gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y,Δ starters. The pumps running power are				
	a- ۲۲۰ Kw ۵۰۰ m ³ /hr	No	۲	۳۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰۰
۱۳	Fresh water pump station with pumps pipes, check valves strainers , gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y,Δ starters. The pumps running power are				
	a- ۲۲۰ Kw ۵۰۰ m ³ /hr	No	۲	۳۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰۰۰
	b- stand by generator ۵۵۰ kva	No	۱	۵۵۰۰۰۰۰	۵۵۰۰۰۰۰۰
	b- stand by generator ۲۰ kva	No	۱	۳۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
	c- booster tank	No	۱	۳۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰
Subtotal					۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰
۱۴	Water supply project with pumps, pipes, check valves, gate valves , flanges, washers, gaskets, bolts and nuts, electrical boards, starters the project consists from.				
	a- low lift pumps running power ۳۰ kw	Nos	۴		
	b- High lift pumps running power ۴۰ kw	Nos	۳		
	c- Blower running power ۱۰ kw	Nos	۲		
	d- Over head crane	No	۱		
	e- Sediment pool ۷۰۰ m ³	Nos	۲		
	f- Ground storage tank ۱۲۰۰ m ³	No	۱		
	g- Alum sulphate dosing pump	Nos	۲		
	h- Alum sulphate mixer	Nos	۲		
	i- Chlorinator ۱۰۰۰ gr/hr	Nos	۲		
	j- Mud pump	Nos	۲		
	k- High pressure mud pumps	Nos	۲		
	l- Fuel storage tank ۱۰ m ³	No	۱		

(۱-۱)

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
m-	Stand by generator 100 kva	No	1		1,200,000,000
n-	Stand by generator board	No	1		
o-	Electrical board for all equipment	No	1		
p-	Pool scraper				
q-	Check valves				
r-	Gate valves				
s-	Motorized valves				
t-	Foot valves				
u-	All piping inside project				
v-	Chlorine cylinders				
w-	Headers				
x-	Gaskets				
y-	Bolts and nuts				
z-	All cables and wires and all con. Structures				
Grand Total					26,240,670,000





برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف
 ۲۶ میلیارد و ۲۴۰ میلیون و ۶۷۰ هزار دینار

Modern Iraq Company For Trading agencies
Hay Al-Wahda,
No 2, St. 38, Dis. 904
Elwiah, Baghdad, Iraq
Tel: +964 1 719 0020
Fax: +964 1 719 0025
E-mail: cummins@al-bunna.com
www.cummins-al-bunna.com



INVOICE

Customer M/S Nashid company
Name: ATT: Mr. Hamed Nik **Invoice #:** MICTA 09-4-E-A049
Address: **Invoice:** APRIL 21 th 2009
City: **Delivery to:** Ex BIAP/ BAGHDAD
Phone: **Referenc:**
Mobile:

Item	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	Cummins Power Generators C1675 D5 Open	1	\$250,000.00	250,000
	LO6KAWG390 25339654			
	Cummins Parts:			
	lub oil filter	1		
	lub oil bypass filter	1		
	fuel filter	1		
	air filter	1		

Payment Terms

100% Cash payment

Total Amount 250,000
Total Balance 250,000

Bank Address :
Bank Information :
Name: Modern Iraq Co. For Trading Agencies
No.: 001 050882 02 01
Bank Name: The Housing Bank For Trade and Finance
Branch: The Main Branch
Swift: HBHJOJAXXXXX

Signature:

Modern Iraq
for Trading Agencies

Warranty: One year from this invoice date as per standard manufacturer warranty.

سند خرید زئراتور - ۲۱ آوریل ۲۰۰۹
۲۵۰ هزار دلار

030	Additional price 315kW motor	1 Pc	1.990,00	1.990,00
040	SGS inspection	1 Pc	1.500,00	1.500,00
	Sea freight charges	1 Pc	2.100,00	2.100,00

Two cases

Case 1 : s.t.c. pump type HG2-150500 with electric motor
Dimensions : 305*120*170 cm
Gross weight : 3130 kg
Net weight : 2835 kg

Case 2 : s.t.c. pump type HG2-125500 with electric motor
Dimensions : 305*120*170 cm
Gross weight : 2690 kg
Net weight : 2395 kg

H.S. code : 84137089

Origin: European Community / The Netherlands


Total 66.980,00

Prices are in EUR, and exclude all duties, levies and taxes.

Delivery : CIF Insurance and Freight Kuwait port.

سند خرید پمپ آب ۶۶ هزار و ۹۸۰ دلار

2, St. 28, Dis. 904
 Pn, Baghdad, Iraq
 +964 1 719 0020
 +964 1 719 0025
 al.cummins@al-bunnia.com
 w.cummins.albunnia.com



INVOICE

Customer: M/S Nashid company

Invoice # : MICTA 09-3-E-A026
 Invoice date : March 14th 2009

Deliver to : Ex Works MICTA Erbil Warehouses

Description	Qty.	Unit Price	Total Price
Cummins Power Generators C1500000			28.500
K08KAWC850			
K08KAWC850			



SHIPPING INVOICE NO. H2009080

Consignee:
 Mr. Abbas Ghasim Mohammed
 Diala Province - Iraq
 Khalis

Buyer and Notify address:
 NASHID TRADE
 Bagdad - Iraq
 Tel:00 964 77025 66796

Your ref : H/0212TYE
 Your contact person : Sharif
 Orderdate : 28-11-2008
 Customer code : 52640

Ordernumber : 283546
 Contact person : A. Betting
 Page : 1 of 2
 Date : 21-04-2009

Item	Partcode	Description	Qty	Price/Unit	Total
010	HG2-150500 E	Pump with electric motor	1 Pc	33.950,00	33.950,00
		Capacity: Q / H / P Eta			
		dutypoint: 400 m³/hr / 163 mlc / 237 kW / 74,9 %			



Commercial INVOICE NO. H2009080

Buyer and notify:
 Mr. ABBAS GHASIM MOHAMMED
 Diala province - Iraq
 Khalis

Your ref : H/0212TYE
 Your contact person : Sharif
 Orderdate : 28-11-2008
 Customer code : 52640

Ordernumber : 283546
 Contact person : A. Betting
 Page : 1 of 2
 Date : 21-04-2009

Item	Partcode	Description	Qty	Price/Unit	Total
010	HG2-150500 E	Pump with electric motor	1 Pc	32.900,00	32.900,00
		Capacity: Q / H / P Eta			

Modern Iraqi Company For Trading agencies
 Hay Al-Wahda,
 No 2, St. 38, Dis. 904
 Elwiah, Baghdad, Iraq
 Tel: +964 1 719 0020
 Fax: +964 1 719 0025
 E-mail cummins@al-bunnia.com
 www.cummins.al-bunnia.com



Spare Parts Invoice

Customer	Misc
Name: Mr. Ahmed Ridha	Invoice #: MICTA 12-08-001
Address:	Invoice date: 28-12-08
City:	Customer Inquiry #:
Phone:	Customer Inq. date:
Mobile: 07 702 614 087	

Item	Part No.	Description	Qty.	Unit Price	Total Price
1	0541-0813	CONTROL KIT (GCM)	4	\$1,023.93	\$4,095.72
2	0541-0868-03	CONTROL KIT (NETWORK GATEWAY)	1	\$1,888.87	\$1,888.87
3	0334-1850	CABLE TW PR PVC-PCC (TEXT)	1	\$502.43	\$502.43
4	0998-0016-02	PCWII SOFTWARE KIT W/NETWORK	1	\$890.38	\$890.38
5	0541-0772	CONTROL KIT (DIM EXP)	1	\$368.88	\$368.88
6	0541-0867-04	CONTROL KIT (ETHERNET ROUTER)	1	\$5,011.53	\$5,011.53
7	0998-077-04	InPower Software with dongle	1	\$1,483.96	\$1,483.96
8	0193-0432	SENDER-TEMP (TEXT)	2	\$55.20	\$110.40
9	0193-0444	WATTMETER (0-125 %)	2	\$102.27	\$204.54
10	4094998	ALTERNATOR	1	\$707.53	\$707.53
11	0193-0465	SENDER-TEMP	2	\$75.42	\$150.84
12	363227300RX	MOTOR STARTING	1	\$888.34	\$888.34
13	0302-2009-01	VOLTMETER-AC (0-300/0-600V)	1	\$116.01	\$116.01
14	0302-2010	METER-FREQUENCY	1	\$146.27	\$146.27
15	0302-2011	AMMETER (0-125%)	1	\$165.22	\$165.22
16	0302-2012	WATTMETER (0-125 %)	1	\$148.69	\$148.69
17	0308-1045	SWITCH (REPL KEY 308-1046) (TEXT)	1	\$47.96	\$47.96
18	0338-2933	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$41.08	\$41.08
19	0300-4306	REGULATOR-AUTO VOLT (24V)	1	\$508.65	\$508.65
20	0302-2058-03	TRANSFORMER-CURRENT	3	\$109.89	\$329.67
21	3096867	VALVE SHUTOFF	1	\$111.68	\$111.68
22	0338-2931-02	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$50.00	\$50.00
23	0338-2931-01	CABLE ASSY-RIBBON	1	\$48.47	\$48.47

Payment Cash

Sub Total	\$18,017.12
3% Discount	-\$541.12
DHL Charge	\$1,900.00
Total Due	\$19,376.00
50% Advance Paid	\$9,688.00
Total Due	\$9,688.00

نور اسلامية
 (964) 1 719 0020
 شركة العراق الحديثة للتجارة
 الادارة - بغداد

Prepared by: For Koosay Ibrahim
 Signature:

شركة العراق الحديثة للتجارة
 المولدات

سند خرید تجهيزات برقی - 28 دسامبر 2008
 19 هزار و 376 دلار

سند خرید
ترانسفورماتور
۲۵ مارس ۲۰۰۹
۱۸ هزار و ۸۰۰ دلار

OTDS Ltd		Invoice		
UNIT 11 SPITFIRE BUSINESS PARK HAWKER ROAD CROYDON CR0 4WD UK Tele: +442086811223 Fax: +44208669918				
INVOICE TO		SHIP TO		
Albee Ghann Mohammad		Albee Ghann Mohammad		
CUST VAT NO	P. O. NO.	TERMS	SHIP VIA	
	Q 98	80% DEPOSIT	CNF	
			REQ NO	
ITEM	DESCRIPTION	QTY	RATE	AMOUNT
100 X	TRANSFORMER OF OTDS CONSTRUCTION, EPOX PLATES WITH ORIENTED GRADE, PRIMARY COPPER WINDING, NATURALLY COOLED IN CORRUGATED RECTANGULAR TANK, OIL FILLED SPECIFICATION: IEC QUANTITY: 1 TYPE: OUTDOOR KVA: 1000 PRIMARY VOLTAGE: 11000 SECONDARY VOLTAGE: 400/400 VECTOR SYMBOLS: DYN11 TAPPOSER: ± 2 1/2 % NO-LOAD LOSSES (W): 2000 LOAD (COPPER) LOSSES (W): 14500 IMPEDANCE VOLTAGE (%): 4.88 FREQUENCY: 50HZ STANDARD: IEC 60074 AMBIENT TEMP: 40 DEGREES C DIMENSIONS, WEIGHT INFO: WE: 40 450 TOTAL HD: 3000 HEIGHT MM: 1800 LENGTH MM: 1800 WIDTH MM: 1140 Finish: -No 1 battings or protection for HV -No 1 battings or protection for LV	1	18,000.00	18,000.00
WE HEREBY CONFIRM AND GUARANTEE THAT THIS INVOICE IS TRUE AND CORRECT AND THAT NO MATERIALS CHARGED HEREIN ARE OF ISRAELI ORIGIN NOR DO THEY HAVE ANY ISRAELI CONTENT.			SUB TOTAL	
			VAT Total (In £)	
			VAT TOTAL	
			Total (In £)	
			TOTAL	

Estimate for Electricity Network of ASHRAF Base					
Item	Subject	Length-meter	Cost per unit	Total Cost	Remarks
۱	۳lines/ Aluminium wires High Tension Line from KHALIS to ASHRAF	۲۹۰۰۰ by ۳	\$۰,۰۰	\$۲۰,۰۰۰,۰۰۰	
۲	For high Tention in Khalis- Transformer ۱۲۲ to ۲۲ kva	۱ Unit	\$۱۰,۰۰۰,۰۰۰	\$۱۰,۰۰۰,۰۰۰	
۳	Street Lights Network of Ashraf and it's Surroundings Fence	۸۱۰۰۰	\$۰,۰۰	\$۲۲,۷۰۰,۰۰۰	
۴	The Low Voltage Power Network	۶۰۰۰	\$۰,۰۰	\$۲۰,۲۰۰,۰۰۰	
۵	۲۲kv to ۱۱ kv Central Ashraf Power Station Equipments	۲ Units	\$۳۷,۰۰۰,۰۰۰	\$۷۴,۰۰۰,۰۰۰	
۶	Transformers ranging from ۱۰۰ to ۱۰۰۰	۸۰ Units	\$۲۰,۰۰۰,۰۰۰	\$۱,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰	
Total Cost				\$۱,۰۱۹۷,۰۰۰	

برآورد هزینه شبکه برق اشرف به مبلغ ۱ میلیون و ۱۹۷ هزار دلار

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network

ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
20	Supply, Transport, Extend lie down, connect with all necessary accessories (elbows, tees, flanges reducers, transformers, valves, adaptors, washers, o-rings, bolts & nuts, unions) install putting sand under pipes, test. Buried with sand & soft soil, for asbestos pipes)				
20	diameter 12 inch	ML	399.00	11.000	4,389.000.000
21	diameter 10 inch	ML	129.00	8.000	1,032.000.000
22	diameter 8 inch	ML	14.00	6.000	84.000.000
	diameter 6 inch	ML	128.00	4.000	512.000.000
	diameter 4 inch	ML	11.000	3.000	33.000.000
	diameter 3 inch	ML	202.00	2.500	505.000.000
	diameter 2 inch	ML	722.00	22.000	15,884.000.000
	diameter 1.5 inch	ML	35.00	2.000	70.000.000
	diameter 1.25 inch		1.60	18.000	28.800.000
	diameter 1 inch		318.00	15.000	4,770.000.000
	Subtotal				1,376,220.000
23	Supply, Transport, Extend lie down, connect with welding with all necessary accessories (elbows, tees, flanges reducers, transformers, valves, adaptors, unions) install putting sand under pipes, test. Buried with sand & soft soil, coated with bitumen, for seamless steel pipes)				
	diameter 12 inches	ML	2.000	9.000	18.000.000
6	water storage elevated tank with conc. Base and conc. Or steel tower.				
7	Capacity 20 m ³	Nos	1	2.000.000	2.000.000
8	storage tank with conc. Base				
a-	capacity 10 m ³	Nos	2	15.000.000	30.000.000
b-	capacity 20 m ³	Nos	2	13.000.000	26.000.000
	Subtotal				1,436.000.000
8	ground water storage tank made of R.C.				
	capacity 100 m ³	No	1	12.000.000	12.000.000
9	Package water supply unit				
	capacity 20 m ³ /h	No	1	3.000.000	3.000.000
10	Irrigation water pump station with pumps pipes, check valves strainers, gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y, Δ starters. The pumps running power are				
a-	40 Kw	No	1	20.000.000	20.000.000
b-	30 kw	No	1	22.000.000	22.000.000
c-	17.5 kw	Nos	1	12.000.000	12.000.000
d-	stand by generator capacity 20. kvA	No	1	20.000.000	20.000.000

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network

ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
Subtotal					3.800.000.000
11	Raw water pump station with pumps pipes, check valves strainers , gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y,Δ starters. The pumps running power are				
	a- 200 kw 700 m ³ /hr	No	1	3.800.000.000	3.800.000.000
	b- 120 kw 400 m ³ /hr	No	1	200.000.000	200.000.000
	c- 132 kw	Nos	4	100.000.000	400.000.000
	d- 180 kw	No	1	280.000.000	280.000.000
	capacity a- 2000 kva	No	1	500.000.000	500.000.000
	capacity b- 1000 kva	No	1	1.000.000.000	1.000.000.000
Subtotal					7.780.000.000
12	Irrigation water pump station with pumps pipes, check valves strainers , gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y,Δ starters. The pumps running power are				
	a- 220 Kw 500 m ³ /hr	No	2	300.000.000	600.000.000
13	Fresh water pump station with pumps pipes, check valves strainers , gate valves flanges washers, gaskets bolts & nuts, and electrical boards Y,Δ starters. The pumps running power are				
	a- 220 Kw 500 m ³ /hr	No	2	300.000.000	600.000.000
	b- stand by generator 200 kva	No	1	500.000.000	500.000.000
	b- stand by generator 20 kva	No	1	200.000.000	200.000.000
	c- booster tank	No	1	200.000.000	200.000.000
Subtotal					2.000.000.000
14	Water supply project with pumps, pipes, check valves, gate valves , flanges, washers, gaskets, bolts and nuts, electrical boards, starters the project consists from.				
	a- low lift pumps running power 20 kw	Nos	4		
	b- High lift pumps running power 40 kw	Nos	3		
	c- Blower running power 10 kw	Nos	2		
	d- Over head crane	No	1		
	e- Sediment pool 700 m ³	Nos	2		
	f- Ground storage tank 1200 m ³	No	1		
	g- Alum sulphate dosing pump	Nos	2		
	h- Alum sulphate mixer	Nos	2		
	i- Chlorinator 1000 gr/hr	Nos	2		
	J- Mud pump	Nos	2		
	k- High pressure mud pumps	Nos	2		
	l- Fuel storage tank 10 m ³	No	1		

(1-5)

برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف

Quantity Estimate for Clean and Raw Water network					
ITEM	DESCRIPTION	UNIT	QTY	PRICE	TOTAL
m-	Stand by generator 100 kva	No	1		1,200,000,000
n-	Stand by generator board	No	1		
o-	Electrical board for all equipment	No	1		
p-	Pool scraper				
q-	Check valves				
r-	Gate valves				
s-	Motorized valves				
t-	Foot valves				
u-	All piping inside project				
v-	Chlorine cylinders				
w-	Headers				
x-	Gaskets				
y-	Bolts and nuts				
z-	All cables and wires and all con. Structures				
Grand Total					26,240,670,000





برآورد هزینه شبکه آبرسانی اشرف
 ۲۶ میلیارد و ۲۴۰ میلیون و ۶۷۰ هزار دینار

بسم الله الرحمن الرحيم

مستند التسليم والتسلم
١١ تموز ٢٠٠٩

بناءً على الكتاب المرقم ٦٨٠ والمورخ ٢٠٠٩/٦/٤ لسكان اشرف الموجه الى دائرة توزيع كهرباء ديالى وحسب موافقة السيد المدير، بتاريخ ١١ تموز ٢٠٠٩ تم تسليم محولة كهربائية بسعة ميگا واط لتبديل فوطية ٣٣٠٠٠ الى ٤٠٠ والتي تم شراؤها من قبل سكان اشرف، الى المهندس مهند علي حسن ممثل دائرة كهرباء ديالى ومسؤول محطة كهرباء اشرف لنقلها الى محطة زرگانيه ونصبها لتغذية كهرباء منشآت ضخ الماء الى اشرف و فيما يلي مواصفات هذه المحولة:

رقم التسجيل: ٢٧٥٨٩
السعة: ميغا واط (٢٣٠٠٠ V الى ٤٠٠ V)
الموديل: ٢٠٠٩
المواصفات العامة: ONAN , ١٠٠٠ KVA , ٥٠ HZ
الوزن: ٣١٥٠ كغم
المنشاء: ايطالي

الملحقات:

وثائق شراء المحولة واستيرادها وشهادة المنشاء ومواصفاتها.

المسلم:


المستلم:
٣. محمد علي حسن
مؤيد بيانه انون

مؤيد بيانه انون
مؤيد بيانه انون

سند تحويل دادن ترانس برق، خریداری شده از جانب ساکنان اشرف به اداره
برق ديالى برای ايستگاه آب زرگانيه - ١١ ژوويه ٢٠٠٩

این هم نامه شهردار اشرف که ریز ارقام و آمار را همراه با رسیدها و هزینه‌ها به ملل متحد ارائه می‌دهد.

CAMP ASHRAF
Public Services



مخیم اشرف
الخدمات العامة

November 23, 2009
United Nations Monitoring Team Ashraf

Dear Ms. Huma Shakeb,

I wish to inform you that on Sunday, November 15, 2009, the Diyala Province Water Directorate, affiliated to the Ministry of Municipalities, in the letter No. 8536 of 11/4/2009 sent to Camp Ashraf, charged us 22,176,000 Dinars for the water consumed from May 1, 2009 up to the end of 2009. (Relevant documents are enclosed).

As a show of respect to Iraq's sovereignty and its laws, we shall pay this amount as soon as possible. However, we would like to draw your attention to an important issue with regard to the Ashraf residents' rights and the expenses they have undergone concerning water supplying system of the camp; an issue that Ministry of Municipalities and other relevant authorities have unfortunately not paid attention to it so far. Nevertheless, we have incurred extremely expensive expenses of this issue which is a public service affair, either for the Ashraf residents or 25,000 nearby inhabitants as well as Iraqi military and security units.

In a letter of 12 May 2009 to Minister of Municipalities and Public Works, a copy of which was also sent to the UNAMI's office in Baghdad, we explained in detail that the water installations in the Camp have been set up completely by the camp residents and on their funds in the two water pumping installations in Zarganih (30 km to the west of Ashraf) and Marfou (6km to the east of Ashraf) as well as inside the camp, and all the equipment and machinery as well as installations have been purchased by the residents of Ashraf from abroad or from Iraqi market. (The letter by Water Affairs Director on 17 March 2005 confirms this matter).

During years 2003 to 2009, due to security restrictions outside the camp, Ashraf residents managed and maintained the two stations by hiring 40 Iraqi technical personnel with monthly salary paid to them.

Twice in 2006 the water pipelines between Zarganih pumping station and Ashraf were blown up in terrorist attacks. In February 2008, the water pumping station in Zarganih was blown up in a terrorist operation which left it completely destroyed, but each time they were rebuilt with Ashraf residents' funds.

Besides providing water for their own consumption, the residents of Ashraf also supplied water to 25,000 local inhabitants in the area after 2003 with the water pumped from the two

Email: Ino.ashraf@hotmail.com

stations. This issue was confirmed by the UNAMI's expert on human rights, Olivier De Schutter, to the UNAMI's office in Baghdad.

Until April 2009, Ashraf residents had to pay for the water supplied to their stations in Zarganih and Marfou. The water stations, purchase and installation of the water stations, fuel and maintenance of the water stations.

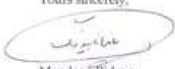
Since April, we have paid out 30,000 Dinars for the water supplied to the above-mentioned installations in the Camp. (Relevant documents are enclosed).

While respecting Iraqi government's laws, we are bound to Iraq's laws. However, we recognize Ashraf residents' rights obtained by their own efforts and underscored by the International Human Rights Commission's request that you remind the Government of Iraq of the Ashraf residents' rights by reporting to the UNAMI's office in Baghdad.

Our request is that when calculating the cost of the water installations over these years which we have paid for, you take into account and consideration the fact that the water installations were set up by the Ashraf residents' funds.

We, therefore, request that you take into account the fact that the water installations were set up by the Ashraf residents' funds.

Yours sincerely,



Mandana Bidrang
In charge of public services of Camp Ashraf

CC:

- Iraqi Minister of Water Resources and Irrigation
- Iraqi Minister of Human Rights
- United Nations Assistance Mission for Iraq - UNAMI
- Mr. Ayad Ibrahim Al-Safi, Deputy Minister for Municipalities and Public Works
- Ambassador Christopher R. Hill, U.S. Embassy, Baghdad
- Gen. Raymond T. Odierno, Commanding General, Multi-National Force-Iraq

Email: Ino.ashraf@hotmail.com

ساکنان اشرف بعد از سال ۲۰۰۳ علاوه بر آب مورد نیاز خودشان، آب مورد نیاز ۲۵۰۰۰ نفر از اهالی منطقه را نیز تامین کرده اند. این امر در گزارش ۱۷ فوریه ۲۰۰۹ گزارشگر حق تغذیه اولویه دی شوتر به دبیر کل سازمان ملل نیز مورد تایید قرار گرفته است. (متن گزارش ضمیمه است).

تا آوریل ۲۰۰۹ ساکنان اشرف، معادل ۱۴۸،۰۳۴ دلار برای تأسیسات پمپاژ آب زرگانیه و مرفوع شامل احداث و بازسازی ایستگاه و خرید و نصب تجهیزات و ژنراتورها و ماشین آلات و حقوق کارمندان و تامین سوخت و تعمیرات هزینه کرده اند. از آوریل تا کنون نیز هر ماه معادل ۳۰۰۰۰ دلار بابت سوخت و مخارج حفظ و نگهداری هزینه کرده ایم. علاوه بر این در تاریخ ۲۰۰۹/۷/۱۱ يك دستگاه ترانس برق به ارزش ۴۰ هزار دلار برای تامین برق تاسیسات فوق در ایستگاه زرگانیه از خارج عراق وارد کردیم که برای نصب در ایستگاه آب تحویل نمایندگان اداره آب و برق دیالی گردید (طبق اسناد ضمیمه).

بنابراین ما ضمن احترام به حاکمیت دولت عراق همواره نسبت به ملتزم بودن خودمان به قوانین این کشور تاکید کرده ایم. اما متقابلاً انتظار داریم که دولت عراق مالکیت ساکنان اشرف بر اموال منقول یا غیرمنقولی که در طول ۲۳ سال با پول یا نیروی کار خودشان تامین کرده اند را به رسمیت بشناسد و به این حق که حقوق بین الملل و حقوق انساندوستانه بین المللی بر آن تاکید می کنند ملتزم باشد. بر این اساس از شما می خواهیم با ارائه گزارش به مقامات سازمان ملل، تعهدات دولت عراق را نسبت به رعایت حقوق ساکنان اشرف به آنها یادآوری نمائید. تقاضای ما این است که دولت عراق هنگام محاسبه هزینه آب، آنچه را که ساکنان اشرف طی این سالیان برای تاسیسات آبرسانی هزینه کرده اند که تاکنون معادل ۱۴۸،۲۸۴ دلار گردیده است (اسناد آن موجود و قابل ارائه می باشد) در نظر گرفته و آنرا منظور نماید، از این رو از شما تقاضای رسیدگی به این امر مهم را داریم.

با تقدیم احترام

مسئول شهرداری اشرف

ماندانا بیدرنگ

-وزیر منابع آب عراق

-وزیر حقوق بشر عراق

-نماینده دائم سازمان ملل در عراق - یونانی

نامه شهردار اشرف
به تیم ناظر ملل متحد

آیا بیشتر از این می‌شد چه سیاسی، چه اقتصادی و چه در مناسبات یومیه، چه در برابر دولت سابق عراق، چه در دولت لاحق و چه در برابر آمریکاییها استقلال عمل داشت؟ همین الان، مگر انبوهی اتهام نمی‌زنند؟ مگر همین دولت کنونی نمی‌گوید؛ آمریکاییها به اینها پول می‌دهند؟! درحالی که آمریکاییها پولها و جواهرات هدایی مردم ایران را که از ما گرفته‌اند، هنوز آزاد نکرده‌اند، اسناد را نگاه کنید:



HEADQUARTERS
MULTI-NATIONAL FORCE - IRAQ
BAGHDAD, IRAQ
APO AE 09342-1400

5 June 2004

MNFI-DCG

Mehdi Baraii
Representative, People's Mojahedin Organization of Iran
Ashraf, Iraq

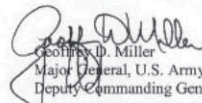
Dear Mr. Baraii,

In your letter dated 14 May 2004, you bring to my attention that last year, four PMOI personnel, carrying \$960,000.00, were arrested by Australian Forces and subsequently handed over to U.S. Forces. Three of these individuals state they were mistreated during their detention and that the fourth member of their group was killed during interrogation.

Thank you for bringing these matters to my attention. This command takes these issues very seriously. I have directed the Criminal Investigation Division to fully investigate this matter. Your patience is requested as this investigation unfolds.

Your continued cooperation is appreciated. Please contact me if you have any questions.

Very Respectfully,


Geoffrey D. Miller
Major General, U.S. Army
Deputy Commanding General

24 June 2004

MNFI DCG

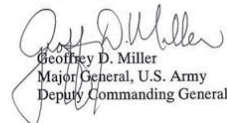
Mehdi Baraii
Representative, People's Mojahedin Organization of Iran
Ashraf, Iraq

Dear Mr. Baraii,

I am writing to let you know I am in receipt of your letter dated June 22, 2004. This command takes seriously the issues presented in your correspondence. As I told you in my letter dated June 4, 2004, our military investigators are looking into the issue surrounding the death of Ahmad Nasserri as well as the missing \$960,000.00. We are also looking into the various requests for reimbursement you brought to my attention in your letter dated May 14, 2004. Your letter of May 14, 2004 did not include the issues regarding the 30 vehicles and makeshift warehouses, but we will look into them as well. Your patience is requested as this command investigates and considers these issues.

The inclusion of the PMOI in the SOFA agreement is an issue over which I have little control, but the relevant authorities are aware of this request. Discussions with the relevant authorities regarding the future presence in Iraq of the individuals currently residing at Camp Ashraf are ongoing. We are working to facilitate Ms. Mahin Amini's condition to the International Community of the Red Cross. Your continued cooperation is appreciated. Please contact me if you have any questions.

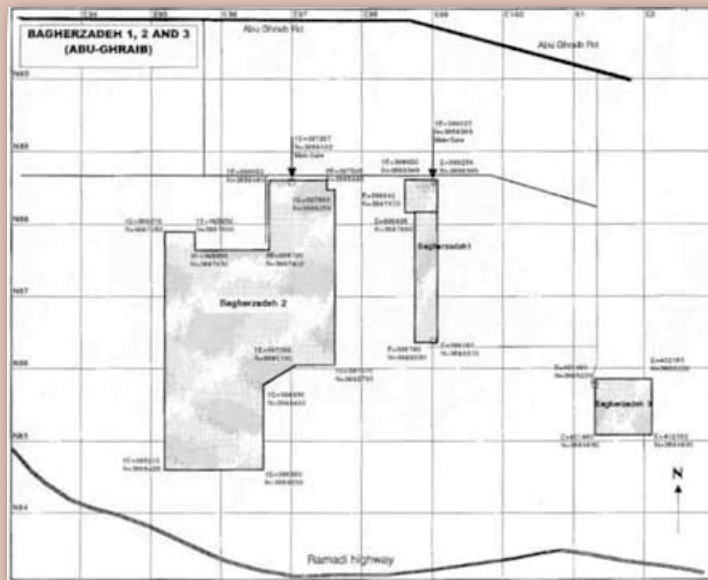
Very Respectfully,

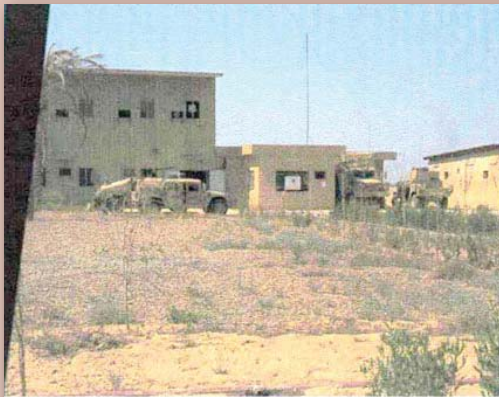

Geoffrey D. Miller
Major General, U.S. Army
Deputy Commanding General

نامه‌های ژنرال میلر در مورد گرفتن پول و جواهرات مجاهدین
و اذعان به این که یکی از مجاهدین در هنگام بازجویی در اثر سوء رفتار کشته شده است.
در نامه ۲۴ ژوئن هم چنین به توقیف و ربودن ۳۰ خودرو مجاهدین توسط وزارت کشور عراق اشاره می‌شود

اشرف پایدار - کارزار پیروزی

قرارگاه باقرزاده را که با هزینه زیاد خودمان ساختیم، آمریکاییها با تمامی تأسیسات و تجهیزاتش گرفتند و هنوز آنرا به ما بر نگرداندند، این یک نمونه است:







خوب است این را هم بگویم حتی دولت قبلی عراق از دو دهه پیش (بعد از جنگ کویت) می‌گفت که چون دست من بسته است، شما باید علاوه بر همه هزینه های دلاری زیرساختها، دستکم نیمی از همه هزینه های دیناری زیرساختها را هم خودتان بدهید و مجاهدین می‌دادند و رسیده‌هایش را هم دارند.

درواقع شما در هر کشوری که هستید مشترک برق یا آب یا تلفن می‌شوید و بعد پول تلفن و پول برق ماهانه‌تان را می‌دهید، یا پول آب ماهیانه را می‌دهید. اما دولت انگلیس یا آمریکا یا نیمی‌دانم مصر یا اردن یا دانمارک که نمی‌گویند ببین تو باید پول سیمکشی از اداره تلفن یا اداره آب یا اداره برق با دکلهایش تا محل استقرارت را هم بدهی. اینها خدمات دولتی است، و در همه جای دنیا به‌هیچ شهروندی نمی‌گویند که پول دکل برق را هم باید بدهی، پول جاده کشی را هم تو باید بدهی، یا پول شبکه تلفن را هم تو باید بدهی. اما همان دولت قبلی عراق به ما می‌گفت که شما دستکم باید نیمی از هزینه‌های دیناری زیرساختها را بدهید؛ یعنی علاوه بر پول آب و برق و تلفن و سایر خدمات ماهیانه که برای همه شهروندان در همه جای دنیا هست و علاوه بر حق اشتراک، می‌گفت شما می‌باید تمام هزینه‌های دلاری و نیمی از هزینه‌های دیناری را هم خودتان بدهید. تجهیزات و دستگاههای آب و برق و تلفن و آن چه را که در عراق وجود نداشت و باید از خارج خریداری می‌شد، دولت عراق می‌گفت اینها را باید خودتان تامین کنید و بخرید و ما هم البته همین کار را می‌کردیم و با افتخار هم می‌کردیم. چه برگی گویاتر از این برای استقلال مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران؟

من یادم هست در قرارگاه دبس، در آن سالهای اول، یک دستگاه سانترال تلفن حدود ۴۰ - ۵۰ هزار دلار قیمتش بود، در آن زمان هم هزینه‌هایی را که ارز خارجی می‌خواست تماما خودمان تأمین می‌کردیم.

در سال ۱۳۶۶ برای اتصال اشرف به سیستم تلفن عراق ۶۰۰ هزار دلار برای خرید کابل و دکل پرداختیم زیرا اشرف در یک صحرای خشک و خالی بود و برای اتصال به تلفن شهر خالص باید این فاصله را خودمان کابل و سیم و دکل تأمین می‌کردیم. در آن زمان هم تمام خطوط تلفن و دکلهای برق مربوط به قرارگاههای مجاهدین به

وسيله خود آنها تأمين شده است. تمام پول آن را هم مجاهدين پرداخته اند. بعد از جنگ كويت علاوه بر همه اينها، نيمي از هزينه هاي ديناري زيرساختهاي دولتي را كه تماما متعلق و در مالكييت دولت عراق است (جاده كشي تا قرارگاهها و كشيدن شبكه هاي آب و برق و تلفن و فاضلاب و جاده هاي مواصلاتي) را مجاهدين پرداخته اند. البته پرداخت حق اشتراك و مصرف ماهيانه هم حساب جداگانه خود را داشت و بايد مي پرداختيم.

رسيدهاي ماهيانه برق را نشانتان دادم، جالب اين است كه در سايت سومريه در ۲۱ آذر

تقدير الكلف الخاصة بالبنى التحتية لمعسكر الطارق الخاص				
التسلسل	موضوع التكاليف	كمية التكاليف		تاريخ شماتنا بالكلفة
		بالدينار العراقي	بالدولار	
١	شبكة الهاتف		٢٠٠,٠٠٠	١٨/١٠/٥
٢	شبكة الكهرباء	٤٤٠,٠٠٠,٠٠٠	١,٥٠٠,٠٠٠	١٨/١٠/٥
٣	شبكة المياه	١٤٠,٠٠٠,٠٠٠		١٨/١٠/٥
٤	اجداث الطرق	٨٠٠,٠٠٠,٠٠٠		١٨/٨/٣٦
٥	شبكة المجاري			١٨/١٠/٥
المجموع الاجمالي		١,٠٢٨,٠٠٠,٠٠٠	١,٧٠٠,٠٠٠	
		دينارزائداتكاليف اجداثشبكة المجاري		

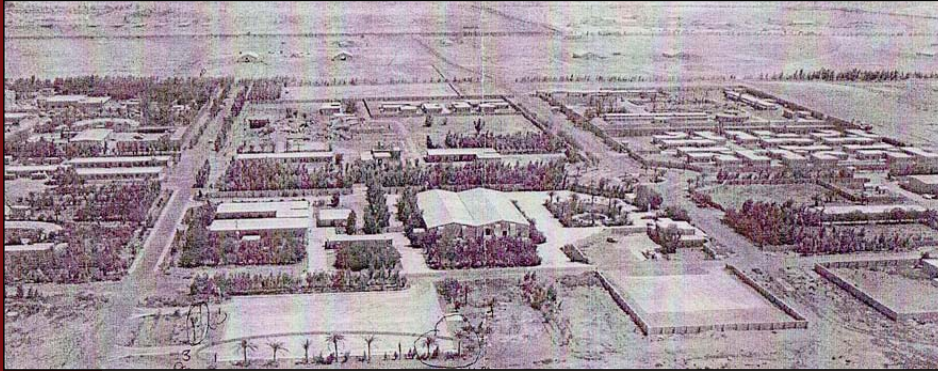
برآورد هزینه زیر ساخت های پارسیان				
ردیف	موضوع هزینه	میزان هزینه		تاریخ اطلاع برآورد
		دینار	دلار	
١	شبكة تلفن		٢٠٠,٠٠٠	٧٧/٧/١٣
٢	شبكة برق	٤٤٠,٠٠٠,٠٠٠	١,٥٠٠,٠٠٠	٧٧/٧/١٣
٣	شبكة آب	١٤٠,٠٠٠,٠٠٠		٧٧/٧/١٣
٤	جاده كشی	٨٠٠,٠٠٠,٠٠٠		٧٧/٦/٩٠
٥	شبكة فاضلاب			٧٧/٧/١٣
جمع كل		١,٠٢٨,٠٠٠,٠٠٠	١,٧٠٠,٠٠٠	
		ديناروهزینه شبکه فاضلاب		

المنظمة توافق على تحملها
نصف الكلف الخاصة بالبنى التحتية لمعسكر الطارق الخاص

١٩٩٩/٧/٢

حسب السياقات السابقة كانت الحكومة تقوم بتوفير البنى التحتية للمعسكرات المخصصة لمنظمة المجاهدين لكنه وبالنظر الى الظروف الاستثنائية للحصار في العراق فقد وافقت المنظمة ان تقبل بنصف جميع الكلف الخاصة بالبنى التحتية فيما يتعلق بمعسكر الطارق الخاص.

اعلام توافق سازمان مجاهدين خلق ايران برای پرداخت کلیه هزینه های دلاری زیرساختها و نیمی از مجموع هزینه دیناری زیرساختها (شبكة های آب، برق، تلفن، فاضلاب و جاده های مواصلاتی)



رئاست جمهوری / رئیس‌جمهوری

رئاست جمهوری / آقای منشی محترم

گشایم لایحه ۶۱ / ۱ / ۹۷ / ۳۵۰ / ۳۳ / ۱۸ / ۹۹

در رابطه با نامه شما به شماره ۲۲۳۵ / ۹۷ / ۱ / ۶۱ / ۳۳ / ۱۸ / ۹۹ در تاریخ ۱۹۹۹ / ۲ / ۱۸ روشن شده که در اولین شناسایی بعمل آمده در سال ۱۹۹۸ و در کادر تقریبی یعنی بدون نقشه و جدول کمیت های کامل (اشغال حسگری) مخارج آن با دینار عراقی و نیز دلار حساب شده است .

وقت سیماقات تقریبیه ایی دون مخلفات
و عبادول کمیات متکامله (الاشغال الحسگریه)

جدول کمیت ها و نیز تجدید نظر در قیمتها بود که شامل موارد زیر میشد: شبکه راهها و برق و فاضلاب و آب آشامیدنی و آب برای مصارف بهداشتی و ... براین اساس مبلغ زیر بدست آمد :
الف . حدود ۲ / ۳۷۵ میلیارد دینار
ب . حدود ۵۵۰ / ۰۰۰ دلار

و اعارة العنصر بالاصحاح (شبکه برق) ، کله باه
الصحه ، الماء ، الصحاح ، (صرف الصحه) .. الخ
لتصحيح المبالغ :

آ . محدود (۳۷۵) مليار دينار
ب . محدود (۵۵۰ / ۰۰۰) دولار

التوصیه

۱- اتمتع اعمارنا عن التقصير بالعلم لوطنه .
تحليل شامل العلم الاغنيه عن الجهه المستغنيه

پیشنهادات

۱- پیشنهاد ما این است که با پنجاه درصد این مخارج به دینار عراقی مواظقت شود و کلیه مخارج به دلار به هنده صاحب کار [سازمان مجاهدین خلق ایران] باشد.

التوقيع

وزير الإسكان والتعمير

امضاء وزير مسكن و آبادانی

می‌گوید: اداره برق استان دیالی اعلام کرد که یک چهارم کل درآمد آن در این استان از قرارگاه اشرف است (این که دیگر ما نیستیم، حرف خودشان است)، اداره برق استان دیالی روز شنبه اعلام کرد که مجموع مبالغ دریافتی از کلیه شهرکها و مناطق این استان در ماه بالغ بر ۸۰۰ میلیون دینار است که ۲۵ درصد آن از قرارگاه اشرف تأمین می‌شود. مسئول قسمت مربوطه در اداره برق دیالی گفت مجموع مبالغ ماهانه دریافتی که متجاوز از ۸۰۰ میلیون دینار است، ۲۵ درصد آن از این قرارگاه تأمین می‌شود. پولی که اداره برق، بابت میزان مصرف برق، از شهروندان و از تأسیسات صنعتی و ادارات دولتی دریافت می‌کند، نرخ ثابتی برای مصرف هر واحد برق است و این مبلغ برطبق کنتورهای موجود در همه منازل و تأسیسات حکومتی و صنعتی تعیین می‌گردد. پس بنگرید در استان به این بزرگی که خودشان می‌گویند یک میلیون و ۳۰۰ هزار جمعیت دارد، این دولت، ۲۵ درصد کل پول برقی را از این ۳۴۰۰ نفر وصول می‌کند! دولتی که پارسال ۶۰ میلیارد دلار درآمد نفت داشته، که می‌شد در این ۴ سال، بسیاری از بیابانهای عراق را هم با این پول مانند اشرف تبدیل به مروارید صحرا نمود. البته این به ما مربوط نیست، ما در امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنیم، ولی در ایران می‌دانیم پولها کجا می‌رود و چه کسانی بالا می‌کشند. الگوی رژیم هم که در همه جا برای مزدورانشان تکثیر شده است.

السومرية نيوز

كهرمان ديالي: ربع وارداتنا من نمسکر أدرف ولوقف السنی والشیعی لا یسدان دیونها
الکاتب: AK

أحدروز: AH | MN

تست: 05 کت: 18:55 2009 GMT

عناوین: کهرمان دیالی

سومریه نیوز دیالی

أطحت کهرمان محافظه دیالی، الیوم السبت، أن إجمالي مبالغ الجباية المستلمة من جميع أفضیة ونواحي المحافظة
شهریا تزيد عن 800 مليون دينار، 725 مهاقی من مسکر اشرف، مؤكدة أن دیوالی لوقف السنی والشیعی فی
محافظه مديان اللاترة بمبالغ كبيرة.

وقل مسؤول لجنة الإعلام فی دائرة كهرمان ديالي عدنان خضير فی حديث للسومرية نيوز، أن إجمالي مبالغ
الجبایة للشهرية التي يتم استحصلها من أفضیة ونواحي المحافظة تزيد عن 800 مليون دينار، 725 مهاقی من
مسکر أدرف.

بكت الحكومة العراقية أطلقت تسمية مديان العراق الجديد علي مسکر أدرف المسکر الرئيسي لمحافظة علق
لإزوية المعاصرة، 55 كم شمال، بقوة بداية آب المائس، والذي يتواجد فيه ما يزيد عن 3 آلاف إیرلی.

سایت السومریه نیوز

برق دیالی: یک چهارم در آمد ما از قرارگاه اشرف است و ادارات اوقاف سنی

و شیعی بدهی های خود را نمی دهند - السومریه نیوز - دیالی

متن خیر: «۲۰۰۹/۱۲/۱۲ - السومریه نیوز - دیالی

اداره برق استان دیالی روز شنبه اعلام کرد که مجموع مبالغ دریافتی از کلیه
شهرکها و ناحیه های استان دیالی در ماه بالغ بر ۸۰۰ میلیون دینار می گردد که ۲۵ درصد
از آن از قرارگاه اشرف تأمین می گردد، و تأکید کرد که ادارات اوقاف سنی و شیعی
در استان دیالی مبالغ هنگفتی به اداره برق بدهی دارند.

مسئول قسمت تبلیغات اداره برق دیالی به نام عدنان خضیر طی گفتگویی با
(السومریه نیوز) گفت که مجموع مبالغ ماهانه دریافتی از شهرکها و ناحیه های استان
بالغ بر مبلغ ۸۰۰ میلیون دینار می باشد که ۲۵ درصد این مبلغ از قرارگاه اشرف تأمین
می گردد.

یکسال محاصره ضدانسانی و جنایتکارانه

از طرف دیگر، یکسال است که ما در محاصره‌ایم، این دولت نمی‌گذارد آرد، نان، ارزاق، تره بار و سوخت و دارو بخریم. آنچه در سرزمین امام حسین! نمی‌گذارد که حتی با پول چند برابر مثل برقمان، سوخت و دارو و ارزاق و آرد و میوه و تره‌بار بخریم، باید از کشورهای عربی، از کشورهای خارجی، از مسیرهایی که بعضی وقتها ۱۷ روز طول می‌کشد، مینیمم مایحتاج ضروری اشرافیان را بخریم. بعد مانع ورود آن به اشرف می‌شوند، جلو قلم و کاغذ را می‌گیرند، می‌گویند چه نیازی داری؟ جلو پارچه را می‌گیرند می‌گویند چه نیازی داری؟ چون جلو غذا، آرد، و حبوبات و تره بار را نمی‌توانند بگیرند، یعنی ملل متحد مانع است. اما تا جایی که بتوانند معطل می‌کنند، تا آنجا که ماشین یخچال دار ظرفیتش تمام می‌شود و اجناس فاسد شدنی شروع به فاسد شدن می‌کند. چون رانندگان می‌گویند ظرفیت این کانتینر یا این ماشین یخچالدار یا همین تجهیزاتی که ما از راههای خیلی دور حمل کرده ایم، برای این مدت زمان نیست. همین کمیته سرکوب، روزها گوشت و تره‌بار را پشت در معطل می‌کند، حتی نمی‌آید چک کند تا وقتی که بیوسد.

این اجناس از راه دور با هزینه هموطنانمان در ایران و در سراسر جهان برای اشرافیان می‌آید، چون خودشان از وقتی این دولت کار انتفاعی آنها را قطع کرده، درآمد مستقلی ندارند. حالا عکس میوه‌ها، هم‌چنین خوراکی و تره‌بار که پوسیده است را لطفاً یکی یکی بنگرید و در همان کتاب وارد کنید تا خلق عراق بدانند که به‌نام شیعه و به‌نام اسلام چه رفتارهایی می‌شود که روح اسلام و روح آزادگان عرب و عراقی از آن بیزار و متنفر است!

با این حال مجاهدین عهد کرده بودند که مانند امیرخیز و مجاهدانش در مشروطه، با علف بیابان و برگ درختان و ریشه گیاهان هم که شده به پایداری پرشکوه خودشان ادامه بدهند تا امروز که دشمنان به زبان اشهدش، رسید فتح مبین را به شما داد. خوب، در دولت امروزی عراق، کدام کس است که بتواند برای زمانی که در فلان پادگان و قرارگاه رمضان و قرارگاه نصر و امثالهم بوده، چنین اسنادی به خلق خودش، به خلق عراق، ارائه بدهد؟ فکر نمی‌کنم که حتی یک مورد بشود پیدا کرد. این خاص مقاومت



مواد غذایی فاسد شده جلو در اشرف در محاصره ضدانسانی
به خاطر تاخیر در تحویل دادن اجناسی که مجاهدین خودشان خریده بودند

ایران و مجاهدین خلق ایران است و شرف و عزت و اعتبارشان (کف زدن حاضران) و تازه آنچه که من گفتم، باور کنید که مشتی از خروار است. وای به روزی که یک دادگاه بین‌المللی یا کمیسیون حقیقت یاب ملل متحد وارد جزئیات و وارد مجموعه اسناد بشود.

دروغپردازی در باره کشتن شیعیان و گُردهای عراقی

نامه هوشیار زیباری

آقای هوشیار زیباری که در زمان برمر، علاوی، جعفری و مالکی تا الان وزیر خارجهٔ عراق است، نامه‌یی به تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۹ به دادگاه هلند نوشته است. زیباری در آنزمان به‌عنوان رئیس روابط بین‌المللی حزب دموکرات کردستان عراق گواهی‌نامه زیر را برای دادگاهی در هلند نوشته که رژیم و مزدورانش در برابر مجاهدین مدعی بودند. در این گواهی آمده است:

«حزب دموکرات کردستان عراق به‌عنوان یک حزب اصلی کردی در قیام بهار سال ۱۹۹۱ در کردستان شرکت و نقش پیشتازی داشت. شهر نفت خیز کرکوک توسط مردم و نیروهای پیشمرگه آزاد شده بود. شایعاتی مبنی بر این که واحدهای مجاهدین به نیروهای عراقی کمک کردند وجود داشت. به علت بی‌نظمی حاکم و تحولات، مشخص نمودن حقیقت مشکل بود. اما هنگامی که رهبری جبهه کردستان درگیر مذاکره با دولت عراق یعنی دولت صدام شد که از آوریل تا سپتامبر ۹۱ طول کشید و شرایط ثبات پیدا کرد، مشخص شد که این شایعات نادرست بوده‌اند. حزب دموکرات کردستان عراق می‌تواند تأیید کند که مجاهدین نه در دوران قیام و نه بعد از آن درگیر سرکوب مردم گرد نبوده‌اند، ما به‌هیچ مدرک و سندی برخوردیم که این را نشان دهد که مجاهدین خصومتی علیه مردم کردستان عراق روا داشته باشند. مجاهدین خلق اهداف سیاسی خود را در ایران دنبال می‌کنند و اعضای آن در امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنند».

UHF-PANASONIC FACSIMILE SYSTEM TELEPHONE NUMBER:
14/07-99 13:56 FAX 020 6703539 KHM/SLVGR

020 6703539

16 Apr. 1999 00:19 P1
04/06/99 15:49 2/1



الحزب الديمقراطي الكردستاني
KURDISTAN DEMOCRATIC PARTY

14 July 1999

Mr M.F. Wijngaarden
Van Den Biesen Prakken Houder
Nieuwe Herengracht 51, 1011 RN Amsterdam
Netherlands

PRIVATE & CONFIDENTIAL, TO BE USED IN COURT AS EVIDENCE

Dear Mr Wijngaarden,

Thank you for your letter of 4 July 1999 regarding your request of information on Mujahedin-E. Khalq organization's activity in Iraqi Kurdistan. I am pleased to answer your questions on this matter.

The KDP as a major Kurdish political party has led and participated in the Kurdish spring uprising of 1991 in Iraqi Kurdistan. The uprising caused the collapse of Iraqi government military, security and administrative structure in the region.


The oil-city of Kirkuk was liberated by the people and Kurdish forces (peshmerga). When the Iraqi troops counter attacked and regained control of Kirkuk and other major cities There were rumors of Mujahedin units assisting the Iraqi troops. But due to disorder of events and development it was difficult to establish the truth. However when the leadership of Kurdistan Front engaged in negotiation with the Government of Iraq (GOI) from April - September 1991 and the situation was stabilized these rumors happen to be untrue.

The KDP can confirm that the Mujahedin were not involved in suppressing the Kurdish people neither during the uprising nor in its aftermath.

We have not come across any evidence to suggest that the Mujahedin have exercised any hostility towards the people of Iraqi Kurdistan. The Mujahedin -E. Khalq has its own political agenda in Iran and its members do not interfere in Iraqi internal affairs.

Warm regards

Sincerely,


Hoshyar Zebari
Head of KDP International Relations

نامه هوشیار زبیری به دادگاه هلند

نامه جلال طالبانی

در رابطه با آقای طالبانی رئیس‌جمهور کنونی، برمی‌گردم به اسفند ماه سال ۱۳۶۲ که ما روابط دوستانه داشتیم و من آنزمان که در پاریس بودم اعضای دفتر سیاسی ایشان را می‌پذیرفتم و تلاش می‌کردیم که دولت قبلی عراق حقوق خودمختاری آنها را در آنزمان به رسمیت بشناسد و بسیار هم از ما در این رابطه سپاسگزار بودند. این نامه به امضای جلال طالبانی، دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان ۳ مارس ۱۹۸۴ است که در همان زمان به زبانهای مختلف منتشر شده از جمله در نشریه مجاهد و نشریات خارجی. نامه خطاب به خود من است:

«با سلام گرم انقلابی، به نام دفترسیاسی اتحادیه میهنی کردستان به جنابعالی و از طریق شما به برادران در سازمان مجاهدین خلق ایران سلامها و بهترین آرزوها را تقدیم می‌کنم و برای شما در مبارزه عادلانه‌تان علیه داوردسته مرتجعینی که بر خلق برادر ایران تسلط یافته است، آرزوی موفقیت می‌نمایم. با تشکر فراوان پیام برادرانه‌یی را که برایمان ارسال نموده بودید و در آن احساسات دوستانه‌تان را در رابطه با بردرانتان در اتحادیه میهنی کردستان پیشتاز جنبش آزادیبخش و عادلانه خلق مبارز کرد برای احقاق حقوق دموکراتیک و ملی‌اش در چارچوب وحدت ملی عراق بیان داشته بودید، دریافت کردم (پس تأیید می‌کنید که ما از آن زمان احقاق حقوق دموکراتیک و ملی مردم کردستان عراق را در چارچوب وحدت ملی عراق می‌گفتیم). برادر ارجمند،

اتحادیه میهنی کردستان منبعث از ایمان اصولی استوارش به ضرورت یکپارچگی مبارزاتی بین نیروهای مترقی و انقلابی خلقهایمان در خاورمیانه، آمادگی دائمی خود را برای تحکیم مبارزاتی بین سازمان مجاهدین خلق و اتحادیه میهنی مورد تأکید قرار می‌دهد، این فرصت را مغتنم شمرده و آرزوهای خود را برای پیروزیتان به اتفاق دیگر نیروهای انقلابی ایران علیه حکومت مرتجع ایران و تحقق هدفهای دموکراتیک و استقلال ملی و محقق کردن خودمختاری برای کردستان ایران تکرار می‌نمایم. مایلیم به اطلاعاتان برسانیم که رهبری اتحادیه میهنی کردستان به گفتگوهایش با دولت عراق در جهت دستیابی به دموکراسی و خودمختاری برای کردستان به‌نحوی که وحدت ملی

عراق را تحکیم بخشد، ادامه می‌دهد که در آنصورت کردستان عراق را پایگاه پشتیبانی و حمایت برای مبارزات تمامی نیروهای مترقی ایرانی قرار خواهیم داد. (یعنی در همان زمان با دولت عراق در حال گفتگو بوده و این را به اطلاع ما رسانده است).
درخاتمه ضمن این که در احساسات شما نسبت به تأسف باری و مصائب جنگ ویرانگر بین ایران و عراق سهیم هستیم؛ جنگی که در خدمت هیچکس جز استعمار و صهیونیسم و ارتجاع نیست، آرزومندی و رغبت خود را به پایان یافتن آن در اسرع وقت بر اساس مصالح مشروع خلقهای ایران و عراق و بدون هرگونه ملحق کردن یا اشغال کردن اراضی و با رعایت استقلال ملی و حق خلقها در تعیین سرنوشتشان توسط خودشان بدون دخالت خارجی و تحمیل رژیم مرتجع بر آنها ابراز نماییم. هم‌چنین بر شما پوشیده نیست که تلاش باند مرتجع خمینی در تحمیل سلطه دیکتاتوری مطلقش زیر پرده ولایت فقیه علیه خلقهای مسلمان خطر بزرگی را علیه مبارزات این خلقها در جهت زندگانی پیشرفته عصر و ترقی و پیوستن به کاروان تمدن جهانی به‌وجود می‌آورد.
بهترین احترامها و آرزوهای ما را قبول فرمایید.

برادر مخلص شما جلال طالبانی

دبیرکل اتحادیه میهنی کردستان

سوم مارس ۱۹۸۴»

الاتحاد الوطني الكردستاني
المكتب السياسي

الاخ الكريم مسعود الرجوى المحترم

تحية ثورية حارة

باسم المكتب السياسي للاتحاد الوطني الكردستاني أتقدم لسيدتكم وعن طريقكم الى الاخوة في منظمة مجاهدي خلق ايران بالتحيات والتعنيات الطيبة * واجين لكم التوفيق في نضالكم العادل ضد الطغمة الرجعية الحصلطة على رقاب الشعب الايراني الشقيق * لقد تصلنا شاكرين رسالتكم الاخوية العجيبة اليها والتي اعينتم فيها عن مشايركم الكريمة تجاه أخوكم في الاتحاد الوطني الكردستاني وحيال الحركة التحررية العادلة للشعب الكردي المناضل من اجل حقوقه الديمقراطية والقومية، ضمن الوحدة الوطنية العراقية *

ايها الاخ الفاضل

ان الاتحاد الوطني الكردستاني انطلاقاً من ايمانه العمدي الراسخ بضرورة التلاحم الكلاص بين القوى التقدمية والثورية لشعبنا في الشرق الاوسط * يؤكد لكم استعدادنا الدائم لتعزيز العلاقات الثنائية بين منظمة مجاهدي خلق والاتحاد الوطني الكردستاني * ونعتمد المناسبة لتكثير لكم تعنياتنا بانتصاركم مع سائر القوى الثورية الايرانية على الحكومة الرجعية الايرانية وتحقيق اهدافكم في الديمقراطية والاستقلال الوطني وتحقيق الحكم الذاتي لكردستان ايران *

ولود ان نحيطكم علماً بان قيادة الاتحاد الوطني الكردستاني تسعى بحوارها مع الحكومة العراقية الى تحقيق الديمقراطية والحكم الذاتي لكردستان ما يحزز الوحدة الوطنية العراقية * وحيث سنجعل من كردستان العراق قاعدة اسناد ودعم لنضالات جميع القوى التقدمية الايرانية *

وخطاً ان تشاركنم الشعور بآسوس وبيانات الحرب العدمية بين ايران والعراق * هذه الحرب التي لا تخدم الا الاستعمار والصهيونية والرجعية * نعبون عن تعنياتنا وريغتنا في انهاء ما باسرع وقت ممكن * على اساس المصالح المشروعة للشعب الايرانية والعراقية و دون الحاق او احتلال للاراضي ومع مراعاة الاستقلال الوطني وحقوق شعبنا في تقرير مصيرنا بانفسنا دون تدخل خارجي او فرضي لاطاعة رجعية عليها * * * اذ لا يخفى عليكم ان سعي الطغمة الخمينية الرجعية في فرض سلطتها الدكتاتورية العطلق تحت ستار ولاية الفقيه على الشعب المسلمة يشكل خطراً كبيراً على نضالات هذه الشعوب من اجل التحرر والديموقراطية وحق تقرير مصيرها بنفسها * ومع تطلعات هذه الشعوب نحو الحياة العصرية المتعددة والمعدمة وللحاق بركب الحضارة العالمية *

وتقبلوا بقبول احتراماتنا وتعنياتنا الطيبة

اخوكم العظمى

جلال الطالبستاني

الامين العام للاتحاد الوطني الكردستاني

١٩٨٤ / ٣ / ٣

نامه جلال طالباني



...of regret, spreading a creeping paralysis throughout his military-police apparatus."

Ali Zarkesh, Mojahedin's Politico-military Commander inside Iran

Stand of National Council of Resistance on Tudeh Party of Iran

National Council of Resistance (Iran) announces : Statement

The National Council of Resistance (NCR) has declared its position with regard to the Tudeh Party of Iran. Categorized under seven articles, the position was recently explained by Mr Rajavi, the NCP Chairman and spokesman, in an interview that was held to answer questions posed by news agencies. The NCR Secretariat on March 26 announced the position and gave the following explanation.

Explanation of NCR Secretariat

Recently, numerous questions have been posed to the representations and Secretariat of the National Council of Resistance about the rumour of the Tudeh Party's membership in the NCR. This rumour has no truth in it whatsoever, and is totally baseless in terms of the official procedure of "membership" and the acceptance of new members...

About the Tudeh Party and the NCR's position

The NCP Chairman, Mr Rajavi, has summed up the issue as follows: "As we have frequently said before, the Tudeh Party has collaborated with the Khomeini regime against the Iranian Resistance. According to the statements made by the Party's leadership (before the attack), it has cooperated with the Khomeini regime in cracking down on us. This Party has even demanded the execution of the leadership cadres of the Resistance inside the country, we, however, on the other hand, have...

Letter of Mr Jalal Talebani, leader of Patriotic Union of Kurdistan (Iraq), to Mr Rajavi

It is not hidden to you that the efforts of a handful of reactionary forces to impose their political dictatorship upon the Shakesh people through the use of violence against the people of this people are destined to be crushed. The right to self-determination has also created the prospect of these peoples leading the advanced life of this age, with its progress and creating the world's new civilization.

As in the present circumstances the co-operation between Mr Abolhasan Bani-Sadr and the National Council of Resistance seems impossible in practice within the frameworks of the NCR, it was deemed proper that the political coalition between the two sides in its present form should be brought to an end.

Mr Abolhasan Bani-Sadr and the National Council of Resistance hope that in the same way that the co-operation and alliance between them in the past two years and eight months has marked a good precedent in the struggles of the Iranian people, its honourable and friendly termination would also be another fine tradition in the history of political coalition in our homeland.

It is evident that Mr Bani-Sadr and the National Council of Resistance, while expressing mutual appreciation for the past actions...

Iran Liberation logo and text: "Extrait de l'interview de M. Ali Zarkesh, commandant politico-militaire des Modjahedines a l'interieur de l'Iran relate par la revue 'Time' Lire page 4 7FF" and "N°113" and "Annuaire de l'Union des Associations des Etudiants Musulmans Iraniens a l'Etranger/Sympathisants des MODJAHEDINS du Peuple d'Iran/Vol. 6 Avril 1984"

Lettre de M. Djalal Talebani, leader de l'Union Patriotique du Kurdistan (Irak), adressée a M. Radjavi

"... Comme vous n'êtes pas sans le savoir, l'effort déployé par le régime réactionnaire de Khomeini pour imposer sa dictature et destruction absolue sous le couvert d'une 'souveraineté religieuse', à l'encontre des peuples musulmans, représente un grave danger pour le sort de ces peuples pour la liberté, la démocratie et le droit à l'auto-détermination, et pour l'avenir de ces peuples dans la voie de l'évolution et du progrès pour prendre au monde le train de la civilisation mondiale."

نامه جلال طالبانی در نشریه ایران لیبراسیون انگلیسی و فرانسوی

خوب، آن از وزیر خارجه کنونی عراق از حزب دموکرات کردستان عراق، اینهم رئیس‌جمهور کنونی عراق از یکتی و از اتحادیه میهنی. رژیم ولایت فقیه هم که همان است، بدتر شده که بهتر نشده، مجاهدین هم که هدفهایشان همان است؛ دموکراسی هم اگر خوب است، آخر برای مردم ایران هم خوب است.

پس آقای مالکی، همچنان که یکبار آیت الله قاسمی - که او را همین عوامل رژیم به‌خاطر روابطش با مجاهدین ترور کردند و شما سکوت کردید - گفت؛ خوب اگر کسی بخواهد مجاهدین را به‌خاطر آمدن به‌عراق مؤاخذه کند، اول ما باید خودمان را مؤاخذه کنیم که چرا پیش رژیم ایران رفتیم. مطمئن باشید که در جهان هیچ نمونه‌یی بالاتر و برتر از نمونه استقلال و پاکیزگی سیاسی مجاهدین در این سالیان در عراق نبوده است؛ چه در دولت قبلی، چه در دولت بعدی و چه در رابطه با آمریکاییها. این منطق خلقی است که رشیدترین و عزیزترین فرزندان را برای آزادی مایه گذاشته، لابد که از پس هزینه‌های آنها هم برمی‌آید. بگذریم که مجاهدین عهد کرده اند - از شب عید، از بهار یک - که اگر لازم باشد مثل مردم تبریز در جریان مشروطه علف بیابان و ریشه گیاهان و برگ درختان هم خواهند خورد، اما در برابر رژیم نامشروع آخوندی زانو نمی‌زنند. زانو زدن ارزانی مزدوران همین رژیم باد، هیهات منا الذله (کف زدن جمعیت با شعار هیهات منا الذله).

فصل سوم

اذعان و پافشاری بر حقوق قانونی

حالا نکته دیگری هم از همین حرفهای سرکرده نیروی تروریستی قدس در عراق بگویم که علاوه بر آن ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در خرداد سال ۱۳۸۸، سه میلیون شیعیان عراق هم خواستار اخراج و بستن دکانش شده بودند؛ دکان جاسوسی و شرارت و جنایت... سوخته و درمانده از این که به اتوبوسها و مینی بوسهایش حتی یک نفر هم سوار نشده است. در حالی که ساعتها جلو ۵۰ خبرنگار و فیلمبردار بلندگوهای نظام نعره می کشیده و اطلاعیه می انداخته که بیایید ما شما را ببریم جای بهتر، ببریمتان خارجه و ببریم اروپا و حرفهایی از این قبیل، سوخته و درمانده از بر باد رفتن خام خیالیها با کینه شتری و حیوانی که خواب پنبه دانه بی اش تعبیر معکوس شده است. می گوید خانواده های اینها آمده اند و به صلیب گفته اند منظورشان خانواده های وزارت اطلاعات است نه خانواده های ما - که بخش زیادی از اینها نادم و فریب خورده اند و می خواهند خلاص بشوند! و باز هم می خواهد این چنین صورت خود را با سیلی سرخ بکند.

بسیار خوب، من یک گزارشی داشتم از داخل ایران بعد از این که اخیراً همین ماه گذشته، آن خانواده ها را رژیم آورد و مجاهدین گفتند:

اولاً - ما بیرون قرارگاه ملاقات نمی کنیم.

ثانیاً - هر کس که ملاقات می خواهد بیاید داخل اشرف.

بعد هم در مصاحبه‌های خواهران و برادرانمان در ماهواره فهمیدیم که اطلاعات آخوندها چه فضیحتی به‌بار آورده است. حتی وزارت بدنام نمی‌گذاشته که یکساعت هم تلفن‌دستی‌هایی که جدید به این خانواده‌ها داده بود، بیکار بماند. در وسط ملاقات هم این مزودر یا آن مزدور از اوین یا از فلان هتل در بغداد زنگ می‌زده که یک وقت اینها بند را آب ندهند...

تعهد آمریکا به حفاظت از اشرف تا فرجام نهایی

خوب، حالا حرف ما و حق ما چیست؟ بعد از یکسال تجربه با این دولت عراق، بعد از این همه کشتار و خونریزی و اعتصاب و گروگانگیری و محدودیت و محاصره و اذیت و آزار و ممنوعیت دیدار با خانواده‌ها و وکلا و سازمانهای بین‌المللی و بعد از تحریم سوخت و دارو و خرید ارزاق و ممنوعیت کار انتفاعی، و بعد از این همه تهمت و افترا، حرف ما و حق ما چیست؟

قبل از هر چیز، آمریکا که سند وزارت خارجه آن را نشان دادم، هم‌چنان که همه حقوقدانان و وکلا و پارلمان‌تها و سازمانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر می‌گویند، می‌باید در برابر آن همه سلاح که گرفته، بعد از آن همه بمباران، بدون این که ما در این جنگ شرکت داشته باشیم و یک گلوله شلیک کرده باشیم، بعد از ۱۶ ماه تحقیقات و اسکرین و بعد از این که کنوانسیون چهارم ژنو را به رسمیت شناخت و در گزارش وزارت خارجه هم رسماً به آن اذعان کرده است، نبایستی نقض عهد کند.

طبق موافقتنامه‌یی که با تک‌تک ساکنان اشرف جداگانه امضا کرده است، باید حفاظت آنها را تا فرجام نهایی یعنی تا روز آخری که به‌هر دلیلی در عراق هستند، خودش به‌عهده بگیرد والا سابقه بسیار بدی از نقض عهد باقی می‌گذارد.

به این موافقتنامه نگاه کنید:

چکیده آن را می‌خوانم:

**AGREEMENT FOR THE INDIVIDUALS OF THE PEOPLE'S MUJAHEDIN
ORGANIZATION OF IRAN (PMOI)**

You are being offered your release from control and protection in exchange for your promise to comply with certain conditions. In exchange for your promises, you will be released from Multi-National Forces-Iraq control and protection as soon as reasonably practicable.

Please read the Agreement below. If you agree to abide by these terms, then sign your name at the bottom of the page.

AGREEMENT

I, _____, knowingly, willingly, and voluntarily enter into this Agreement with Multi-National Forces-Iraq. I agree to the following:

- a. I reject participation in, or support for terrorism.
- b. I have delivered all military equipment and weapons under my control or responsibility.
- c. I reject violence and I will not unlawfully take up arms or engage in any hostile act. I will obey the laws of Iraq and relevant United Nations mandates while residing in this country.

I understand that I will be free to leave and to return home when viable disposition options become available. I understand that some of these disposition options include: return to my nation of origin; admission to a third country; application to the Ministry of Displacement and Migration for continued residency in Iraq; or application to international organizations such as the United Nations High Commissioner for Refugees. I agree to cooperate with Multi-National Forces-Iraq while these disposition options are pursued. I agree to remain under the protection of Multi-National Forces-Iraq at Camp Ashraf until these options are completed. If I violate any terms of this Agreement, I may be subject to prosecution or internment, and administrative sanctions. I promise to scrupulously comply with my Agreement.

SIGNATURE NAME (PRINTED) IDENTITY NUMBER

DATE PRINTED NAME, RANK MNF-Iraq Representative

توافقنامه آمریکا با تک تک ساکنان اشرف

موافقتنامه افراد سازمان مجاهدین خلق ایران

- الف - من شرکت و حمایت از تروریسم را رد می‌کنم.
- ب - تمامی تجهیزات نظامی و اسلحه که تحت کنترل یا مسئولیت من بوده است را تحویل داده‌ام.
- ج - خشونت را رد کرده و به طور غیرقانونی سلاح برنخواهم داشت... بعد، به گزینه‌های مختلف اشاره شده؛ این که مثلاً اگر کسی دلش خواست برود به ایران، یا کشور ثالث، یا در عراق بماند. اما در هر حال امضاکننده تصریح می‌کند که: موافقت می‌کنم تا فرجام نهایی و محقق شدن گزینه‌ام تحت حفاظت نیروهای چندملیتی - عراق در کمپ اشرف باقی بمانم.

اعلامیه فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق

قبل از امضای همین موافقتنامه اعلامیه فرمانده نیروهای چند ملیتی در عراق در تاریخ ۲ ژوئیه ۲۰۰۴ تأیید می‌کند که ساکنان اشرف از «استاتوی» افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو برخوردارند و می‌گوید این مطلب را به صلیب سرخ هم ابلاغ کرده است.



HEADQUARTERS
MULTINATIONAL FORCE - IRAQ
BAGHDAD, IRAQ
APO AE 09122-1000

*Proclamation by the Commander, Multi-National Forces –
Iraq, on the Signing of the "Agreement for the Individuals of the
People's Mujahedin Organization of Iran (PMOI)" at Ashraf,
Iraq*

To the residents of Ashraf

The United States has confirmed your status as "protected persons" under the Fourth Geneva Convention and has communicated that determination to the International Committee of the Red Cross in Geneva. The acknowledgement of this determination will assist in expediting the efforts of the International Committee of the Red Cross and the United Nations High Commissioner for Refugees in your disposition as individuals in accordance with applicable international law.

2 July, 2004

اعلامية فرمانده نیروهای چندملیتی در عراق - ژوئیه ۲۰۰۴

حفاظت از اشرف توسط سازمان ملل

حالا اگر آمریکا نمی‌خواهد به امضای خودش وفادار بماند، حرف ما، رک و روشن این است که نیروهای ملل متحد باید حفاظت اشرف را به‌عهده بگیرند. البته قبل از این گفتیم که اگر رژیم اعلام کند و به سازمانهای بین‌المللی تضمین مکتوب بدهد که این مجاهدین اشرف از پیگرد و اعدام و شکنجه و دستگیری مصونیت دارند و هم‌چنین از آزادی بیان در داخل میهن خودشان برخوردارند، ضمن ۴۸ ساعت همه اشرفیان با خودروها و اموال منقولشان به ایران می‌روند. طبعاً این اولین انتخاب ما بوده و هست و خواهد بود.

اما اگر رژیم چنین جرأت و ظرفیتی ندارد، پس دیگر راه حل انتقال افراد به کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌صورت داوطلبانه است.

ولی در هر حال، در هر تابلو و هر چشم‌انداز مفروض، ما خواهان این هستیم که حفاظت اشرف از طرف ملل متحد بر عهده گرفته شود. بنابراین مصرانه روی موارد زیر تأکید می‌کنیم، چون حق ماست، حق قانونی ماست:

۱ - بر عهده گرفتن حفاظت ساکنان اشرف توسط ملل متحد به‌خاطر این است که دولت عراق نه نیت، نه توان و نه صلاحیت حفاظت از اشرف را دارد و این را اثبات کرده است.

۲ - تضمین عدم حمله و خشونت و جابه‌جایی در داخل عراق از طرف نیروهای آمریکایی.

۳ - التزام دولت عراق به‌حق و حقوق ساکنان اشرف طبق قطعنامه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ پارلمان اروپا تا زمانی که در عراق هستیم.



EUROPEAN PARLIAMENT

2009 - 2010

Humanitarian situation of Camp Ashraf Residents

TEXT ADOPTED

at the sitting of

Friday
24 April 2009



Strasbourg

PE_TA(2009)0311

FINAL EDITION

PE 425.403

EN

United in diversity

EN

6_TA (2009)0311

European Parliament resolution of 24 April 2009 on the humanitarian situation of Camp Ashraf residents

the European Parliament,

having regard to the Geneva Conventions and notably Article 27 of the Fourth Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War,

having regard to the Geneva Convention of 1951 relating to the Status of Refugees and the 1967 Protocol thereto,

having regard to the Status of Forces Agreement between the US and Iraqi Governments, signed in November 2008,

having regard to its resolution of 12 July 2007 on the humanitarian situation of Iraqi refugees¹ and its resolution of 4 September 2008 on executions in Iran², which include references to Camp Ashraf residents having legal status as protected persons under the Fourth Geneva Convention,

having regard to Rule 115(5) of its Rules of Procedure,

whereas Camp Ashraf in Northern Iraq was established during the 1980s for members of the Iranian opposition group People's Mujahedin Organisation of Iran (PMOI),

whereas in 2003 US forces in Iraq disarmed Camp Ashraf's residents and provided them with protection, those residents having been designated "protected persons" under the Geneva Conventions,

whereas in a letter dated 15 October 2008 the UN High Commissioner for Human Rights urged the Iraqi Government to protect Camp Ashraf residents from forcible deportation, expulsion or repatriation in violation of the non-refoulement principle, and to refrain from any action that would endanger their life or security,

whereas following the conclusion of the US/Iraqi Status of Forces Agreement, control of Camp Ashraf was transferred to the Iraqi security forces as of 1 January 2009,

whereas, according to recent statements reportedly made by the Iraqi National Security Advisor, the authorities intend gradually to make the continued presence of the Camp Ashraf residents "intolerable", and whereas he reportedly also referred to their expulsion/extradition and/or their forcible displacement inside Iraq,

Urges the Iraqi Prime Minister to ensure that no action is taken by the Iraqi authorities which violates the human rights of the Camp Ashraf residents and to clarify the Iraqi government's intentions towards them; calls on the Iraqi authorities to protect the lives and treat them in

accordance with obligations under the Geneva Conventions, in particular by refraining from forcibly displacing, deporting, expelling or repatriating them in violation of the principle of non-refoulement;

2. Respecting the individual wishes of anyone living in Camp Ashraf as regards his or her future, considers that those living in Camp Ashraf and other Iranian nationals who currently reside in Iraq having left Iran for political reasons could be at risk of serious human rights violations if they were to be returned involuntarily to Iran, and insists that no person should be returned, either directly or via a third country, to a situation where he or she would be at risk of torture or other serious human rights abuses;
3. Calls on the Iraqi Government to end its blockade of the camp, to respect the legal status of the Camp Ashraf residents as protected persons under the Geneva Conventions, and to refrain from any action that would endanger their life or security, i.e. to afford them full access to food, water, medical care and supplies, fuel, family members and international humanitarian organisations;
4. Calls on the Council, the Commission and the Member States, together with the Iraqi and US Governments, the UN High Commissioner for Refugees and the International Committee of the Red Cross, to work towards finding a satisfactory long-term legal status for Camp Ashraf residents;
5. Instructs its President to forward this resolution to the Council, the Commission, the Governments and Parliaments of the Member States, the UN High Commissioner for Refugees, the International Committee of the Red Cross, the Government of the United States of America and the Government and Parliament of Iraq.

PE 425.403/1

EN

پارلمان اروپا
وضعیت انسانی ساکنان کمپ اشرف
متن مصوب در اجلاس جمعه ۲۴ آوریل ۲۰۰۹

قطعنامه پارلمان اروپا طبق ماده ۱۱۵ مقررات پرسدوری در مورد وضعیت انسانی ساکنان قرارگاه اشرف
پارلمان اروپا:
با توجه به کنوانسیونهای ژنو و به طور خاص ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو در مورد موقعیت حقوقی افراد حفاظت شده،
با توجه به کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ مربوط به موقعیت پناهندگی و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷،
با توجه به توافقنامه موقعیت نیروها (سופا) که بین دولتهای آمریکا و عراق در نوامبر ۲۰۰۸ به امضا رسیده است،
با توجه به قطعنامه های خود در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۷ و ۴ سپتامبر ۲۰۰۸ از جمله این که اشاراتی شده است که ساکنان قرارگاه اشرف از موقعیت حقوقی افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو برخوردار هستند،
با توجه به ماده قانونی شماره ۱۱۵ از قوانین پرسدوری،
الف- در حالی که قرارگاه اشرف در شمال عراق در طی دهه ۱۹۸۰ به عنوان محل اقامت اعضای گروه اپوزیسیون سازمان مجاهدین خلق ایران تشکیل شده است،
ب- در حالی که در سال ۲۰۰۳ نیروهای آمریکایی در عراق ساکنان اشرف را خلع سلاح کردند و به آنها حفاظت دادند، ضمن این که به عنوان "افراد حفاظت شده" تحت کنوانسیونهای ژنو نامگذاری شدند،
پ- در حالی که کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل در نامه مورخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۸ از دولت عراق مصرا خواستار حفاظت ساکنان اشرف از اخراج اجباری، اخراج یا بازگرداندن آنان که ناقض اصل نان رفولمان می باشد و خویشتنداری از هر اقدامی که جان و امنیت آنان را به خطر می اندازد، شده بود،

ت- در حالی که بعد از توافقنامه سوفیا بین آمریکا و عراق قرارگاه اشرف به کنترل نیروهای امنیتی عراقی از اول ژانویه ۲۰۰۹ بازگشته است،

ث- در حالی که مطابق اظهارات اخیری که گفته می شود مشاور امنیت ملی عراق نموده و بر آن اساس مقامات قصد دارند به تدریج ادامه حضور ساکنان قرارگاه اشرف را «غیرقابل تحمل» کنند و در حالی که گفته می شود او هم چنین به اخراج، سترداد و یا جابه جایی اجباری آنها در داخل عراق اشاره کرده است،

۱- از نخست وزیر عراق مصرأ می خواهد تا تضمین کند که هیچ اقدامی توسط مقامات عراقی صورت نگیرد که حقوق بشر ساکنان قرارگاه اشرف را نقض کند و هم چنین مقاصد دولت را نسبت به آنان روشن سازد. از مقامات عراقی می خواهد که از جان و تمامیت فیزیکی و روانی ساکنان قرارگاه اشرف حفاظت کند و با آنها طبق تعهدات تحت کنوانسیونهای ژنو رفتار کند و به خصوص آنها را به طور اجباری جابه جا، دیپورت یا اخراج نکند که ناقض اصل نان رفولمان می باشد.

۲- با احترام به خواست فردی کسانی که در کمپ اشرف زندگی می کنند، نسبت به آینده خودشان، معتقد است که کسانی که در کمپ اشرف زندگی می کنند و دیگر ایرانیانی که اکنون در عراق سکونت دارند و ایران را به دلایل سیاسی ترک کرده اند در صورت بازگشت غیر داوطلبانه به ایران با ریسک جدی نقض حقوق بشر روبه رو هستند، و تأکید می کند که هیچ شخصی نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وضعیتی برگردانده شود که می تواند در معرض تهدید شکنجه قرار گیرد و یا با نقض سایر حقوق مواجه گردد،

۳- از دولت عراق می خواهد که به محاصره کمپ اشرف خاتمه دهد و موقعیت قانونی ساکنان کمپ اشرف به عنوان «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهار احترام بگذارد و از هرگونه اقدامی که جان یا امنیت آنها را به خطر می اندازد خودداری نماید. بدین معنی که آنها دسترسی کامل به غذا، آب، خدمات درمانی، تدارکات، سوخت، اعضای خانواده و سازمانهای انساندوستانه بین المللی دسترسی کامل داشته باشند.

۴- از شورا و کمیسیون و کشورهای عضو می خواهد که همراه با دولتهای عراق و آمریکا و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و کمیته بین المللی صلیب سرخ در جهت

یافتن موقعیت قانونی دراز مدت که برای قرارگاه اشرف و ساکنان آن رضایتبخش باشد، کار کنند.

۵- رئیس خود را موظف می‌کند که این قطعنامه را به شورا، کمیسیون، دولت‌ها و پارلمان‌های کشورهای عضو، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دولت ایالات متحده و دولت‌ها و پارلمان‌های عراق، ارائه نماید.

فصل چهارم

شکست رژیم در کارزارهای سیاسی و حقوقی

گزارشی از شکست مفتضحانه

حربه کتیف به کارگیری خانواده علیه فرزندان

خواهر فرشته، آیا شما آن گزارش درونی رژیم مربوط به خانواده های وزارتی را را دارید که بخوانید؟

فرشته یگانه: بله گزارش دارم؛ بعد از این که در ۹ آبان هشت خانواده به اشرف آمده بودند و همه در جریان قضیه هستند، گزارشی از داخل رژیم به دستمان رسیده که در واقع این موضوع را جمع زده بودند؛ هم آمدن این تعداد خانواده را و هم کل کاری را که وزارت بدنام تحت عنوان همین شعبه اش - به نام انجمن نجات - این کارها را انجام می دهند. یک قسمتهایی از گزارش قابل توجه بود که می گویم:

در این گزارش آمده که انجمن نجات اصفهان که در ظاهر کارها را دنبال می کرده و در هماهنگی با وزارت، این خانواده ها را راهی کرده، سراغشان رفته و به آنها وعده داده که شما را عراق می بریم و شما بروید کارهای اینها را دنبال بکنید. گزارش می گوید اینها را ما با هواپیما به عراق فرستادیم، آنها را به زیارت نبردیم و مستقیم به اشرف فرستادیم. به هتلی و جایی هم نبردیم و تمام مدت در کمپ عراقیها بودند. این ماجرا از نهم آبان شروع شد و تا سیزدهم آبان ادامه داشت. گزارش می گوید بعد از چند روز مجاهدین خانواده ها را می بینند و در بدو ورود به این خانواده ها اعتراض می کند که برای چه آمدید؟ چرا خانه ما را که قرارگاه اشرف باشد به کمپ دشمنان فروختید؟ (چون عراقیها نمی گذاشتند اینها وارد بشوند). بعد به یکی از این خانواده ها اشاره می کند که می گوید: این خانم به فرزندش به صورت

رمزی و صحبت و اینها می گوید بیا برویم و او می گوید باشد من می آیم ایران، ولی یک پیام دارم که تو آن را ببری به دولت ایران بگویی. این که ما به شرطی می آییم که سرچهار راهها روزنامه هایمان را بفروشیم و بعد می گوید وسط این دبدار آقای خدابنده که منظورش همین مزدور ابراهیم خدابنده است، تماس می گیرد و پسر این خانم گوشی را برمی دارد و می فهمد که خدابنده است که بعد از همانجا به مادرش اعتراض می کند و می گوید تو داری با چه کسی کار می کنی؟ چرا من را به نظام فروختی؟ و بعد برایش ماجراهای انتخابات را توضیح می دهد، داستانهای کهریزک را می گوید و در مورد نظام حرفهای زیادی می زند. بعد، این گزارش در ادامه اشاره می کند که وزارت اطلاعات سرخورده شده، چون خیلی روی این خانواده ها سرمایه گذاری کرده بود و در جمع بندی گفت که این خانواده ها نتوانستند در مقابل بچه هایشان آنچه را که ما گفتیم انجام بدهند و وزارت به آنها گفته شما کاری را که می خواستیم نتوانستید بکنید. ما نفری می خواستیم مثل برخی خانواده ها که بیفتد وسط و خودش را فدا کند و هر کاری از دستش برمی آید انجام دهد و بتواند اینها را با خودش بیاورد، ولی شما نتوانستید. به همین دلیل هم در برگشت، وزارت می گوید به هیچکدام از اینها لازم نیست خدمات بازگشت به ایران بدهید، بگویند خودشان بیایند. یعنی هواپیمایی در کار نبوده و به این خانواده ها می گویند خودتان از راه زمینی و از مرز خسروی بیایید. بعد هم وزارت اطلاعات گفته: خانواده هایی که رفتند، ظاهراً نتوانستند کاری از پیش ببرند و بین خودشان هم اختلاف پیش آمد. بعد ما جمع زدیم نتیجه کار خیلی منفی بوده است. در گزارش آمده که مجاهدین بعد از این داستان یک میزگرد تشکیل دادند (که منظور همین برنامه یی است که خواهران سوسن و برادرانمان داشتند و این ماجرا را افشا کردند) و گفتند که این کار خیانت است.

در ادامه این گزارش، از وضع به اصطلاح شعبه انجمن نجات یک گزارش می دهد و می گوید که انجمن نجات الان دست ابراهیم خدابنده است. بعد ماجراهای ابراهیم خدابنده را می گوید که در سوریه دستگیر شده و به اصطلاح زندانی است. ولی نه به آن معنا بلکه تحت الحفظ است، این نفر اصلی است که ما در تمامی محفلها و صحبت های عمومی و خصوصی از او استفاده می کنیم؛ او را طرف حساب روزنامه های مختلف اروپایی و آمریکایی می کنیم، با او به ملاقات می رویم. ملاقاتهایی هم با سازمان ملل و اما نیکلسون و سفیر انگلیس و محمد

شیخ، سفیر عراق در ایران و حتی با اشتوگر، رئیس صلیب سرخ در ایران برایش ترتیب داده‌ایم.

در ادامه گزارش هم می‌گوید: انجمنی هم در انگلیس هست که آن یکی برادرش یعنی مسعود خدا بنده آن را اداره می‌کند.

در مورد نجات هم می‌گوید که ما دیگر نمی‌توانیم آن وعده و وعیدهای سابق را بدهیم. یک سائیتی هم داریم که به صورت مخفی کار می‌کند که اغلب از نفراتی هستند که بعد از بازجوییها خودشان را در اختیار وزارت اطلاعات قرار داده‌اند. الان هم این نفرات به صورت مستمر با بازجوییهاشان در تماس هستند و به دلیل سوء پیشینه‌شان حق ورود به دانشگاههای سراسری و آزمونهای ورود به مراکز دولتی را ندارند. الان هم تحت‌الحمايه بسیاری از ارگانها مثل وزارت هستند و وثیقه‌های کلانی هم از آنهايي که خواسته‌اند خارج بشوند، گرفته‌اند.

در ادامه گزارش و در انعکاس از این خانواده‌ها گفته: اینهایی که رفتند بچه‌هایشان را دیدند، می‌گویند به نظر می‌آید این سازمان را یک مغزی که آقای رجوی باشد اداره می‌کند. من سوگند می‌خورم که اگر کویر قم و یزد و بیابانهای ایران را دست اینها بدهید، این مرد با استعداد، با طرز تفکر و نفوذ و جاذبه‌یی که ما دیدیم روی این بچه‌ها دارد، همه‌جا را گلستان می‌کند (دست زدن جمعیت).

آنچه که ما از اینها فهمیدیم، اینها آدمهای بسیار سرسختی هستند؛ اگر بیابانها دستشان باشد یک سانتش خالی نمی‌ماند و همه را مزرعه سر سبز می‌کنند.

بعد هم اشاره می‌کند به این که در وزارت خارجه یک رابطی با وزارت اطلاعات گذاشته‌اند که اگر خانواده‌یی بخواهد به عراق برود. این فرد می‌آید خانواده را تخلیه می‌کند، یعنی بخش امور بین‌الملل وزارت خارجه با وزارت اطلاعات در همکاری هستند و در هماهنگی با اینهاست که فرد می‌تواند برود به عراق.

ما بریدگان اینها را که از عراق به ایران آمدند در انجمن نجات سازماندهی کردیم که نشان بدهیم از وزارت فاصله دارند. اما عملاً این طوری نشد، افرادی را آوردیم که از سازمان بریده بودند یا دستگیر کرده بودیم؛ برخی از آنها در جریان عملیات یا عده‌یی خودشان آمدند خودشان را معرفی کردند که با منافقین بودند. ما اینها را آزادی مشروط دادیم، یعنی شرط

گذاشتیم که اگر برای وزارت اطلاعات فعالیت کنند، آزاد هستند، ولی بچه‌های اطلاعات و بازجویانشان مرتب با آنها در تماس هستند و گزارش می‌گیرند. علتش این است که اینها سوء پیشینه دارند، به زنهایشان در همین زندان شوهر دادیم - یعنی همان پاسدارها را - و به مردهایشان هم زنهای مورد اطمینان خودمان را دادیم، گفتیم مرخصی می‌توانند بروند، اما باید هنوز پیش ما باشند. آنهايي را هم که خارج فرستادیم وثیقه‌های کلان و مصاحبه و نوشته و اسناد و مدارک گرفتیم که وقتی خارج رفتند، اگر دست از پا خطا کردند و دوباره تحت تأثیر نفاق قرار گرفتند، بتوانیم حسابشان را برسیم....

نتیجه مزدوری و تیز کردن تیغ جلاد

البته آخر عاقبت آن به‌همین جا ختم نمی‌شود، آخر عاقبتش آن است که در جریان قیام ضدسلطنتی دیدیم که مردم ایران در همین اصفهان، در مشهد، در تهران، در تبریز، در شهرهای مختلف، چگونه خودشان با این مزدوران رودررو حسابرسی کردند و خرمن خشم خلق دامن مزدور و دژخیم و شکنجه‌گر را فرا گرفت. بدون شک آنهايي که دست در خون خلق و مجاهدین خلق دارند، دست در خون و شکنجه رشیدترین فرزندان خلق دارند، آنهايي که دشنه جلاد و کارد جلاد را تیز می‌کنند، تردیدی نیست که دیر یا زود در برابر قانون و دادگاه و عدالت قرار خواهند گرفت. روزگار مزدوری رو به پایان است.

یک سند طلایی!

حالا می‌خواهم به شما یک سند طلایی نشان بدهم که مثل آن اسناد دیگر از داخل به‌دست آورده‌اند و برای دادگاه اسپانیا و برای همه مراجع بین‌المللی و پارلمان‌تها و حقوقدانان و خلاصه همه‌جا فرستاده‌اند (معمولاً اسنادی که عراق دارد، رونوشت‌های آن از کانالهای متعدد برای وزارت خارجه، بیت خامنه‌ای، نیروی تروریستی قدس، و جاهای دیگر می‌رود). حالا اهمیتش را خواهم گفت که در چیست؛ سند را بنگرید:

تاریخ سند، ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹ است. لطفاً دقت کنید، ۱۵ اکتبر روز ۱۳ مهر می‌شود و ۳۶ گروگان هم ۱۵ مهر آزاد شدند. در واقع قرار بود ۱۴ مهر آزاد شوند، که ۱۵ مهر آزاد شدند. حالا دقت کنید؛ در روز ۱۳ مهر یعنی همان روزی که آزادی گروگانهای ما گرفته شده

Republic of Iraq
Prime Minister's Office



جمهورية العراق
مكتب رئيس الوزراء
غرفة العمليات
لجنة إغلاق مخيم العراق الجديد

العدد: ل.م.م. ٧٠
التاريخ: ٢٠٠٩/١٠/٢٦

سري وشخصي

إلى/ السيد مدير شرطة ديالى - عضو لجنة إغلاق مخيم العراق الجديد المحترم

الموضوع / اجراء تحقيق

الملاءة مالهمة ورحمة الله وبركاته

تنسب اجراء تحقيق عن اسباب مقتل عدد من الايرانيين من سكان مخيم العراق الجديد والبالغ عددهم (١١) شخص اثناء عملية دخول القوات الامنية الى المخيم لغرض فتح مركز للشرطة وفرض السيادة على ارض المخيم .
مع العرض ان توجيهات اللجنة هي عدم استخدام الاسلحة النارية ومراعاة حقوق الانسان في التعامل مع ساكني المخيم
للتفضل بالاطلاع واجراء اللازم واعلامنا نتائج التحقيق وبالسرعة الممكنة..... مع التقدير.

علي عبد الامير الياسري
رئيس لجنة إغلاق مخيم العراق الجديد
٢٠٠٩ ١٠ ٢٦

نسخة منه الى
- الحفظ

سري وشخصي

نامة رسمية رئيس كميته سركوب اشرف به مدير بليس ديالى

١٥ اكتوبر ٢٠٠٩

یا عجب! در همان روز، رئیس کمیته سرکوب اشرف به رئیس پلیس استان دیالی نامه رسمی نوشته است که الان دست مراجع بین‌المللی هست. حرفش چیست؟ به اهمیت این سند توجه کنید، می‌گوید:

علت کشته شدن ۱۱ ایرانی را تحقیق کن - یعنی در زمانی که قرار بود بیاید در اشرف ایستگاه پلیس بزند- و علت را در بیاور، با توجه به این که دستورالعملهای ما این نبود که سلاح گرم به کار بگیرد!

توجه کنید همان شبی که تصمیم به آزادی گروگانها گرفته شده یعنی ۱۳ مهر، قبل از آزادی گروگانها، این سند تاریخ خورده، و به رئیس پلیس استان دیالی می‌گوید برو در مورد علت قتل ۱۱ ایرانی که در ۶ و ۷ مرداد بوده، تحقیق کن. یعنی بعد از مرداد، شهریور و مهر یعنی دوماه و یک هفته بعد از ۶ و ۷ مرداد! در حالی که تحقیق روی یک مسأله را مثلاً فردا یا پس فردا یا یک هفته بعد می‌گویند، دو هفته بعد می‌گویند، اینجا نخیر! دو ماه و یک هفته بعد می‌گوید، برو تحقیق کن که:

اول، چرا اینها کشته شده‌اند؟

دوم، قرار نبوده شلیک کنید،

سوم، قرار بوده در تنظیم و رفتار با اینها به حقوق بشر پایبند باشید! همه اقدامات اجرایی را در این تحقیق انجام بدهید! و با حداکثر سرعت نتایج تحقیقات را به ما اعلام کنید که چه بوده است.

بنگرید، در روزی که اینها تصمیم به آزادی گروگانهای ما گرفتند، همان روز از ترسشان دست شسته‌اند از شلیک، و می‌گوید ما گفته بودیم شلیک نباید بشود و تأکید کرده بود که قرار بوده با اینها در این قرارگاه حقوق بشر نقض نشود! این حرف آن روز است، نه روز ۱۵ دسامبر! جالبتر از این؛ آخر تو که می‌گفتی مجاهدین خودشان خودشان را کشته‌اند! آقای دباغ در تلویزیونها گفت ۳ تا ۵ پلیس را کشته‌اند! اما اینجا دیگر خبری از این یاهوها نیست.

در حالی که جلو چشم خود ما پلیسها را سر و مر و گنده به محل مشروع آب بردی و گچ گرفته بیرون آوردی و فیلم از آنها گرفتی که مجاهدین آنها را زده‌اند! خدا را بنگرید نه فقط از تمامی آن اتهامها و یاهو در این نامه رسمی خبری نیست که

اذعان و پافشاری بر حقوق قانونی

هیچ! از شلیک هم دارد دست می‌شوید، و تأکید می‌کند که آقای داموک، قرار بوده و دستورالعمل تو این بوده که در رفتار با ساکنان این اردوگاه ملتزم به حقوق بشر باشی! ولی این نقض شده، برو تحقیق کن چرا نقض شده؟! به این می‌گویند برگ زرین!

فصل پنجم

جایگاه ایدئولوژی و انقلاب مریم

اهمیت انقلاب ایدئولوژیک درونی

سحر: من خیلی به این فکر کردم که در هر سرفصلی، حداقل مثلاً در همین یازده سالی که خودم در سازمان بودم، همواره برای خودم مشخص بوده که همیشه خطوط شما درست بوده، و در این هیچ شکمی نداشتم. ولی فکر می‌کردم که این تابلو چرا این بار اینقدر با شکوه بود، خودم فکر می‌کنم بعد از بحثهایی که در ماه رمضان کردید، همه مجاهدین آن سلاح اصلی که در جیبشان داشتند، یعنی انقلاب خواهر مریم را توانستند به کار بگیرند. برای همین، این تابلو اینقدر بدون خش بود و باید تشکر و شکرگزاری کنم...

نمی‌توانم حق مطلب را ادا کنم، ولی آن چیزی که به خودم به عنوان یک مجاهد برمی‌گردد، فکر می‌کنم سؤالی است که من باید هر روز از خودم بکنم؛ این که چکار کنم که حق مطلب را در رابطه با خواهر مریم و انقلاب ادا کنم و بتوانم شایسته‌اش باشم، این تنها چیزی است که هرروز از خودم سؤال می‌کنم.

- خیلی سؤال جالبی است، سؤال اصلی و جان کلام همین است. یک سؤال دارم: چون که خودت به درستی انگشت گذاشتی در جای درست، اگر واقعاً باید به قول تو شکرگزاری کرد، معنی شکر این است که آدم قدر یک چیزی را بداند و از آن حفاظت و نگاهبانی کند. حالا اگر بپرسم در یک کلمه یا یک عبارت، آن چیزی که باید از آن شکر کرد، چیست؟

سحر: در واقع دوتا چیز است: یکی همان خط و خطوط درست، یکی هم انقلاب است،

ولی شاید بیشتر انقلاب است. چون اگر انقلاب نبود، حتی همان خطوط درست شما هم، یعنی همان چیزی که شرط است. آن هم در گل فرو می رفت. پس آن چیز اصلی، چیزی که باعث می شود خط و خطوط درست به بار بنشینند، انقلاب است..

- آفرین! پس ای خواهران و ای برادران دقت کنید؛ هم چنان که این خواهر مجاهد گفت: خط و خطوط چیست؟ و چه بهایی دارد؟! همه مجاهدین اهمیت خط و استراتژی را می دانند، این جای خودش، اما کیست که این را پیش ببرد؟

کیست که به صورت معجزه آسا در سال ۲۰۰۹ در برابر این همه توطئه بایستد؟ کیست که بگوید کس نخارد...؟

کیست که شش زمستان تیره و تار را که رژیم می خواست بر سرمان بیاورد، به بهاران تبدیل نموده و از سر می گذراند؟

کیست که مانند همین خواهرانمان، این صحنه ها را می چرخاند؟

کیست که اصلاً امکان بهره برداری از پیروزی سیاسی را محقق می کند؟

و کیست در بهار یک و دو سه؟ کیست در ۶ و ۷ مرداد؟ کیست در آن ۷۲ روز؟ کیست این ۵۷ روز و تمام این ۷ سال؟

خوشبختانه که شما خواهر مجاهد گفتید ۱۱ سال را از نزدیک شاهد بوده اید. خوب، راستش را بگویم باید از انقلاب مریم و خودش تشکر کرد به معنی شکرگزاری، شکرگزاری از انقلاب او...

اینهم سلاح ایدئولوژیکی و هسته یی ماست. هسته اتم را که بشکافید، هسته گوهر بی بدیل ایدئولوژیکی، یک چیز بیشتر نیست؛ انقلاب مریم.

از اینجا توان برخاستن و ایستادن، توان پرداختن قیمت، توان ورودیه، و توان بیابا می آید، از قضا من هم مثل تو که فکر می کردی، راستش بعد از مرگ خمینی فکر می کردم، چگونه؟ و مریم راه انقلابش را به من نشان داد.

من اصلاً فکر نمی کردم مجاهدین چنین توانی داشته باشند. فکر نمی کردم که این نسل تا اینجا بکشد، از خواهران مسئولتان و این برادران حتماً شنیدید که یک روزی من آمدم در همین سالن به بچه ها رک و روشن گفتم؛ ببینید، خمینی مرد و ما حسابهای خودمان را کردیم....

من هم مثل تو، آنزمان، تا همین الان و تا همین امروز فکر می‌کردم که خوب، آخر ما که مثل مزدوران رژیم در عراق نیستیم، آخر شرافت داریم. ما مثل این جریانها و آدمهایی که با خمینی رفتند، نیستیم، آخر شرافت داریم. آخر از زمان امام حسین بگیریم تا همین الان، از مشروطه بگیریم تا همین الان، از مصدق بگیریم تا همین الان، اینها دو تا خط بوده، دوتا جریان بوده که رودرروی هم ایستادند.

پس ما که حمایت ابر قدرت را نداریم، ما را به شدیدترین صورت بمباران کردند، خلع سلاح کردند... (در زمان ستارخان سفیر روس و انگلیس رفتند به دولت آن روز ایران گفتند اینها را خلع سلاح کن، ولی خودشان که نیامدند وارد بشوند).

آخر کسانی که حتی طرف مستقیم جنگ بوده‌اند ۶ ماه تحت بازداشت بودند و بعد هم آزاد شدند، ولی این همه فشار روی مجاهدین برای چی؟ در نتیجه، من هم، هم‌ااش فکر می‌کردم که در این راه پرفراز و نشیب، آخر با چه توانی، با چه نیرویی می‌توان ادامه داد؟ ۲۰ سال پیش - سال ۶۸ - مریم مسئول اول سازمان شد. الان ۸۸ هستیم. ۲۰ سال پیش، آن زمانها در همین سالن یا سالنهای دیگر، همین بحث را می‌کردیم: فرمول اینشتین:

$$E=MC^2$$

یعنی که یک گرم انقلاب مساوی است با سرعت نور به قوه ۲ ژول (واحد انرژی). برای همین شما شک نکنید که بهترین خطوط، بهترین سیاستها، بهترین استراتژیها... وقتی که پشتوانه عملی نداشته باشد به جایی نمی‌رسد. حالا منظورم چیست؟ منظورم این است که میباید اصلاً این دو عنصر را با هم مقایسه کنید، مبادا.

حتی اگر ما یکجا در خطوط و سیاستهایمان اشتباه کنیم، نتیجه‌اش به اندازه همان اشتباه است. البته که خیلی خوب است اشتباه نکنیم و درست حرکت کنیم. دقیق و حساب شده حرکت کنیم. اما اصلاً بیایید و فرض کنیم که یک جا اشتباه می‌کنیم. آخر سرنوشت یک انسان، و سرنوشت یک جریان و یک سازمان، آنهم یک جنبش با ۴۵ سال سابقه که به یک اشتباه بند نیست. فرض کنید اشتباه می‌کردیم، چه می‌شد؟ بد می‌شد و ضرر داشت، کاملاً قبول دارم، ولی آسمان زمین نمی‌آمد. خیلی خوب شد و احسنت که درست رفتید، ولی فرض کنید اشتباه می‌شد، در سرنوشت اثری نمی‌گذاشت.

اما یکجا هست اگر اشتباه کنیم، آنجا دیگر همه چیز است. حالا من می‌خواهم بگویم انقلاب مریم را دریابید، یعنی اگر در انقلاب استوار و بی شکاف باشید، به عبارت دیگر

قدرش را بدانیم و شکرش را بگذاریم، بقیه‌اش می‌آید. همه شما در مورد سیاستها و خطوط درست تأکید کردید و من مطمئن هستم که ارزش و جای آن را می‌دانید. اما عنصر تعیین‌کننده، عنصر نگهدارنده، عنصری که در دهان و پوزه رژیم زده، به‌خصوص در این یکسال گذشته، و البته تمام ماجرای که خودت گفתי ۱۱ سال شاهدش بودی چه بوده؟! کدام عنصر بوده که طرف مقابل را مغلوب کرده است؟

سحر: انقلاب خواهر مریم.

-بله، من هم همین را می‌خواهم بگویم. بگو ببینم اگر روزی شما در کلان تعهد سرنگونی این رژیم موفق شوید، آنوقت تو می‌گویی علت اصلی پیروزی چه بود؟

سحر: انقلاب.

- ماشاءالله، من هم همین را می‌گویم، اگر خدای ناکرده، روزی مجاهدین شکست بخورند از کجا شکست می‌خورند؟

سحر: انقلاب، یعنی پایبند نبودنشان به آن.

- احسنت! چقدر قشنگ شعار می‌دهید، ما اشرف بی‌شکستیم. فرض کنید که من می‌خواهم به‌صورت تئوریک و مدون و منطقی از تو بپرسم؛ آخر به‌چه دلیل شما اشرف بی‌شکستید؟ آخر آدم بی‌شکست وجود ندارد، آن که پیغمبر خدا هم بود، در جنگها شکست می‌خورد.

آیات جنگ حنین یادتان هست؟ مجاهدینش مغرور شده بودند، جمعیتشان هم زیاد بود، مثلاً جنگ بدر که می‌گفتند خیلی زیاد بودند ۳۱۳ نفر بودند، در جنگ خندق هم جمعیت بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر بودند، مجاهدینش را بخواهید مثلاً ۱۰۰۰ نفر بودند. ولی چون پیروز شدند، مغرور بودند، حواسشان نبود وارد تنگه شدند، طرف مقابل قبیله‌یی بود به‌نام هوازن، آنها به‌جای این که نیرو بیاورند، جلو سپاهی که پیامبر در رأسشان بود، جا خالی داده، به‌جایش با تک تیرانداز کمین گذاشتند. وقتی مجاهدین وارد تنگه شدند، تک تیراندازها شروع کردند، و شیرازه لشکر به کلی از هم گسیخت.

وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثُرَتْكُمْ فَالَمِ تُعْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ در روز حنین که زیادی تعداد و نفرات چیزیی از شما حل نکرد

وَصَافَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ أَنْجَنًا وَ رَفْتُنْدُ وَ بِقَوْلِ شِمَا «وَ اُو» شدند که دنیا

برایشان تیره و تار شد. یک عده هم جیم شدند و پا به فرار گذاشتند، به جبهه جنگ پشت کردند. **ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ**
ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ
بعد پیامبر و مجاهدین راستین او ایستادند و ایستادگی کردند. پیامبر گفت چه خبر است! شما را چه شده که جا خورده اید و از جنگ می گریزید... بعد هم با تعداد اندک جنگیدند و تعادل را چرخاندند.

این ماجرای یوم حنین بود، حالا شما می گوید ما اشرف بی شکستیم، چرا بی شکستید؟ آخر پیامبر خدا هم که بود، شکست می خورد. با بالاترین نیرو که رفت به حنین، اول شکست خورد، بعد خودش و مجاهدانی که همین آرامش و سکینه و طمأنینه بر آنها مسلط شد، تعادل را چرخاندند و دومرتبه پیروز شدند.

حالا سؤال از تو: چرا اشرف بی شکستیم؟

سحر: به خاطر انقلاب

- بله من هم همین را می گویم. حتی اگر در یک حرکت اشتباه کنیم و به طور مقطعی و موضعی شکست هم بخوریم، در حرکت بعدی تصحیح می کنیم و می چرخانیم.

رمز پایداری

جهانگیر: الان شما بحثی کردید با خواهرمان، راستش من هم ذهنم این بود که الان در شرایطی که ما ۱۵ دسامبر را پشت سر گذاشتیم، تنها چیزی که توانسته ما را تا این نقطه این طور سرفراز جلو بیاورد، چیزی جز همان انقلاب نیست که شما همواره گفتید اگر این انقلاب برای مسیری که در پیش داریم ضروری نبود، اصلاً وارد چنین موضوعی نمی شدیم.

خوب در این سالیان، از همان سال تا الان، هرروز و در هر مرحله و سرفصلی ضرورت آن را دیدیم و روزانه واقعاً باید برای آن، نماز شکر به جای آورد، به دلیل این که این سرمایه ما را در برابر همه توطئه ها و توفانها حفاظت کرده و مسیرمان را رو به جلو همیشه باز نگهداشته است. واقعیت این است که سنگ بنا و پایه همه پیروزیها که در همین دوران هم به آن رسیدیم، ورودیه و «بیا، بیا» است که تابشی از انقلاب است، یعنی کسی

می‌تواند ورودیه بدهد و وارد این حیطة شود که با انقلاب حرکت کند. در حقیقت ما از ۱۵ دسامبر وارد مرحله جدیدی شدیم، کمالین که ۶ و ۷ مرداد را که پشت سر گذاشتیم وارد یک مرحله جدید شدیم. آدم کاملاً می‌بیند که یک جهشی واقع شده، در داخل ایران و در همین جا همه مجاهدین جهشی به جلو می‌کنند، در فضای سیاسی عراق هم صورت مسأله در حال تغییر است. من خودم فکر کنم همه ما باید یک آمادگی جدیدی برای قدم برداشتن در مرحله جدید پیدا کنیم.

- کمی صبر کن، من به همین برادران گفته‌ام و باز می‌گویم، همه‌تان بدانید؛ به‌قدیمیترین و پرسابقه‌ترین مسئولان چه خواهر و چه برادر، چه بالا چه پایین، چه آنکه فردا می‌آید، چه آن که ۴۰ سال پیش آمده، چرا که ۲۰ سال پیش ما این راه را رفتیم. الان اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی هستیم، با ۶ کارزار بهار. خوب، در سختترین سال... با آن ۱۰ ماده‌یی موفق ربیعی، با آن تحریم خانواده و خبرنگار و وکیل، با تحریم غذایی و دارویی، با ۶ و ۷ مرداد، با اعتصاب غذا و گروگانگیری که خودتان در نشستهای قبل گفتید انقلاب در آن موج می‌زد و با این کارزار ۷۵ روزه، (۲ ماهه اخیر) و با آن مصاحبه‌های حقوق بشر و با خانواده‌های وزارتی و با کولاک تبلیغات رذیلانه و کثیف. در تمام این یکسال، ۹۹ درصد این مجاهدین، روزبه‌روزشان را اثبات کردند، یعنی تعداد بریده و مزدور و خائن را که سرجمع کنید، حدود یک درصد می‌شود، در سختترین سال! که زمان مصاحبه‌ها در اوایل همین امسال (۸۸) آمار آن را اعلام و علنی کردیم. اگر به‌من بگویند که ارتجاع چه چیز را از مجاهدین نمی‌فهمد که این طوری طرح و برنامه‌هایش ابلهانه از آب درمی‌آید که به‌قول خودتان، خنده‌دار و مضحک بود، می‌گویم انقلاب مریم.

چرا این تومار محاسبات ارتجاعی و طرح و برنامه‌های ارتجاعی و ضدبشری، یکی بعد از دیگری، درهم پیچیده می‌شود؟ انقلاب مریم.

چه چیز را نمی‌فهمد؟ همین را، چون مرتجعین و سرکوبگران که تجربه کم ندارند. اینها تجارب جهانی دارند که چگونه می‌شود جنبشهای ترقیخواه را درهم شکست، شقه کرد، در درونشان نفوذ کرد، فاسدشان کرد، تکه‌تکه کرد و قطعه‌قطعه کرد. چگونه می‌شود در آن «طعمه» پرورش داد و چگونه می‌شود در درونش نفوذی و جاسوس پرورش داد... در این زمینه‌ها بسیار تجربه دارند.

ولی دشمن همین را نمی‌فهمد و نمی‌تواند بفهمد، چون فراتر از عقل و فراتر از سقف اندیشه و تفکرش است. مثل زمانی که هسته اتم شکافته نشده بود، کسی نمی‌توانست بفهمد که در یک گرم ماده چه میزان انرژی نهفته است. وقتی هسته اتم شکافته شد، معلوم شد که یک گرم ماده، اگر بتوان انرژی را استخراج کرد، چه ابعاد عظیمی از انرژی در درون دارد. قبل از آن بشر و دانش بشری هنوز به این مرحله نرسیده بود. حالا به حیطة مبارزه و مجاهدت، به همان حیطة عقیده و جهاد (به قول امام حسین انما الحیات عقیده و جهاد) می‌آییم. این انرژی و توانمندی و «می‌توان و باید» انسانی و مبارزاتی در انقلاب مریم برای مجاهدین کشف شد. در مهار کردن فردیت و جنسیت افسارگسیخته کشف شد. انقلاب درونی مجاهدین از روز اول برای سرنگونی و در راستای سرنگونی همین رژیم دجال و ضد بشر بود.

یک دگرگونی کیفی ایدئولوژیکی و دقیقاً همان چیزی که ارتجاع نمی‌تواند بفهمد. با منطق استثماری نمی‌توان فهمید. به همان میزانی که قبل از شکافتن هسته اتم، کسی نمی‌توانست اصلاً به ذهنش خطور کند که در یک گرم ماده، چه میزان انرژی نهفته است.

این آن چیزی است که دست ارتجاع از آن کوتاه است. توپ می‌آید، تشر می‌آید، محدودیت ایجاد می‌کند...

بارها گفته‌ایم که اگر فقط یک درصد از این فشارهای روی مجاهدین را روی رژیم بگذارید، پودر می‌شود. اگر ۱۰ درصد آن را روی هر ساختار شناخته شده انقلابی بگذارید، دود می‌شود. می‌گویید نه، بیایید افراد رژیم را بگیرید، همه را خلع سلاح کنید، محاصره کنید، بیندازید آنها را در یک موضوعی مثل ۱۷ ژوئن، ۱۲ دولت بریزند سرش، این همه برایش پرونده بسازند، این همه لجن پراکنی، این همه دروغ و ... ببینید چه می‌شود؟ نتیجه: حرفم را کوتاه می‌کنم، در پیرویتان شک نکنید. با هر قدرتی، بی‌سلاح، با سلاح.

معیار سنجش مجاهدین

جدا از سن، جدا از سال، جدا از سابقه، جدا از رده، جدا از پایین، جدا از بالا، جدا از خواهر، جدا از برادر، اصل موضوع، انقلاب است. عیار یک مجاهد را این‌طور می‌سنجند.

شما همه یادتان هست، ما خودمان بعد از «استاتو» (اعلام موقعیت قانونی مجاهدین در اشرف به عنوان افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو در ۲ ژوئیه ۲۰۰۴) اطلاعیه دادیم و با سربلندی عذر ۲۰ نفر را خواستیم. تا وقتی که «استاتو» نبود، از آنها حفظ و نگهداری کردیم، چون معلوم نبود چه بلایی سرشان بیاید. بعد، واضح است که تصفیه صفوفمان، ما را رشد می‌دهد، بالا می‌برد، پایین که نمی‌برد. کسی در هر مقامی، در هر رده‌یی، با هر سابقه‌یی، اگر انقلاب نکرده باشد، به درد ما نمی‌خورد. یک روزی هم، بالاخره ضربه‌اش را به ما می‌زند. به همین خاطر به محض این که «استاتو» مشخص شد، من با اصرار گفتم، تو را به خدا اینها را بفرستید بروند. چون خیری در آنها نیست. اگر خیری داشت که انقلاب می‌کرد.

در آینده هم این را بدانید که همین‌طور خواهد بود. از قضا در اوج پیروزی‌تان می‌گوییم، در اوج فتح مبین می‌گوییم. اگر حرف مرا بپذیرید، اگر حرف حق است، اگر این حرف را و این خط را قبول دارید، زمانی هم که انشاءالله دشمنان را سرنگون کردید، کسی که اهل ورودیه نیست، اهل بیا بیا نیست، از الان بدانید یا للمجاهدین، در اوج پیروزی‌تان می‌گوییم، آن زمان هم دوباره من خواهم گفت از نو! از بالا نه از پایین... می‌گوییم برادر احمد مجاهدی؟ بیا ثبت نام کن. مجاهد خلق انقلاب کرده‌ای؟ برادر رحمان، یاالله، برادر جهانگیر یاالله! جهانگیر با این موافقی یا نه؟ فردا نگویی من جهانگیرم. من این همه در ۶ و ۷ مرداد خون از فرقم جاری شد، این را که به من نمی‌گویی؟!

جهانگیر: بله با کمال افتخار. فکر کنم این بالاترین افتخار است برای هر کس که در صف اول این تعهد باشد و من هم افتخار می‌کنم که در چنین موقعیتی باشم.

- اگر که شما به این افتخار بکنید، من هم قاطعانه می‌گوییم، کمالین که یادتان هست، قبل از جنگ هم گفتم، مجاهدین صدار هم که شرایط پرفتنه‌تر باشد، عزم جزم کرده‌اند که درسهای جدیدی از ایستادگی و فدا ارائه دهند...

السلام علیک یا ثارالله.

خروش مجاهدین: حاضر، حاضر، حاضر!

- به خصوص، اینجا اشرف است!

اینجا ارض امام حسین است!

مغزهای کودن و فرسوده ارتجاعی چه خیال کرده‌اند؟ با چه کسی طرفند؟ به خدا ۳۴۰۰ مجاهد، اگر انقلاب کرده و بیشکافند، اگر اهل «بیا، بیا» و پرداخت قیمت‌اند، سوگند می‌خورم که حتی نصفشان دنیایی را دگرگون می‌کنند.

الان وارد سال ۱۴۳۱ هجری قمری شدیم. داستان امام حسین و عاشورا مربوط به ابتدای سال ۶۱ هجری است. ۱۳۷۰ سال پیش، پیشوای آرمانی ما این بذر را کاشت.

کدام قدرتی در جهان، کدام نیرویی در جهان دیگر از پس او برمی‌آید؟ این را به لق‌لق زبان نمی‌گویم. برای کسانی می‌گویم که خودشان در این ۷ سال و به‌خصوص این یکسال، لحظه‌لحظه‌اش را دیدند و بودند و چشیدند و با همه التهاباتش لمس کردند. مگر کرسه‌های ارتجاعی، لاشخورهای سواحل دور، در هر قدمش در این سال ۲۰۰۹ منتظر این نبودند که سر مجاهدین به‌سنگ بخورد و منهدم بشوند و از بین بروند؟ مگر به‌خط شما، به‌ربط شما، به‌استراتژی شما، به تاکتیک شما، به ایستادگی شما، خرده نمی‌گرفتند؟

آیا چیزی و کاری بود، که شما کرده باشید، حتی اعتصاب غذا، و رژیم و دم‌ودنبالچه‌هایش و کسانی که حرف او را رله می‌کنند، علیه شما ایراد نگرفته باشند؟ لجن پراکنی نکرده باشند؟

اما، اشرف بر جای ماند و قدر خودش را ثابت کرد، قدری که سرچشمه آن صندوق صدق مجاهدین و انقلاب مریم است.

بنابر این، مبدا انقلاب مریم را با چیز دیگری قیاس کنید. سیاست و خطوط جای خودش، ولی این است آن گوهر ماندگار، این است آن جوهر مجاهدی. این، آن چیزی است که با آن به‌خاک پای امام حسین سر می‌ساییم. این، آن چیزی است که مردم ایران و جوانهایش را به پیش می‌راند. این، آن چیزی است که باید به قیام هم تزریق کرد تا پیش برود و به ارتش آزادی ارتقاء یابد. این، آن موتور محرکه است.

گوشه‌یی از جنایت مافوق تصور رژیم در ۵ مهر ۱۳۶۰

محمد: آن چیزی که شما می‌خواهید یک مجاهد تمام عیار است که انشاءالله لایقش باشیم، چون واقعیتش این است که اگر انقلاب نباشد که مجاهدی وجود ندارد. مسأله همین است که شما می‌گویید؛ انقلاب، و این که با خود انقلاب چگونه تنظیم کنیم...

- احسنت، تو محمد هستی و معنی و بهای کلماتت را درک می‌کنی. ۱۰ سال در زندان این رژیم بودی. خوب معلوم است، معنی‌اش را می‌فهمی که چیست... محمد آنچه را که در یکی از نشستها، آن بار به من آمار دادی و شاهد آن بوده‌ای در مورد تعداد اعدامهای ۵ مهر در عرض چند ساعت، آیا دوباره می‌توانی بگویی؟ تو در ۵ مهر شاهد و گواه اعدام چند مجاهد بودی؟

محمد: گفتم که ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر در عرض ۳ تا ۴ ساعت بود و تا فردا صبح می‌گفتند حدود ۱۸۱۰ نفر شده بود. البته آمار سازمان ۱۴۵۰ است. چون ما را برده بودند در یک اتاق و تا صبح صدای تیرباران را می‌شنیدیم، یکسره بود و اصلاً قطع نشد. آنروز ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر دستگیر شده بودند. اصلاً فضای عجیبی بود. شما که می‌دانید، اوین و دادسرایش در مهرماه سرد است.

تمام سه طبقه پر شده بود، طوری که آنجا که همیشه سرد است، گرم شده بود، اصلاً جا نبود، بقیه را در فضای بیرون نشانده بودند که داد می‌زدند داریم از سرما می‌میریم... - پس ای خواهران و ای برادران، مجاهدی دارد حرف می‌زند که در سال ۱۳۶۰ (۲۸ سال پیش) شاهد چنین صحنه‌هایی بوده، فقط یک قسمت از اوین، فقط در زندان اوین و نه کل زندانهای رژیم. آمار سازمان ۱۴۰۰ نفر است ولی آمار سازمان کامل نیست، معلوم است که خیلی از اسامی را ما نداریم یا اسم کوچک داریم. آنموقع در سازمان رسم نبود که اسم اصلی کسی را بپرسند، با یک اسم مستعار همه چیز حل و فصل می‌شد. چون فرم پرسنلی و ارتش آزادیبخش نبود، اصلاً قرارگاهی وجود نداشت، هر کسی در خانه خودش بود. برای همین حتی در فاز سیاسی، حداکثر مخفیکاری مراعات می‌شد. پس معلوم است که آمار تو درست تر و دقیقتر است. چون تو شاهد صحنه بودی.

می‌گویند که رژیم از بعدازظهر تا صبح روز بعد، ۱۸۱۰ نفر را اعدام کرده است. ای خدا، اللهم فاشهد.

۱۰ تا ۱۲ هزار دستگیری بوده؛ شعار «مرگ بر خمینی» و «شاه سلطان خمینی مرگت فرا رسیده» این طوری اجتماعی شد. و الا چه کسی می‌توانست به خمینی چپ نگاه کند، عکسش را در ماه می دیدند. نگو که جواب تاریخش مجاهدین و انقلاب مریم بوده است. به همین خاطر رژیم را بر زمین خواهید زد. صبر کنید و ببینید...

حالا پس از ۷ سال، اشرف قدر خودش را شناساند، تثبیت کرد، در چشمها فرو کرد؛ بازو

در بازوی قیام و خیزش عمومی برای سرنگونی در مسیر ارتش آزادی. در عراق هم، امروز سفیر رژیم بود که گفت در عراق انتخابات است و مجاهدین در انتخابات دخالت می‌کنند و خطرناک هستند. در حالی که ما محصوریم و هیچ رفت و آمدی نداریم. ولی او بهتر از همه می‌داند که چه می‌گوید. والا چرا باید سفیر رژیم بعد از آن همه تیغ و تبر و شلیک و محاصره و خط و نشان، به‌زبان اشهدش این را بگوید؟ این یک اقرار و تصدیق ناگزیر به قدر اشرف به عنوان کانون استراتژیکی نبرد رهایی بخش است.

نمی‌دانم چه مشیتی در کار است، ولی فقط یک چیز را می‌دانم. می‌دانم که حق تعالی بنابر آزمایش، چیزی را خلق می‌کند که بعد وقتی سیاه و تباه می‌شود، خمینی و رژیمش می‌شود، جوابش، یعنی ضدش را هم به گونه‌ی دیالکتیکی در آستین دارد. جواب و پاسخ تاریخی خمینی، یعنی آنتی تز او در مجاهدین است و انقلاب مریم.

بارخدا یا مجاهدین را نصرت کن. الذین یشرون انفسهم ابتغاء مرضاتک آنهایی که نفسهای خویشتن را پرداختند به‌خاطر رضای تو و خلق بدون این که کسی بداند و بفهمد...

کارزار پیروزمند اشرف، مبارک!

فصل ششم

ضمایم

موافقتنامه روش جاری برای دفاع از خود در اشرف-نوامبر ۲۰۰۶

دعوت و نتیجه بازرسی سه روزه از اشرف با یکان سگهای پلیسی-آوریل ۲۰۰۹

اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی-نشریه مجاهد شماره ۹۱۵

موافقتنامه روش جاری برای دفاع از خود در اشرف



2. PMOI Specific Duties and Responsibilities

Use of less than lethal (LTL) weapons is authorized for self defense.

a. PMOI TOC

- (1) Receives and process reports from PMOI observation posts (OP).
 - (a) Possible Launch Sites (Point of Origin)

This Standard Operating Procedure will take effect once signed.

By order of the PMOI Commander and the Task Force Commander:


CDR ZOHREH AKHIANI
People's Mujahadeen Organization of Iran


JENNIFER L. CURRY
LTC, MP
Task Force Commander

استفاده از سلاحهای غیر مرگبار برای دفاع از خود
در شمار مسئولیت ها و وظایف سازمان مجاهدین خلق ایران

دعوت مجاهدين برای بازرسى مجدد از اشرف پس از انتقال حفاظت به دولت عراق
مارس ۲۰۰۹

الأستاذ المحترم

۳۰ آذار (مارس) ۲۰۰۹

تحية طيبة

خلال اللقاء في الليلة الماضية تحدثت سيادتكم عن ضرورة التأكد من عدم إخفاء وتكديس أسلحة في «أشرف» وأن هناك حاجة ليوم واحد للتدقيق في هذا الموضوع. أطلعت سيادتكم علي أنه وبعد الحرب قامت القوات والوكالات الأمريكية بتدقيق وفحص واختبار وتفتيش معسكر «أشرف» من الأرض والجو وبصنوف الأجهزة المتطورة. ألفت انتباهك إلي تقرير العقيد فيليبس في هذا المجال وهو تقرير تم تسجيله في نشره الكونغرس الأمريكي. وفي رسالته أخري بتاريخ ۲۷ أيار (مايو) ۲۰۰۵ أيضاً أكد العقيد فيليبس أنه قاد فرق التفتيش في زيارات مفاجئة لمنشآت منظمة مجاهدي خلق الإيرانية إثر تلقي تقارير كثيرة حول سوء المعاملة وأسلحة مختفية في «أشرف». مع ذلك ولطمأنه الحكومة العراقية المحترمة نحن مستعدون لإجراء التفتيش عن جميع أماكن «أشرف» بحثاً عن مخازن أسلحة وعتاد في أي يوم تحدده سيادتكم. وفي الموعد الذي تحدده سيادتكم سنبدل قصاري جهدنا لكي لا يمنعكم أحد من هذه العمليات ولأن يتعاون جميع الأفراد معكم. كما إننا نطالب القوات الأمريكية بأن تتواجد في المواقع عند عمليات التفتيش هذه وتقدم مساعدات وتبدي التعاون من جميع الجوانب لتسهيل أعمالكم.

إن مطلبنا الوحيد هو أن تعلن سيادتكم النتيجة لنا وللقوات الأمريكية خطياً (تحريراً) في ختام عمليات التفتيش لتسجيلها في الملف.

مع فائق الاحترام

مهدي براعى

رسائل الجنرال فيليبس مرفقة طياً

استاد گرامی

۳۰ مارس ۲۰۰۹

با سلام

در ملاقات شب گذشته از ضرورت اطمینان یافتن از این‌که در اشرف تسلیحات ذخیره و پنهان نشده باشدو این‌که به يك روز وقت برای چك این موضوع نیاز است گفتگو کردید.

به اطلاعات رساندم که بعد از جنگ نیروها و آژانسهای آمریکایی فرارگاه اشرف را از زمین و هوا با انواع و اقسام تجهیزات پیشرفته چك و آزمایش و بازرسی کردند. توجه شما را به گزارش کلنل فیلیپس در همین رابطه که در رکورد کنگره آمریکا هم به ثبت رسیده است جلب می‌کنم . او در نامه دیگری به تاریخ ۲۷ می ۲۰۰۵ نیز تصریح کرده است که تیمهای بازرسی را در دیدارهای از پیش اعلام نشده از تأسیسات سازمان مجاهدین خلق ایران بدنیال دریافت گزارتهای بی‌شماری در باره سوء رفتار و سلاحهای مخفی شده در اشرف فرمادهی می‌کرده است .

با این‌همه برای اطمینان خاطر دولت محترم عراق هر روزی را که جذابان معین کنید ما برای بازرسی کلیه نقاط اشرف از جهت ذخیره و انبار سلاح آماده ایم و در زمانی که شما معین کنید حداکثر تلاش را بعمل می‌آوریم تا کسی ممانعت نکند و افراد همکاری کنند. همچنین از نیروهای آمریکایی می‌خواهیم در این بازرسی حضور پیدا کنند و از جمیع جهات کمک و همکاری کنند تا کار شما تسهیل شود.

تنها خواسته ما این است که در خاتمه بازرسی نتیجه را برای ثبت در پرونده به ما و نیروهای آمریکایی کتبا اعلام کنید.

با احترام-مهدی براعی

- نامه های ژنرال فیلیپس ضمیمه است

Mr. Kenneth Roth
Executive Director
Human Rights Watch
350 Fifth Avenue, 34th floor
New York, NY 10118-3299 USA

27 May 2005

Reference the recent Human Rights Watch report on alleged conduct by the Mujahedin e-Khalq (MeK) / People's Mujahedin Organization of Iran (PMOI) at Camp Ashraf Iraq.

I am the commander of the 89th Military Police Brigade and in that role was responsible for the safety and security of Camp Ashraf from January – December 2004. Over the year long period I was apprized of numerous reports of torture, concealed weapons and people being held against their will by the leadership of the Mujahedin e-Khalq. I directed my subordinate units to investigate each allegation. In many cases I personally led inspection teams on unannounced visits to the MeK/PMOI facilities where the alleged abuses were reported to occur. At no time over the 12 month period did we ever discover any credible evidence supporting the allegations raised in your recent report. I would not have tolerated the abuses outlined in your report, nor would I have sanctioned any acts on the part of the MeK/PMOI to hold people against their will. Each report of torture, kidnapping and psychological deprivation turned out to be unsubstantiated. The MeK/PMOI in fact notified us on a routine basis of people who desired to leave the organization and then transported them to our gate. At your request, I can explain in detail specific allegations and the subsequent investigation by my units. To my knowledge, as the senior officer responsible for safeguarding and securing Camp Ashraf throughout 2004, there was never a single substantiated incident as outlined in your report.

I am very familiar with the leadership of the MeK/PMOI and personally know many of the 3000+ protected people. I've visited male and female units on a routine basis. Sometimes these visits were announced, but most frequently they were unannounced inspections. My subordinate units would randomly select billets, headquarters, warehouses and bunkers for no-notice inspections. Not one time did they discover any improper conduct on the part of the MeK/PMOI. Also, the MeK/PMOI never denied entry to any of their facilities.

I believe that your recent report was based on unsubstantiated information from individuals without firsthand knowledge or for reasons of person gain. I personally spent a year of my life in Iraq with the responsibility for Camp Ashraf. I have very extensive first hand knowledge of the MeK/PMOI and the operations at Camp Ashraf. My comments are based on a full year of on location experience. I look back with satisfaction knowing the my unit did an exemplary job and maintained the safety and security of not only the coalition forces at Ashraf, but also the 3000+ protected people.

نامه کلنل فیلیپس، به مدیر اجرایی دیدبان حقوق بشر (صفحه ۱)

I have spoken to large groups of MeK/PMOI members and have also had one on one private conversations with individual members. At no time did any member, ranging from young male and females to the very senior leadership, ever report any of the type conduct outlined in your recent report.

Iraq was very dangerous throughout 2004. In my opinion, Camp Ashraf was the safest place within my area of responsibility. There was not one incident or combat injury to my forces at Camp Ashraf. I personally felt safe even when surrounded in a room by hundreds of Mujahedin. We always had open dialog and debated difficult subjects. I was exceptionally impressed with the dedication of the female units. These units were professional and displayed strong support for freedom, democracy and equality for women. The dedication of these female members was inspirational. In the entire year only four female members asked to depart the MeK/PMOI. In one case a young woman requested to leave the MeK/PMOI, but first wanted to complete her responsibility as a singer in one of the holiday festivities. One of my subordinate commanders encouraged her to depart immediately as opposed to returning to her unit. She emphasized that she wanted to participate as a singer in the festival and would then depart from the organization in order to return home to her mother. Several days after the festival we were notified by the MeK/PMOI that the young woman was ready to leave and we picked her up at a hotel type facility. The other three females also voluntarily departed the MeK/PMOI. I never discovered a single incident where a female or male was held in the organization against their will. I observed a total freedom of choice on the part of the members to either remain or depart from the MeK/PMOI.

As I previously mentioned, I was very impressed specifically by the all female units. I would like my own daughters to someday visit these units for the cultural exchange. Were it not for the ongoing insurgency throughout Iraq, I would sanction my daughter to travel to Camp Ashraf and meet these very dedicated and professional female members of the Mujahedin e-Khalq.

Thank you for taking the time to read my comments as your report was a direct affront to the professionalism of my units. We maintained the safety and security of Camp Ashraf and can look back in years to come knowing that we made a difference.

Respectfully,

COL David Phillips "Griffin-6"
89th Military Police Brigade
Fort Hood, Texas 76544
Duty: 254-287-3700 Cell: 254-289-4989
"Proven in Battle"

نامه کلنل فیلیپس، به مدیر اجرایی دبدبان حقوق بشر (صفحه ۲)

EXTENSIONS OF REMARKS

HUMAN RIGHTS WATCH'S REPORT
ON THE MUJAHEDIN E-KHALQ

HON. THOMAS G. TANCREDO

OF COLORADO
IN THE HOUSE OF REPRESENTATIVES

Tuesday, June 21, 2005

Mr. TANCREDO. Mr. Speaker, I would like to bring to Congress's attention the following letter from COL David Phillips "Griffin-6" of the 89th Military Police Brigade, sent on May 27, 2005, to Mr. Kenneth Roth, Executive Director of Human Rights Watch, regarding Human Rights Watch's recent report on human rights abuses within the Mujahedin e-Khalq (MEK).

"I am the commander of the 89th Military Police Brigade and in that role was responsible for the safety and security of Camp Ashraf from January-December 2004. Over the year long period I was apprized of numerous reports of torture, concealed weapons and people being held against their will by the leadership of the Mujahedin e-Khalq. I directed my subordinate units to investigate each allegation. In many cases I personally led inspection teams on unannounced visits to the MeK/PMOI facilities where the alleged abuses were reported to occur. At no time over the 12 month period did we ever discover any credible evidence supporting the allegations raised in your recent report. I would not have tolerated the abuses outlined in your report, nor would I have sanctioned any acts on the part of the MeK/PMOI to hold people against their will. Each report of torture, kidnapping and psychological deprivation turned out to be unsubstantiated. The MeK/PMOI in fact notified us on a routine basis of people who desired to leave the organization and then transported them to our gate. At your request, I can explain in detail specific allegations and the subsequent investigation by my units. To my knowledge, as the senior officer responsible for safeguarding and securing Camp Ashraf throughout 2004, there was never a single substantiated incident as outlined in your report.

I am very familiar with the leadership of the MeK/PMOI and personally know many of the 3000+ protected people. I've visited male and female units on a routine basis. Sometimes these visits were announced, but most frequently they were unannounced inspections. My subordinate units would randomly select billets, headquarters, warehouses and bunkers for no-notice inspections. Not one time did they discover any improper conduct on the part of the MeK/PMOI. Also, the MeK/PMOI never denied entry to any of their facilities.

I believe that your recent report was based on unsubstantiated information from individuals without firsthand knowledge or for reasons of person gain. I personally spent a year of my life in Iraq with the responsibility for Camp Ashraf. I have very extensive first hand knowledge of the MeK/PMOI and the operations at Camp Ashraf. My comments are based on a full year of on location experience. I look back with satisfaction knowing that my unit did an exemplary job and maintained the safety and security of not only the coalition forces at Ashraf, but also the 3000+ protected people.

I have spoken to large groups of MeK/PMOI members and have also had one on one pri-

vate conversations with individual members. At no time did any member, ranging from young male and females to the very senior leadership, ever report any of the type conduct outlined in your recent report.

Iraq was very dangerous throughout 2004. In my opinion, Camp Ashraf was the safest place within my area of responsibility. There was not one incident or combat injury to my forces at Camp Ashraf. I personally felt safe even when surrounded in a room by hundreds of Mujahedin. We always had open dialog and debated difficult subjects. I was exceptionally impressed with the dedication of the female units. These units were professional and displayed strong support for freedom, democracy and equality for women. The dedication of these female members was inspirational. In the entire year only four female members asked to depart the MeK/PMOI. In one case a young woman requested to leave the MeK/PMOI, but first wanted to complete her responsibility as a singer in one of the holiday festivities. One of my subordinate commanders encouraged her to depart immediately as opposed to returning to her unit. She emphasized that she wanted to participate as a singer in the festival and would then depart from the organization in order to return home to her mother. Several days after the festival we were notified by the MeK/PMOI that the young woman was ready to leave and we picked her up at a hotel type facility. The other three females also voluntarily departed the MeK/PMOI. I never discovered a single incident where a female or male was held in the organization against their will. I observed a total freedom of choice on the part of the members to either remain or depart from the MeK/PMOI.

As I previously mentioned, I was very impressed specifically by the all female units. I would like my own daughters to someday visit these units for the cultural exchange. Were it not for the ongoing insurgency throughout Iraq, I would sanction my daughter to travel to Camp Ashraf and meet these very dedicated and professional female members of the Mujahedin e-Khalq.

Thank you for taking the time to read my comments as your report was a direct affront to the professionalism of my units. We maintained the safety and security of Camp Ashraf and can look back in years to come knowing that we made a difference.

Respectfully,

COL. DAVID PHILLIPS,
"Griffin-6", 89th Military Police Brigade."CONGRESSIONAL TRIBUTE:
RETIREMENT OF PAUL BLEWETT

HON. BART STUPAK

OF MICHIGAN
IN THE HOUSE OF REPRESENTATIVES

Tuesday, June 21, 2005

Mr. STUPAK. Mr. Speaker, I rise today to pay tribute to Mr. Paul Blewett, a public school teacher who has served the young people of the Bark River Harris School District in Michigan's Upper Peninsula for the past 42½ years and has made a significant contribution to his professional organization.

Paul Blewett was born in Ishpeming, Michigan on January 21, 1940 to the late Fred and

Evelyn Blewett. He graduated from Ishpeming High School in 1958 and received his BA and Masters Degree from Northern Michigan University in Marquette, Michigan. After being awarded his Professional Teaching Certificate in 1963, he entered the challenging and rewarding field of teaching in the Bark River Harris Public School System in Bark River in Michigan's Upper Peninsula.

Mr. Blewett's first position at Bark River Harris Schools began a very long and successful career and a true commitment to his community. Mr. Blewett taught Algebra I and II, General Math, Geometry, and Advance Mathematics for over 42 years to students in the Bark River Harris High School along with being the driver education instructor for 40 of those years. Paul made a commitment to his students in the classroom and to their activities outside of the regular classroom. They respected him as a teacher and appreciated the guidance and counseling that he provided.

Aside from his full time teaching responsibilities, Mr. Blewett also made a major commitment to his professional organization and contributed to the development and the building of the Michigan Education Association as one of the leading professional education organizations in the nation. Mr. Blewett was recognized by his colleagues for his talent, hard work and willingness to participate because they elected him to serve as the local Education Association President, Negotiator, Regional Council President, President and Treasurer of the Upper Peninsula Education Association, a member of the Board of Directors for the Michigan Education Association for thirteen years, a delegate to National Education Association Representative Assembly and a delegate to the State Representative Assembly for 30 years. He was also involved in the Political Action Committee of the Michigan Education Association. While doing all of this, Mr. Blewett held many other roles within his professional educational organization.

With so much time contributed to his teaching, community and professional development, Mr. Blewett extended family was his students and colleagues until he met a lovely nurse from Wisconsin. In April of 2003 he married Vera and gained a wonderful stepson, Lyndon. Mr. Blewett made time to pursue his love for photography. As a special project, he made a photographic record of many events in school to capture current student life with the intent of preserving history. In addition to exploring his craft through creative means, his natural talent made him in-demand for weddings and social events.

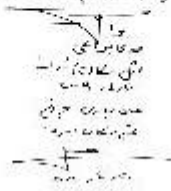
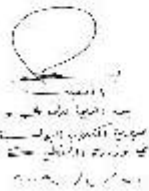
Mr. Speaker, it is time to say "Thank You" and recognize this teacher for his dedication to his students and his professional involvement with the Michigan Education Association at all levels of responsibilities. Paul's involvement in public education and his professional organization made a difference in the delivery and development of public education for the Upper Peninsula and the State of Michigan. We thank Paul for his commitment, his friendship and we wish him and his wife Vera the best in retirement.

• This "bullet" symbol identifies statements or insertions which are not spoken by a Member of the Senate on the floor.
Matter set in this typeface indicates words inserted or appended, rather than spoken, by a Member of the House on the floor.

نامه کلنل فیلیپس در رکورد کنگره آمریکا - ۲۱ ژوئن ۲۰۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

پنجشنبه ۱۳۸۸/۰۹/۰۹ در آستانه جشنواره عظیم آستان قدس رضوی و سوره مبارکه انفصاف و توبه در روز پنجشنبه ۱۳۸۸/۰۹/۰۹ در آستان قدس رضوی در محل اجتماعات و همایش‌ها در سالن اجتماعات (۲۳۰ نفر) در محل اجتماعات و همایش‌ها در سالن اجتماعات (۲۳۰ نفر) در محل اجتماعات و همایش‌ها در سالن اجتماعات (۲۳۰ نفر)



نتیجه و صورت جلسه بازرسی سه روزه در اشرف با یگان سگهای پلیسی - اوریل ۲۰۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم

در تاریخ ۲۰۰۹/۴/۱۸ بازرسی اردوگاه اشرف را توسط سگ های پلیسی وزارت کشور شروع کردیم و در تاریخ ۲۰۰۹/۴/۲۰ کلرمان را به پایان رساندیم هیچ ماده منفجره هیچ سلاحی پیدا نکردیم مگر ۲۳ بسته فشفتی آتش بازی که برخی فاسد و برخی خالی بود پیدا کردیم و در ساعت ۴ روز ۲۰۰۹/۴/۲۰ اردوگاه را ترک کردیم و به همین دلیل این را امضاء کردیم.

سرولان پدراالدین طه محمود	مهدی برانی
از مدیریت سگهای پلیسی در وزارت کشور	نماینده ساکنین اشرف
۲۰۰۹/۴/۲۰	۲۰۰۹/۴/۲۰
	علی بهاری جوان
	نماینده ساکنین اشرف
	۲۰۰۹/۴/۲۰

اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی نشریه مجاهد شماره ۹۱۵-۵ تیر ۱۳۸۷



تصویب لایحه حذف نام مجاهدین از لیست ممنوعه در مجلسین انقلاب
دو هفته پیش، سوم تیرماه ۱۳۸۷، مجلس شورای اسلامی با تصویب لایحه حذف نام مجاهدین از لیست ممنوعه در دو مجلسین انقلاب، به نفع ملت ایران گامی بزرگ برداشت. این اقدام تاریخی، به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.



بزرگداشت ۲۰ اردیبهشت در اصفهان
شهر مجاهد مازان اصفهان، جشن بزرگ ۲۰ اردیبهشت را در روز جمعه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ در محله کهنه بازار برگزار کرد. در این مراسم، سخنرانان برجسته و هنرمندان توانمند، با اجرای برنامه‌های متنوع، به بزرگداشت این روز مبارک پرداختند.



نشریه مجاهد منتشر می‌کند:

اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی

بخشی از اسناد هزینه‌های مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران در عراق سال ۲۰۰۳ از اسناد و مدارک به‌جای مانده از بمباران قرارگاهها



۱۳۵۷

اتحادیه اروپا رژیم ایران را تحریم کرد

اتحادیه اروپا رژیم ایران را تحریم کرد. این تحریمات شامل ممنوعیت صادرات تسلیحات، ممنوعیت سرمایه‌گذاری و ممنوعیت سفر برای مقامات ایرانی است. این اقدامات به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.



سمینار لیگ حقوق بشر در تالار فرانسوا میتران در سنای فرانسه در پنجمین سالگرد ۱۷ ژوئن

سخنرانان در این سمینار برابطال اتهام تروریسم علیه مجاهدین خلق، لزوم بسته‌شدن پرونده خالی ۱۷ ژوئن و بر حمایت از مقاومت عادلانه مردم ایران برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی تأکید کردند.

کاندولیزا رایس: ما از طریق مخالفان رژیم ایران متوجه فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم توسط این رژیم شدیم. این اقدامات به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.

جلسه‌یی در محل پارلمان فدرال استرالیا جمعی از سناتورها و نمایندگان پارلمان این کشور حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام کردند. این اقدامات به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.



کتاب «تاریخ مبارزات مردمی ایران» به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است. این کتاب به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.

به سوی قله پیروزی

به سوی قله پیروزی. این کتاب به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است. این کتاب به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.



کتاب «تاریخ مبارزات مردمی ایران» به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است. این کتاب به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.



کتاب «تاریخ مبارزات مردمی ایران» به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است. این کتاب به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.

کتاب «تاریخ مبارزات مردمی ایران» به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است. این کتاب به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.



کتاب «تاریخ مبارزات مردمی ایران» به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است. این کتاب به نفع ملت ایران و به نفع ملت جهان است.

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

اسناد استقلال و سرفرازی مجاهدین و ارتش آزادی

در این مقاله به بررسی اسنادی که در جریان مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است، پرداخته می‌شود. این اسناد به شرح زیر است:

اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی: این اسناد شامل اسنادی است که در جریان مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است. این اسناد به شرح زیر است:

- اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است.
- اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است.
- اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است.

اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی: این اسناد شامل اسنادی است که در جریان مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است. این اسناد به شرح زیر است:

- اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است.
- اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است.
- اسناد مربوط به مبارزه با رژیم پهلوی در دسترس قرار گرفته است.

نام وزارت گاز عراق در مورد وارد کردن ۲۵۰۰ خودرو خریداری شده توسط مجاهدین به عراق

 <p>اسناد بانکی مربوط به خرید خودروها از سوی مجاهدین عراق.</p>	 <p>اسناد بانکی مربوط به خرید خودروها از سوی مجاهدین عراق.</p>	 <p>اسناد بانکی مربوط به خرید خودروها از سوی مجاهدین عراق.</p>
---	---	--

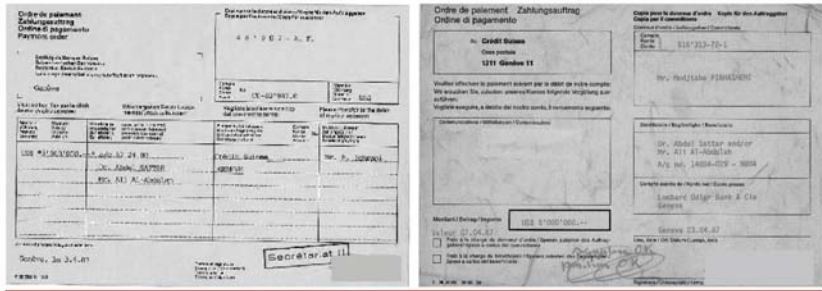
واریزی مبلغ ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق بابت خرید خودروها

 <p>اسناد بانکی مربوط به واریزی ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق.</p>	 <p>اسناد بانکی مربوط به واریزی ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق.</p>	 <p>اسناد بانکی مربوط به واریزی ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق.</p>
--	--	---

واریزی مبلغ ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق بابت خرید ۱۰ اتوبوس در سال ۲۰۰۱

 <p>اسناد بانکی مربوط به واریزی ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق.</p>	 <p>اسناد بانکی مربوط به واریزی ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق.</p>	 <p>اسناد بانکی مربوط به واریزی ۴ هزار و ۹۰۰ دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق.</p>
--	--	---

برداشت ۸ میلیون دلار از سوی مجاهدین به حساب دولت عراق به ازای دریافت ۴ میلیون دینار عراقی در سال ۱۹۸۷ (فروردین ۱۳۶۶) طبق نرخ دولتی



اسناد پرداخت بابت خرید سلاح و مهمات

رسید پرداخت ۲۲۳ میلیون دینار از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران به ارتش عراق بابت نصب خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلیمتری بر روی خودروهای زرهی M11۳ ارتش آزادیبخش که در عملیات فتح مهران به عنایت گرفته شده بود

رسید پرداخت ۱۱۰,۱۴۰,۰۰۰ دینار از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران به وزارت دفاع عراق بابت خرید سلاح و مهمات

رسید پرداخت ۲۸۶,۵۰۰,۰۰۰ دینار از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران به صنایع نظامی دولت عراق بابت خرج‌های بر تایی ۶۰۰ گلوله تانک‌های چیفتن که مجاهدین در عملیات فتح مهران به عنایت گرفته بودند

رسید پرداخت ۱۰ میلیون دینار از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران به صنایع نظامی عراق بابت چاشنی و خرج‌های بر تایی گلوله‌های چیفتن

رسید پرداخت ۳ میلیون و ۲۷۷ هزار و ۱۶۷ دینار و پرداخت ۸۲,۸۷۵ دلار از سوی ارتش آزادیبخش ملی ایران به ارتش عراق بابت خرید ۸۵ قطعه سلاح و مهمات و تجهیزات نظامی

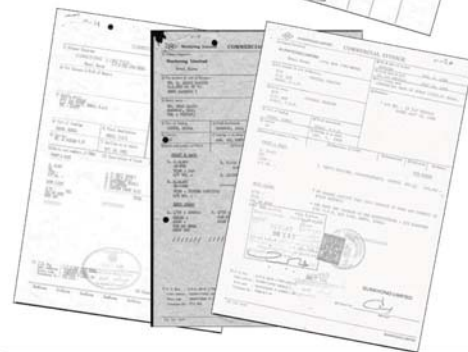
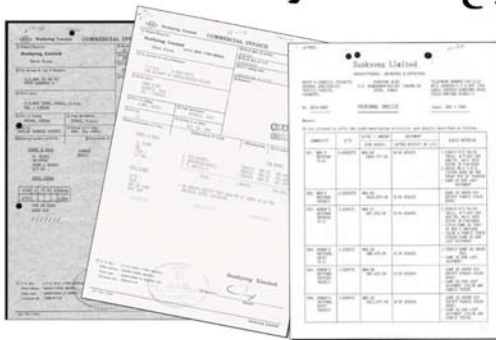
رسید پرداخت ۱۱ میلیون و ۹۲۵ هزار دینار از سوی مجاهدین به ارتش عراق بابت خرید کلت کمری و موشک‌انداز RPG-۱۸

قسمتی از اسناد و جدولهای خرید اقلام مختلف پوشاک و وسایل انفرادی از کره جنوبی در فاصله سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۹۳ میلادی به مبلغ ۴,۱۰۴,۴۰۶ دلار

ردیف	شرح اقلام	مقدار	واحد	قیمت واحد	مجموع قیمت
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰



قسمتی از اسناد و جدولهای خرید اقلام مختلف پوشاک و وسایل انفرادی از کره جنوبی در فاصله سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۹۳ میلادی به مبلغ ۱۰۴۴۰۶۰۶ دلار



ردیف	شرح	مقدار	واحد	قیمت واحد	مبلغ کل
۱۰۰۱	پوشاک	۱۰۰	تک	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۲	پوشاک	۲۰۰	تک	۲۰۰۰	۴۰۰۰۰
۱۰۰۳	پوشاک	۳۰۰	تک	۳۰۰۰	۹۰۰۰۰
۱۰۰۴	پوشاک	۴۰۰	تک	۴۰۰۰	۱۶۰۰۰۰
۱۰۰۵	پوشاک	۵۰۰	تک	۵۰۰۰	۲۵۰۰۰۰
۱۰۰۶	پوشاک	۶۰۰	تک	۶۰۰۰	۳۶۰۰۰۰
۱۰۰۷	پوشاک	۷۰۰	تک	۷۰۰۰	۴۹۰۰۰۰
۱۰۰۸	پوشاک	۸۰۰	تک	۸۰۰۰	۶۴۰۰۰۰
۱۰۰۹	پوشاک	۹۰۰	تک	۹۰۰۰	۸۱۰۰۰۰
۱۰۱۰	پوشاک	۱۰۰۰	تک	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰
۱۰۱۱	پوشاک	۱۱۰۰	تک	۱۱۰۰۰	۱۲۱۰۰۰۰
۱۰۱۲	پوشاک	۱۲۰۰	تک	۱۲۰۰۰	۱۴۴۰۰۰۰
۱۰۱۳	پوشاک	۱۳۰۰	تک	۱۳۰۰۰	۱۶۹۰۰۰۰
۱۰۱۴	پوشاک	۱۴۰۰	تک	۱۴۰۰۰	۱۹۶۰۰۰۰
۱۰۱۵	پوشاک	۱۵۰۰	تک	۱۵۰۰۰	۲۲۵۰۰۰۰
۱۰۱۶	پوشاک	۱۶۰۰	تک	۱۶۰۰۰	۲۵۶۰۰۰۰
۱۰۱۷	پوشاک	۱۷۰۰	تک	۱۷۰۰۰	۲۸۹۰۰۰۰
۱۰۱۸	پوشاک	۱۸۰۰	تک	۱۸۰۰۰	۳۲۴۰۰۰۰
۱۰۱۹	پوشاک	۱۹۰۰	تک	۱۹۰۰۰	۳۶۱۰۰۰۰
۱۰۲۰	پوشاک	۲۰۰۰	تک	۲۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰
۱۰۲۱	پوشاک	۲۱۰۰	تک	۲۱۰۰۰	۴۴۱۰۰۰۰
۱۰۲۲	پوشاک	۲۲۰۰	تک	۲۲۰۰۰	۴۸۴۰۰۰۰
۱۰۲۳	پوشاک	۲۳۰۰	تک	۲۳۰۰۰	۵۲۹۰۰۰۰
۱۰۲۴	پوشاک	۲۴۰۰	تک	۲۴۰۰۰	۵۷۶۰۰۰۰
۱۰۲۵	پوشاک	۲۵۰۰	تک	۲۵۰۰۰	۶۲۵۰۰۰۰
۱۰۲۶	پوشاک	۲۶۰۰	تک	۲۶۰۰۰	۶۷۶۰۰۰۰
۱۰۲۷	پوشاک	۲۷۰۰	تک	۲۷۰۰۰	۷۲۹۰۰۰۰
۱۰۲۸	پوشاک	۲۸۰۰	تک	۲۸۰۰۰	۷۸۴۰۰۰۰
۱۰۲۹	پوشاک	۲۹۰۰	تک	۲۹۰۰۰	۸۴۱۰۰۰۰
۱۰۳۰	پوشاک	۳۰۰۰	تک	۳۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰
۱۰۳۱	پوشاک	۳۱۰۰	تک	۳۱۰۰۰	۹۶۱۰۰۰۰
۱۰۳۲	پوشاک	۳۲۰۰	تک	۳۲۰۰۰	۱۰۲۴۰۰۰۰
۱۰۳۳	پوشاک	۳۳۰۰	تک	۳۳۰۰۰	۱۰۸۹۰۰۰۰
۱۰۳۴	پوشاک	۳۴۰۰	تک	۳۴۰۰۰	۱۱۵۶۰۰۰۰
۱۰۳۵	پوشاک	۳۵۰۰	تک	۳۵۰۰۰	۱۲۲۵۰۰۰۰
۱۰۳۶	پوشاک	۳۶۰۰	تک	۳۶۰۰۰	۱۲۹۶۰۰۰۰
۱۰۳۷	پوشاک	۳۷۰۰	تک	۳۷۰۰۰	۱۳۶۹۰۰۰۰
۱۰۳۸	پوشاک	۳۸۰۰	تک	۳۸۰۰۰	۱۴۴۴۰۰۰۰
۱۰۳۹	پوشاک	۳۹۰۰	تک	۳۹۰۰۰	۱۵۲۱۰۰۰۰
۱۰۴۰	پوشاک	۴۰۰۰	تک	۴۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰۰
۱۰۴۱	پوشاک	۴۱۰۰	تک	۴۱۰۰۰	۱۶۸۱۰۰۰۰
۱۰۴۲	پوشاک	۴۲۰۰	تک	۴۲۰۰۰	۱۷۶۴۰۰۰۰
۱۰۴۳	پوشاک	۴۳۰۰	تک	۴۳۰۰۰	۱۸۴۹۰۰۰۰
۱۰۴۴	پوشاک	۴۴۰۰	تک	۴۴۰۰۰	۱۹۳۶۰۰۰۰
۱۰۴۵	پوشاک	۴۵۰۰	تک	۴۵۰۰۰	۲۰۲۵۰۰۰۰
۱۰۴۶	پوشاک	۴۶۰۰	تک	۴۶۰۰۰	۲۱۱۶۰۰۰۰
۱۰۴۷	پوشاک	۴۷۰۰	تک	۴۷۰۰۰	۲۲۰۹۰۰۰۰
۱۰۴۸	پوشاک	۴۸۰۰	تک	۴۸۰۰۰	۲۳۰۴۰۰۰۰
۱۰۴۹	پوشاک	۴۹۰۰	تک	۴۹۰۰۰	۲۴۰۱۰۰۰۰
۱۰۵۰	پوشاک	۵۰۰۰	تک	۵۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰
۱۰۵۱	پوشاک	۵۱۰۰	تک	۵۱۰۰۰	۲۶۰۱۰۰۰۰
۱۰۵۲	پوشاک	۵۲۰۰	تک	۵۲۰۰۰	۲۷۰۴۰۰۰۰
۱۰۵۳	پوشاک	۵۳۰۰	تک	۵۳۰۰۰	۲۸۰۹۰۰۰۰
۱۰۵۴	پوشاک	۵۴۰۰	تک	۵۴۰۰۰	۲۹۱۶۰۰۰۰
۱۰۵۵	پوشاک	۵۵۰۰	تک	۵۵۰۰۰	۳۰۲۵۰۰۰۰
۱۰۵۶	پوشاک	۵۶۰۰	تک	۵۶۰۰۰	۳۱۳۶۰۰۰۰
۱۰۵۷	پوشاک	۵۷۰۰	تک	۵۷۰۰۰	۳۲۴۹۰۰۰۰
۱۰۵۸	پوشاک	۵۸۰۰	تک	۵۸۰۰۰	۳۳۶۴۰۰۰۰
۱۰۵۹	پوشاک	۵۹۰۰	تک	۵۹۰۰۰	۳۴۸۱۰۰۰۰
۱۰۶۰	پوشاک	۶۰۰۰	تک	۶۰۰۰۰	۳۶۰۰۰۰۰۰
۱۰۶۱	پوشاک	۶۱۰۰	تک	۶۱۰۰۰	۳۷۲۱۰۰۰۰
۱۰۶۲	پوشاک	۶۲۰۰	تک	۶۲۰۰۰	۳۸۴۴۰۰۰۰
۱۰۶۳	پوشاک	۶۳۰۰	تک	۶۳۰۰۰	۳۹۶۹۰۰۰۰
۱۰۶۴	پوشاک	۶۴۰۰	تک	۶۴۰۰۰	۴۰۹۶۰۰۰۰
۱۰۶۵	پوشاک	۶۵۰۰	تک	۶۵۰۰۰	۴۲۲۵۰۰۰۰
۱۰۶۶	پوشاک	۶۶۰۰	تک	۶۶۰۰۰	۴۳۵۶۰۰۰۰
۱۰۶۷	پوشاک	۶۷۰۰	تک	۶۷۰۰۰	۴۴۸۹۰۰۰۰
۱۰۶۸	پوشاک	۶۸۰۰	تک	۶۸۰۰۰	۴۶۲۴۰۰۰۰
۱۰۶۹	پوشاک	۶۹۰۰	تک	۶۹۰۰۰	۴۷۶۱۰۰۰۰
۱۰۷۰	پوشاک	۷۰۰۰	تک	۷۰۰۰۰	۴۹۰۰۰۰۰۰
۱۰۷۱	پوشاک	۷۱۰۰	تک	۷۱۰۰۰	۵۰۴۱۰۰۰۰
۱۰۷۲	پوشاک	۷۲۰۰	تک	۷۲۰۰۰	۵۱۸۴۰۰۰۰
۱۰۷۳	پوشاک	۷۳۰۰	تک	۷۳۰۰۰	۵۳۲۹۰۰۰۰
۱۰۷۴	پوشاک	۷۴۰۰	تک	۷۴۰۰۰	۵۴۷۶۰۰۰۰
۱۰۷۵	پوشاک	۷۵۰۰	تک	۷۵۰۰۰	۵۶۲۵۰۰۰۰
۱۰۷۶	پوشاک	۷۶۰۰	تک	۷۶۰۰۰	۵۷۷۶۰۰۰۰
۱۰۷۷	پوشاک	۷۷۰۰	تک	۷۷۰۰۰	۵۹۲۹۰۰۰۰
۱۰۷۸	پوشاک	۷۸۰۰	تک	۷۸۰۰۰	۶۰۸۴۰۰۰۰
۱۰۷۹	پوشاک	۷۹۰۰	تک	۷۹۰۰۰	۶۲۴۰۰۰۰۰
۱۰۸۰	پوشاک	۸۰۰۰	تک	۸۰۰۰۰	۶۳۹۶۰۰۰۰
۱۰۸۱	پوشاک	۸۱۰۰	تک	۸۱۰۰۰	۶۵۵۴۰۰۰۰
۱۰۸۲	پوشاک	۸۲۰۰	تک	۸۲۰۰۰	۶۷۱۴۰۰۰۰
۱۰۸۳	پوشاک	۸۳۰۰	تک	۸۳۰۰۰	۶۸۷۶۰۰۰۰
۱۰۸۴	پوشاک	۸۴۰۰	تک	۸۴۰۰۰	۷۰۴۰۰۰۰۰
۱۰۸۵	پوشاک	۸۵۰۰	تک	۸۵۰۰۰	۷۲۰۶۰۰۰۰
۱۰۸۶	پوشاک	۸۶۰۰	تک	۸۶۰۰۰	۷۳۷۴۰۰۰۰
۱۰۸۷	پوشاک	۸۷۰۰	تک	۸۷۰۰۰	۷۵۴۴۰۰۰۰
۱۰۸۸	پوشاک	۸۸۰۰	تک	۸۸۰۰۰	۷۷۱۶۰۰۰۰
۱۰۸۹	پوشاک	۸۹۰۰	تک	۸۹۰۰۰	۷۸۹۰۰۰۰۰
۱۰۹۰	پوشاک	۹۰۰۰	تک	۹۰۰۰۰	۸۰۶۶۰۰۰۰
۱۰۹۱	پوشاک	۹۱۰۰	تک	۹۱۰۰۰	۸۲۴۴۰۰۰۰
۱۰۹۲	پوشاک	۹۲۰۰	تک	۹۲۰۰۰	۸۴۲۴۰۰۰۰
۱۰۹۳	پوشاک	۹۳۰۰	تک	۹۳۰۰۰	۸۶۰۶۰۰۰۰
۱۰۹۴	پوشاک	۹۴۰۰	تک	۹۴۰۰۰	۸۷۹۰۰۰۰۰
۱۰۹۵	پوشاک	۹۵۰۰	تک	۹۵۰۰۰	۸۹۷۶۰۰۰۰
۱۰۹۶	پوشاک	۹۶۰۰	تک	۹۶۰۰۰	۹۱۶۶۰۰۰۰
۱۰۹۷	پوشاک	۹۷۰۰	تک	۹۷۰۰۰	۹۳۵۹۰۰۰۰
۱۰۹۸	پوشاک	۹۸۰۰	تک	۹۸۰۰۰	۹۵۵۴۰۰۰۰
۱۰۹۹	پوشاک	۹۹۰۰	تک	۹۹۰۰۰	۹۷۵۱۰۰۰۰
۱۱۰۰	پوشاک	۱۰۰۰۰	تک	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰

۱۰ ميليون دينار اجاره ساليانه ساختمانهاي دفتر مركزي مجاهدين در بغداد

امکان بهره استفاده مجاهدين تماماً با انعقاد قراردادهای برضی الطرفین با مالکان و با پرداخت اجاره بهای مورد قبول آنها مورد استفاده قرار گرفته است. آنچه در این سند مشاهده می کنید یکی از جدول مربوط به ساختمان دفتر مرکزی مجاهدين در بغداد و نمونه‌هایی از اجاره نامه‌های رسمی است.

ردیف	نام ساختمان	نام صاحب ملک	پایان قرارداد	مبلغ اجاره
۱	سعادت	فواد احمد عبدالکریم	۲۰۰۳/۰۷/۲۲	۱۰.۰۰۰.۰۰۰
۲	صافی	زیاض حسن رحیم	۲۰۰۳/۰۱/۲۶	۱۲.۵۰۰.۰۰۰
۳	سیتی	لوتیس نجیب یوسف	۲۰۰۱/۱۲/۲۳	۲۲.۵۰۰.۰۰۰
۴	داداش زاده	خلیم عادل طارق ختیر	۲۰۰۲/۱۱/۱۸	۵.۰۰۰.۰۰۰
۵	معمور	خلیم سهاد جاسم محمود	۲۰۰۳/۰۳/۱۱	۱۶.۰۰۰.۰۰۰
۶	خطابی	حسان عبدالله سلیمان	۲۰۰۳/۰۵/۱۹	۱۸.۰۰۰.۰۰۰
۷	ازهدی	شرکت تملک البریه متحد	۲۰۰۳/۰۷/۲۶	۷.۰۰۰.۰۰۰
۸	چلان زاده	جبار محسن فرج	۲۰۰۳/۰۵/۱۳	۱۵.۰۰۰.۰۰۰
جمع اجاره ساختمانهای دفتر مرکزی مجاهدين در بغداد				۱۰۱.۰۰۰.۰۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم
 این قرارداد اجاره مبنای این سند است. طرفین این قرارداد عبارتند از: **مستأجر: ...** و **موجر: ...**.
 موضوع این قرارداد اجاره است. محل اجاره ...
 مدت اجاره ...
 مبلغ اجاره ...
 این قرارداد در ...
 امضاء و مهر طرفین ...

قرارداد اجاره ساختمان عمل زاده

بسم الله الرحمن الرحيم
 این قرارداد اجاره مبنای این سند است. طرفین این قرارداد عبارتند از: **مستأجر: ...** و **موجر: ...**.
 موضوع این قرارداد اجاره است. محل اجاره ...
 مدت اجاره ...
 مبلغ اجاره ...
 این قرارداد در ...
 امضاء و مهر طرفین ...

قرارداد اجاره پارکینگ ساختمان عمل زاده

بسم الله الرحمن الرحيم
 این قرارداد اجاره مبنای این سند است. طرفین این قرارداد عبارتند از: **مستأجر: ...** و **موجر: ...**.
 موضوع این قرارداد اجاره است. محل اجاره ...
 مدت اجاره ...
 مبلغ اجاره ...
 این قرارداد در ...
 امضاء و مهر طرفین ...

قرارداد اجاره پارکینگ معمور

بسم الله الرحمن الرحيم
 این قرارداد اجاره مبنای این سند است. طرفین این قرارداد عبارتند از: **مستأجر: ...** و **موجر: ...**.
 موضوع این قرارداد اجاره است. محل اجاره ...
 مدت اجاره ...
 مبلغ اجاره ...
 این قرارداد در ...
 امضاء و مهر طرفین ...

قرارداد اجاره ساختمان معمور

بسم الله الرحمن الرحيم
 این قرارداد اجاره مبنای این سند است. طرفین این قرارداد عبارتند از: **مستأجر: ...** و **موجر: ...**.
 موضوع این قرارداد اجاره است. محل اجاره ...
 مدت اجاره ...
 مبلغ اجاره ...
 این قرارداد در ...
 امضاء و مهر طرفین ...

قرارداد اجاره ساختمان اشرفی در بغداد

بسم الله الرحمن الرحيم
 این قرارداد اجاره مبنای این سند است. طرفین این قرارداد عبارتند از: **مستأجر: ...** و **موجر: ...**.
 موضوع این قرارداد اجاره است. محل اجاره ...
 مدت اجاره ...
 مبلغ اجاره ...
 این قرارداد در ...
 امضاء و مهر طرفین ...

قرارداد اجاره ساختمان اشرفی در بغداد

بسم الله الرحمن الرحيم
 این قرارداد اجاره مبنای این سند است. طرفین این قرارداد عبارتند از: **مستأجر: ...** و **موجر: ...**.
 موضوع این قرارداد اجاره است. محل اجاره ...
 مدت اجاره ...
 مبلغ اجاره ...
 این قرارداد در ...
 امضاء و مهر طرفین ...

قرارداد اجاره دفتر جدید

خرید ۹ لامپ ویژه فرستنده رادیو موج کوتاه ۵۰۰ کیلوواتی صرفاً برای رله «صدای مجاهد» و اسناد تحویل لامپها به وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق در فاصله سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ میلادی هزینه خرید و حمل و نقل هر لامپ بیش از ۱۰۰ هزار دلار جمعاً نزدیک به یک میلیون دلار

تصاویر لامپهای ویژه فرستنده و مشخصات آنها



جدول مشخصات لامپها و ساعات استفاده از آنها

ردیف	نوع لامپ	نوع فرستنده	تعداد	قیمت واحد (دلار)	قیمت کل (دلار)
۱	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۲	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۳	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۴	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۵	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۶	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۷	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۸	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۹	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۱۰	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰
۱۱	۶۰۰۰	فرستنده رادیو موج کوتاه	۱۱	۸۳,۰۰۰	۹۱۳,۰۰۰

تذکره: لامپ شماره ۵ پس از ۱۱ ساعت کار به خاطر فرسودگی دستگاه رادیو سوخت و از تور استفاده خارج شد.



سند انتقال و واگذاری
سند انتقال و واگذاری

از نهاد صنعتی خاصه خراسان و طی این سند انتقال و واگذاری
تاریخ: ۱۳۸۷/۳/۳
پارچه شماره: ۳۳۳/۳۳۳
محل انتقال: ۳۳۳/۳۳۳

این سند انتقال و واگذاری در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۳ در حضور طرفین امضاء و مهر گردید.
محل امضاء: [محل امضاء]

سند انتقال و واگذاری
سند انتقال و واگذاری

این سند انتقال و واگذاری در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۳ در حضور طرفین امضاء و مهر گردید.
محل امضاء: [محل امضاء]

رسید تحویل لامپ فرستنده رادیو
اهدای لامپ خاص فرستنده رادیو با مشخصات زیر

نوع: RS 2078 SK
شماره: ۵۷

ساعت کار مشخصات سند انتقال و واگذاری
از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۳ به وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق جهت استفاده در فرستنده رادیو موج کوتاه ۵۰۰ کیلوواتی که از آن رله صدای مجاهد در فرستنده رله رله می‌باشد، اهدا شد. براساس ماده ۱۱ قانون استفاده در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۳

سازمان مجاهدین خلق ایران
عاشق آذری

سازمان تبلیغات وزارت فرهنگ و تبلیغات

اسناد پرداخت ۲۱۸ هزار و ۳۸۰ دلار از مارس تا اوت ۱۹۹۹ از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران به وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق برای افزایش زمان رله سیمای مقاومت (برنامه تلویزیونی مجاهدین خلق ایران) به مدت یک ساعت

از یبانه شورای ملی مقاومت ایران - ۳ تیر ۱۳۸۲:

از این بیشتر، رژیم و عوامل مزدور آن مدعی انباشت و پنهان نمودن تسلیحات کشتار جمعی عراق در قرارگاههای ارتش آزادیبخش و سرکوب مردم عراق توسط مجاهدین بودند و مابازای آن زندانهای عراق را ملو از هزاران تن از «اعضای سابق (وناراضی) مجاهدین» توصیف می کردند اما بعد رژیم با یک چرخش ناگهانی، دعای سستریه پیشین را که پس از سقوط حکومت سابق عراق پلان همه آنها به اثبات رسیده بود، کنار گذاشت و آثانی را که در گذشته «ستون پنجم» و وابسته به عراق می خوانند، وابسته به آمریکا اعلام کرد و همراه با آن به انواع لجن پراکنشها - از جمله شرکت در سرکوب مردم عراق با لباسهای ضدگلوله و تفنگهای خودکار و پوینتهای مخصوص و یونیفرم نظامیان آمریکا - مبادرت ورزید (رسالت و جمهوری اسلامی ۱۳ و ۱۶ اردیبهشت ۸۲).

مسئول شورا ضمن استقبال از آتشس افروزدان آتش بس با نیروهای آمریکایی، تاکید کرد که مقاومت ایران در عراق به وجود نیامده و همچنان که تا کنون به شرط استقلال در عراق مانده، از این پس هم با همین شرط خواهد ماند. این مقاومت فقط برای جنگ با رژیم آخوندی به عراق رفته و هیچ دخالتی در امور داخلی عراق ندارد و از این پس هم دخالتی نخواهد داشت. این وضعیت ژئوپولیتیک منطقه و مشخصاً وضعیت فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران و گرایش ویژه آن سوی دیگر است که عراق را مهمترین هدف صدور تیراند گرای رژیم آخوندها نموده و با توجه به اصالت مقاومت، این وضعیت ژئوپولیتیک، امکان حضور مقاومت را در عراق با حفظ استقلال فراهم کرده است. مواضع اصولی و رفتار بی طرفانه و مسئولانه مقاومت ایران سبب شده که برخی از فرماندهان نیروهای ائتلاف به اصالت مقاومت ایران گواهی دهند.



جدول اسناد پرداخت مالی سازمان مجاهدین

ردیف	تاریخ پرداخت	مبلغ	مبلغ کل
۱	۱۳۸۲/۳/۲۵	۲۵۰۰۰	۲۵۰۰۰
۲	۱۳۸۲/۳/۲۵	۲۵۰۰۰	۵۰۰۰۰
۳	۱۳۸۲/۳/۲۵	۲۵۰۰۰	۷۵۰۰۰
۴	۱۳۸۲/۳/۲۵	۲۵۰۰۰	۱۰۰۰۰۰
۵	۱۳۸۲/۳/۲۵	۲۵۰۰۰	۱۲۵۰۰۰
۶	۱۳۸۲/۳/۲۵	۲۵۰۰۰	۱۵۰۰۰۰
جمع		۱۵۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰

وزارت فرهنگ و تبلیغات
تلفن: ۱۱۱۱۱۱۱۱
پست: ۱۱۱۱۱۱۱۱

تاریخ پرداخت: ۱۳۸۲/۳/۲۵
مبلغ: ۲۵۰۰۰ دلار

مجموع پرداخت: ۱۵۰۰۰ دلار

توافق نامه صورت پرداخت
برای پرداخت مبلغ ۲۱۸۳۸۰ دلار هزینه مربوط به افزایش برنامه تلویزیونی سازمان مجاهدین خلق ایران به وزارت فرهنگ و تبلیغات به شرح زیر گواهی گردید. پرداخت مبلغ ۲۱۸۳۸۰ دلار از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران در ۱۳۸۲ مطابق به حساب آن وزارتخانه. فرجه هرگز نگذارد. براساس رساله های زیر خواهد شد. وزارت فرهنگ و تبلیغات پس از آنکه از روی عمل توسط مدیریت خدمات رادیو تهیه شده رسیده می باشد و با مدارک و به سازمان مجاهدین تحویل خواهد شد.

مبلغ کل: ۲۱۸۳۸۰ دلار

